

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چند مصاحبه با هواداران ایرانی
گروه بی تی اس
درباره اعضای این گروه
ج ۲

/دکتر مرتضی منطقی/

/۱۴۰۳/

فهرست کامل این مجموعه

مقدمه

مصاحبه‌های انجام شده

مصاحبه با گل‌نوش، ۱۴ ساله

با قدرت هر کاری که فکرش رو هم نمی‌کنی، می‌شه کرد. اگه افراد زیادی طرفدار بی‌تی‌اس باشن، هر دستوری که اونا بدن، انجام می‌شه و از هر جای دنیا می‌تونن قدرت رو در دست بگیرن و هر جایی از دنیا رو اون جوری که خودشون می‌خوان کنن... من با تمام وجودم هر کاری که پسرا بخوان می‌کنم.

مصاحبه با محمدرضا، ۲۱ ساله

بالای دو، سه هزار دلار قیمت هر کدوم از لباسایی هست که تبلیغ می‌کنن یا مثلاً یه کاپشن تبلیغ کرده بودن، من دقیق یادمه به پول ما ۲۳ میلیون تومن بود یا یه کفش تبلیغ کرده بودن... قیمتش ۱۱۵ میلیون بود.

مصاحبه با زهرا، ۲۴ ساله

یکی از بررسی‌ها مربوط به این هست که آیدول چه طوری در بهترین شرایط بدنی و زیبایی قرار می‌گیره. شبیه‌سازی انجام می‌شه که مثلاً اگر بینی این فرد کوچک‌تر بشه، آیا زیباتر می‌شه یا نه. اگر این تشخیص داده بشه، جراحی رو براش انجام می‌دن.

مصاحبه با سونیا، ۱۷ ساله

یه دونه ساسنگ فن هست... بعد لقب اصلیش قاتل آیدولاست. تاحالا چند بار خواسته بعضی از آیدولا رو بکشه، وقتی ازش پرسیده بودن که چرا می‌خواستی اونا رو بکشی، گفته بود چون اونا رقیبای اکسو بودن منم می‌خواستم اکسو رو از شر اونا راحت کنم.

مصاحبه با مهشید، ۲۱ ساله

این‌ها خیلی برنامه دارن، یه روز تیزر میاد، یه روز موزیک ویدیو میاد. آلبوم همراه با فتوکارت، یه سری چیزهایی فروخته می‌شه... عروسک‌هایی دارن... دوباره یک کمپانی ژاپنی هستش که باهاش قرارداد دارن موزیک ویدیوها رو تبدیل می‌کنه به شخصیت‌های کارتونی.

مصاحبه با تینا، ۱۹ ساله

یه گزارش‌گری به بی‌تی‌اس گفته که مثلاً او... شما مثلاً میکاپ دارین، یعنی یه جمله جاج منتالی راجع به این که شما پسرید و میکاپ دارید، گفته بود. بعد من فک می‌کنم جین بود، گفته بود که اوکی من این همه میکاپ دارم، چرا مثلاً بذارم حروم شه و بذار یه چهارتا سلفی خوب بگیرم.

مصاحبه با سایه، ۲۱ ساله

من برای کام‌بک زدن دفعه اولی که ۲۴ ساعت بیدار موندم، خیلی تعجب کردم، چون خواب برای من خیلی مهمه و این جوری هم نبود که بگی اجبار یا تکلیفی باشه. بلکه حس می‌کنی، بخشی از یک جامعه هستی و من این هویتت رو تا قبل از این حس نکرده بودم.

مصاحبه با باران، ۲۰ ساله

لیریک مورد علاقه‌ام خیلی زیاده همه‌شون رو به شدت دوست دارم، ولی قفلی الانم آهنگ Still with you از کوکیه. وای خیلی آهنگش خوبه می‌خوام یه تتو ازش بزنم.

مصاحبه با بنفشه، ۲۰ ساله

تو خیلی از مصاحبه‌ها این طوری می‌شستن زانو می‌زدند به حالت سجده طور و تشکر می‌کردن از طرفداراشون و این خیلی برام جذاب بود.

مصاحبه با نیکو، ۱۵ ساله

من یه ویدیو درباره یه فنی دیدم که سال‌ها افسردگی حاد داشت و توی فن‌ساین به نامجون می‌گفت که من افسردگی حاد داشتم و توی بیمارستان روانی بستری بودم، ولی بعد که طرفدار شماها شدم، زندگیم تغییر کرد، از بیمارستان مرخص شدم و زندگی خودم رو دوباره شروع کردم.

مصاحبه با ترنم، ۱۸ ساله

شاید اگه بی‌تی‌اس نبود یا من با اون آشنا نمی‌شدم، الان وجود نداشتم چون من در اون زمان حتی به خودکشی هم فکر می‌کردم.

مصاحبه با شادی، ۱۵ ساله

خیلی زیاد مثل دخترا لباس پوشیدن و حتی شاید بشه گفت، اکثراً لباساشون دخترونه هست (با خنده) تا پسرונה و رفتاراشون، حتی اکسسوری که می‌اندازن و رنگ مو و میکاپ هم همین طور.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اثرگذاری‌های روانی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان

اثرگذاری‌های اجتماعی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان

اثرگذاری‌های فرهنگی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان

اثرگذاری‌های اخلاقی - عقیدتی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان

اثرگذاری‌های آموزشی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان

اثرگذاری‌های اقتصادی - سیاسی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان

اثرگذاری‌های هنری اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان

اثرگذاری‌های زیباشناختی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان

اثرگذاری‌های خانوادگی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان

فهرست مطالب کتاب حاضر

۸	مقدمه
۱۰	مصاحبه با باران، ۲۰ ساله
۴۶	تأملی دوباره
۴۸	مصاحبه با بنفشه، ۲۰ ساله
۷۷	تأملی دوباره
۷۷	مصاحبه با نیکو، ۱۵ ساله
۱۰۸	تأملی دوباره
۱۰۹	مصاحبه با ترنم، ۱۸ ساله
۱۳۸	تأملی دوباره
۱۴۰	مصاحبه با شادی، ۱۵ ساله
۱۵۲	تأملی دوباره
۱۵۳	جمع بندی
۱۵۳	اثرگذاری‌های روانی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران
۱۶۴	اثرگذاری‌های اجتماعی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران
۱۸۰	اثرگذاری‌های فرهنگی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران
۱۸۲	اثرگذاری‌های آموزشی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران
۱۸۳	اثرگذاری‌های اخلاقی – عقیدتی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران
۱۸۷	اثرگذاری‌های اقتصادی – سیاسی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران
۱۹۳	اثرگذاری‌های زیباشناختی اعضای گروه بیتیباس بر روی هواداران
۱۹۵	اثرگذاری‌های هنری اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران
۱۹۶	اثرگذاری‌های خانوادگی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران

مقدمه

اثر حاضر در دو جلد، شامل مقدمه، ارایه ۱۲ مصاحبه انجام شده با محوریت فراز و فرودهای گروه بی‌تی‌اس و جمع‌بندی مباحث ارایه شده، در مصاحبه‌های درج شده در کتاب است.

عناوین مصاحبه‌های درج شده در جلد نخست با موضوع گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر بودند:

- «با قدرت هر کاری که فکرش رو هم نمی‌کنی، می‌شه کرد. اگه افراد زیادی طرفدار بی‌تی‌اس باشن، هر دستوری که اونا بدن، انجام می‌شه و از هر جای دنیا می‌تونن قدرت رو در دست بگیرن و هر جایی از دنیا رو اون جوری که خودشون می‌خوان کنن... من با تمام وجودم هر کاری که پرسرا بخوان می‌کنم» (مصاحبه با گل‌نوش ۱۴ ساله).

- «بالای دو، سه هزار دلار قیمت هر کدوم از لباسایی هست که تبلیغ می‌کنن یا مثلاً به کاپشن تبلیغ کرده بودن، من دقیق یادمه به پول ما ۲۳ میلیون تومن بود یا به کفش تبلیغ کرده بودن... قیمتش ۱۱۵ میلیون بود» (مصاحبه با محمدرضای ۲۱ ساله).

- «یکی از بررسی‌ها مربوط به این هست که آیدول چه طوری در بهترین شرایط بدنی و زیبایی قرار می‌گیره. شبیه‌سازی انجام می‌شه که مثلاً اگر بینی این فرد کوچک‌تر بشه، آیا زیباتر می‌شه یا نه. اگر این تشخیص داده بشه، جراحی رو براش انجام می‌دن» (مصاحبه با زهرای ۲۴ ساله).

- «یه دونه ساسنگ فن هست... بعد لقب اصلیش قاتل آیدولاست. تا حالا چند بار خواسته بعضی از آیدولا رو بکشه، وقتی ازش پرسیده بودن که چرا می‌خواستی اونا رو بکشی، گفته بود چون اونا رقیبای اکسو بودن منم می‌خواستم اکسو رو از شر اونا راحت کنم» (مصاحبه با سونای ۱۷ ساله).

- «این‌ها خیلی برنامه دارن، یه روز تیزر میاد، یه روز موزیک ویدیو میاد، آلبوم همراه با فتوکارت، یه سری چیزهایی فروخته می‌شه... عروسک‌هایی دارن... دوباره یک کمپانی ژاپنی هستش که باهاش قرارداد دارن موزیک ویدیوها رو تبدیل می‌کنه به شخصیت‌های کارتونی» (مصاحبه با مهشید ۲۱ ساله).

- «به گزارش‌گری به بی‌تی‌اس گفته که مثلاً اوه... شما مثلاً میکاپ دارین، یعنی یه جمله جاج منتالی راجع به این که شما پسرید و میکاپ دارید، گفته بود. بعد من فک می‌کنم جین بود، گفته بود که اوکی من این همه میکاپ دارم، چرا مثلاً بنذارم حروم شه و بنذار یه چهارتا سلفی خوب بگیرم» (مصاحبه با تینای ۱۹ ساله).

- «من برای کام‌بک زدن دفعه اولی که ۲۴ ساعت بیدار موندم، خیلی تعجب کردم، چون خواب برای من خیلی مهمه و این جوری هم نبود که بگی اجبار یا تکلیفی باشه. بلکه حس می‌کنی، بخشی از یک جامعه هستی و من این هویت رو تا قبل از این حس نکرده بودم» (مصاحبه با سایه ۲۱ ساله).

در کتاب حاضر که جلد دوم کتاب محسوب می‌گردد، پس از مقدمه، ادامه مصاحبه‌های انجام شده درج گردیده است و در انتها، یک جمع‌بندی مقدماتی از این داده‌ها ارایه گردیده است.

عناوین مصاحبه‌های باقیمانده که در ادامه آمده‌اند، به قرار زیرند:

- «لیریک مورد علاقه‌ام خیلی زیاده همه‌شون رو به شدت دوست دارم، ولی قفلی الانم آهنگ Still with you از کوکیه. وای خیلی آهنگش خوبه می‌خوام یه تتو ازش بزنم» (مصاحبه با باران ۲۰ ساله).

- «تو خیلی از مصاحبه‌ها این طوری می‌شستن زانو می‌زدند به حالت سجده طور و تشکر می‌کردن از طرفدارشون و این خیلی برام جذاب بود» (مصاحبه با بنفشه ۲۰ ساله).

- «من یه ویدیو درباره یه فنی دیدم که سال‌ها افسردگی حاد داشت و توی فن‌ساین به نامجون می‌گفت که من افسردگی حاد داشتم و توی بیمارستان روانی بستری بودم، ولی بعد که طرفدار شماها شدم، زندگیم تغییر کرد، از بیمارستان مرخص شدم و زندگی خودم رو دوباره شروع کردم (مصاحبه با نیکوی ۱۵ ساله).

- «شاید اگه بی‌تی‌اس نبود یا من با اون آشنا نمی‌شدم، الان وجود نداشتم چون من در اون زمان حتی به خودکشی هم فکر می‌کردم» (مصاحبه با ترنم ۱۸ ساله).

- «خیلی زیاد مثل دخترا لباس پوشیدن و حتی شاید بشه گفت، اکثراً لباساشون دخترونه هست (با خنده) تا پسرونه و رفتاراشون، حتی اکسسوری که می‌اندازن و رنگ مو و میکاپ هم همین طور» (مصاحبه با شادی ۱۵ ساله).

عناوین حاصل از مصاحبه‌های انجام شده که در جمع‌بندی پژوهش درباره گروه پسران بی‌تی‌اس آمده اند نیز به قرار زیر است:

اثرپذیری‌های روانی هواداران از گروه بی‌تی‌اس، اثرپذیری‌های اجتماعی هواداران از گروه پسران بی‌تی‌اس، اثرپذیری‌های فرهنگی هواداران از گروه بی‌تی‌اس، اثرپذیری‌های اخلاقی - عقیدتی هواداران از گروه بی‌تی‌اس، اثرپذیری‌های آموزشی هواداران از گروه پسران بی‌تی‌اس، اثرپذیری‌های اقتصادی - سیاسی هواداران از گروه بی‌تی‌اس، اثرپذیری‌های هنری هواداران از گروه پسران بی‌تی‌اس، اثرپذیری‌های زیباشناختی هواداران از گروه بی‌تی‌اس، اثرپذیری‌های خانوادگی هواداران از گروه پسران بی‌تی‌اس.

مصاحبه با باران، ۲۰ ساله

لیریک مورد علاقه‌ام خیلی زیاده همه‌شون رو به شدت دوست دارم، ولی قفلی الانم آهنگ Still with you از کوکیه. وای خیلی آهنگش خوبه می‌خوام یه تتو ازش بزنم.

- سلام!

سلام!

از این که پذیرفتی با هم مصاحبه داشته باشیم، متشکرم.

خواهش می‌کنم.

- خودت رو معرفی می‌کنی؟

من بارانم و ۲۰ سالمه و کی‌پایرم.

- خوب باران بگو کلاً چه طور با بی‌تی‌اس و کی‌پاپ آشنا شدی؟

کی‌پاپ رو یکی دوتا از دوستانم معرفی می‌کردن، ولی من نرفتم سمتش اول، بعدش موزیک ویدیوی داینامایت بتس (بی‌تی‌اس) رو دیدم و حال کردم با آهنگ و ریتم و مفهوم آهنگ و رنگی بودن موزیک ویدیو... بعد رفتم یوتیوب اجراها و مصاحبه‌هاشون با شبکه‌های خارجی و داخلی و آهنگ‌های سلو و گروهی‌شون رو دیدم و بقیه آهنگا رو گوش دادم و تو اینستا تو فن‌پیجا ویدیو اینا ازشون دیدم. یوتیوب دیدی یه مدلیه که وقتی یه سری موضوعات رو می‌بینی، بهت پیشنهاد ویدیوهای بیش‌تری رو در رابطه با همون موضوع می‌ده، همین طوری شد که من ویدیوهای بیش‌تری از بی‌تی‌اس دیدم و باهاشون بیش‌تر آشنا شدم، علاوه بر اون یکی از فامیلای عروس‌مون دختره همسن منه و آرمی بود، بعدش که باهم صحبت کردیم، گفت منم آرمی‌ام و بهم آهنگ معرفی کرد و گفت اینا رو گوش کن. من از سال ۲۰۲۰ با اون آهنگ داینامایت آرمی شدم و تا الان که ۲۰۲۲ هستیم با گروه‌های بیش‌تری از کی‌پاپ آشنا شدم و دیگه آرمی شدم.



- دوست‌هات چه چیزی رو معرفی می‌کردن؟

آهنگ و فیلم.

- چی شد سمت داینامایت رفتی، چون انگلیسی بود؟

یه سری از دوستای کلاس زبانم گروه‌های دختر رو معرفی می‌کردن و خدایی هم خیلی خفن بودن، ولی چون زبان‌شون کره‌ای بود و نمی‌فهمیدم، نرفتم دنبالش یه سری دیگه از دوستای کلاس زبانم اکسو رو معرفی کردن که اونا هم خفن بودن، ولی خب چون زبان کره‌ای نمی‌فهمیدم،

نرفتم. باز موزیک ویدیوهاشون اینا رو نشونم می‌دادن و راجع به اعضاء حرف می‌زدن، تصادفاً شنیدم و چون انگلیسی بود، معنیش رو فهمیدم و حال کردم.

- چند سال پیش بود؟

دور اول رو فک کنم راهنمایی اینا بودم، دور دوم دبیرستان.

- از کی کی‌پاپر و آرمی شدی؟

از سال ۲۰۲۰ با موزیک ویدیو داینامایت بتس (بی‌تی‌اس).

- فکر می‌کنی صنعت موسیقی کی‌پاپ با موسیقی هالیوودی یا موسیقی‌های دیگه مثل خودمون چه فرقی‌هایی داره که باعث می‌شه افراد جذبش بشن؟

من موسیقی ایرانی خیلی کم گوش می‌دم و بیش‌تر موسیقی هالیوودی (انگلیسی زبان) گوش می‌دم و چیزی که تو کی‌پاپ من رو جذب کرد، اولاً کیفیت بالای موسیقی‌شونه و مفهومی که می‌رسونه، دوماً مفهوم اون گروه و خانواده و اون رابطه‌ای که با طرفدارشون دارن برام ارزشمنده، اگر نگاه کنی، اکثر سلبریتی‌ها رفتار خوبی با طرفدارا در سطح دنیا ندارن و به چشم مزاحم بهشون نگاه می‌کنن، ولی کی‌پاپ ارزش خیلی زیادی برای فنا قایل هست و خب این خیلی ارزشمنده.



BTS Jimin bows and sincerely thanks fans as ^ to dance^ debuts as number 1 on billboards hot100

در این تصویر که برات فرستادم، جیمین داره از طرفدارا تشکر می‌کنه، به خاطر این که آهنگ پرمیشن تو دنس رتبه اول بیلبورد شد.



یا ببین بی‌تی‌اس خیلی از نماد آرمی استفاده می‌کنه، حتی تو موزیک ویدیوهاش توی هر مسابقه‌ای هم که برنده می‌شن یا جوایزی که می‌گیرن، همیشه به فکر طرفدارشون هستن و ازشون تشکر می‌کنن، وقتی جوایز رو می‌گیرن و می‌گن اینا به خاطر حمایت شما هست آرمی و شما

برای ما خیلی ارزشمندتر از جوایزی هستین که می‌گیریم و به جورایی این پیام رو منتقل می‌کنن که بدون حمایت آرمی ما تو این جایگاه در دنیا نبودیم، این قضیه چیزیه که حتی تو هالیوود هم کمتر دیده می‌شه، اونا اکثراً این مدلی ان که بدون در نظر گرفتن طرفدارا، می‌گن این جوایز برای تلاش‌های شبانه روزی و بی‌وقفه خودشونه.

تو این عکس پایینی که برات فرستادم برای آهنگ باتره در واقع این عکس برای موزیک ویدیوی باتر هست که اعضاء با حالت ایستادن شون کلمه ARMY رو ساختن.



بی‌تی‌اس توی موزیک بوی ویت لائو هم برای آهنگ ویدیوشون به صورت مستقیم از کلمه آرمی استفاده کردن.



اتفاقاً این آهنگ همکاری مشترک بی‌تی‌اس با یه خواننده هالیوودی به نام هالزیه و این آهنگ باعث شد که خیلی از آرمی‌ها هم برن آهنگ‌های هالزی رو گوش بدن و حتی خیلی از طرفدارای هالزی فن بی‌تی‌اس بشن، حالا نمی‌دونم این حرف تا چه حد درسته، ولی به نظرم باعث شد هالزی توی آسیا بیش‌تر طرفدار پیدا کنه، مثلاً همین چند وقت پیش هالزی توی ژاپن کنسرت برگزار کرد.



- می‌تونن برام مثال بیش‌تری بزنی؟

بین مثلاً از بین خواننده‌های ایرانی گرشا ... ۱۰ تیر یک کنسرتی رو تو زاهدان برگزار کرد. یک مخاطب حاضر در سالن داد می‌زنه و از گرشا ... درخواست می‌کنه که پلی بک نخون، در پاسخ به این درخواست گرشا ... از فرد می‌پرسه که آیا می‌دونن پلی بک چیه و زمانی که با پاسخ مثبت این فرد مواجه می‌شه، بی‌احترامی رو شروع می‌کنه و می‌گه پسر خوبم، کوچولوی من، عمو کلاس چندمی؟ اما ماجرا به همینجا ختم

نمی‌شه و چند دقیقه بعد گرشا ... توهین به مخاطب رو شروع می‌کنه و با دهن کجی، همون درخواست رو تکرار می‌کنه در دقایق پایانی و کنسرت هم خواننده می‌گه بعضیا می‌خوان بگن ما هم بلدیم همین الان این فرد رو بیارم روی استیج و دو سوال ازش بپرسم، ایزی لایف لازم می‌شه.

به ما انتقاد می‌شه که چرا از هنرمندای داخل حمایت نمی‌کنیم، در حالی که هنرمندهای ما به فرهنگ خودشون توجه ندارند ولی هنرمندای بی‌تی‌اس (و بقیه کی‌پاپ) لباس‌های ایرانی رو به نمایش گذاشتند.



در یکی از قسمت‌های ران بی‌تی‌اس، جین گفته که غذاهای ایرانی به خوشمزگی معروف هستند، نامجون هم در پشت صحنه قسمت چهل و سه ران بی‌تی‌اس گفته، برای کوروش کبیر احترام زیادی قایل و همچنین قسمتی از کتاب شاهنامه و کتاب پزشکی ابوعلی سینا رو خونده. یکی از فن‌ها از جیمین پرسیده بود که آیا می‌دونستی فن‌های زیادی در ایران داری؟ و جیمین گفته طرفدارای ایرانی همیشه به من لطف دارن و من چندتا از توییت‌های طرفدارای ایرانی رو خوندم و مردم ایران به زیبایی‌شون خیلی اهمیت می‌دن و به نظر من مردم جذابی هستن، چونگ‌کوک هم تو یک برنامه‌ای فکر کنم اسمش ویکی آیدول بود. گفته که یک روز که داشتم نت گردی می‌کردم و عکس‌هایی از تخت جمشید رو دیدم و شیفته تاریخ و فرهنگ ایران شدم و همچنین گفته می‌خواد بره شیراز. از طرف دیگه، همون طور که گفتم بی‌تی‌اس به دین‌های مختلف احترام می‌ذاره، حتی وقتی داشت تو یکی از کشورهای مسلمان کنسرت اجرا می‌کرد برای احترام به آرمی‌های مسلمان تو کنسرت اذان پخش کردند و به آرمی‌ها این فرصت رو دادند تا نمازشون رو بخونن.

حالا این رو بذار در مقابل توهین‌هایی که به گروه بی‌تی‌اس می‌کنیم، اینم اضافه کنم، خیلی از یوتیوبرها هم فحش و ناسزا می‌گن به بی‌تی‌اس که کارشون غیر اخلاقی هست، شاید هدفشون از این کار جمع کردن کامنت و مطرح شدن باشه، چون اگه محتوایی برای ویدیوهاشون داشتن، به جای مسخره کردن دیگران محتوای خودشون رو قرار می‌دادن.

برای مثال، خواننده ساسی مانکن در مراسم MAM دوهزار و هفده به صورت تماشایی حضور داشت و هنگام اجرای بی‌تی‌اس دوربین رو به سمت خودش می‌گیره و با لحن مسخره‌آمیزی به بی‌تی‌اس می‌گه، این‌ها دیگه کی ان، و بعدش که با انتقاد شدید آرمی‌ها روبه‌رو شد، نه تنها عذرخواهی نکرد، بلکه کامنت پستاش رو بست.

نمونه بعدی هم شاهرخ استخری هست که در فضای مجازی نوشت، اولش فکر کردم بی‌تی‌اس یه بیماریه وقتی سرچ کردم، مطمئن شدم.



نکته بعدی که می‌خوام بهش اشاره کنم اینه که حتی خواننده‌های داخلی اون قدر خلاقیت ندارن که خودشون برای خودشون محتوا بسازن و آهنگ خودشون رو تولید کنن، به طوری که در کنسرت ماکان بند، امیر مقاره لباسی با کپی‌برداری از یکی از اعضای بی‌تی‌اس تو کنسرتش پوشیده بود که با انتقاد شدید روبرو شد.



و یا برنامه‌هایی که شبکه‌های مستند یا دیگر شبکه‌های تلویزیونی ایران می‌سازن و به اون‌ها توهین می‌کنن و به جای این که رو اشاعه فرهنگ خودشون کار کنن و موسیقی‌های بهتر و با کیفیت‌تری بسازن، هنرمندای دیگه رو مسخره می‌کنن.

صحبت‌های زیادی می‌شه درباره این که فن‌های بی‌تی‌اس وطن فروش ان و غیره، این در حالی که هنرمندای داخل هم موسیقی‌شون برگرفته از سنت و فرهنگ و موسیقی اصیل ایرانی نیست. توی چندتا از موسیقیای جدیدمون نشانه‌ای از فرهنگ ایرانی می‌بینی؟ چند نفرشون تو کنسرتا از سازهای ایرانی استفاده می‌کنن؟

مثلاً من به اعضای بتس (بی‌تی‌اس) به چشم دوست نگاه می‌کنم، چون احساساتشون رو صادقانه ابراز می‌کنن، بعد همین بتس (بی‌تی‌اس) رو تو نگاه کن، چندین آهنگ داره که در مورد ناامید نشدن تلاش کردن و اینا هس، می‌دونی آهنگاشون حس و حال خوبی داره، خلاصه مثل آهنگ مجیک شاپ، بولت پروف و... .

آها، اینم هست گروه‌های کی‌پاپ اکثراً تلاش زیادی می‌کنن و کارای زیادی می‌کنن، مثلاً من از وقتی فهمیدم جیمین تو دوره‌ی کارآموزی از صبح می‌رفته مدرسه بعد از مدرسه تا ساعات زیادی هم تمرین می‌کرده، پشمام ریخته، ولی این تلاش و اینا رو تو تو هیچ صنعت موسیقی نمی‌بینی.

- درباره ارتباط بین آرمیا و بی‌تی‌اس بگو؟

بین این که تقریباً هر روز با آرمیا حرف می‌زنم، احساسات‌شون رو به اشتراک می‌ذارن و این حس خانواده بودن به آدم می‌ده یا مثلاً تو گروه استری کیدز، لیدر گروه هر هفته اگر اشتباه نکنم، لایو می‌ذاره و با فندوم استری کیدز صحبت می‌کنه.



- توی لایوهای خودشون چه چیزهایی می‌گن، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

من لایو رو نمی‌رسم ببینم، به دلیل نت شخمی ایران و فیلترینگ و چون کره‌ای حرف می‌زنم، نمی‌فهمم، باید وایسیم تا زیرنویس بیاد، ولی مثلاً فن‌پیج‌ها، معمولاً خلاصه لایو رو به فارسی تو چندتا استوری منتشر می‌کنن، اونا رو می‌خونم مثلاً برا تولدهاشون، لایو اعضا کیک و تزئینات و اینا هست و راجع به این که روزشون رو چه جور می‌گذرونن و تولد چیا کادو گرفتن و کجا رفتن و چی خوردن می‌گن. آرمیا سوال می‌پرسن راجع به کار و زندگی اینا و اعضا مشورت می‌دن. مثلاً جین قبلاً یه سری لایو می‌داشت با عنوان ایت جین، غذا می‌خورد و کامنتا رو می‌خوند، جواب می‌داد و هدفش هم این بود که معضلات غذا خوردن که تو کره زیاده رو یه کم حل کنه، مثلاً آرمیا هم با غذا بیان لایو رو ببینن و بخورن، چون مثلاً تنها غذا خوردن سخته و اینا یا مثلاً وقتی آهنگی منتشر می‌کنن، آلبومی چیزی، میان لایو می‌ذارن راجع به پروژه ساخت و احساسات‌شون موقع ساخت و از اهداف‌شون حرف می‌زنن. آرمیا سوال می‌پرسن و اینا.

آها بعد کنسرتا هم بتس (بی‌تی‌اس) لایو می‌ذاره که هم ببینه کسایی که اومدن کنسرت، به سلامت رسیدن خونه و اینا و کسایی که نتونستن برن، کنسرت ناراحت نشن و باهاشون صحبت می‌کنن راجع به کنسرت و اینا.

- معضلات غذا خوردن توی کره رو توضیح می‌دن؟

استانداردهای زیبایی‌شون اینه خیلی لاغر باشی و بچه‌ها غذا نمی‌خورن که لاغر شن.

- حتی بچه‌ها؟

بله.

- مگه استانداردهای زیبایی خاصی دارن؟

بین طبق سرچ‌هایی که خودم کرده بودم، زیبایی تو دوران چوسان قدیم به یه صورت سفید و رنگ پریده با لبای گلگون محدود می‌شد و این زیبایی نشان دهنده بالا بودن جایگاه اجتماعی اون‌ها بود. در اواخر قرن ۱۹ بود که کم‌کم محصولات آرایشی و آرایش کردن وارد فرهنگ مردم کره جنوبی شد و تا قبل از اون زیبایی یک فرد رابطه مستقیمی با شأن اون در اجتماع داشت. با افزایش نفوذ فرهنگ غربی در کشور کره، مردم به استفاده بیش‌تر لوازم آرایشی و زیبایی سوق داده شدن. به شکلی که در سال ۱۹۲۰ برندهای ژاپنی بر بازار لوازم آرایشی در کره جنوبی تسلط

داشتند، اما با وضع قانونی مبنی بر ممنوعیت فروش محصولات خارجی در سال ۱۹۶۰ در کره جنوبی، کره‌ای‌ها به خودشون اومدن و صنعت کی-بیوتی شروع به کار کرد. به لطف تنوع زیادی که امروزه در جهان وجود داره، دسته‌بندی و جدا کردن کی-بیوتی ممکنه دشوار و کمی مشکل‌ساز باشه. اما شاید روتین ۱۰ مرحله‌ای کره‌ای، سمبلی برای معنا بخشیدن به کی-بیوتی باشه، همون طور که تو ویدیوهای اینستا هم می‌شه دید، کلی مرحله دارن. این روتین مراقبت پوستی کره‌ای، چیزیه که به شما وعده یک پوست سالم، صاف، شاداب و در کل زیبا رو می‌ده.



- بیش‌تر درباره چارچوب‌ها و ملاک‌های زیبایی‌شون می‌گی؟

بین حتی برای خود کره‌ای‌ها هم این استاندارد یک چهارچوب مشخص نداره و همواره در حال تغییره و این تغییرات بسیار سریع اتفاق می‌افته! و البته این مسأله هم می‌تواند نشأت گرفته از فرهنگ پر سرعت اون‌ها باشه که حتی خودشون هم گاهی از این ترندها (مدها) جا می‌مونن، برای مثال، تا همین چند سال قبل تک پلک بودن یک مشخصه زیبایی به نظر نمی‌رسید و حتماً بایستی دو پلک می‌بودید تا از نظر کارشناسان خوش چهره به نظر برسی. اما در یک مقطع زمانی، این ایده به کلی از ذهن‌ها حذف شد و به این نتیجه رسیدند که بله، تک پلک بودن معیاری برای زیبایی است یا داشتن لب‌های حجیم در گذشته اصلاً زیبا به نظر نمی‌اومد و هر چه لب باریک‌تر بود، خوشگل‌تر بود، اما الان این داستان عوض شده و لب‌های پُر از دید عموم قشنگ‌تره.

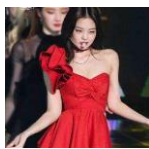
به طور کلی استانداردسازی معیارهای زیبایی بر اساس معیارهای زیبایی غربی این طور هست:

۱- صورت کوچک،

۲- صورت سفید و رنگ پریده که از قبل داشتن،

۳- اندام لاغر،

۴- داشتن یک اندام لاغر و شانه‌های ۹۰ درجه. این ترند جدید یعنی داشتن ترقوه برجسته و شانه‌های استخوانی ۹۰ درجه، به خاطر جنی از گروه بلک‌پینک خیلی محبوب شده.



- پس گروه‌های کی‌پاپ هم می‌تونن رو استانداردهای زیبایی کره تأثیر بگذارن؟

آره. الان جزییاتش یادم نیست، ولی تو یه سری برنامه‌های زیبایی هم اومده بودن صورت بی‌تی‌اس رو بررسی کرده بودن این که به لحاظ علمی و اون نسبت‌هایی که بین اعضای صورت وجود داره، چه قدر بین صورت اعضاء رعایت شده، تناسب اندامم یکی دیگر از نشانه‌های مطلوب بودن به حساب میاد، و منظور تناسب بین اندازه‌های دست، پا، بالاتنه و... هست. حتی یک صفت مخصوص برای این شرایط فیزیکی بدن دارند، در این معیار وقتی وای می‌ایستی، اندازه بدن باید ۸ برابر اندازه صورتت باشه و فک ۷ شکل باشه.

۵- بینی‌های قلمی بزرگ برای مردا،

۶- نداشتن موی زاید،

۷- شونه پهن برای مردا،

عمل دو پلکی، لیفت نوک بینی، تیز کردن انتهای لبخند، این‌ها رو هم دارن.

- پس به خاطر همینکه گروه‌های کی‌پاپی این قدر روی دوست داشتن خودت و اهمیت ندادن به نظر بقیه تأکید می‌کنن؟

آره، یه معیاریم دارن که پاهای لاغر زیباست، ولی هواسا یه خواننده هست که پاهای پری داره و تعریف می‌کرد که برای امتحان خوانندگی که رفته بود، بهش می‌گفتن، صدای زیبایی داره، ولی هیکلش قشنگ نیست، به خاطر همین خودش می‌گفت، اگر من با معیارهای زیبایی نسل قبل هماهنگ نبودم، خودم تبدیل به ملاکی برای زیبایی نسل حاضر می‌شم، حتی تو آهنگ ماریا هم این رو می‌گه که نباید این قدر با این ملاک‌ها خودت رو عذاب بدی.

البته جدیداً کره‌ای‌ها تمایل به نچرال بودن پیدا کردن و براشون مهمه که سلبریتیا و آیدولاشون بدون عمل زیبایی، زیبایی نچرال داشته باشن. - آخرین لایوی که رفتی کی بود؟

لایو تولد شوگا بود، اگر اشتباه نکنم، شوگا کیک آورد و تعریف کرد روز تولدش چه کار کرده یا چه کادویی گرفته. یکی، دو ماه پیش بود، درست یادم نیست.

- یه مثال می‌زنی از این که اعضای بی‌تی‌اس توی لایو خودشون درباره کار و زندگی مشورت داده باشن؟

آره. مثلاً یه بار تو لایو هوبی (جیهوپ)، یکی گفت من فارغ التحصیل شدم، هوبی بهش گفت که این یه شروع جدید، بعد اون یکی دیگه گفت از کارم استعفاء دادم و هوبی بهش گفت، نگران نباش، اینم یه شروع جدید برا زندگیته و اینا.

- خود ایرانی‌ها برای لایوها زیرنویس می‌ذارن یا خود آپ؟

یه سری زبونا رو خود برنامه می‌گه و ترجمه می‌کنه، ولی مثلاً زیرنویس فارسی رو خود فن‌ها می‌ذارن، تا جایی که خبر دارم، تو وی‌ورس و وی‌لایو درباره آلبوم‌هاشون حرف می‌زنن، آخرین آلبوم بی‌تی‌اس پروف بود که مجموعه‌ای از آهنگاشون تو این ده سال بود با سه تا آهنگ جدید و خب من که گفتم لایوها رو به خاطر سرعت شخمی نت نمی‌تونم برم، فقط خلاصه می‌خونم، نمی‌دونم دیگه.

گاهی ۷ نفره میان، گاهی تکی، گاهی چند نفری، مثلاً برا تولدا اکثراً تکی ان، گاهی بقیه اعضاء هم یهو میان تبریک می‌گن، می‌رن، رابطه‌شون صمیمانه هست، خیلی می‌خندن تو لایوها و اکثراً خود واقعی‌شون هستن و بدون میکاپ ان، بعد مواقع خاص مثلاً آخرین کنسرت توری باشه، چه می‌دونم جشن کره‌ای چیزی باشه، هفت نفری میان، میان یه چیزی می‌خورن باهم حرف می‌زنن از کنسرت و آهنگ و روزشون و اینا حرف می‌زنن یا درباره آلبوم‌های جدیدی که قراره منتشر بشه، صحبت می‌کنن، مثلاً همین آلبوم آخری‌شون که پروفه یه جورایی چکیده این ۹ سال کار کردن‌هاشون و برگزیده آهنگاشونه به علاوه ۳ آهنگ.

- تاحالا تونستی آلبومی یا وسیله‌ای بگیری که مخصوص کی‌پاپرها باشه؟

نه، چون خیلی گرونه و تو ایران هم نیست 😊😊😊.

- چه قدر هست؟

آلبوم جدیدشون که پروفه رو نمی دونم، ولی باتر ۳ میلیون و خورده‌ای می شه به پول ما.



- عکس همین آلبوم پروف رو داری؟

آره.



همان طور که در عکس هست، در پشت سر اعضا جای گلوله‌های زیادی هست، این کانسپت نشان دهنده گلوله‌هاییه که به سمت اعضا پرتاب شده اند، اما اعضا در مقابل اون‌ها مقاومت کرده اند و ضدگلوله هستن، در واقع این گلوله‌ها همان سختی‌هایی هستند که اعضا کشیده اند. مثل حرف‌ها، شایعات و هیت‌هایی که در طول ۹ سال تحمل کردن. همچنین پوکه‌های گلوله‌ها را در عکس می‌بینید که نشان دهنده همین موضوع هست، خب تو این مدت خیلی مشکلات داشت بی‌تی‌اس، مثل این که کمپانی‌شون می‌گن پولدار نبود، خوب محبوب و معروف نبود.

کمپانی تازه کار و کم پول بود و هفت نفر توی یه اتاق کوچیک بودند یا مثلاً خیلی به اعضای هیت می‌دادن، به نامجون می‌گفتن به اندازه کافی زیبا نیست، می‌گفتن صداتون زیاد خوب نیست، به جیمین می‌گفتند که چاقه، خلاصه که کلی اذیت‌شون می‌کردن و این گلوله‌ها هم نشونه‌های اون‌ها هس که مثلاً انگار از پشش بر اومدن و به اینجا رسیدن و اگه دقت کنی، اون گلوله‌هایی که پشت هر اعضای خورده، متفاوت مال جیمین اگه اشتباه نکنم پوشش پشت سرش خیلی بیش‌تر آسیب دیده بود تا اون جایی که پاره شده بود.



- این که به قول خودت هر هفته یا هر روز با فن‌هاشون در ارتباط هستن، چه تأثیری روی خود اون هنرمند یا طرفدارهاش می‌گذاره؟ رابطه‌ها خیلی صمیمی و نزدیک‌تر می‌شه، مثلاً من به اعضای بتس(بی‌تی‌اس) به چشم دوست نگاه می‌کنم، چون احساسات‌شون رو صادقانه ابراز می‌کنن و آرمیا هم راجع به همه چی با همدیگه صحبت می‌کنن.

- این همه به اشتراک گذاشتن مسایل خصوصی آیدول‌ها به زندگی شخصی و حریم خصوصی‌شون لطمه وارد نمی‌کنه؟ فکر نمی‌کنم این جور باشه؟

- آیا توی لایوهاشون تبلیغات محصولات رو انجام می‌دن یا کلاً بی‌تی‌اس هم تبلیغ محصولات خاصی رو انجام می‌ده؟ اینا حتی با هر لباسی که میان تو لایو، سولد اوت (به اتمام رسیدن) می‌شه سریع یا چه می‌دونم یه بار کوکی داشت می‌گفت، فلان نوشیدنی رو خورده و خوشمزه بوده و اون نوشابه سولد اوت شد سریع. کلاً این جور نیست که بیان تبلیغ کنن هر چی هم می‌خورن، می‌پوشن اینا، مارکش رو می‌پوشونن لیترلی (به معنای واقعی کلمه) ☺ توی لایو کلاً نباید اسم برندی رو بگن، چون تبلیغ نشه، ولی خب آرمیا پیداش می‌کنن، هر چی بیوشن یا دورشون باشه.

- چرا می‌رن پیدا می‌کنن؟

چون هر چی سلبریتیا و خواننده‌ها می‌پوشن، بلافاصله مد می‌شه. کلاً بیش‌تر درباره هیوندا و سامسونگ این‌ها (محصولات خود کره یا محصولات چند ملیتی که کره در آن دخیل هست)، تبلیغ می‌کنن. مثلاً ترجمه یه نمونه از تبلیغات و ران بی‌تی‌اس رو برات میارم:

طبق مقاله‌ی بیگ هیت، قرار بر اینه که سرآشپز «بک جونگوون» در این ماه در یکی از قسمت‌های برنامه‌ی ران بی‌تی‌اس حضور پیدا کنه و همراه پسرآشپزی کنن. تهیه‌کننده‌ی برنامه‌ی «میعادگاه خوشمزه»^۱ گفت: ما قصدمون اینه که یه قسمت درباره‌ی گوشت خوک کره‌ای پخش کنیم. همین جوری که دنبال راهی درباره‌ی روش‌های مؤثرتر تبلیغات بودیم، تصمیم گرفتیم که با نمایندگان کره و بی‌تی‌اس برای ترویج غذاهای کره‌ای، نه تنها در کره، بلکه در خارج از کشور هم همکاری کنیم. لطفاً منتظر این قسمت باشید، چرا که ملاقاتی با بزرگ‌ترین ستاره‌هاست.

البته تبلیغات زیادی انجام می‌دن برای برندهای مختلف، همون برندهای خیلی معروف که اکثر سلبریتی‌ها تبلیغ می‌کنن یا مثلاً وقتی تو لایوها با میکاپ میان، معذرت خواهی می‌کنن، می‌گن ببخشید بدون میکاپ اومدیم، بی‌احترامی اینا نشه، داشتیم کار می‌کردیم یه دوش گرفتیم اومدیم.

- سنت‌شکنی‌هایی که بی‌تی‌اس توی فرهنگ کرده رو توضیح می‌دی؟

مثلاً تو خوب نیست تو فرهنگ‌شون، ولی کوکی تتو زد و خب تو مراسم‌هایی که تو کره اجرا می‌کنه، تتوهاش رو می‌پوشونه.

عام مثلاً یه بار نداشتن جین موهاش رو کوتاه کنه و مثل این که یه بار اومده تو لایو کوتاه کرده 😊.

- بعد کره‌ای‌ها با این‌ها مخالف نبودن؟

نه غش و ضعف کردن براش.

- اصلاً چی شد که کوکی تصمیم گرفت تتو بزنه؟

آرمی‌های اینتر (خارجی) اونایی که کره‌ای نیستن، غیر کره‌ای، خیلی اوکی هستن، برا قضیه آرایش می‌گن اگه شما بدون آرایش هم بیاید ما مشکلی نداریم، اوکی، ولی مثل این که من بازم می‌گم من شنیده‌ام، فقط آرمیای لوکال (کره‌ای) کلاً رفتارهاشون خیلی فرق داره و حساسیتاشون بالاتره، اتفاقاً اون‌ها بیش‌تر هیت می‌دن حتی اگر اعضاء چاق بشن، آرمیای اینترنشنال مشکلی ندارن با این قضیه و می‌گن بدن خودشونه، خب ولی آرمی‌های کره‌ای می‌گن، چرا چاق شدی و هیت می‌دن، حالا من که کره‌ای نیستم، نمی‌دونم، ولی این طور که شنیدم، قضیه اینه، ولی من نمی‌دونم واقعاً مشکل آرمیای کره‌ای با این قضایا چیه، نمی‌فهمم شون، اتفاقاً آرمیای دیگه هم می‌گن، چرا این قدر حساس هستین و این‌ها، راحت بگیرین شون، ولی گوش نمی‌کنن، خب اینا که خوبه، حاجی اینا حتی به سیگار کشیدنم گیر می‌دن.

هالیوودی‌ها یا آقا اصلاً خود ایران طرف خواننده هس، بازیگره، هر کی سیگار بکشه، برا کسی مهم نیست، ولی مثلاً آرمیای کره‌ای این رو خوب نمی‌دونن، چون اگه ببینن کسی سیگار می‌کشه تو ملاء عام، خوش شون نمیداد، می‌گن که بدآموزی داره برای بقیه، کلاً می‌گم شاید یه لول جدیدی از ادب و احترام یا ارزش‌ها رو مدنظرشونه یا کلاً تو یه لول دیگه ان.

راجع به تابوشکنی هواسا هم بگم که خیلی هیت می‌دادن، می‌گفتن زشته و برا آیدول بودن چهره‌اش خوب نیست، ولی خب اون تسلیم نشد و هنوز داره آهنگ می‌ده و خیلی معروف‌تر شده و اینا مثل نماد شده که با این استانداردهای قدیمی زیبایی کره‌ای مبارزه کردند و یا اصلاً خود نامجون جان عشق قلبم، خیلی می‌گفتن زشته، ولی نامجون نشون داد چه لیدر خوبیه و چه قدر سخترانی‌های خفی داره، هوبی هم همین بود، هوبی اوایل دببو چهره‌اش رو می‌پوشوند، ولی خب به مرور ماسک رو برداشت یه عکس از هوبی اوایل دببو فرستادم که میاد.

¹ - Delicious Rendezvous



در مورد تتوها یه عکس فرستادم ایشالا صد سال دیگه میاد که باید به کمپانی بگن یا همچین چیزی، ببین اینا یه چیزی دارن با این عنوان که باید به کمپانی اطلاع بدن کارها رو، ببین اینا برا آهنگ یا آلبوم یا اجرا یا چه می‌دونم ضبط موزیک ویدیو، هر دفعه یه استایل دارن، اینا رو هماهنگ می‌کنن با کمپانی، دیگه چه می‌دونم رنگ مویی، مدل مویی، مدل لباس اینا.

- اگر این گروه منحل بشه به گروه‌های جدید کی پاپ رو میاری یا کلاً کی پاپ رو کنار می‌گذاری؟

نه بابا کنار چیه. من همین الانش هم گروه‌های دیگه رو دنبال می‌کنم، درسته که بتس (بی‌تی‌اس) پرچمدار کی پاپه، ولی خب گروه‌های دیگه هم هستن.

- اسم گروه‌ها رو هم می‌گی؟

استری کیدز،

اکسدینری هیروز،

جی پارک و





آهان یکی دیگه از دلایلی که خیلی از بتس (بی تی اس) خوشم میاد، اینه که خیلی متواضع و فروتن هستن و احترام می‌ذارن به بقیه. مثلاً کوکی رفته بود قطر برا یه سری کارها و آرمیا رفته بودن اون جا که کوکی رو ببینن و چون هوا گرم بود، کوکی براشون آب اینا خرید فرستاد.

تتوهای روی دستش:

اولین تتوی جونگکوک کلمه ی **Army** هستش
حرف **A** طوری نوشته شده که **V** هم باشه برای تهیونگ
حروف **RM** اسم هنری تامجون رو می سازن.
حروف **MY** اسم شوگا یعنی مین یونگی رو می سازه.
(می شه هم فقط **V** رو برای یونگی در نظر گرفت)
حرف **L** شامل جیپوپ، جین و جیمین می شه.
👑 **تاج** نماد میل به قدرته و به موقعیت بالای یک فرد در جامعه تاکید می کنه.

علاصت +++ :
بین انگشتانش اتصال آرمی و بی تی اس رو می سازه
و به نظر میاد معنی نیاییش می شه:
Army and BTS for ever

عدد
0613
تاریخ دیپو گروه.

- به نظرت چرا بی تی اس، نسبت به نسل های قبلی کی پاپ، چه در داخل و چه در خارج، موفقیت بیشتری کسب کرده؟

آهنگای بهتری می‌دن بیرون. آهنگاشون داستان داره، معنی داره، فقط یه ترم ساده نیست. بعد اعضاء با آرمیا و کلاً با همه رفتار بهتری دارن، برای همین مشهورتر شدن.

یه سری برنامه‌ها مثل ران بتس (بی‌تی‌اس)، بی‌تی‌اس این د سوپ، بنگتن بمب و... دارن که باعث جذب بهشون می‌شه.

رکوردهایی که شکستن جاهایی که اجرا داشتن و اینا و محبوبیتی که تو خارج دارن قابل مقایسه با بقیه گروه‌ها نیست، خودت می‌تونی سرچ کنی درباره رکوردهاشون، چون خیلی زیاد ان، می‌شه گفت به خاطر بی‌تی‌اس هست که دنیا داره کی‌پاپ رو می‌شناسه.

- درباره این برنامه‌هایی که گفتی، بیش‌تر توضیح می‌دی که تو فیلم‌ها چه کار می‌کنی؟

ران بی‌تی‌اس یه برنامه هس که اعضاء توش مسابقه می‌دن تو جاهای مختلف، مثلاً بی‌تی‌اس این د سوپ یه برنامه هس و دو فصل داره که اعضاء توش می‌رن مسافرت باهم یه جا و وقت می‌گذرونن.

- چرا گروه‌های کی‌پاپی طرفدارای متعصب‌تری دارن؟

به نظر من به خاطر رفتار تخرمی دیگرانه. مثلاً من خودم معمولاً به کسی نمی‌گم طرفدار کی‌پاپم، چون همه‌اش می‌پرن به آدم و توهین می‌کنن و به خاطر این علاقه‌مون، ما رو قضاوت می‌کنن، این باعث تنش می‌شه. اتفاقاً آرمیا و بقیه طرفدارهای کی‌پاپ کارهای خیرخواهانه زیادی کردن و به کلی از خیریه‌ها پول اهدا کردن به مناسبت تولد اعضاء، خود اعضاء هم معمولاً خیلی پول به خیریه اهدا می‌کنن و رفتار خیلی خوبی باهم دارن و خیلی هم رو ساپورت می‌کنن، من خودم بیرون یا هر جا، هر کسی رو دیدم، آرمی بوده و باهاش صحبت کردم، خیلی رفتار دوستانه و خوبی باهام داشته و خیلی ساپورته ان کلاً، ولی خب بقیه فقط ظاهر رو می‌بینن و می‌گن چون اینا لباسایی رنگی می‌پوشن و آرایش می‌کنن اجازه توهین به ما رو به خودشون می‌دن ک***شا.

- به نظرت چرا در جوامع دیگه یا مخصوصاً ایران، با توجه به برنامه‌هایی که شبکه مستند گذاشت و گفت اعضاء بی‌تی‌اس آرایش می‌کنن، آرمی‌ها رو به چشم بدی نگاه می‌کنن؟

واقعاً نمی‌دونم چرا توهین می‌کنن، مسخره می‌کنن، برای خودم هم سواله، به نظرم این رو باید از کسانی که توهین می‌کنن بپرسی، چون آرمیا تاحالاً آسیبی به دیگران نرسوندن، همون طور که گفتم، کلی هم کار خیرخواهانه کردن واقعاً دلیلی ندارن برا هیت دادن. نظر خودت چیه؟ - مثلاً می‌تونه به این دلیل باشه که این جور چیزها رو یه جور حمله فرهنگی بدنند؟

نه، فکر نمی‌کنم، چون هیت‌رها به مسایل فرهنگی اشاره نمی‌کنن، فقط چرت می‌گن. هیچ دلیل منطقی هم ندارن، فقط می‌گن اینا بد هستن.

- واقعاً هیچ دلیلی ندارن؟

کلاً کسی که هیت می‌ده، دلیلی نمی‌خواد، این که می‌گن آرمیا یه سری بچه‌های ۱۲ ساله هستن.

- به این جور افراد چه جوابی می‌دی؟

جوابی نمی‌دم بهشون، چون همین طور که گفتم هیت‌رها واقعاً حقیرتر از این حرفان که باهاشون صحبت کنم و نیازی به گفتن این نیست که خیلی از افراد مسن هم طرفدار کی‌پاپن.



شما یه سرچ تو اینترنت بزنی می بینی که کارهایی که اعضای کردن و افتخارهایی که کسب کردن از رییس جمهور مملکت ما بیش تره. موج کره ای برای معرفی فرهنگ و کشور کره هست، از نظر اقتصادی اجتماعی مثلاً صنعت گردشگری شون دیوانه وار داره سود می کنه و به نظرم کشورای عقب مونده مثل ما میان این رو بد تعبیر می کنن، چون داره آگاهی بخشی می کنه، آدم وقتی سریالای آمریکایی، کره ای و... رو می بینه، تازه می بینه بقیه دنیا از لحاظ تکنولوژی و اجتماعی کجای دنیا ان، ما کجاییم.





توی مراسم و مناسبت‌های خارجی هم بقیه اعضای غالباً کره‌ای حرف می‌زنن که به نظرم خیلی ارزشمند و معرف فرهنگ و زبان شونه.

- کلاً به نظرت آرمیا با طرفداران گروه‌های مختلف موسیقی دنیا چه فرقی دارن؟

اتحاد بیش‌تری دارن و تعدادشون بیش‌تره.

- درباره رفتار آرمی‌ها و هیترها و تقابل این‌ها باهم می‌شه هم صحبت کنی؟

بین ولی به نظرم این هواداری پرخاشگرانه و متعصبانه رو راست می‌گن، اگر توی صرفاً کره بررسیش بکنیم یعنی صرفاً توی اون محدوده سنی که بچه‌ها می‌رن دبیرستان و اون فشار روشن باعث هواداری متعصبانه و پرخاشگرانه می‌شه، چون مثلاً فک کن تو از لحاظ انرژی روانی تخلیه نشدی، بعد یکی هم میاد به اون آیدول مورد علاقه تو توهین می‌کنه چون مخصوصاً تو کره فضا خیلی رقابتیه... . الان یکی به خانواده خود شما توهین کنه، به دوست توهین کنه، تو ساکت و ایمیستی نگاه می‌کنی و تشکر می‌کنی؟ ری‌اکشن طبیعی آدمه، اشتباهه بهش بگی هواداری پرخاشگرانه.

اکثراً تنش ایجاد می‌شه، چون هی میان می‌گن اینا دخترن و گی هستن و آرایش می‌کنن، فلان بیسار و خب مسلماً آرمی‌ها هم ناراحت می‌شن و جوابشون رو می‌دن و خب دعوا می‌شه فک کنم.



- آیا آیدول ها عمل زیبایی انجام می دن؟

آره فک کنم، نمی دونم.

- اصلاً نظرت راجع به آرایش شون چی هست؟

انتخاب خودشونه، برای من چه آرایش بکنن، چه نکنن، واقعاً مهم نیست، انتخاب شخصی اونا هست.

- درباره استایل کی پاپ هم توضیح بده و این که علاقه ای به لباس هاشون داری؟

من معمولاً دنباله رو مد نیستم. خوبه لباساشون چی بگم والا 😊. لباساشون خوبه، ولی نه پول خرید دارم، نه تو ایران هست، نه هیکلم توش

جا می شه 😊😊😊.

اینم اضافه کن، بتس (بی تی اس) فک کنم تاحالا دوبار رفته سازمان ملل صحبت کرده و سالن پر بوده و همه گوش می دادن به حرفاشون، ولی

هر بار رئیس جمهورای ما رفتن، سالن خالی بوده حتی با بایدن هم در کاخ سفید دیدار داشتن، یعنی از لحاظ سیاسی هم برتر از ما هستن.

فقط این عکس هایی که می فرستم رو مقایسه کن.



- خوب می تونی بهم بگی سخنرانی شون در کاخ سفید یا در سازمان ملل درباره چی بود؟

آره اصلاً می تونم ترجمه صحبت هاشون رو برات بفرستم؟

ممنون می شم.

جو بایدن: باید یه کاری کنم حس کنید خونه خودتونه، آهنگ باتر (یکی از آهنگ های بی تی اس) را پلی می کنه.

نامجون: سلام ما بی تی اس هستیم. امروز ما اومدیم اینجا تا با رئیس جمهور بایدن درباره ی نفرت و جرایم ضدآسیایی و مواردی از این قبیل

صحبت کنیم.

کارینا: سلام پسرا، وایسین پیام پیشتون و یه کم صحبت کنیم.

نامجون: از دیدن تون خوشبختم.

کارینا: منم همین طور، من کارینا هستم.

تهیونگ: سلام.

کارینا: از اینجا رد می‌شیم و می‌ریم اون طرف.

نامجون: سلام ما بی‌تی‌اس هستیم و این افتخار بزرگیه که به کاخ سفید دعوت شدیم تا درباره‌ی موضوع مهم نفرت و جرایم ضدآسیایی صحبت کنیم.

جیمین: اخیراً موج بزرگی از جنایات و نفرت پراکنی علیه آسیایی‌ها، باعث ناراحتی ما شده، برای پایان دادن و حمایت از این موضوع، ما از فرصتی که داشتیم استفاده کردیم تا یک‌بار دیگه حرف‌مون رو بزنیم.

شوگا: به عنوان یه کره‌ای و آسیایی، احساس کردیم لازمه تا صدامون رو به گوش همه برسونیم و اهمیت این موضوع رو گوشزد کنیم. به عنوان یه آرتیست کره‌ای و کسی که در سفرهای خارج از کشور شاهد موانعی فراتر از زبان و فرهنگ بوده، دیدیم که موسیقی‌مون در تورهای جهانی به گوش افراد زیادی می‌رسه، برای همین درباره قدرت تنوع می‌خوایم صحبت کنیم. امیدواریم موارد مثبت‌تری هم وجود داشته باشه که تفاوت‌ها مردم رو کنار هم جمع کنه.

کامالا هریس: از دیدن تون خوشبختم.

نامجون: دیدن تون باعث افتخاره.

مجری: حالتون چه طوره؟

تهیونگ: خیلی عالی.

کامالا هریس: وقتی ما پیشداوری و نفرت رو می‌بینیم، باعث می‌شه که مردم بترسن و احساس تنهایی بکنن و اینجا هست که قدرت‌شون رو از دست می‌دن، زمانی که همه‌تون در این باره صحبت می‌کنید، جوری با مردم حرف می‌زنید که بهشون یادآوری می‌کنه که تنها نیستن.

نامجون: ما می‌خوایم تمام عشقی که دریافت کردیم رو جبران کنیم و از صدامون همون طور که شما بهمون گفتین، استفاده کنیم. این تمام چیزیه که می‌خوایم. امروز، واقعاً واقعاً برای ما یه روز بزرگ و تاریخی‌ای هست. ما خوشحال می‌شیم که کمک کنیم و تأثیر مثبت بذاریم و در عین حال برای این کار احساس مسوولیت می‌کنیم.

نامجون: دیدن شما باعث افتخاره آقای رئیس جمهور.

جو بایدن: به کاخ سفید خوش اومدین. بیاین اینجا پسرا. من به خاطر حقوق شهروندی وارد زندگی عمومی شدم. حتی اون موقع هم آرتیست‌های مشهور به مردم کمک می‌کردن تا پیش برن. کاری که شما انجام می‌دین، تفاوت بزرگی ایجاد می‌کنه. حرف زدن درباره‌ی این که چه جوری نفرت رو از بین ببریم، خیلی مهمه.

نامجون: وقتی ما برای اولین بار شنیدیم که کاخ سفید و رئیس جمهور بایدن ما رو دعوت کردن تا نفرت علیه آسیایی‌ها رو متوقف کنیم، این جوری بودیم که، خودش، چرا که نه، باید بریم باید به دیسی بریم. باید شما رو ببینیم و بابت این که تمام تلاش‌هامون رو دیدین، تشکر کنیم و عمیقاً حس کردیم کارمون نتیجه داده.

جو بایدن: این ماه، ماه مهمی توی آمریکا هست، بسیاری از دوستان آسیایی و آمریکایی ما سوژه تبعیض‌ها شدن.

نامجون: از صمیم قلب از شما بابت تصمیم تون مثل قرارداد کرونا که در قانون خودتون قرار دادین، متشکریم. واقعاً از کاخ سفید و دولت که سعی داره راه حل ها رو پیدا کنه، ممنونیم.

جو بایدن: می دونم که می دونید چه کار دارید انجام می دید، ولی دست کمش نگیرید. نه فقط استعداد فوق العاده تون. بلکه این پیامی که شما باهش ارتباط برقرار می کنید، این مهمه. منم که از شما ممنونم.

نامجون: واو، باید به مامانم بگم.

نامجون: در آخر ما از رئیس جمهور بایدن و کاخ سفید متشکریم که این فرصت مهم رو به ما دادن تا درباره موضوعات مهم صحبت کنیم. بهمون یادآور این شد که به عنوان آرتیست چه کارهایی می تونیم انجام بدیم. یک بار دیگه از تون متشکریم.



ترجمه‌ی صحبت‌های بی تی اس در مجمع عمومی سازمان ملل، قسمت اول:



نامجون: ما صادقانه مفتخریم که در برابر رئیس هفتاد و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، آقای عبدالله شهید، دبیرکل سازمان ملل متحد، آقای آنتونیو گوترش و آقای رئیس جمهور مونجه‌این و دیگر رهبران دنیا ایستاده ایم. ما نمایندگان ویژه‌ی نسل آینده و فرهنگ از طرف رئیس جمهور مونجه‌این، بنگتن سونیوندان هستیم.

ما امروز اینجا هستیم تا داستان‌های نسل آینده‌مون رو بهتون ارایه بدیم. قبل از این که امروز برای صحبت کردن بیایم، ما از نوجوانان و جوانان خواستیم تا درباره‌ی زندگی‌تون در دو سال گذشته، یعنی در طول این پاندمی، به ما بگن و همین طور این که در حال حاضر چه طور زندگی می‌کنن. جین بیش‌تر بهتون می‌گه که اون‌ها چه جور داستان‌هایی رو باهامون به اشتراک گذاشتن.

جین: بله، چه طوره که به نگاهی به این عکس‌ها بندازیم؟ انرژی خوبی که این داره، لبخند روی صورت‌تون نمیاره؟

در واقع دو سال گذشته برای من ایام گیج‌کننده‌ای بود و آینده نامعلوم حس می‌شد. اما همون طور که اینجا می‌بینیم، هنوز خیلیا هستن که می‌گن: «بیاید زندگی کنیم» و رو به جلو حرکت می‌کنن و زندگی کردن رو ادامه می‌دن.

جیمین: درسته! مردم باید این رو به عنوان فرصتی برای رویارویی با یه چالش جدید به حساب بیان، به جای این که زندگی‌تون رو در همون حالت یک‌نواخت قبول کنن. من متوجه شدم این که نمی‌دونن باید چه کار کنن یا چه کسی رو مقصر بدونن، ناامید کننده هست، فکر کردن به این که «من همون آدمی هستم که دیروز بودم، اما کی زندگی من تبدیل به یک جهان موازی شد؟»، در واقع به خاطر اینه که زندگی ما در مقابل چشم‌امون تغییر کرده.

جونگ‌کوک: همچنین ما شنیده بودیم که مراسم‌های ورودی و فارغ‌التحصیلی هم برای خیلی‌ها کنسل شده. باید خیلی ناامید کننده و ناراحت کننده باشه که نتونستید همچین مراحل مهمی در زندگی خودتون رو جشن بگیرید و برای ما، دیدن کنسل شدن کنسرت‌ها و تورهامون، ناراحتی و سرخوردگی رو به همراه داشت. لحظاتی که مدت‌ها خودمون رو براش آماده کرده بودیم.

یونگی: درسته! می‌تونیم این رو به عنوان زمان غم و اندوه، توصیف کنیم، ناراحتی برای تمام چیزهایی که در اثر همه‌گیری کرونا از دست دادیم. به نوعی اون زمان به ما یاد داد که قدر چیزهایی که همیشه بدیهمی می‌دونستیم رو بدونیم و یاد بگیریم که از این به بعد ارزش تک‌تک لحظه‌ها رو بدونیم.

جیمین: همون طور که شوگا در مورد چیزهای گران‌بهایی که ما بدیهمی می‌دونستیم گفت، خیلی‌ها با تصاویری که لحظات گران‌بهای زندگی‌تون رو به تصویر کشیده بود، به سوال ما جواب دادند.

تهیونگ: چیزی که ما می‌خوایم بگیریم اینه که، ما امیدواریم که شما آینده‌مون رو آینده‌ای ناامید کننده و تاریک تصور نکنید. چون ما انجامش می‌دیم، در واقع ما هنوز مردمی رو داریم که فعالانه فکر و کار می‌کنن، و دنبال بهترین راه برای جهان و آینده‌مون هستن. می‌دونیم که بیش‌تر از چند صفحه از این داستان که کارکتر اصلیش خودمونیم، هنوز مونده، پس امیدواریم که همه‌ی شما، این موضوع رو به عنوان یه مسأله‌ی ناامید کننده که در حال حاضر تموم شده، تصور نکنید.

جونگ‌کوک: ما می‌فهمیم زمان‌هایی هست که احساس می‌کنین آماده اید تسلیم بشین، فقط برای این که زندگی‌هاتون متوقف شده و حس یه آدم گمشده رو دارین، بدون این که مسیری برای رسیدن به انتهای تونل زندگی خودتون وجود داشته باشه، ما هم این احساسات رو تجربه کردیم.

نامجون: به علاوه، ما شنیدیم که جوانان در سنین نوجوانی و بیست سالگی خودتون رو «نسل گمشده‌ی کووید ۱۹» می‌نامند. بهشون می‌گن «نسل گمشده» فقط برای این که راهشون رو در زمانی که چالش‌های جدیدی رو باید امتحان می‌کردن و براشون مهم و تعیین کننده بوده، گم کردن. به هر حال، این منصفانه هست که بهشون بگیریم گمشده، چون اونا به چشم یه انسان بزرگ شده، هنوز نتونستن کاری انجام بدن.

ترجمه‌ی صحبت‌های بی‌تی‌اس در مجمع عمومی سازمان ملل، قسمت دوم.

جیمین: الان، اگه ما به این عکس‌ها نگاه کنیم، به طور واضح می‌بینیم اینجا افرادی هستن که به سختی تلاش می‌کنن که به صورت آنلاین و شیوه‌های جدیدی دوستی‌هاشون رو ادامه بدن و به سختی تلاش می‌کنن زندگی سالمی داشته باشن، ما باید افراد جوان رو درک کنیم، کسانی که شجاعت پیدا کرده و چالش‌های جدیدی رو انجام می‌دن.

جین: ما این جسارت رو انجام می‌دیم و به جای استفاده از عبارت نسل گمشده از عبارت «نسل خوش‌آمد گویی‌ها» برای این نسل استفاده می‌کنیم، به طور ویژه، این عبارت به این خاطر برای نسل جوان استفاده شده که به جای ترسیدن، با یک خوش‌آمد گویی گرم از تغییرات استقبال و به سمت آینده پیش‌روی می‌کنن.

نامجون: کاملاً صحیحه. ما بدون هیچ قیدی به این باور داریم که با اعتقاد به امید و ممکن بودن در مواقع غیر منتظره، مردمی که بهشون گفته شده راهشون رو گم کردن این توانایی رو دارن که راه جدید و مختص خودشون رو بسازن و هموار کنن.

شوگا: ما از این موضوع آگاهیم که در چالش‌های جدید، در برابر برخی از اقدامات خودمون ناقص هستیم. اما به این باور نداریم که بگیم اکنون کاری از دستمون بر نیامد و کاری نمی‌تونیم انجام بدیم.

جیهوپ: چیزی که مهمه این نیستش که چه طور با این تغییرات روبرو می‌شیم؟

جیهوپ: پیش از سخنرانی‌مون در سازمان ملل تعداد زیادی می‌پرسیدند که آیا ما واکسینه شدیم یا نه. می‌خوام از این فرصت استفاده کنم و بهتون بگم که تمام هفت عضو گروه کاملاً واکسینه شدند.

نامجون: ما باور داریم که واکسیناسیون اولین قدم ضروری هست - مثل خرید یک بلیط برای سفری در آینده- که باعث می‌شه بتونیم طرفدارانمون رو ببینیم و امروز اینجا در کنار شما بایستیم. همین طور که گفتیم، ما در حال حاضر هر کاری از دستمون بر بیاد رو انجام می‌دیم. تهیونگ: درست مثل تلاش برای واکسیناسیون، ما می‌دونیم که تلاش‌های بسیاری صورت گرفته تا زندگی رو به نقطه شروعی تازه برگردونه. ما باور داریم به اون روزی که بتونیم همدیگه رو چهره به چهره ملاقات کنیم، نزدیک هستیم. امیدوارم که در اون روز یک‌بار دیگه با روشنایی و انرژی مثبت به هم خوش‌آمد بگیم.

نامجون: اگر چه ما زمانی بر این باور بودیم که زندگی در حالت سکون متوقف شده، اما حالا می‌دونیم که داریم قدم به قدم به سمت جلو حرکت می‌کنیم. معتقدیم که هر تصمیمی که می‌گیریم، به معنی پایان نیست، بلکه یک انتخاب هوشمندانه است و می‌تونه آغازی برای شروع یک تغییر باشه. در جهانی که شروع دوباره‌ای رو از سر می‌گذرونه، امیدوارم همگی بتونیم با خوش‌آمد گویی‌های گرم از یکدیگر استقبال کنیم. برای شروع، ما می‌خواهیم که آهنگ خودمون دعوت به رقص رو به عنوان یک خوش‌آمد گویی بهتون تقدیم کنیم.



جیمین: به خصوص، ما می‌تونیم ببینیم که شرایط این دو سال باعث شد افراد زیادی در طبیعت وقت بگذرونن، و به روشی کاملاً منحصر به فرد، طبیعت رو لمس و ازش مراقبت کنن.

جیهوپ: همین طوره. آیا ممکنه به این دلیل باشه که احساس می‌کنیم، زمان زیادی روی زمین برامون باقی نمونده؟ صحبت کردن صرفاً درباره‌ی چیزهایی که ما در طول این همه‌گیری از دست دادیم، نباید مانع ما در اندیشه به مسایل مهم دیگه بشه. احتمالاً همه‌ی ما در این که تغییرات آب و هوایی یک موضوع ضروریه که باید فوراً پیگیری بشه، هم نظیریم.

اما توافق بر سر انتخاب بهترین راهکار، کار ساده‌ای نیست. این مسأله همچنان به عنوان یه موضوع قابل بحث که به سختی می‌شه در اون به یک توافق واحد رسید، باقی می‌مونه.

نامجون: درسته. راستش صحبت در این مورد سخته. با این حال، ما موقع تحقیق و انجام آماده‌سازی‌ها برای ایستادن روی این تریبون متوجه شدیم، تعداد کمی از دانشجویان هستند که به این موضوع علاقه دارن و تصمیم گرفتن مطالعات بزرگ‌تری راجع به مسایل زیست محیطی در دانشگاه‌هاشون داشته باشن.

نامجون: اگر چه آینده همیشه یک زمان غیرقابل پیش‌بینی باقی می‌مونه که هنوز کسی تجربه‌اش نکرده، اما به نظر می‌رسه که این دانشجویان خودشون تصمیم گرفتن که دنبال پاسخی برای این که چه طور می‌تونیم سهم خودمون رو انجام بدیم و رو به جلو حرکت کنیم، باشن.

- باران این مصاحبه‌ها چه تأثیری روی تو گذاشتن؟ چه احساسی داشتی و وقتی صحبت‌هاشون رو می‌شنیدی، به چی فکر می‌کردی؟
خب برای منی که طرفدار بی‌تی‌اس هستم، این قضیه خیلی افتخار بزرگیه و باعث می‌شه بیش‌تر دوس‌شون داشته باشم. ما کلی سلبریتی معروف تو دنیا داریم و این که بی‌تی‌اس اون کسیه که میاد راجع به تبعیض و نفرت پراکنی علیه آسیایی‌ها صحبت می‌کنه، خیلی عالیه، این یعنی این که صرفاً خواننده نیستن، بلکه آدمایی هستن که دغدغه مردم و جامعه رو دارن و سعی دارن از معروف بودن خودشون استفاده کنن تا آگاهی‌رسانی کنن و معضلات رو کم‌تر کنن و یه چیز دیگه هم هست اینه که تو خود کره تأثیر بی‌تی‌اس از رییس‌جمهور کره بیش‌تره.



بعد اگر اطلاع داشته باشی، جونگ‌کوک با همکاری یکی از خواننده‌های عرب، آهنگ افتتاحیه جام جهانی رو خوندن.



- درباره فن فیکشن چیزی می‌دونی؟

می‌دونم که به سری داستان تخیلی در مورد اعضاء هست، ولی من علاقه‌ای بهش ندارم و فن فیکشن نخوندم تا حالا.

- به نظرت چرا با این که این داستان‌ها خیالی هستن و واقعی نیستن، خیلی از افراد بهش جذب می‌شن و ادامه می‌دن به خوندن این‌ها یا نوشتن شون.

به همون دلیلی که رمان‌ها پرطرفدارن. احتمالاً چون در مورد اعضاء هست، براشون جذابه، نمی‌دونم چون خودم نمی‌خونم، نمی‌تونم جواب درستی بدم.

- از دیدگاه تو طرفدار کی پاپ بودن استانداردها رو بالا می‌بره؟ مثلاً بعضی افراد تو رسانه‌ها دیده می‌شن که دوست پسرشون شاکی ان از این قضایا 😊.

برای من بله، اکثر آرمی‌هایی که دیدم دنبال درس و کار ان و تو انتخاب دوست و پارتنر استانداردهاشون زیاد شده، مثلاً بی‌تی‌اس اون قدر برای زن‌ها احترام قایله که متن آهنگ‌ها رو با یه متخصص حقوق زنان چک می‌کنه که بی‌احترامی به زن‌ها توش نباشه. همین قضایا هست که باعث می‌شه استانداردهای ما بره بالا.

- تا حالا فکر مهاجرت به کره به سرت زده؟

من به عنوان یه موضوع اصلی زندگی‌م به این مسأله به صورت خیلی جدی نگاه نمی‌کنم، ولی مثلاً به عنوان کشوری که شاید در آینده قصد رفتن به اون رو داشته باشم، در نظر گرفتم، چرا به خاطر امنیتی که در کره وجود داره، یعنی از لحاظ دزدی و این‌ها آمارش خیلی پایینه، به لحاظ امنیت برای زنان که مثلاً تو در هر تایمی از شب بری بیرون، اون جا امنیتش بالاعه، چون این‌المان برای من مهم بود، بهش فکر کردم، نه این که بخوام برم صد درصد، اصلاً این جور نیست، ولی این که برم مسافرت و ببینم، آره چون کشور خیلی قشنگیه، دورش هم دریا اینا هست.

- می‌گن بی‌تی‌اس از خودشون رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه نشون می‌دن، درباره این هم توضیح می‌دی.

قضیه اینه که الان خانواده‌ال‌جی بی‌تی فرصت ظهور پیدا کرده و جامعه داره به سمتی می‌ره که همه بتونن از انتخاب‌هاشون حرف بزنن و تا وقتی که اون انتخاب‌ها تأثیر بدی روی دیگران نداشته باشه و آسیبی به دیگران نرسونه، می‌تونن هر کاری که می‌خوان بکنن، این که کسی چه گرایش جنسی داره تا وقتی به من آسیبی نمی‌رسونه و تا وقتی به من ربط نداره، چرا باید برای من مهم باشه.



بعد الان، نه تنها خواننده‌های کی‌پاپ، بلکه هالیوود و اکثر کشورهای پیشرفته اکثر کشورهایی که سطح رفاه توشون بالاست، از خانواده ال‌جی بی‌تی حمایت می‌کنن، اما این که تو کره تو ال‌جی بی‌تی باشی، هنوز تابو حساب می‌شه و حتی خود کره‌ای‌ها خیلی نمی‌تونن بروز بدن خودشون رو، این اقلیت هنوز تابو هست، مثل کشور ما و خیلی هم کم پیش میاد این کار رو بکنه کسی. این کسانی که این رو می‌گن که بی‌تی‌اس گییه، فکر می‌کنم به خاطر ظاهرشون می‌گن، اکثراً همون قضیه که گفتم در ارتباط با آرایش اونا هست. اما کلاً من فکر نمی‌کنم که این حرف درست باشه و این که گرایش جنسی تو استریت باشه یا گی باشه یا هر چی، یه چیزه شخصیه و اصلاً ربطی به بقیه هم نداره.

- کی‌پاپ باعث شد که تو سمت کی‌درام هم بری؟

نه، من از خیلی قبل‌تر کی‌دراما می‌دیدم و سریالاشون رو دنبال می‌کردم و این جور نبود که چون کی‌دراما می‌بینم، برم جذب کی‌پاپ بشم.

- تا اون جایی که من می‌دونم، چندتا از کی‌پاپرها فیلم هم بازی کردن؟

آره خب، وی یه سریال بازی کرده، من خودم ندیدم سریاله رو با این که آر می‌هستم.

- درباره رژیم سخت آیدول‌ها هم بگو.

رژیم‌هاشون به شدت سفت و سخته، یعنی حتی شده که قبل کنسرت یا قبل کام‌بک هیچی ۲، ۳ روز یا مثلاً آب بخورن فقط یا میوه بخورن، رژیم‌های سختی دارن همون طور که از ظواهرشون معلومه لاغر ان و درسته که از بیرون طرفدارا یا جامعه جهانی انتقاد می‌کنن و می‌گن کار اشتباهیه و درست نیست، ولی خب دوست دارن خودشون لاغر باشن و اونا این قضیه رو دارن و معیار زیباییشونه که لاغر باشی و خوب رژیم‌های سفت و سختی هم می‌گیرن این قضیه بده، ولی خب انجام می‌دن، من چه کار کنم.



فکر می‌کنم یکی از دلایلی هم که باعث شده که اون فشار از روی کی‌پاپ برداشته بشه، اون فشاری که کمپانی‌ها روی آیدول‌ها می‌ذارن کم‌تر بشه، یکی از دلایلی اینه که کی‌پاپ جهانی شده.



- درباره این که چرا نباید آیدول‌ها قرار بگذارن هم بگو. حالا چه با گروه‌های دیگه و چه با جنس مخالفی که تو حیطة کاری‌شون نباشه. می‌دونم آرمیایی که اینترن یا طرفدار گروه‌های دیگه که مال کشورای دیگه ان، می‌دونم اوکین با این قضیه و می‌گن هر کاری می‌خوان بکنن و براشون مهم نیست، قضیه و خیلی سالم و عادی و اوکیه و حتی آرمیای کره‌ای و لوکال (بومی) اون‌ها هم بهتر شدن، ولی هنوز تعصب دارن و می‌گن نباید اینا قرار بذارن، نمی‌دونم واقعاً قضیه‌اش چیه و چرا دوست ندارن، انگار بعد قرار گذاشتن محبوبیت‌شون از دست می‌ره، شاید فک می‌کنن قراره طرف دیگه از دست بره، یه همچین چیزی، حالا نمی‌دونم قضیه‌اش چیه، این رو اگر می‌شد از آرمیای لوکال بپرسی خوبه. - کلاً تا اون جایی که اطلاع داری درباره سیاست‌های کمپانی بگو.

بین خب نحوه کارآموزی‌شون این هست که آزمون دارن در اول و این که از سن‌های پایین هم شروع می‌کنن یعنی باید طرف کم سن باشه تا بتونه وارد این حیطة بشه، تو سن‌های بالاتر خیلی کم پیش میاد و خیلی شانس و فرصت طرف کم هست، برای این کار حتی تو سنین خیلی پایین مثل سیزده، چهارده سالگی هم کارآموزی انجام می‌دن، مثلاً می‌رن می‌خونن، می‌رقصن و آزمون می‌دن و خودشون رو نشون می‌دن خلاصه و منیجرها هم هستند که استعدادها رو کشف می‌کنن، برای مثال همین جین بی‌تی‌اس رو یه منیجر توی اتوبوس دیدش و به خاطر چهره‌ی خوبش که برای اجرا مناسب بود، اون رو دعوت کرده به کار توی کمپانی، کلاً این طوریه که طرف باید یا مهارتی داشته باشه یا توی رقص ماهر باشه یا توی خوندن یا چهره‌ی خوبی داشته باشه که بتونه تو دیبو موفق عمل کنه. سیاست‌های کمپانی هم به این صورته که هر هفته یا هر روز فکر می‌کنم وزن‌شون چک می‌شه تا خیلی وزن‌شون بالا نره، چون همون طور که گفتم به لاغری خیلی اهمیت می‌دن و سیاست دیگرشون هم این هست که نباید رسوایی به بار بیان، مثلاً نباید قلدری کنن یا این جور چیزها، چون بد تموم می‌شه برای گروه، برای

کار کردن باید وجهه خوبی داشته باشن، البته یکی دیگر از قوانین کمپانی اینه که اگر اعضاء خودشون تنهایی یا با دوستاشون برن کافه رستورانی جایی نمی‌تونن اون جا به آرمیا امضاء بدن و این کار ممنوعه، حالا خودم نمی‌دونم دلیلش چی هست، ولی این قانون وجود داره.



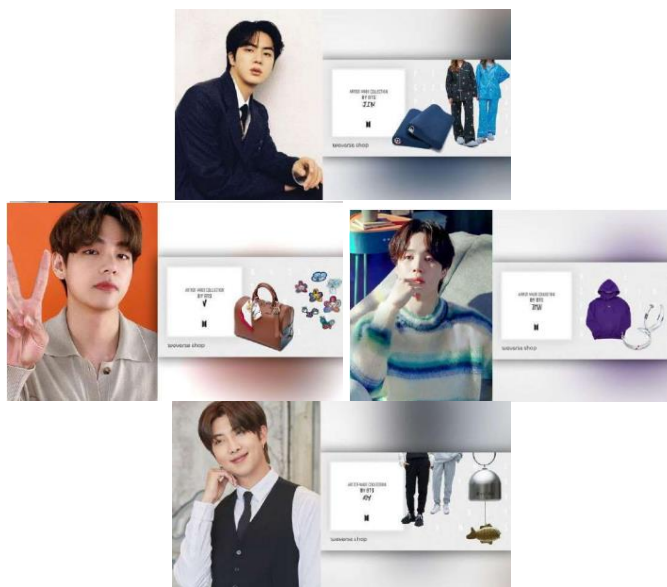
درباره شرایط کارآموزی هم من نمی‌دونم، ولی خب توی خود سایت کمپانی‌ها هست و درباره‌ی این که از چه نژادی قبول می‌کنن فکر می‌کنم این جوریه که باید حتماً یه رگه کره‌ای داشته باشن، حالا مطمئن نیستم صد درصد، ولی افرادی هستند که این طور هستن، مته فیلیکس از استری کیدز، این یه رگش کره‌ای هست و رگه دیگرش استرالیایی توی همون استری کیدز، چان لیدرشون اون هم یه رگش استرالیایی و یه رگش کره‌ای البته چینی و ژاپنی هم من دیدم که هستن.

اما درباره این سوال هم که پرسیدی برای چرا می‌رن آیدول می‌شن، خب به خاطر این که رؤیاشون هست، همون طور که مثلاً تو وارد دانشگاه شدی تا در آینده بتونی شغلی پیدا بکنی و کارت رو دوست داری، رؤیای اون‌ها هم خوندن و رقصیدن هست و برای کارشون تلاش می‌کنند و سال‌های طولانی زندگی‌شون رو برای رسیدن به این هدف صرف می‌کنن، فکر نمی‌کنم چیز عجیب و غریبی باشه، همه افراد دنیا همین ان که سال‌های طولانی زندگی‌شون رو می‌ذارن تا توی رشته خودشون موفق عمل کنن.

- آیا اعضاء برند خاصی دارن؟

نه به طور اختصاصی چیزی ندارن، فقط سر یه قضیه این طور بود که اعضاء چیزهای مختلفی طراحی کردند و کمپانی اون‌ها رو فروخت، برای مثال تهیونگ کیف طراحی کرد، نامجون یه شلوار طراحی کرد، جین یه لباس راحتی خواب و بالشت و یونگی هم یه چیزی بود مربوط به گیتار طراحی کرده بود، بقیه‌شون هم یادم نیست خلاصه کمپانی اینا رو می‌ساخت و می‌فروخت و آرمیا می‌خریدن اکثراً.





- لطفاً درباره حریم خصوصی بی‌تی‌اس و کی‌پاپ هم توضیح بده، چون که خیلی از فن‌ها به شدت دنبال این‌ها هستند، حتی می‌رن فرودگاه ساعت‌ها منتظر می‌شینن که این‌ها بیان یا خیلی از جاهای دیگه با گوشی از شون عکس گرفته می‌شه، چرا بعضی از فن‌ها این قدر دنبال حاشیه هستند؟

متوجه شدم چی می‌گی، خوب یه سری همیشه دنبال شون هستن دیگه که عکس می‌گیرند از شون و این‌ها و این که بالاخره هر فرد معروفی این دغدغه‌ها را با خودش به همراه داره، حتی اگر شما همسایه‌ها هم بشناسن تون، این دغدغه که یکی رو همیشه دنبال تون دارین و همه خبرا رو می‌رسونن، انگار یه جوری امنیت ندارین یه چیزی که هست، اینه که اگر سفر کاری باشه یا مربوط به کنسرت و این‌ها باشه، خودشون استوری می‌کنند، اطلاع‌رسانی می‌کنن تو برنامه وی‌ورس که ما داریم می‌ریم برای کنسرت یا کار یا هر چیزی، ولی اگر برنامه‌ی شخصی باشه یا سفر با دوست و آشنا باشه، این‌ها رو نمی‌گن، حالا ممکنه بعضی‌ها ببینن و عکس بگیرن، ولی اکثر آرمیا این جور هستند که به حریم خصوصی شون احترام می‌ذارن و حتی اگر هم اون‌ها رو ببینن، صرفاً می‌گن که ما مثلاً بی‌تی‌اس رو دیدیم درباره جزئیات صحبت نمی‌کنن، حتی سر یه قضیه بود که حالا این قدیمیه، من خیلی خوب یادم نمیاد، ولی فکر می‌کنم توی فرودگاه بود که آرمیا یه نوار بنفش درست کرده بودند که بی‌تی‌اس از اون جا رد بشه به راحتی و مزاحم نداشته باشه و کسی به اون صورت حمله نکنه بهشون برای عکس و امضاء و اینا.

- درباره خود واقعی آیدول‌ها هم بهم توضیح بده.

مثلاً هر کدوم از اعضای بی‌تی‌اس رو به یه چیزی می‌شناسن، مثلاً جیهوپ که نماد امید و این جور چیزاس، چون جدیداً چهره متفاوتی از خودش به نمایش گذاشته که به لقبی که بهش دادن یعنی سان‌شاین^۱ نمیداد زیاد.

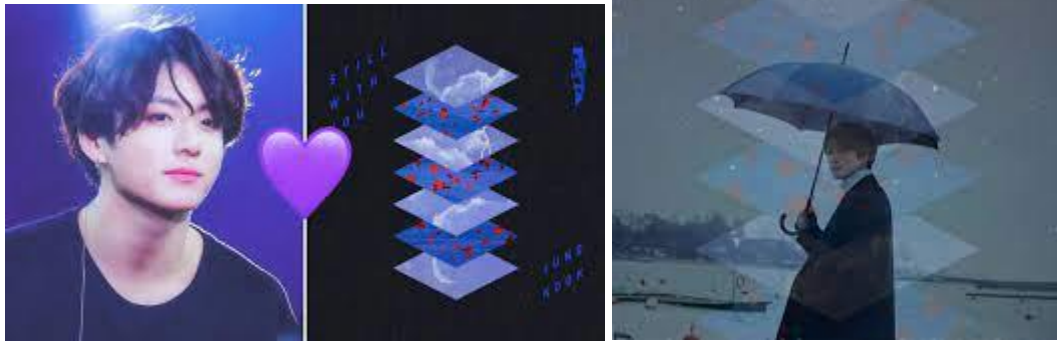
- بر چه اساسی این هویت رو به اون هنرمند القا می‌کنن آیا اون واقعاً این طوره یا نه؟

^۱ - Sunshine

تا جایی که من دیدم، این قضیه‌ای هست که خودشون بیش‌تر روش کار می‌کنن و مثلاً همین جیهوپ که شعار خاص خودش را داشت، این حیطة مورد علاقه خودش بود و خودش این اسم رو برای خودش انتخاب کرد و فکر می‌کنم به دلیل اینکه دغدغه‌اش بود و می‌خواست توی این زمینه فعالیت کنه.

- متن آهنگ مورد علاقه‌ات رو بگو و درباره احساسات خودت در این باره توضیح بده.

آهنگ استیل ویت یو ۲ از کوکی، آهنگ ویت یو ۳ جیمین، آهنگ مجیک شاپ، آهنگ بولت پروف، کوکی دوتا آهنگ کاور کرده که وقتی ناراحتم خیلی گوش می‌دم خیلی دوست دارم یکیش فالینگ ۴ از هری استایلز و اون یکی تو یو ۵ از جاستین بیبر، آهنگ 00:00 خیلی خیلی برام مهمه، متنش رو برات می‌فرستم، حتماً تو مصاحبه من بذار. من خیلی بهش علاقه دارم، چون می‌گه، همیشه می‌شه شروع کرد.



-
- 1 - I'm your hope / your my hope / I'm jhope
 - 2 - still with you
 - 3 - with you
 - 4 - falling
 - 5 - 2 U





«یه روزایی هست،
روزایی که بی هیچ دلیلی غمگینی،
یه بدن سنگین،
یه روزی که همه به غیر از من،
سرشون شلوغه و حریص ان،
قدم هام نمی افتن،
فکر کنم همین الانشم دیر کردم، می بینی؟
کل دنیا نفرت انگیزه،
همه جا سرعت گیره،
قلبم تیکه تیکه شده و کلمات برام محو می شن،
چرا داشتم خیلی سخت می دویدم؟
اوه، چرا من؟
برمی گردم خونه،
رو تختم لم می دم،
فکر می کنم،
تقصیر من بوده؟
شب گیج کننده هس،
یهو به ساعت نگاه می کنم،

تقریباً دوازدهه،
چیزی تغییر می‌کنه؟
مطمئنأً قرار نیست یه همچین چیزی بشه،
ولی این روز،
تموم شده،
وقتی ثانیه شمار،
با دقیقه شمار یکی می‌شه،
دنیا برای یه لحظه‌ی کوتاه نفسش رو حبس می‌کنه،
ساعت دوازده نیمه شبهه،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
مثل برفی که درست همین الآن رو زمین نشسته،
بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،
و تو قراره خوشحال باشی،
و تو قراره خوشحال باشی،
همه‌ی اینا رو بچرخون،
همه چیز جدیده،
ساعت دوازده نیمه شبهه،
کم‌کم، ضربان قلبم می‌زنه،
نمی‌تونم یه حالت عادی رو صورتم داشته باشم،
همه‌اش لیریکای آشنا رو فراموش می‌کنم،
هیچ چیز دیگه‌ای مثل قلب من نیست،
درسته اینا تمام چیزیه که گذشته،
حتی اگه با خودمم حرف بزنم، خیلی راحت نیست،
این تقصیر منه؟
این مشکل منه؟
فقط صدای منه که،
هیچ جوابی نداره،
برمی‌گردم خونه،
رو تختم لم می‌دم،
فکر می‌کنم،

تقصیر من بوده؟

شب گیج کننده هس،

یهو به ساعت نگاه می‌کنم،

تقریباً دوازدهه،

چیزی تغییر می‌کنه؟

مطمئناً قرار نیست یه همچین چیزی بشه،

ولی این روز،

تموم شده،

وقتی ثانیه شمار،

با دقیقه شمار یکی می‌شه،

دنیا برای یه لحظه‌ی کوتاه نفسش رو حبس می‌کنه،

ساعت دوازده نیمه شبه،

و تو قراره خوشحال باشی،

و تو قراره خوشحال باشی،

مثل برفی که درست همین الان رو زمین نشسته،

بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،

و تو قراره خوشحال باشی،

و تو قراره خوشحال باشی،

همه‌ی اینا رو بچرخون،

همه چیز جدید،

ساعت دوازده نیمه شبه،

دوتا دستام رو روی هم می‌ذارم،

و دعا می‌کنم،

که یه کم بیش‌تر لبخند بزخم،

فردا،

برای من،

یه کم حس بهتری داشته باشه،

برای من،

اگه این آهنگ،

تموم شه،

ممکنه یه آهنگ جدید،

شروع شه،

یه کم بیش تر خوشحال باشم، آره،

و تو قراره خوشحال باشی،

و تو قراره خوشحال باشی،

مثل برفی که درست همین الان رو زمین نشسته،

بیا مثل اولین بار نفس بکشیم،

و تو قراره خوشحال باشی،

و تو قراره خوشحال باشی،

همه ی اینا رو بچرخون،

همه چیز جدید،

ساعت دوازده نیمه شبه.»



فکر کنم آهنگ لایف گووز آن رو هم که تو دوران کرونا منتشر کردن برای این بود که حال همه بهتر بشه.

متنش به شدت عالیه، اینم به عنوان قسمتی از حرفای من بذار:



«یه روز، دنیا ایستاد،
بدون هیچ هشدار،
بهار نمی‌دونست که باید صبر کنه،
حتی یک دقیقه هم تأخیر نداشت،
خیابون‌ها از جای پا خالی شدن،
من اینجا افتاده روی زمین دراز می‌کشم،
زمان برای خودش می‌گذره،
بدون این که حتی متأسف باشه، آره،
انگار امروز هم قراره بارون بیاد،
کل بدنم خیس شده، بارون هنوز نمی‌خواد بند بیاد،
از اون ابر بارونی سریع‌تر می‌دوم،
فکر می‌کردم همین کافیه، فک کنم هر چی که باشه، بازم منم یه انسانم،
من توی دنیایی از دردم، این سرماییه که دنیا بهم داده،
باعث می‌شه که بخوام اون دکمه‌ی خاک گرفته‌ی بازگشت رو بزنم،
بدون ریتم می‌رقصم، روی زمین دراز می‌کشم،
به محض این که زمستون رسید، بیا نفس‌مون رو بیرون بدیم یه نفس گرم‌تر،
نمی‌تونم تهش رو ببینم،
راه خروجی هست؟
پاهام دیگه نمی‌خوان حرکت بکنن،
برای یه لحظه چشم‌هات رو ببند،
دستم رو بگیر،
بیا به سمت اون آینده فرار کنیم،
مثل پژواکی تو جنگل،
اون روز برمی‌گرده،
انگار که هیچی اتفاقی نیفتاده،
آره، زندگی ادامه داره،
مثل تیری تو آسمون آبی،
یه روز دیگه هم می‌گذره،
روی بالشتم، روی میزم،
آره، زندگی دوباره همین طوری ادامه داره،
بذار با این آهنگ بهت بگم (آی)،

مردم می‌گن دنیا عوض شده،
 اما خوشبختانه بین من و تو چیزی عوض نشده،
 با «اینونگ»ی که روزمون رو باهاش شروع و تموم می‌کنیم،
 بیا فردا رو به امروز وصل کنیم،
 الان ایستادم، ولی تو سایه قایم نمی‌شم،
 روشنایی روز دوباره به درخشش در میاد،
 نمی‌تونم تهش رو ببینم،
 راه خروجی هست؟
 پاهام دیگه نمی‌خوان حرکت بکنن،
 برای یه لحظه چشمت رو ببند،
 چشمت رو برای یه لحظه ببند،
 دست من رو بگیر،
 مثل پژواکی تو جنگل،
 اون روز برمی‌گرده،
 انگار که هیچ اتفاقی نیفتاده،
 آره، زندگی ادامه داره».



و چیز جالب اینه این قدر با آهنگاشون ارتباط گرفتیم که وقتی خوشحالم یا ناراحتم گوش شون می‌دم و بهم حس خوبی می‌دن، ولی این بالایا رو اکثراً وقتی ناراحتم گوش می‌دم.

نامجون می‌گه، اگر می‌خوای بقیه رو دوست داشته باشی، باید اول خودت رو دوست داشته باشی، این رو خیلی دوست دارم و نامجون تو کنسرت هم یه بار گفت، از ما استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید و کلاً راجع به سلف لاو خیلی صحبت می‌کنن.

یونگی هم می‌گه، کسایی که رؤیایی ندارن، مشکلی نیست. مهم اینه که خوشحال زندگی کنین، اینم خیلی دوست دارم، یه موقع‌هایی می‌شه تو زندگی که حال آدم خوب نیست و خسته شده از دویدن و تلاش کردن و این جمله یونگی همیشه بهم امید می‌ده که مهم اینه خوشحال باشی و اینا. این آهنگ رو وقتایی که انگیزه‌ام پایینه گوش می‌دم، خیلی دوستش دارم.

لیریک مورد علاقه‌ام خیلی زیاده همه‌شون رو به شدت دوست دارم، ولی قفلی الانم آهنگ استیل ویت یو از کوکیه. وای خیلی آهنگش خوبه می‌خوام یه تتو ازش بزنم.



احساساتم رو هم بخوام بگم، کلاً گوش دادن به آهنگاشون، دیدن برنامه‌هاشون مثل ران بی‌تی‌اس یا دیدن مصاحبه هاشون، کنسرت‌هاشون اینا باعث خوشحالی‌م می‌شه، حتی مواقعی که خیلی حال‌م بده، یکی از دلایلم اینه که خیلی صادقانه علاقه‌شون رو ابراز می‌کنن و احساسات‌شون رو به اشتراک می‌ذارن.

تأملی دوباره

باران ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

باران در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: قوانین دشوار کمپانی، استقبال کمپانی از اقدام‌های کم هزینه و پر سود (نظیر توجه به مسأله حقوق زنان)، امیدبخشی، تنوع برنامه برای جذب هر چه بیش‌تر هواداران، تعمیق رابطه با هواداران، تأکید کمپانی بر زیارویی ستاره‌ها و تلاش کمپانی در جهت استخدام افراد زیارو، اشاره داشته است.

باران در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند:

امید دادن به آینده، انگیزه‌یابی، امید‌یابی، توجه به مسأله حقوق زنان، ظاهر شدن به مثابه محافظ، ذهن ساده هواداران، ضعف استدلال در تلاطم برخوردهای هیجانی، فحاشی به دیگران در جریان برخوردهای هیجانی، نقد بی‌اخلاقی سلبریتی‌های داخلی و نقد ضعف کارهای سلبریتی‌های داخلی، اشاره داشته است.

باران ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: امید بخشی، امید دادن به آینده، انگیزه دادن و امیدبخشی، تنوع برنامه برای جذب هر چه بیش‌تر هواداران، توجه به مسأله حقوق زنان و تعمیق رابطه با هواداران، اشاره داشته است. از بیانات اخیر باران ۲۰ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با بنفشه، ۲۰ ساله

تو خیلی از مصاحبه‌ها این طوری می‌شستن زانو می‌زدند به حالت سجده طور و تشکر می‌کردن از طرفدارشون و این خیلی برام جذاب بود.

- خوب لطفاً خودت رو معرفی کن.

سلام!!!!!!!!!!!!!! من بنفشه هستم و ۲۰ سالمه.

- با کی پاپ آشنایی داری؟

بله. چه جور هم.

- لطفاً برام بگو که از کی کی پاپری و کلاً چه جوری با بی‌تی‌اس آشنا شدی، اگر هم سختت تایپ کنی، ویس هم بدی، اشکالی نداره.

خب، ببین من سال نهمم با کی پاپ آشنا می‌شم و آشناییم هم به این صورت بود که من یک دوست داشتم که طرفدارشون بود و از این طریق من باهاشون آشنا شدم و سال یازدهم به جرأت می‌تونم بگم دیگه اوج علاقه‌ام بهشون بود و مطمئناً می‌تونم بگم که فن شون شدم. این اولین گروهی بود که کلاً ازشون خوشم اومد، نه از خودشون که مثلاً خیلیا می‌گن، به خاطر قیافه و تیپ و اینا، اونا حس خوبی بهم می‌دادند و همین برام کافی بود که ازشون خوشم بیاد. خب دیگه قبل اون هم که یه موج عظیمی از دایرکشن‌ها رو داشتیم، من آهنگ‌های اونا رو هم خیلی دوست داشتم، ولی به جرأت می‌تونم بگم تأثیری که اینا رو من داشتن، وان دایرکشن نداشت، ولی خب دوتا شون رو دوست داشتم.



- همون سال نهم با بی‌تی‌اس آشنا شدی؟

آره کلاً با کی پاپ و خب بی‌تی‌اس هم جزوشون بود.

- پس قبل از این که طرفدار گروه بی‌تی‌اس باشی، طرفدار گروه‌های دیگه هم بودی؟

آره یادمه تو راهنمایی همه وان دایرکشنر 😊 بودیم، ولی در حد گوش دادن و اسماشون و آهنگ‌هاشون رو دونستن، زیاد کنجکاو نبودم 😊

- به نظرت تفاوت گروه بی‌تی‌اس با همین گروهی که گفتی یا گروه‌های دیگه‌ای که قبلاً باهاشون جور بودی، چی بود؟

خودشون بودن و همین برای من کافی بود.

- در واقع چی تو گروه بی‌تی‌اس بود که تو رو جذب کرد؟

نمی‌دونم چه طوری باید توضیح بدم، ولی خب شاید تو موقعیتی که من بودم به شخصه برام جذاب بود که اینا خودشون بودن، گفتم بهت کلاً سال نهم با کی پاپ آشنا می‌شم، اوایلش خودم این طوری بودم که تک‌وتوک آهنگاشون رو گوش می‌دادم و بیش‌تر به خاطر ریتمش گوش می‌دادم، نمی‌دونستم معنی‌ش چیه یا مثلاً اینا دارن درباره چی حرف می‌زنن و هرازگاهی به این فکر می‌کردم که مثلاً اون‌هایی که می‌گن وای

ما عاشقشونیم یا خیلی اینا رو دوست داریم، حالا نه فقط بی‌تی‌اس، بقیه‌شون مثلاً چه طوری می‌تونن بگن چه طوری مثلاً زبونی رو که نمی‌فهمن درک می‌کنند، باهاش احساسات برقرار می‌کنن و آهنگ یا کلیپ ویدیوهاشون رو نگاه می‌کنن، خیلی چیزها برام سوال بود، برا منم به شخصه تا این که اواخر سال دهم تابستونش بود، یعنی می‌رفتم یازدهم، من خیلی دیگه به اینا گوش می‌دادم، بعد هی رفته رفته دیدم عه، مثلاً چه معنی قشنگی داره، چه قدر باحاله، چه قدر ریتمش خوبه یا مثلاً فلان آهنگشون که ریتم نداره، چه قدر معنی قشنگی داره، بعد از اون من دیگه مصاحبه‌هاشون رو نگاه می‌کردم، یعنی مصاحبه‌هایی که مثلاً می‌کردند یا برنامه‌هایی که مثلاً تا اون موقع توش شرکت کرده بودند یا هر چی و خب خیلی برام جذاب بود که از اون چیزی که بودند، خجالت نمی‌کشیدند، این برام خیلی جذاب بود و فکر کنم همون سال بود که آلبوم لاو یورسلف رو داده بودن بیرون و خب خیلی داشت در سطح جهان می‌ترکوند و همه‌اش برنامه و مصاحبه و اینا بود و اینا همه جا داشتن از طرفداراشون تشکر می‌کردن، من مثلاً همه‌اش این طوری بودم که چه قدر آدم می‌تونه از یک طرفداری که حتی ندیدتش، همه‌اش تشکر کنه یا حتی تو خیلی از مصاحبه‌ها این طوری می‌شستن زانو می‌زدند به حالت سجده طور و تشکر می‌کردن از طرفداراشون و خیلی برام جذاب بود که می‌دونستن از کجا شروع کردند، می‌دونستند، این هم چیزی که الان دارن رو از کیا دارن، من این رو شاید تو بقیه خواننده‌ها یا توی بقیه گروه‌ها ندیده بودم.



نه این که بگم اونا بدشون می‌اومد و بی‌احترامی می‌کردن، نه قطعاً هیچ کس این کار رو نمی‌کنه، این برام جالب بود که اینا همیشه و تو هر لحظه‌ای به فکر طرفداراشون بودن و بعدش به مصاحبه بود که آر ام که لیدر گروهه انجام داده بود و توی سازمان ملل بود و در مورد تفاوت فرهنگی و همین دوست داشتن خودمون بود و داشت در مورد این صحبت می‌کرد که مثلاً مهم نیست کی یا مهم نیست که چه گذشته‌ای داری، از کجایی و این که چه نوع فرهنگی داری، مهم اینه که تو خودت رو دوس داشته باشی و بدونی که ما هم تو رو دوست داریم و این خیلی برام جذاب بود، به شدت برام جذاب بود. خیلی جذاب بود خلاصه (👍).

- راستی با کدوم آهنگ آرمی شدی؟

«من به تو احتیاج دارم دختر!»

«رو‌یاپردازی دیگه بسه!»



I NEED U



NO MORE DREAM

BTS (방탄소년단)

– از لیریک‌هایی که خیلی الهام بخش بوده یا باهاس ارتباط برقرار کردی و دوستش داشتی، بگو؟
یه لیریک هست مال آر امه، عه آهنگ «فرزند ماه» می‌گه:
فرزند ماه گریه نکن، بالاخره نوبت تو هم می‌رسه، حتی وقتی که خورشید غروب کنه، تو طلوع می‌کنی و اون وقتی که زمان توئه.



MOONCHILD

RM OF BTS

لیریک اصلیش به این صورته:
همه فرزندان ماه بیاید،
همون طوری که باید باشه،
همه‌ی دردها، همه غصه‌ها،
سرنوشتت ان، می‌بینی؟
می‌دونی که زندگی‌م این جوریه،
ما زیر بارون می‌رقصیم،
تو دردها می‌رقصیم،

حتی اگر الآن سقوط کنیم،

توی پروازمون می‌رقصیم.

– به نظرت طرفداری کردن از بی‌تی‌اس چه فرقی با گروه‌های دیگه کی‌پاپ یا هالیوودی داره؟

در مورد این زیاد مطمئن نیستم، چون من خودم دوستای آرمی زیادی ندارم، منم و یکی دیگه از دوستانم، ولی چیزی که در مورد خودمون دوتا صدق می‌کنه و چیزی که از طریق مجازی می‌دونم، ببین واقعاً می‌تونم بگم که نود درصد ما رو نه، هشتاد درصد کسانی که آرمی هستن، شاید واقعاً نجات‌مون داد، من به این ایمان دارم که ما رو نجات دادند، خب می‌تونم بگم که فرق ما اینه که همه جور ساپورت‌شون می‌کنیم، من به شخصه حاضریم از خیلی چیزام بزنم که بتونم ساپورت‌شون کنم، چون از لحاظ روحی و روانی اون چیزی که می‌خواستیم رو به من دادند و آره، شاید فرق بزرگ ما اینه و این که دارم می‌گم، در مورد اون دوستم صدق می‌کنه و در مورد کسانی هم که تو مجازی هم حرف می‌زدیم، در مورد اونا هم صدق می‌کنه.

– خیلی‌ها فن گروه بی‌تی‌اس یا کی‌پاپ رو متعصب می‌دونند، نظرت در این باره چیه؟

می‌دونی واقعیتش اینه که خب خیلی از طرفداراش بچه سال هستن، البته مثلاً الآن من خودم بیست سالمه و حتی خیلیا رو می‌شناسم تو مجازی که بیست و چهار و بیست و پنج و سی سال‌شون هم هست، اما واقعیتی که وجود داره، اینه که خب به هر حال جذابیت بصری خاصی دارند و می‌تونیم بگیم که یه سری طرفدار داریم که مثلاً پونزده، شونزده ساله ان و قضیه تعصبی بودنم به اینه که خیلی توهین می‌شه تو مجازی، واقعاً خیلی توهین توهین می‌شه و توهین بد می‌شه، یعنی حتی با کمال احترام هم نمیان حرف‌اشون رو بزنند، علناً از یه فحشایی استفاده می‌کنند یا حرف‌هایی می‌زنند که درست نیست به نظر من یکی، چون که یه چیز سلیقه‌ایه، من نمی‌تونم کسی رو الزام کنم، صددرصد باید دوست داشته باشی یا صد درصد باید بدت بیاد، ولی به نظرم خیلی محترمانه می‌تونن حرف‌شون رو بزنن و خب وقتی یکی میاد بد حرف می‌زنه، قاعدتاً توأم با مهربانی جوابش رو نمی‌دی، آره من اگه می‌گن تعصبی، به شخصه منم تعصبیم، تعصبی از این نظر نه که برم مثلاً به طرف فحش بدم و ناسزا بگم یا هر چیز دیگه، تعصب از این نظر که من روی علایق خودم تعصب دارم و اگه من به تو توهین نمی‌کنم یا به هر کس دیگه‌ای، اونم حق این که به من توهین کنه رو نداره و خب فک کنم، بیش‌تر مشکلاتی که مثلاً می‌گن آره اینا تعصبی ان، از اینجا سرچشمه می‌گیره که خیلی مسخره می‌شیم، خیلی می‌خندند و خیلی بهمون فحشای بدی می‌گن، من می‌شنوم اینا رو مثلاً این که چرا طرف نباید قرار بذاره، نباید تتو کنه و از این حرف‌ها.

ببین ما خودمون تو این فن‌دومون از همچین آدمایی دوری می‌کنیم و اصلاً همچین آدمایی رو طرفدار نمی‌گیم بهشون، چون که اصلاً درست نیست زندگی شخصی طرفه و به ما هیچ ربطی نداره، همون طور که شاید زندگی شخصی منم به اونا ربط نداشته باشه، خب اونا به ما اون آرامشی رو که می‌خواهیم، داده اند و باعث شدن ما با آهنگاشون با برنامه‌هایی که شرکت کردن و با خودشون، لحظات خوبی داشته باشیم و ما هم به عنوان طرفدارا خوب، تنها کاری که ازمون برمیاد، اینه که ازشون طرفداری کنیم، ولی به شخصه توی فن‌دوم ما و من این رو مطمئنم که دارم می‌گم، ما کسانی رو که سولو استن هستن یا مثلاً اونایی که می‌گن نباید تتو بزنه، نباید سیگار بکشه، نباید قرار بذاره، رو جزء فن‌دوم حساب نمی‌کنیم و علناً به نظر ما آرمی نیستن، چون که می‌گم، هر کسی زندگی شخصی خودش رو داره، اونام زندگی خودشون رو دارن و زندگی اونام مال خودشونه، قرار نیست چون خواننده اند، هیچ کاری نکنند، به هر حال اونا هم حق زندگی دارند این نه فقط در مورد گروهی که من دارم استن می‌کنم، نه فقط در مورد بی‌تی‌اس، در مورد همه و همه افراد مشهور صدق می‌کنه.

– اووووم.

یه رابطه فراتر از گوش دادن صرف موسیقیه.

- درباره کمکی که به بهبود عواطفت کردن توضیح می‌دی؟

واقعیتش من سال دهم اصلاً از لحاظ روحی اوکی نبودم، یعنی تو شرایطی قرار داشتیم که نه به خودم اهمیت می‌دادم، نه نظر دیگران برام مهم بود، نه شرایطی که توش بودم رو دوست داشتیم و می‌تونستم تحمل کنم و اصلاً برام موضع جالبی نبود، چون چیزی که می‌خواستم نبود، کاری که می‌خواستم بکنم، انجام نمی‌شد و تو همه این مشکلاتی که داشتیم، نیمه دوم سال دهم هم که مثلاً از دیماه به بعد دیگه از ترم دوم به بعد متوجه شدیم که مامان من سرطان داره، کلاً من خیلی شرایطم بد شد، چون می‌گم پدر و مادرم درگیر دوا و درمون بودن و من و خواهرم بودیم فقط و من باید خواهرم رو هندل می‌کردم و می‌گم اصلاً شرایط خیلی بدی بود برام و خیلی بد من اون قدر روم فشار بود که دست به کارهایی می‌زدم که الان که بهش فکر می‌کنم، واقعاً ناراحت می‌شم، ضمناً شروع کردم به سیگار کشیدن و الان که بهش فکر می‌کنم، ناراحت می‌شم، می‌گم دهم هم که تموم می‌شه و یازدهم که می‌خوام برم، تابستون یازدهم من باهاشون آشنا شدم، به آهنگاشون گوش می‌دادم و معنیاش رو می‌خوندم و حرفاشون برام جالب بود که مثلاً می‌گفتن خودتون رو دوست داشته باشید یا مثلاً این که مهم نیست دارید چه کار می‌کنید، مهم نیست گذشته‌ات چیه، مهم اینه که الان داری چه کار می‌کنی یا مثلاً یه حرفی بود که جیمین زده بود، می‌گفت، حتی اگه کسی درک‌تون نکنه، این رو بدونین که یه نفر تو کره‌ی جنوبی همیشه شما رو داره درک می‌کنه و خب این خیلی رو من تأثیر می‌گذاشت و خیلی حرف‌های دیگه بود، نه فقط اینا، چیزهای دیگه هم بود که برای من خیلی بولد شده و گذشت و من تا دوازدهم سیگار می‌کشیدم، تو دوازدهم خیلی رو خودم کار کردم و من به خاطر یکی از اعضاء سیگار کشیدن رو گذاشتم کنار و الان دوساله که اصن نکشیدم 🙏 و یه چیزی این که گفتم یه حالتی خودت رو مدیون می‌دونی بهشون، به خاطر اینه که تو لحظه‌های سخت زندگی حالم رو خوب کردن.

- اگه بی‌تی‌اس منحل بشه چه اتفاقی برای تو می‌افته؟

نمی‌خوام طوری برداشت بشه انگار دارم اغراق می‌کنم، اما واقعیت این بود که اونا نجاتم دادن، واقعاً نجاتم دادن، شاید اگه اونا نبودن من دست به کارهایی می‌زدم که الان پشیمون بودم یا اصلاً وجود نداشتم همیشه می‌گن، مثلاً تو زندگی یه دختر مثلاً شونزده، هفده ساله چی می‌تونه باشه که مثلاً فکر کنه همه مشکلات و سختی‌ها روی شونه‌ی اونه، با این حرف موافق نیستم، به هر حال اون زمان اون دردی که ما داریم، مختص سن خودمونه و برای ما خیلیه من اون زمان دبیرستان خوبی نداشتم، از سال دهم هم اصلاً راضی نبودم و نهم هم اذیت می‌شدم، خیلی اتفاق‌ها برام افتاد و دست من نبود، می‌دونی چی دارم بهت می‌گم و این که به طور ناخواسته روم اثر می‌داشتن، مثلاً روزهایی بود که واقعاً کم می‌آوردم و می‌خواستم از همه چی بکشم عقب و همه‌اش به این فکر می‌کردم، شرایطت سخت‌تر از اینا هست؟ تلاش کردی که الان بخوای عقب بکشی، چون که می‌دونی گذشته‌شون واقعاً برای من خیلی درسه، این که هفت ساله تلاش کردند تا مشهور بشن و خوب می‌دونی، اینا حتی در حال دیس‌بند شدن (منحل شدن) بودن اون سال تو کره، اگه اون جایزه رو نمی‌گرفتن، الان دیس‌بند شده بودند، من همه‌اش فکر می‌کردم، مگه شرایطت از اونا بدتر بود، مثلاً یکی از اعضاء در حالی میاد و وارد گروه می‌شه که حتی پول غذا نداشته و مجبور بوده کار کنه، در کنار تمرینایی که می‌کرده، بعد من همیشه این طوری بودم که آیا یعنی زندگیت از این فرد سخت‌تر بوده؟ بیش‌تر از اون تلاش کردی که حالا می‌خوای پا پس بکشی؟

حتی تو دوران کرونا هم آهنگاشون انگیزه بخش بود و تو آهنگ دعوت به رقص‌شون به این صورت توی آهنگ بود که بالاخره افراد ماسک‌شون رو از روی صورت‌شون برمی‌دارن و باهم می‌رقصن.



خلاصه این که آره به طور ناخواسته خیلی روم تأثیر داشتند و باعث شدن خیلی کارا رو انجام ندیم و واقعاً برام جایگاه خاصی تو زندگیم دارن. - اون جریان دیس بند رو هم می‌گی؟

اگر درست بگم و اشتباهی نکنم، چون من خیلی همه چی تو ذهنم قر و قاطی می‌شه، سال دوهزار و هیجده بود که تصمیم گرفته بودند که اگر به اون چیزی که خواستن، نرسیدن، از همدیگه جدا بشن و کلاً گروه منحل بشه و هر کدوم به کار خودشون برسن و اینا که خوشبختانه و خدا رو شکر، این اتفاق نمی‌افته و اون سال برنده جایزه می‌شن و به فعالیتشون ادامه می‌دن. وقتی می‌رن جایزه رو می‌گیرن و اینا شروع می‌کنن صحبت کردن و همه‌شون گریه‌شون می‌گیره و اشک می‌ریزند و می‌گن که ما می‌خواستیم جدا بشیم از هم و خیلی خوشحالیم که این اتفاق نمی‌افته، به شخصه منم اشکم دراومده بود.



- درباره دعوی فن‌ها هم نظرت رو می‌گی؟

مثلاً بین فنای گروه بلک‌پینک و بی‌تی‌اس به نظرم دعوی خاصی وجود نداره، یعنی اگه واقعاً یه طرفدار واقعی باشی واقعاً براشون احترام و ارزش قایل بشی و جایگاه خودت رو به عنوان یک طرفدار حفظ کنی، هیچ وقت دعوی بین فن‌ها وجود نخواهد داشت، چون که هر کدوم از گروه‌ها دارن تلاش خودشون رو می‌کنن، هر کدومشون آهنگاشون برای خودشون ارزشمنده، برای فنانشون ارزشمنده، من به شخصه خودم آهنگای بلک‌پینک رو هم دوست دارم، حتی بعضی وقتا می‌گم، چه قدر این آهنگشون جذابه، چه قدر این خوبه، چه قدر این خفنه و اگه حرفی

هم هست، به نظر من واقعاً بین کسایه که فن واقعی نیستند و اسم فن رو می‌گذارن رو خودشون، چون که بین گروه‌ها حتی بین اعضای گروه بی‌تی‌اس، ایکس، ایگرگ، اصلاً هیچ دعوایی نیست، بین خود گروه‌ها هیچ دعوایی نیست، پس چرا ما باید به عنوان فن بریم با یه فن دیگه دعوا کنیم، چی بشه مثلاً چی رو بخوایم ثابت کنیم، هر کدومشون دارن تلاش خودشون رو می‌کنن و هر کدومشون دارن کار خودشون رو انجام می‌دن و اگه ما فن واقعی باشیم، واقعاً نیاز به دعوا نیست، می‌ریم گروه‌مون رو استن می‌کنیم و به حرف‌های دیگران هم توجه نمی‌کنیم و دارم می‌گم، کلاً دعوایی که بین فن‌ها وجود داره، به خاطر اینکه فن نیستن و بیش از حد دارن خودشون رو خراب می‌کنن و حتی گروه رو هم خراب می‌کنن یعنی به چهره‌ی اون گروه هم آسیب می‌زنند.

- پس به نظرت چه طور شد که بی‌تی‌اس تونست نسبت به بقیه موفقیت بیش‌تری به دست بیاره؟ تا اون جایی که من اطلاع دارم، نسل‌های قبلی کی‌پاپ هم بودن و بی‌تی‌اس اولین نسل نبود، پس چه طور شد که بی‌تی‌اس تونست نسبت به بقیه موفقیت بیش‌تری به دست بیاره؟ به نظرم یه تفاوت آشکاری که داشتند، این بود که به دردای جامعه اهمیت می‌دادن، به درد جامعه خودشون، به درد جامعه جهانی و به درد همه آدم‌ها اهمیت می‌دادن و شعراشون رو راجع به اونا می‌نوشتن، راجع به سختی‌ها می‌نوشتن، راجع به امید به آینده می‌نوشتن، هیچ وقت انکار نمی‌کردند که سختی وجود نداره یا درد وجود نداره، اما همیشه این رو می‌گفتن که اگه تلاش کنی، اگه امید داشته باشی، روزهای خوبی هم میاد، آره این همیشه بوده و به نظر من یکی از بزرگ‌ترین تفاوت‌هاشون این می‌تونه باشه که آره از ما می‌خواستند که خودمون باشیم و از ما می‌خواستند خودمون رو دوست داشته باشیم، به ما امید می‌دادند و به نظرم بزرگ‌ترین تفاوتشون ایناست، نمی‌گم بقیه گروه‌ها بد هستن، من خیلی از گروه‌های دیگه رو هم حتی تو کی‌پاپ دوست دارم و به نظرم خفن ان، اما این جایگاهی که اینا به دست آوردن تو دنیا بین مردم، به نظرم این بود که خودشون بودن به همه اهمیت می‌دادن و براشون فرقی نمی‌کرد، تو دختری یا پسری، گی هستی، ترنسی یا هر چیزی، فقط کافیه خودت باشی، خودت رو دوست داشته باشی، امید داشته باشی و کسی رو ناراحت نکنی، دیگه فکر کنم خودتم بهتر بدونی که آهنگای رپ بیش‌تر در مورد اوضاع و احوال اجتماعی خونده می‌شه و خب می‌تونم بگم برای من این اولین گروه‌های پاپی بودن که راجع به جامعه و جهان صحبت می‌کردن، حتی تو خود کشورشون هم این مسأله وجود داره، مثلاً یه آهنگ دارن به اسم اسپرینگ دی (روز بهاری) که برای غرق شدن یه کشتی که بیش‌ترشون دانش‌آموز بودن، خونده شده، نود درصدشون دانش‌آموز بودند، آهنگ اسپرینگ دی رو برای اون خونده شده و طوری شده که دیگه الان مثل سرود ملی شده اون آهنگ.





- جریان اسپرینگ دی رو بیش تر توضیح می‌دی؟

یه سانحه‌ای بود که دقیق نمی‌دونم تعداد دویست و خرده‌ای نفر فکر کنم توی کشتی تفریحی بودند که اردو بوده برای دانش‌آموزان و اون کشتی بهشون اعلام می‌کنند که وزن کشتی سنگینه و احتمال غرق شدن وجود داره، ولی خب بی‌توجهی می‌کنن و کشتی کامل غرق می‌شه، می‌گم به جز چند نفر، همه‌شون فوت می‌کنن و اون موقع بود که آهنگ اسپرینگ دی بی‌تی‌اس منتشر می‌شه، یکی، دو ماه بعد حدوداً و همه می‌گن که این آهنگ رو برای اونا خوندن و معنی قشنگی هم دارد، حالا اگر تکست‌هاش رو پیدا کنم، برات می‌فرستم.

در ۱۶ آوریل ۲۰۱۴، دبیرستان دانوون تصمیم می‌گیره شاگرداش رو بیره به یه اردوی باحال، حالا کجا؟ جزیره ججو.

مسیر رسیدن به ججو از طریق کشتی و یا هواپیما هست که مدرسه برای اردوی دانش‌آموزان سفر با کشتی رو انتخاب می‌کنه.

کشتی به وقت صبح راهی ججو می‌شه تا یه اردوی به یاد موندنی رو برای دانش‌آموزا رقم بزنه، غافل از این که مقصدی در کار نیست. غرق کشتی سوول مهم‌ترین و بدترین اتفاقیه که تو کره به حساب میاد، چون از بین ۴۷۶ نفری که تو کشتی بودن، ۳۰۴ نفر جون خودشون رو از دست دادن که ۲۵۰ نفرش متأسفانه دانش‌آموز دبیرستان دانوون از شهر انسون بودن. حدود ۱۷۲ نفر بازمانده توسط قایق ماهیگیری و یا سایر کشتی‌های اون اطراف نجات پیدا کردن.

- حالا دلیل این اتفاق وحشتناک چی بود؟

دلیل اصلی غرق شدن کشتی هنوز مشخص نشده، اما کارشناسان و محققانی که درباره‌اش تحقیق کردن، به این نتیجه رسیدن افزایش غیر قانونی حمل بار باعث شده تعادل کشتی از دست بره.

ناخدای کم تجربه این کشتی هم زمانی که کشتی تعادلش رو از دست می‌داد، کشتی رو ۱۵ درجه چرخوند، تعمیر و تغییراتی که بی‌دلیل رو کشتی انجام شده بود هم عامل دیگه غرق کشتی برشمرده شده.

بعد با این که کاپیتان وقت کافی برای تخلیه مسافرا داشت، به دانش‌آموزا گفته بود، هیچ اتفاقی نمی‌افته و باید تو کشتی بمونن و فقط خودش رو نجات داد.

فاجعه داستان اینجاست که دانش‌آموزان برای مدتی تو کابین‌هاشون حبس می‌شن و می‌فهمن که داره چه اتفاقی می‌افته، برای همین شروع به زنگ زدن و فرستادن ویدیو برای خداحافظی با خانواده‌هاشون می‌کنن، که تو نت موجوده، اما خیلی دردناکه و نبینن بهتره.

بچه‌ها با این که می‌دونستن دارن می‌میرن، می‌خندیدن و بعضیاشون با گریه به خانواده‌هاشون می‌گفتن دوستتون داریم و ما دیگه نمی‌تونم شما رو ببینیم، بعضیا می‌گفتن من آرزو دارم، می‌خوام زنده بمونم و... .

تو کره هر ساله روز ۱۶ آوریل نماد روبان زرد رو نشون می‌دن و همه جا آویزون می‌کنن... برای زنده نگه داشتن یاد اون عزیزان دانش‌آموز.

آخرین فیلمی که دانش‌آموزا گرفتن و آخرین حرفاشون تو یه ویدیو منتشر شد، کاش می‌تونستم براتون بذارمش، ولی یه کم طولانی و غم‌انگیزه. از طرفی یه ویدیو دیگه هم منتشر شد، در این ویدیو دانش‌آموزانی که نجات پیدا کرده بودن، به دیدن خانواده‌هایی رفتن که بچه‌هاشون رو از دست دادن و بهشون دلداری می‌دادن. در این حادثه، یه خانم که سال اولی بود که تجربه معلمی داشت و تو این اردو با بچه‌ها همراه شده بود، تا جایی که می‌تونه بچه‌ها رو نجات می‌ده، اما در نهایت خودش غرق می‌شه و بعد یه پسری بود که می‌تونست زنده بمونه، ولی برای نجات دوستش برمی‌گرده به کشتی تا با دوستش باهم کشتی رو ترک کنن و در نهایت هر دو باهم غرق می‌شن، در آخر کاپیتان این کشتی به حبس ابد محکوم شد، همین‌طور ناخدا و سه خدمه به دلیل قتل متهم شدن و ۱۱ نفر از خدمه این کشتی به جرم ترک کشتی متهم و دستگیر شدن. در اون زمان رییس جمهور توجهی به این اتفاق نکرد و حتی مثل این که دولت گفته بود، کسانی که حتی به خانواده قربانیا کمک کنن، می‌رن تو لیست سیاه و مجازات می‌شن، برای همین با دخالت مردم، رییس جمهور هم به زندان رفت، ناگفته نماند، مدیر مدرسه هم چون خودش رو مقصر این ماجرا می‌دونست و به خاطر فوت شاگردهایش حس بدی داشت، خودکشی کرد.



یه تیکه از متن آهنگ اسپرینگ دی اینه:

چه قدر دیگه باید شب بیدار بمونم که بتونم دوباره ببینمت؟

با این که به عکست نگاه می‌کنم هم،

باز دلتنگت می‌شم،

تو من رو رها کردی، اما حتی یک روز هم نبوده که من به یادت نباشم،

راستش دلم برات تنگ شده،

شکوفه‌های گیلاس شکفتن، زمستون هم رفت،


دلم می‌خواد تو رو ببینم،

اگه یه ذره دیگه منتظر بمونی،

اگه چند شب بیش‌تر بیدار بمونی،

من می‌تونم پیام و تو رو ببینم، تا موقعی که بهار دوباره بیاد،

تا موقعی که گل‌ها شکوفه بززن،

یه ذره بیش‌تر همونجا منتظر من بمون... 



نمی‌دونم خوب توضیح دادم یا نه.

- آره، ممنونم. تو صحبت‌های خودت خیلی به فن واقعی اشاره می‌کنی، از دیدگاه تو یه فن واقعی چه ویژگی‌هایی داره و این که گفتی حمایت‌شون می‌کنی، منظور اینه که آلبوم‌هاشون رو می‌خری؟

از نظر من فن واقعی کسیه که بدون این که انتظاری داشته باشه، ساپورت کنه، دوس‌شون داشته باشه به خاطر خودشون، به خاطر آهنگاشون و تو زندگی واقعی‌شون دخالت نکنه، چون اونا هم انسان ان، اونا هم حق این که اشتباه کنن، حق این که ازدواج کنن، حق این که با هر کی دل‌شون بخواد قرار بذارن، حق این که چی بپوشن، چه کار کنن، چی بخورن، کجا برن دارن، رو دارن، ولی خب کارشون اینه دیگه، پس ما هم باید بهشون احترام بذاریم و درک‌شون کنیم، فن واقعی به نظر من اینه، افراط هم نداشته باشیم و سولو استن هم نباشیم و مقایسه هم نکنیم.

- اگه بی‌تی‌اس منحل بشه، چه اتفاقی برای تو می‌افته؟

امیدوارم همچین روزی نیاد، یکی از دغدغه‌های بزرگ من الان سال دو هزار و بیست و هفته، چون قراردادشون با کمپانی در این سال تموم می‌شه و باید تمدیدش کنن که ایشالله تمدید می‌کنن، نمی‌دونم این رو چه جور ی بگم، چه حسی خواهم داشت اگه منحل بشن، نمی‌دونم، واقعاً حالم بد می‌شه بهش فکر کنم، اگه یه روزی هم منحل بشه، واقعاً باید به نظرشون احترام بذاریم، حتماً خودشون یه چیزی می‌دونستن و این اتفاق افتاده، اما به شخسه برای من دردناکه. برای خیلی‌ها مطمئناً دردناکه، ولی خوب شاید اونا هم باید یه روزی برن پی زندگی‌شون و بازنشسته بشن، امیدوارم گروه منحل نشه، کم کاری رو می‌شه تحمل کرد، ولی این که منحل بشن رو واقعاً نمی‌تونم تحمل کنم، ولی باز تصمیمیه که به اون هفتا بستگی داره که چه تصمیمی بگیرن، شاید اون‌ها چیزایی رو می‌دونن که ما به عنوان یک فن نمی‌دونیم. می‌دونی یه چیز خنده‌داری که وجود داره، دیدی وقتی قند و شکر رو توی چای حل می‌کنید، چای شیرین می‌شه، بی‌تی‌اس برای من اون قند و شکره، درسته از جلوی چشمون قند یا شکر نابود می‌شه، نیست و نابود می‌شه، حل می‌شه، محو می‌شه، ولی چاییم تا همیشه شیرینه، یعنی به شخسه همچین اثری برای من دارن و مزه چای من هیچ وقت عوض نمی‌شه، کسی جاشون رو نمی‌گیره، شاید حتی بهتر از اینا بیان، شاید رو دست اینا بزنن، می‌دونی مثل چیه، مثل این قضیه مایکل جکسونه، شاید الان بخوایم مقایسه کنیم، شاید این حرف من برای خیلیا سنگین بیاد، شاید خیلیا هستن آهنگایی که می‌خونن خیلی بهتره و یه چیز قشنگ‌تر از اون باشه، ولی برای مردم هیچکی مایکل جکسون نمی‌شه، حتی بچه‌هایی هم که به دنیا میان، به یه سنی که می‌رسن، دیگه می‌فهمن مایکل جکسون یه اسطوره هست و هیچ کس جاش رو پر نمی‌کنه برای مردم و هیچ کسی نمی‌تونه طرز فکر مردم رو نسبت به اون عوض کنه و نظر منم نسبت به بی‌تی‌اس همونه، بی‌تی‌اس افسانه هست و اینا هم اسطوره ان و هیچ کس نمی‌تونه جای اونا رو برام پر کنه، ولی نمی‌تونم بگم که گروه‌های دیگه رو نمی‌تونم دوست داشته باشم،

آره، شاید بیان همین الانش هم خیلی‌ها هستند که دوس شون دارم، ولی نه جای بی‌تی‌اس رو نمی‌تونن برام بگیرن یه سری از دنس‌ها و طرز لباس پوشیدن اعضاء هم تو بعضی آهنگا شبیه مایکل جکسونه مخصوصاً آهنگ داینامایت (دینامیت) و باتر (کره).



- درباره عمل‌های زیبایی آیدول‌ها هم توضیح می‌دی؟

بین کشور کره، کشوریه که خیلی آرمان‌گرا هست و خیلی همه چی رو به بهترین صورت می‌خواد و این تو حالت فیزیکی آدم‌ها هم براشون کلاً مهمه و شاخص زیبایی خیلی سختی دارن و خب برای این که آیدول‌ها بیشتر مورد توجه قرار بگیرن یا طرفداراشون بیشتر بشه، اونا رو مجبور به عمل زیبایی می‌کنن، یعنی بیشتر اوقات مجبور به عمل زیبایی می‌کنن، اما خیلی وقتم این اتفاق نمی‌افته یا بعضی وقت‌ها به خواست خود آیدول انجام می‌شه، حالا من در اون حد اطلاعات کافی ندارم، ولی این رو می‌دونم برای اینه که طرفداراشون بیشتره بشه و خب تو مثلاً ویدیو کلیپایی که می‌گیرن، تو عکس‌برداریا، تو پروژه‌هایی که دارن، حالت جذاب‌تری داشته باشن.

بعد در مورد رژیم لاغری‌شون هم همون طور که گفتم برات، حالت فیزیکی فرد مقابل‌شون خیلی براشون مهمه، خودشون هم مهمه، فرد مقابل‌شون هم مهمه و بعد فکر کن وقتی تو صنعت سرگرمی کار می‌کنی چه طور جذب آدمی می‌شی که تو صنعت سینما مثلاً خیلی جذابه و قشنگه، خب اونا هم همین طوری اند، جذب آدم‌هایی می‌شن که قشنگ‌تر هستن، به خاطر همین صورت و هیكل براشون خیلی مهمه و حتی بعضی وقتا رژیم‌هایی می‌گیرند که به سلامتی‌شون آسیب می‌زنه و حتی یکی از مشکلاتی که الان فندوم ما داره، اینه که ما واقعاً راضی نیستیم که پسرا با رژیم‌های سختی که بعضی وقتا می‌گیرند، به خودشون آسیب برسونن و ما همیشه اعلام کردیم که ما شما رو هر جور که باشین دوست خواهیم داشت و داریم، آه!!!!!! من چندتا از ویدیوهایی رو دیدم که خود کره‌ای‌ها داشتن حرف می‌زدن و می‌گفتن که فرهنگ‌شون این مدلیه که همه کارا باید بدون نقص و سریع انجام بشه، همون طور که تو آسیای شرقی و جنوب شرقی این مدلیه که معماری‌هاشون هم از قبل آماده هست و مثل ماکت سر هم می‌شه.

- یعنی می‌گی این قضیه ظاهر هم تأثیر گرفته از فرهنگ‌شونه، درست گفتم؟

آره، دقیقاً.

- این که رو رژیم غذایی یا تیپشون حساس هستن، باعث نشده تو هم به طور وسواس گونه‌ای به این قضیه نسبت به خودت نگاه کنی؟ نه اونا شغلشون ایجاب می‌کنه، شاید از استایلاشون خوشم بیاد، ولی خودم رو مجبور نمی‌کنم.

- اوهوم. نظرت درباره فن فیکشن‌ها چیه؟

نظر بدی راجع بهشون ندارم، کلاً تا جایی که به نظر من حریم شخصی اون آیدول حفظ بشه، چیز بدی نیست اتفاقاً بعضی وقتا خودمم شیپ می‌کنم و شیپشون رو هم خیلی دوست دارم ایشالله به هم برس.

- قصد مهاجرت یا مسافرت به کره رو نداری؟

دوست دارم فقط مسافرت کنم.

- خیلی‌ها می‌گند کی‌پاپ که به موسیقی پاپ کره جنوبی گفته می‌شه، صرفاً همون پاپ هست و کره چیز جدیدی تولید نکرده که اسمش رو بگذاره موسیقی کره جنوبی، نظرت در این مورد چی هست؟

آره، بین موسیقی اصیلشون خیلی ریتمیک و آروم‌تر از اون چیزیه که وجود داره تو موزیک دجیتای شوگا هم به کار رفته، اگه ما صرفاً می‌گیم کی‌پاپ منظورمون این نیست که موسیقی کره یه نسل نوین و جدیدی از موسیقیه، منظورمون اینه که این پاپ، محصول کشور کره هست. البته استایلائی که تا سه، چهار سال پیش توی موزیک ویدیوهاشون بود، هم‌هاش از استایلائی جدید و بروز امروزی بود و از برندهای جهانی معروف استفاده می‌کردن، اما جدیداً لباس‌های جدیدی اضافه شده که بهش می‌گن هامبوک مدرن، همون طور که می‌دونی هامبوک لباس سنتی کره هست، از همون پیراهن‌ها یا مثلاً بلیزهای مردونه و شلوارهای گشاد یا پیرهن‌های بلند که برای زنها هست و جدیداً مدرنش کردن و ازش استفاده می‌کنن تو موزیک ویدیوهاشون و یک نوع تلفیق حتی تو آهنگ دجیتا هم شوگا لباس سنتی مشکی پوشیده.



- عکس‌هاش رو می‌تونم برام بفرستی؟

آره.



این عکس برای آهنگ اگوست دیه شوگا هست.



- درباره آهنگ دچیتا شوگا هم توضیح می‌دی چون اشاره کردی که هم توش از موسیقی و هم از لباس سنتی شون استفاده شده. آره، کلاً این موسیقی و تئوریاش خیلی به فرهنگ و سنت کره مربوط می‌شه. اول از همه دچیتا یه **Murching music** هست. یعنی برای ورود پادشاه می‌زدن، یعنی کلاً برای ورود پادشاه بوده و وقتی می‌خواستن برن استقبال شاه یا وقتی شاه وارد می‌شده یا شاه مهمونی داشته، اون موقع می‌زدند. توی اول موزیک ویدیو وقتی شوگا داره از بازار رد می‌شه، لایه‌های اصلی کاراکتر رو نشون می‌ده، در واقع این مفهوم رو می‌رسونه یه آدم عادی از دل قشر پایین جامعه که پر هرج و مرج هست و اتفاقای زیادی در اون می‌افته، بی‌اعتنا به اطرافش داره مسیر خودش رو می‌ره و براش مهم نیست، چه اتفاقی داره اطرافش می‌افته، هدفش براش مهمه. کلاً این قسمت داستان خوبی رو بیان می‌کنه. سه‌تا نکته توی لیریک آهنگ هست، می‌گه گذشته‌ات رو بذار تو جعبه برنج این اشاره می‌کنه به یه داستانی که توی کره هست شاهزاده‌ای هست به اسم سادو که پدرش شاه بوده به دلایلی تصمیم می‌گیره این رو بندازه تو یه باکس برنج و این سادو بعد یه مدت از گرسنگی و تشنگی

می میره. دومین نکته اش اینه که می گه من توی یک گودال به دنیا اومدم، اما به یک اژدها بزرگ تبدیل شدم یه ضرب المثل کره ای هست که می گه یه مار ۱۰۰۰ سال طول می کشه تا یه اژدها بشه، این داره به سخت کوشی شوگا اشاره می کنه تو اون مسیر هنری که طی کرده، یعنی با همه تلاش هاش تونسته از یه آدم سطح پایین تبدیل بشه به یک پادشاه، سومی هم به یک شاه اشاره می کنه، پانزدهمین شاه سلسله چوسانه که یک رعیت میاد جای شاه رو می گیره و یه چیزیم هست تو تاریخ کره، هر کسی که یک زخم داشته باشه رو صورتش، نمی تونه پادشاه بشه، اما اگوست دی تو موزیک ویدیو یک زخم داره روی صورتش و با این حال شاه شده، همون طوری که تو عکس برات فرستادم.

تئوری که کاملاً از توی ذهن خودم میاد و خیلی دوشش دارم، دقت می کنم می بینم که درسته، چون وقتی بعد نشستیم فکر و بررسی کردم، کاملاً این قضیه اومد توی ذهنم، توی شو بیزینس کره سه تا کمپانی وجود دارد که بزرگ ترین کمپانی های لیبل (عنوان) موزیک کره هستن و اکثر آرتیست ها و بندهای موزیک که دارن کار می کنن و معروف شدن، مخصوصاً تو سطح اینترنشنال، تحت لیبل این سه تا کمپانی ان، یعنی چی بیایم این جوری در نظر بگیریم که اونا خانواده سلطنتی ان، قشر سلطنتی ان و هر کسی بخواد پادشاه بشه هر کسی می خواد موفق بشه باید توی این قشر قرار بگیره، اما بی تی اس این اتفاق براش نمی افته بی تی اس یه بندیه که خودشون شروع کردن با یک لیبل دیگه، به جز این سه تا شروع به کار کردن و همون موقعی که شروع کردن بهشون گفتن که شما بازنده اید، ته داستان معلومه شما باختید، چرا چون جزو سه تا کمپانی نیستید، این گوشه ها دارید برا خودتون کار می کنید، همین جاها هم می مونید، اما چیزی نگذشت که تبدیل شدن به بزرگ ترین بوی بند جهان تبدیل شدن، به پادشاه اگوست دی که رعیت بود، جزو خانواده سلطنتی نبود، اما اومد و تبدیل به پادشاه شد و بعد معروف شد، به قدری معروف شد که کل دنیا به عنوان بزرگ ترین بوی بند جهان بهشون لقب دادند.

بعد زخم روی صورت چیه، به نظر من اون زخم هایی در طول مدت کارشون و مخصوصاً اول شروع کارشون هیتراها و آدمای دیگه مدیا وارد کردن به اعضای بی تی اس، اون زخم جاش موند، اما گروه موفق شدند در شرایطی که قرار نبود موفق بشن هیچ رعیتی و هیچ کسی که زخم روی صورتش باشه، قرار نیست موفق بشه اما بی تی اس این کار رو کرد و شد.



یک موضوع دیگه هم که تو موزیک این رو می گه، می گه این مسخره بازیای تلنت شو رو جمع کنید، کسی که استعداد داشته باشه، خودش میاد بالا و احتیاجی به این کارا نیست کسی که کارش رو بلد باشه، خودش میاد بالا اون اتفاقه براش می افته، هم به هیترا یه جوابی داده هم به بقیه لیبل ها و کمپانی های قدرتمند کره و کل کل ادامه داره. برداشت شخصی من اینه نمی تونی بگی صددرصد درسته، ولی درمیون گذاشتمش

و خوشحالم این دقیقاً نشون می‌ده، آدم تو هر شرایطی می‌تونه موفق بشه، اگر استعداد و توانایی و پشتکارش رو داشته باشه و این امیدیه که به همه آرمیا می‌دن اینا.

- نظرت درباره این که خلیا می‌گن این گروه و کی‌پاپ رواج دهنده جنسیت‌زدایی از آرایش و پوشش و عشق هست، چیه؟
واقعیتش خیلی موافق این حرف نیستم، چون به نظرم اصلاً ربطی نداره و این که هر کی، هر چی دلش بخواد می‌تونه بیوشه یا انجام بده، نمی‌دونم شاید چون این طوری فکر می‌کنم زیاد نمی‌تونم این جمله رو درک کنم اما من تا کسی بهم آسیب نزنه مهم نیست که چه کار می‌کنه.



- آیا در کل بی‌تی‌اس از جامعه ال‌جی‌بی‌تی حمایت می‌کنه؟

آره خب، تو کنسرت‌ها اکثراً این اتفاق می‌افته که با نوع پوششون حمایت‌شون رو از جامعه ال‌جی‌بی‌تی نشون می‌دن، مثلاً دامنی که شوگا توی مجله وگ پوشید و یا جونگ‌کوک که پرچم ال‌جی‌بی‌تی رو گرفته و نامجونم که لباس دامن‌طور پوشیدن.



یه بحثی هم که هست، می‌گن جیمین به حمایت از جامعه ال‌جی‌بی‌تی موهاش رو این رنگی کرده برای موزیک ویدیو، البته من مطمئن نیستم و این فقط یک تئوری هست که آرمیا می‌گن، وگرنه شاید دوست داشته موهاش رو این شکلی کنه.



- این که گفتمی باید از اون هنرمند حمایت بشه، منظورت اینه که مثلاً آلبوم رو بخری و تهیه کنی؟
واقعیش نه، من نه مرچی (زیورآلات یا وسایل مربوط به بی‌تی‌اس) ازشون دارم، نه آلبومی ازشون خریدم، اما خیلی راه‌های دیگه هست که می‌تونیم ازشون حمایت کنیم، مثلاً می‌تونیم بشینیم استریم بزنینم، حالا تو اسپاتیفای، تو یوتیوب، آپ استور، آپ پلی خیلی جاها منظورمه، می‌تونیم اینجاها بشینیم، استریم بزنینم و خب این یه نوع حمایت کوچیکه که می‌تونیم انجام بدیم، چون ما این شرایطت رو در ایران نداریم که بتونیم آلبوم اصل رو مستقیم از خود کمپانی بخریم و باید در این رابطه به هزار و یک‌جور واسطه متوسل بشیم که من به شخصه نخردم.

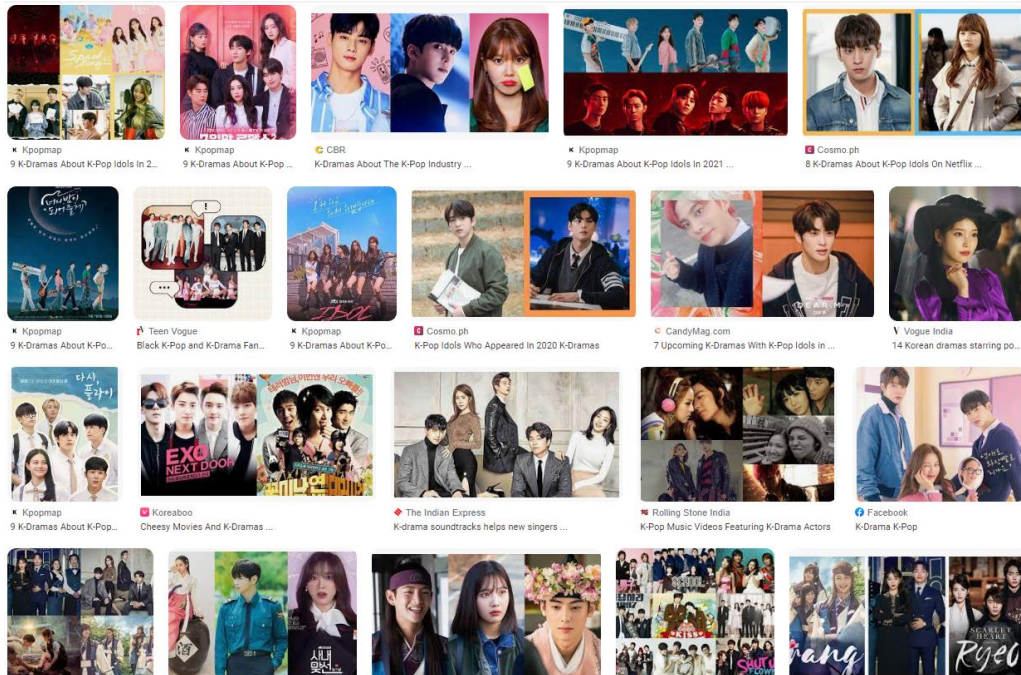


حالا خیلی‌ها معتقدند این که آدم طرفدار کی‌پاپ باشه، باعث می‌شه استانداردهاش بالا بره، مثلاً بعضی‌ها هستند که پارتنرهاشون شاکی هستند از این که اون کسی که باهاشونه، به بی‌تی‌اس خیلی علاقه‌اش زیاده و این آسیب می‌زنه به رابطه‌شون.
من این که آدم استانداردهاش بالا می‌ره رو قبول دارم. حالا شاید برای خیلی‌ها از نظر تیپ و قیافه استانداردهاشون بره بالا، ولی برای خود من از لحاظ اخلاقی خیلی رفته بالا و بیش‌تر دنبال کسایی هستم که به مثلاً طرز فکر، به نوع پوشش و به چیزایی که دوست دارم، احترام بگذارند،

ولی این که مثلاً بگم نه، حتماً باید قشنگ باشه، حتماً باید قدش فلان باشه، نه من این طور چیزا رو نداشتم، اما بعضی چیزا رو هم دیدم به چشم خودم که به نظرم درست نیست، مثل این که یکی به طرف خودش بگه، تو باید به شکل اون باشی و توی روابطشون سر این موضوع به مشکل خوردن.

- نظرت درباره اثرات متقابل کی‌درام و کی‌پاپ چیه هست؟

بین من خودم از سوم دبستان کی‌دراما نگاه می‌کردم و تأثیری که این دو تا رو هم دارند به نظرم یه رابطه دو سویه هست، یعنی هم کی‌پاپ باعث گسترش کی‌دراما شده، هم کی‌درام باعث گسترش کی‌پاپ شده، ولی نکته‌ای که وجود داره اینه که هر کدومشون تو حوزه خودشون به طور جدا موفق ان، به نظر من اگه الان صنعت کی‌پاپ یا کی‌دراما داره رشد می‌کنه و اون قدر تو جهان معروف و معرفی شده به خاطر اینه که یه برنامه‌ریزی اصولی داشتن. شما اگه بری سریال‌های اولیه مثلاً کره رو نگاه کنی به جرأت می‌تونم بگم که خیلی چرت و خنده‌دارن، ولی رفته‌رفته هی درست شده، هی نقاط ضعفش رو پوشش دادن، هی تو فکر این بودند که چه جوری گسترشش بدن، چه جوری آهنگاشون رو بهتر کنن و پله، پله، واقعاً به نظر من پیشرفت کردن.

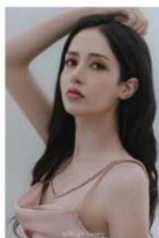


- در مورد آودیشن‌ها اطلاعاتی داری؟

نه، من در مورد آودیشن‌ها زیاد اطلاعاتی ندارم، اما می‌دونم خیلی زیاد شده طوری که خیلی از بچه‌های ایرانی به سمتش رفتن. بعد مدل‌های زیادی از ایرنیا هستن که توی کره فعالیت می‌کنن.



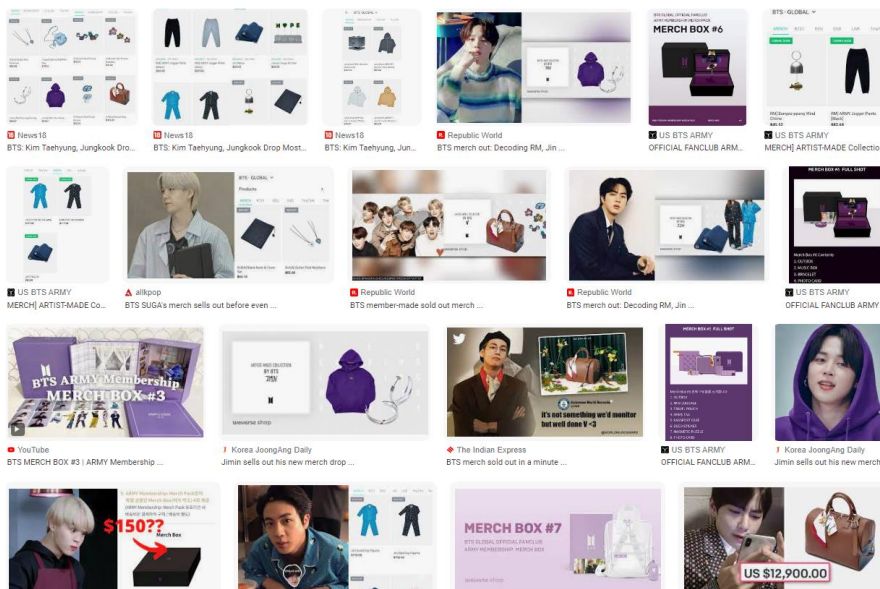
نام هدی نیکوسن 25 وزن 49 قد 168
 ملیت ایرانی ساکن اهورا بوده و الان ساکن
 استول هس و مشغول ب کار مدلینگ و بازیگری
 هست. هدی تک فرزندمه رشتمش کامپیوتر
 هس. هدی برای دیدن اکسو ب کره جنوبی رفته
 بود و در همان سال شروع ب کار مدلینگ و
 بازیگری کرد. هدی جون په فیلم سینمایی نام
 همسایه شوک بازی کرده و هدی در کمپانی
 مدلینگ Yegartam هست



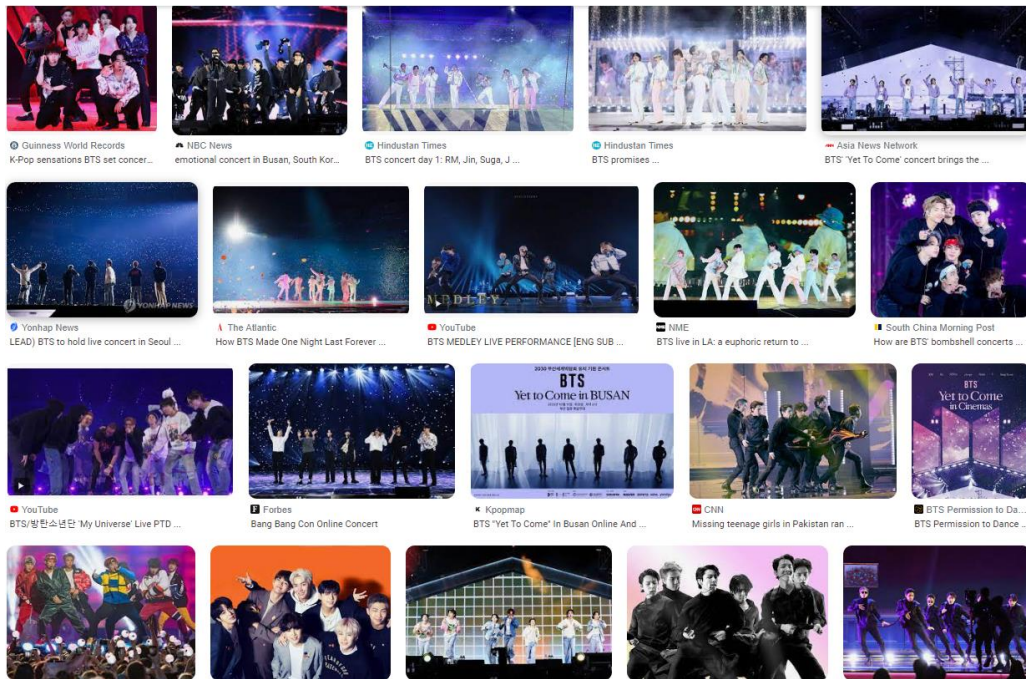
نام غزل ملیت= ایرانی ساکن کره جنوبی سن: 22
 قد: 166 وزن: 43 متولد: 1377 مهر رنگ مورد
 علاقه: زرد و صورتی و اینکه F ساله هست
 کره

– آیا آیدولها برند مخصوص خودشون رو دارند؟

تا اون جایی که از اعضای بی تی اس خبر دارم خیر، برند خودشون رو ندارند، اما برادر یکی از اعضاء برند داره، برادر جونگ کوک برند لباس داره که جونگ کوک هم از برادرش حمایت می کنه و همین در این حد، برند خاصی هم ندارند اما مثلاً مرچهایی بود که اعضاء طراحی کردند و گذاشتن برای فروش تحت مثلاً برندهای دیگه یا تحت سایت های معروف و تحت یه سایت معروف و خاص. من احساس می کنم از بی تی اس داره بیشترین سودآوری ممکن به عمل میاد به این صورت که حتی تو مرچهایی هم که می سازن به یه سایتی ارایه اش می کنن و اون سایت کلی سود می کنه.



– اشاره کردی اونهایی که حالا برای اعضای بی تی اس یا برای کی پاپ حاشیه درست می کنند، اینها از نظر تو اصلاً جزء طرفدارها به حساب نمیان، می خواستم ببینم این حاشیه ها در چه چیزی ریشه دارند و اصلاً برای چی به وجود میان؟
 در مورد این که ما اینا رو طرفدار به حساب نمیاریم، بلکه طرفدار به حساب نمیاریم، چون که داره هم به فن دوم آسیب می زنه، هم به آیدول آسیب می زنه، به نظرم این مسایل ریشه توی جلب توجه دارند (با شدت این حرف را بیان می کند) هی می خوان مقایسه کنند کی بهتره، کی بدتره، ولی به نظر من همه شون توی جایگاه خودشون بهترین هستن.

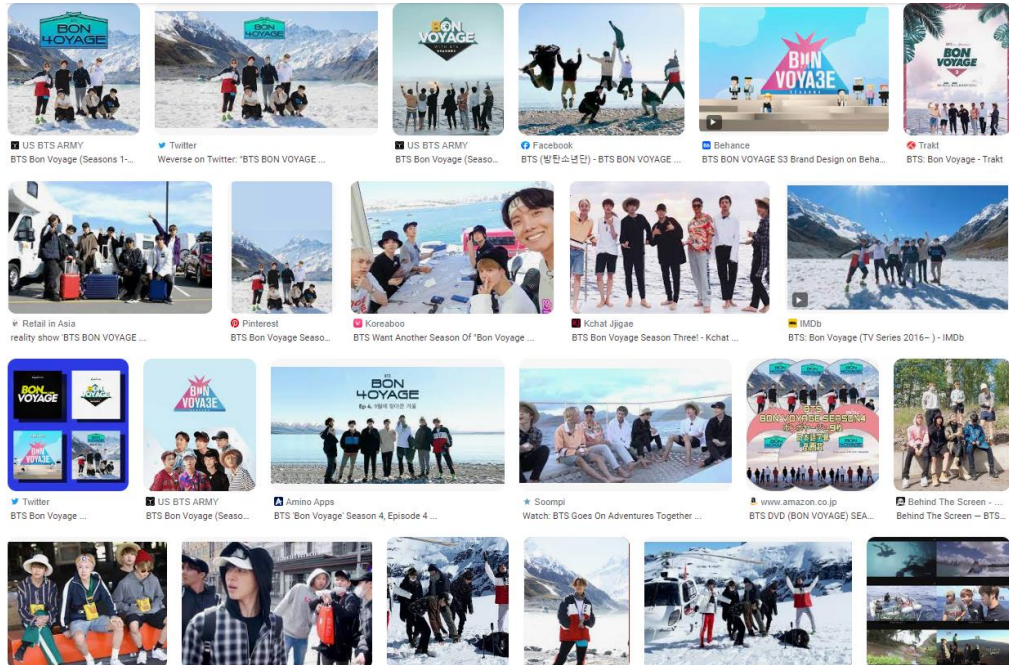
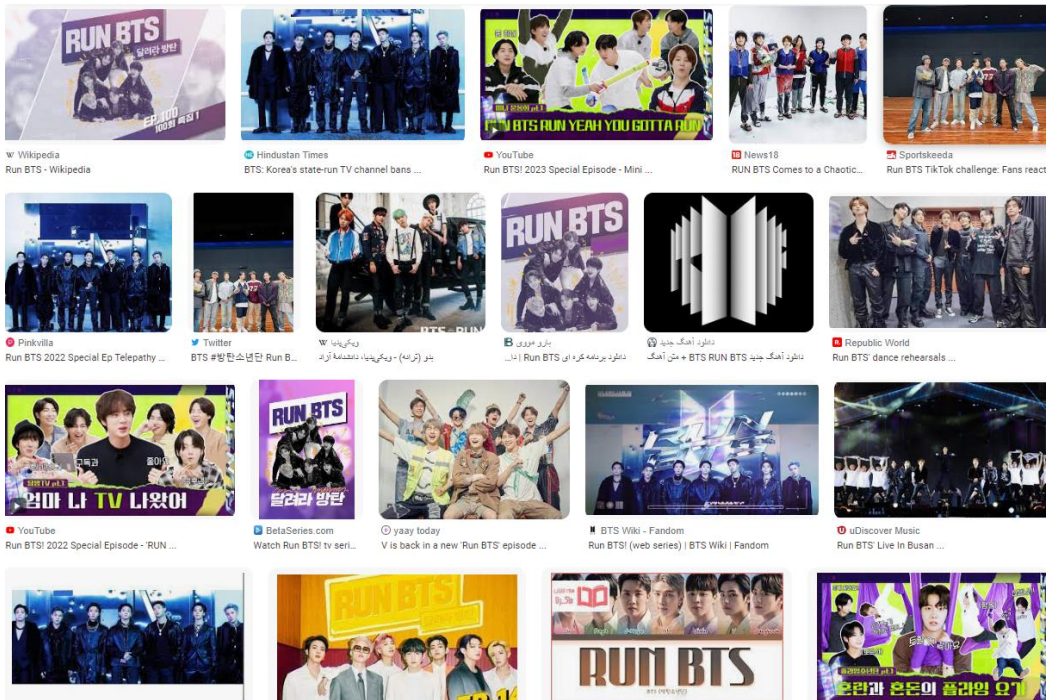


- درباره فن سرویس بهم توضیح می‌دی، اگر اطلاعاتم درست باشه آرمی‌ها یک‌سری گروه تشکیل دادن برای خودشون که متشکل از وکیل و پزشک و نظایر اون‌ها هست که به مشکلات هم رسیدگی می‌کنند، می‌شه در این باره بهم توضیح بدی؟

درباره فن سرویس باید بگم، به سری فنا وجود دارند که سرویس‌های خاصی بهت ارایه می‌دن و همین‌طور که الان خودت گفتی، آره، آرمیا به سری گروه تشکیل دادن که از وکیل و پزشک گرفته تا آشپز و نانوا در اون‌ها وجود داره که واقعاً به هم کمک می‌کنند و بیشتر تو توییتر این حالت هست، حتی یک بار یکی از آرمیا اگه اشتباه نکنم، خون نیاز داشت، نمی‌دونم برای پدر بزرگش یا یکی دیگه اعضای خانواده‌اش بود و یکی از اعضای بی‌تی‌اس اون تویییتی که اون آرمی زده بود رو ری تویییت می‌کنه و از آرمیا می‌خواد که اگه می‌تونن برن و به اون آرمی خون برسون.

- درباره برنامه‌هایی که بی‌تی‌اس داره، مثل ران بی‌تی‌اس و این‌ها و لایوهای به خصوصی که می‌گذارن، توضیح می‌دی؟

در مورد برنامه که «ران بی‌تی‌اس» معروف‌ترین شونه، اما خیلی چیزای دیگه داریم مثلاً «بن‌ووایج» داریم که مثلاً اینا چند روز می‌رن مسافرت و «بی‌تی‌اس این د سوپ» داریم که اونم یه همچین حالتی داره تو برنامه‌های دیگه شرکت می‌کنن، «ری‌تالییتی شوها» بودن، وی لایو می‌رن، «لایو» می‌ذارن خیلی از این‌ها رو داشتیم ما یه چیزی مثل «فستا» داریم که هر ساله جشن می‌گیریم و این طوری که سالگرد هر ساله دیو بی‌تی‌اس و کانسپت‌های جدید به ما می‌دهند، بعضی وقت‌ها آهنگ حتی می‌خونن لایو گروهی می‌رند و بعد هر نامزدی یا بعد هر مسابقه‌ای که برنده می‌شن یا مثلاً چیزی دریافت می‌کنند یه لایو گروهی می‌رند برای تولداشون لایو می‌گیرن بعضی وقتا، خیلی از اینا رو داریم.



Tattler Asia
BTS 'In the Soop' Estate ...

Wikipedia
BTS In the Soop - Wikipedia

Twitter
IN THE SOOP Official on Twitter ...

مگرت
... BTS In The SOOP آهنگ ترجمه آهنگ ...

The Cinematic
BTS In The Soop Season 3 Release Date ...

Etsy In stock
BTS In the Soop Photocards - Etsy

YouTube
In the SOOP BTS ver.] Official Teaser 1 ...

Dailymotion
ENG] BTS In the SOOP Ep.1 (Part 1/2 ...

BTS Wiki - Fandom
In the SOOP BTS ver./Galler...

IMDb
In the SOOP BTS Ver. (TV Series 2020 ...

Facebook
BTS In The SOOP

Kpopping
200901 [Behind cut] In The SOOP BTS ver. ...

Koreaboo
Best 'BTS In The SOOP' Moments ...

اپرات
BTS In The SOOP

Sportskeeda
List of all BTS variety shows: Run BTS ...

Pinterest
BTS Reality TV Show has surprises for ...

Twitter
namjoon lyric on Twitter: 'For ...

Distractify
BTS Is Getting a Reality Show, and Fans ...

Music Mundial
reality show 'BTS in the SOOP' ...

Amino Apps
Complete list of BTS variety/tv shows ...

PRESSREELS
Reality Show will Air on JTBC Starting ...

GMA Network
BTS to release a nature-themed reality ...

Koreaboo
BTS's Own Show 'Run BTS!' To Be ...

Amino Apps
Complete list of BTS variety/tv...

Korea JoongAng Daily
Second season of BTS r...

중앙일보
BTS More Often on Variety Shows ...

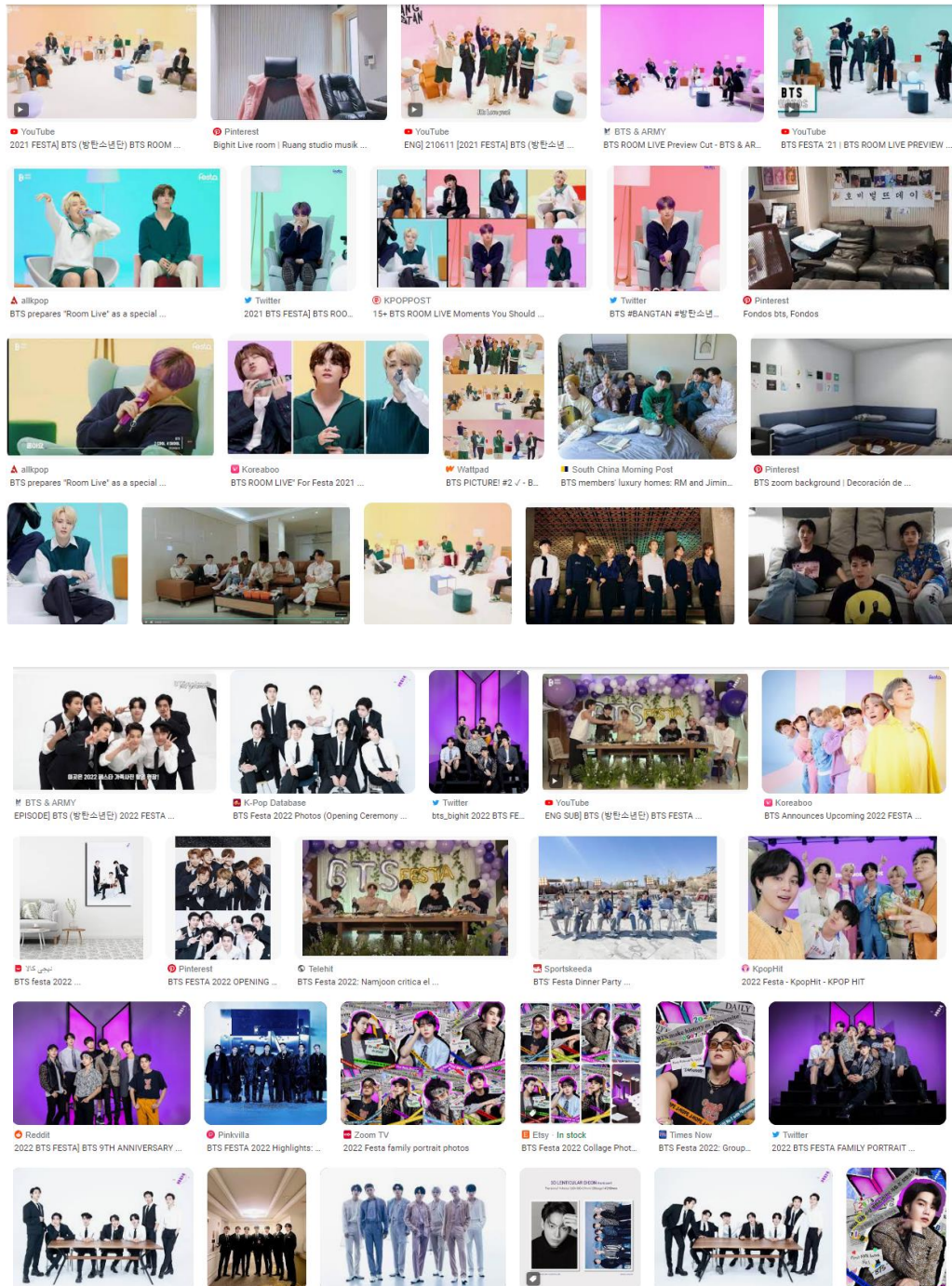
KBIZoom
BTS Will Return To The TV Show After 4 ...

PAPER Magazine
A BTS Reality Show Is in the Works ...

Distractify
BTS Is Getting a Reality Show, and Fans ...

Related searches

- bts shoes
- run bts



- همه برنامه‌ها رو هم دیدی؟

آره 😊😊

- به نظرت بی‌تی‌اس به طور کل چه نقشی تو اشاعه فرهنگ کره در دنیا داره؟

به نظرم اینا اولین آسیایی‌هایی بودند که این قدر تو سطح جهان معروف شده‌اند، قطعاً نه تنها تأثیر روی گسترش فرهنگشون تو سطح جهان داشتن و خیلیا با کشورهای آسیایی آشنا شدند.

- گفتم بی‌تی‌اس به مخاطبانش خیلی اهمیت می‌ده و هیچ‌جا فراموششون نمی‌کنه، می‌شه چندتا مثال بزنی برام؟

نامجون لیدر گروه یه بار به آرمیا گفت، از بی‌تی‌اس استفاده کنی تا خودتون رو دوست داشته باشید همون طور که ما به واسطه شما خودمون رو دوست داریم این رابطه یه رابطه فراتر از موسیقیه.



- یعنی یه جورایی بی‌تی‌اس معنای زندگی‌ش رو توی آرمیا پیدا کرده؟

آره. بعد این که بله، به مخاطبانش خیلی اهمیت می‌ده، تو اگه بری مصاحبه‌هاشون رو ببینی یا موزیک ویدیوهاشون رو ببینی، همه جا اسم ماها هست، همه جا نوشتن آرمی یا تو لیریکاشون هستیم یا تو پشت صحنه یعنی ما همه جا همراهشون بودیم، همیشه توی مصاحبه‌های که داشتند، از ما تشکر کردند و خیلی جاها می‌رفتن به آرمیا کمک می‌کردن، مثلاً چه جور یه بگم مثلاً یه دختری بود که مریضی قلب داشت و نمی‌تونست نفس بکشه و آرزوی دیدن اینا رو داشت، براش بلیت فرست کلاس فرستادن، هزینه کل سفرش رو دادن و حتی در کنسرت باهاش عکس یادگاری انداختند و یا یکی که معلول ویلچری بود به کنسرت رفته بود، یکی از اعضای می‌ره اون جا دستش رو بوس می‌کنه و ازش تشکر می‌کنه که به کنسرت اومده.



- می‌تونن لیریک موسیقی که درباره آرمی صحبت کردن رو برام بفرستی؟

حتماً. این لیریک آهنگ «ما ضدگلوله هستیم» هست.



ما چیزی جز رؤیاها نداشتیم،
وقتی چشمانمان را باز کردیم هیچ چیز جز هوای مه‌آلود نبود،
تمام شب رو بیدار موندیم تا برقصیم و آواز بخونیم،
با نت‌های موسیقی بی‌پایان،
آی، ما شجاعانه فریاد می‌زنیم،
همه چیز را دور بیندازید،
اول با دنیا بجنگید،
نمی‌خواهم بمیرم،
اما خیلی درد داشت،
خیلی زیاد گریه می‌کنم،
تیغه‌ها را خیلی محکم کنید،
ما فقط هفت نفر بودیم،
اما حالا همه شما را داریم (آرمی)،
بعد از هفت زمستون و چشمه‌های آبگرم،
با نوک انگشتانم که به یکدیگر پیچیده شده بودند،
آره، ما به بهشت رسیدیم،
به طرف من سنگ پرتاب کن،
ما دیگر نمی‌ترسیم،
ما تا ابد هستیم، ضدگلوله،
بله، ما شما را داریم،
حتی اگر زمستان دوباره بیاید،
حتی اگر جلوم رو گرفته باشن، باز هم راه می‌روم،
من همیشه فکر می‌کنم،
من هنوز خواب می‌بینم؟

راستی بهار است؟
یعنی بعد از زمستون طولانی؟
نامی^۱ که همه به آن خندیدند.
اون یه بار خجالت کشید،
این مدرک مهمی است،
مدرک ضد گلوله،
ما تا ابد هستیم، ضد گلوله،
(بله، ما به بهشت می‌رسیم).
آره، ما تو رو داریم،
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش تریم)،
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش تریم)،
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش تریم).



اینم برای آهنگ «جوان برای همیشه»:

^۱ - گروه بی‌تی‌اس یا پسران ضد گلوله



وقتی پرده‌ها میاد پایین، نفسم بند میاد،
همین طور که نفس می کشم، حس درهمی دارم،
امروز اشتباهی کردم؟
تماشاچی‌ها چه طور به نظر می‌رسیدن؟
خوشحالم از کسی که الان هستم،
کسی که می‌تونه بقیه رو به فریاد دربیاره،
نمی‌تونم این احساسات رو به این راحتی ول کنم،
هنوز رو صحنه‌ی گرم و خالی هستم،
وقتی رو صحنه‌ی گرم و خالی بودم،
از خلاء (خالی بودن، پوچ بودن) وحشت کردم،
این احساسات عجیبم با زندگی لب مرزم،
وانمود می‌کنم که یه کودنم،
این اولین بار نیست، دارم بهش عادت می‌کنم،
با این که می‌خوام پنهانش کنم، ولی نمی‌تونم،
بعد از این که اجرا تموم شد،
فقط صندلی‌های خالی باقی می‌مونن،
دارم به خودم دلگرمی می‌دم،
که هیچ دنیای کاملی وجود نداره،
دارم خودم رو خالی می‌کنم،
تا کی می‌تونم صاحب این تحسین و کف‌های بلند باشم،
خیلی بی‌شرمانه اینا رو به خودم می‌گم،
و صدات رو بیش‌تر ببر بالا،

حتی اگه هیچ طرفداری (تماشاچی، مخاطبی) تا ابد وجود نداشته باشه به خوندن ادامه می‌دم،
امروز فقط می‌خوام برای همیشه خودم باشم،
می‌خوام برای همیشه جوان بمونم،
برای همیشه ما جوونیم،
زیر بارون گلبرگ گلا سرگردان تو ماریپیچ زندگی می‌دوم،
برای همیشه ما جوونیم،
حتی وقتی می‌افتم و آسیب می‌بینم،
به سمت رؤیاهام به دویدن ادامه می‌دم.



توی این آهنگ هم خیلی صادقانه احساساتشون رو بیان کردن و این باعث صمیمیت بیشتر هم می‌شه.
- بالاتر گفتمی که بی‌تی‌اس می‌خواست تو سال دوهزار و هیجده دیس‌بند بشه، به نظرت چی باعث شد که این گروه باهم باقی بمونن؟
بین اینا دو هزار سیزده دیبو می‌کنن و تا دو هزار و هیجده نزدیک پنج سال خب، اون موفقیتی که می‌خواستند رو به دست نیآورده بودند و حتی تو کره هم اون طوری که می‌خواستن معروف نبودن، اما خب یهو همه چی عوض می‌شه و ورق به نفع اینا برمی‌گرده، اما به نظرم اگه اینا موندن و کنار همدیگه موندن و دیس‌بند نشدن و از هم جدا نشدن، این بود که همدیگه رو باور داشتند، با این که شاید مثلاً اخلاقیات متفاوتی هر یک از اعضاء نسبت به یکی دیگه داره، اما همدیگه رو باور داشتند و خیلی جاها تو مصاحبه‌ها بوده که مثلاً اعضاء به هم می‌گفتن چون تو هم تلاش کردی، ما الان اینجاییم و به نظرم این خیلی قشنگه.

- کدوم جمله از هر یک از اعضاء تو ذهنت هست و چرا؟

زندگی قهوه تلخیه که من هیچ وقت سفارشش نداده بودم از آر. ام چون وقتی به مشکلات زندگی فکر می‌کنم، می‌بینم که هیچ وقت به اراده من نبوده، از این نظر که جغرافیایی که دارم توش زندگی می‌کنم، طرز تربیتی که تو خانواده داشتیم، اینا هیچ کدوم دست من نبوده، در حالی که برای دختری به سن من در صدها کیلومتر دورتر، شاید دغدغه‌های من براش یه جوک تلقی بشه و براش بی‌معنی باشه. من خودم دلیل تمام شادی‌ها و غم‌های خودمم از آر. ام.

این جمله نشون می‌ده درسته در خیلی از کارهای زندگی دخیل نیستیم و نمی‌تونیم تغییرشون بدیم، ولی این باز انتخاب ما هست که چه جوری واکنش نشون می‌دیم به اون وقایع‌ها و رمز و راز حال خوب و بدمون در خودمونه نه دنیای پیرامون. آدم‌ها عوض می‌شن، همون طور که من عوض شدم.

تو این دنیا هیچی به عنوان همیشگی وجود نداره، از شوگا.

این جمله هم کمک می‌کنه آدم راحت‌تر با تغییر مواجه بشه، چون ماهیت جهان تغییره.

نمی‌تونید وارد زندگی یه نفر بشید، کاری کنید احساس خاص بودن بکنه و بعد ترکش کنید، از وی.

این جمله هم باعث می‌شه بیش‌تر به روابطمون اهمیت بدیم و برای احساسات دیگران ارزش قایل بشیم

باهم خندیدن باهم گریه کردن انگار همین احساسات ساده همه چیزم بود، از جونگ کوک.

این آهنگ رو بی‌تی‌اس برای آرمی خونده که یه بخشیش رو می‌فرستم برات:

با صدای محوت که مثل نسیمی از کنارم رد می‌شه،

لطفاً فقط یک‌بار دیگه اسمم رو صدا بزن،

یا این که زیر غروب یخ زده خورشید ایستادم،

ولی می‌خواستم قدم به قدم به سمتت پیام،

هنوز با توام،

باهم می‌خندیدیم، باهم گریه می‌کردیم،

حدس می‌زنم این احساسات ساده همه چیز من بودن،

اگه می‌دونستم یک روزی این طوری می‌شه،

ازش بیش‌تر در خاطراتم جمع می‌کردم،

قراره کی باشه؟

اگه بتونم دوباره تو رو ملاقات کنم؟

می‌خوام به چشمت نگاه کنم،

و بگم، دلم برات تنگ شده،

در خاطراتی که خیلی درخشان بودن،

بارون می‌باره، حتی زمانی که تنهایی می‌رقصم،

وقتی این مه از بین بره،

با پاهای خیس شده به سمتت می‌دوم،

پس اون موقع من رو در آغوش بگیر،

اون ماه تنها به نظر می‌رسه،

چون جوریه که انگار داره درخشان توی آسمون شب اشک می‌ریزه،

حتی با دونستن این که صبح از راه می‌رسه،

می‌خواستم مثل ستاره‌ای توی آسمونت جا بگیرم.

still with u هم کلاً آهنگی هست که چونگ کوک برای آرمی خوانده و باعث شده خیلی با بی‌تی‌اس صمیمی‌تر بشیم، همون طور که لیریک آهنگم برات فرستادم بالاتر تأثیر این آهنگ هم روی من این جور بود که باعث شد بفهمم همین احساسات و لذت‌های کوچیک تو زندگی هستن که باید از شون لذت برد، قرار نیست اتفاق خاصی بیفته.



نیازی نیست همگی مثل هم باشیم، پس چرا متفاوت بودن جرمه از جیهوپ.

یادتون باشه دوست داشتن خودتون شروعی برای عشق حقیقیه، از جین.

اگه فکر می‌کنید کسی شما رو درک نمی‌کنه این رو بدونید یه پسر تو کره جنوبی شما رو درک می‌کنه، از جیمین.

There is no language barrier when it comes to music. We also listen to songs of various languages that we don't understand. Music is a medium that connects people. And we thank ARMY for enjoying our songs even though they don't speak the language.

یعنی وقتی بحثه موسیقی باشه، زبان هیچ حد و مرزی ایجاد نمی‌کنه. ما همچنین به آهنگ‌هایی با زبان‌های مختلف گوش می‌کنیم که اون زبان‌ها رو متوجه نمی‌شیم. موسیقی رسانه‌ای هست که مردم رو به هم متصل می‌کنه. ما از آرمی تشکر می‌کنیم، چون با این که به زبان ما صحبت نمی‌کنن، به موسیقی ما گوش داده و از اون لذت می‌برن. از کیم سئوکجین.

– جامعه کره اکثراً آتئیست هست، درسته؟

آره.

– آیا بی‌تی‌اس هم همین طوره؟

راجب دین شون صحبت نکردن و من اطلاع دقیقی درباره دین شون ندارم فقط می‌دونم آر ام آتئیسته.

– این قضیه روی تو تأثیری داشته؟

چه ربطی داره، ☺ نه.

فکر می کنی چیزی هست که بخوای اضافه کنی یا نپرسیده باشم.
فکر نکنم.

حالا اگه منم چیز دیگه ای پیدا کردم برات می فرستم.
متشکرم.

تأملی دوباره

بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی پاپ بی تی اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی تی اس)، گروه پسران بی تی اس و هواداران گروه بی تی اس اشاره داشته است.
بنفشه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی پاپ بی تی اس، در مورد کمپانی هایب، به مورد: ارضای هیجانی هواداران و سرگرم کردن هواداران، اشاره داشته است.

بنفشه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی پاپ بی تی اس، در مورد هواداران گروه بی تی اس، به مواردی مانند: ارضای هیجانی هواداران و سرگرم کردن هواداران، احساس دین به گروه، تلاش برای قدردانی از گروه بی تی اس و یافتن هویت جمعی (و شبکه ای)، اشاره داشته است.

بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی پاپ بی تی اس، در مورد گروه پسران بی تی اس، به مواردی مانند: امید بخشیدن، پرداختن به مسایل جامعه (و جامعه جهانی)، تعمیق رابطه با هوادار، سرگرم کردن هواداران، اعطای هویت جمعی، تعمیق رابطه با هوادار و برخورد احساسی با هواداران، اشاره داشته است.
از بیانات اخیر بنفشه ۲۰ ساله، در جمع بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با نیکو، ۱۵ ساله

من یه ویدیو درباره یه فنی دیدم که سالها افسردگی حاد داشت و توی فن ساین به نامجون می گفت که من افسردگی حاد داشتم و توی بیمارستان روانی بستری بودم، ولی بعد که طرفدار شماها شدم، زندگیم تغییر کرد، از بیمارستان مرخص شدم و زندگی خودم رو دوباره شروع کردم.

- سلام نیکو!

سلام.

- از این که قبول کردی برای مصاحبه وقت بگذاری، متشکرم.

نه، این چه حرفیه.

- نیکو جان کلاس چندم هستی؟

من کلاس هشتم هستم.

- سطح اقتصادی خانواده شما چه طور هست؟

سطح اقتصادی خانواده ما متوسطه.

- خانواده شما از لحاظ اعتقادی چه طور هست؟

ما خانواده مذهبی‌ای نیستیم.

- خوب حالا چند وقته که کی‌پاپی؟

سه سال و نیمه، یعنی از ۱۱، ۱۲ سالگی به بعد.

- چه جوری با کی‌پاپ آشنا شدی؟

من از طریق دوستانم با کی‌پاپ آشنا شدم. اولین گروهی که دوستش داشتم بی‌تی‌اس بود، بعدش از بلک‌پینک خوشم اومد و گروه‌های دیگه،

ولی اون اول از طریق دوستانم باهاشون آشنا شدم.

- دوستت چه جوری تو رو با کی‌پاپ آشنا کرد؟

دوستانم خودش خیلی طرفدارشون بود و ما بغل دستی هم شدیم، بعد شروع کردیم به حرف زدن باهم و دوستانم ازم پرسید که چه آهنگ‌هایی

گوش می‌دی و من آهنگ‌های خارجی رو می‌گفتم و اسم خواننده‌های خارجی و هالیوودی رو گفتم. بعد من ازش سوال کردم که تو چه

آهنگ‌هایی گوش می‌دی، بعد اون داشتش نقاشی آرم بلک‌پینک و گروه بی‌تی‌اس رو کنار هم می‌کشید و نقاشیش هم خیلی خوب بود و گفت،

من آهنگ‌های کره‌ای گوش می‌دم و کی‌پاپ گوش می‌دم و اسم چندتا گروه کره‌ای رو گفتم. من قبلاً اسم این‌ها رو شنیده بودم، بعد دوستانم

شروع کرد به توضیح دادن در مورد این گروه‌ها و گفت یه گروهی هست، هفت‌تا پسر هستند و اسم گروه‌شون بی‌تی‌اس هست و سبک‌شون رو

گفت و زبان‌شون و یه سری توضیحات داد. بعد ما باهم به یه باشگاه می‌رفتیم برای کلاس رقص، بعد اون جا تبلت‌اش رو می‌آورد و

موزیک‌ویدیوهاشون رو بهم نشون می‌داد، از بلک‌پینک و بی‌تی‌اس. البته خودش بیش‌تر طرفدار بلک‌پینک بود، ولی بی‌تی‌اس رو هم می‌شناخت

و من بیش‌تر طرفدار بی‌تی‌اس شدم.

- به نظرت گروه بی‌تی‌اس از چه لحاظ با گروه‌های دیگه متفاوته و چه طور تونست، توجه تو رو جلب بکنه؟

برای بعضی از آدم‌ها که الان طرفدارشون ان، یه کم خوب سطحیه، البته نمی‌خوام توهین کنم، ولی بعضی‌هاشون سطحی فکر می‌کنن و بیش‌تر

از جهت استایل‌شون و قیافه‌هاشون طرفدار بی‌تی‌اس می‌شن. توی گروه‌شون جونگ‌کوک به خاطر این که کوچک‌ترین عضوشونه، بیش‌تر

طرفدار پیدا کرده به خاطر این که جوونه، ولی خوب من بیش‌تر به خاطر حال و هواشون ازشون خوشم اومد. پیام لاو یورسلف رو بقیه گروه‌ها

هم می‌دادن، ولی بی‌تی‌اس انگار بیش‌تر روی این پیام تأکید می‌کرد. توی آهنگ‌هاشون نه فقط پیام خودت را دوسته باش، بلکه پیام‌های

دیگه‌ای هم بود، مثل پیام‌های انگیزشی و پیام‌هایی که مثلاً اعتماد به نفس، نسبت به قیافه‌ات داشته باش یا دنبال چیزی که واقعاً می‌خوای

برو، من خوب از این خیلی خوشم اومد. من فرق‌شون رو با گروه‌های دیگه دقیق نمی‌دونم، ولی خوب به نظرم یه کم آهنگ‌هاشون گیراتره و

این که بعضی‌ها می‌گن آهنگ‌های کی‌پاپ خیلی پر سروصداست و با دستگاه درست می‌شه و ریتم آهنگ‌هاشون خیلی با ساز آکوستیک نیست،

ولی خب بی‌تی‌اس یک‌سری آهنگ داره که سبک‌شون آرومه مثل اسپرینگ دی و همه آهنگ‌هاشون اون جوری پرسروصدا نبوده و همیشه

تنوع داشتند. انگار که بیش‌تر تلاش می‌کردن. البته گروه‌های دیگه هم خیلی تلاش می‌کنن، ولی بی‌تی‌اس انگار واقعاً اون چیزی که می‌خواست

رو خیلی براش زحمت کشید و هر روز به طرفداراشون می‌گن که بهتر از دیروزشون باشن و این یکی از پیام‌هاشون بود، این که ما همیشه سعی

می‌کنیم بهترین خودمون رو نشون بدیم و بهتر از دیروز باشیم یا این که همیشه می‌گفتن یک درصد بهتر از دیروزت باش، مثلاً توی آهنگ

نات تودی هم سعی می‌کردند همین مفهوم رو برسوند. ولی کلاً آهنگ‌هاشون تو این فازه. در کل من از حال و هواشون خوشم اومد و از

پیام‌هایی که می‌دن.



Turn it up! (Turn it up!)
burn it up! (burn it up!)

VICTORALUVSH

- به نظرت رژیم‌های غذایی سخت و عمل‌های زیبایی بی‌تی‌اس در تناقض با پیام خودت رو دوست داشته باش نیست؟
خوب من به این قضیه خیلی دقت نکرده بودم که این تناقض پیدا می‌کنه، ولی خوب مثلاً بعضی‌ها میان می‌نویسن که جیمین بی‌تی‌اس عمل پلک کرده یا جونگ‌کوک عمل زیبایی کرده، ولی این حرف‌ها بیش‌ترش شایعه هست، چون چهره واقعی این‌ها همین‌طور بوده، حتی بچگی‌شون رو که نگاه می‌کنی، همون شکلی بودن، مثلاً شوگای بی‌تی‌اس از بچگی که نگاه می‌کنی، همون قیافه رو داره فقط بزرگ‌تر شده، خیلی تغییر نکرده که مثلاً بخواهیم بگیم عمل کرده یا مثلاً جیسوی بلک‌پینک اصلاً عملی نداشته، زیبایی صورت خودش. البته به کم تناقض پیدا می‌کنه و آدم به مقدار شک می‌کنه که این پیام به کم حالت ظاهری داشته باشه، ولی مثلاً من خودم اصلاً نمی‌دونستم پیام خودت رو دوست داشته باش مفهومش چیه، تا بعد از این که طرفدار بی‌تی‌اس شدم و این پیام رو فهمیدم، ولی در مورد این که عمل کردن، اولاً که همه‌شون عمل نکردن، بعضی‌هاشون عمل داشتن به صورت جزئی، اونم نه همه‌شون و این که می‌شه گفت که تقصیر خودشون هم نبوده، یعنی خودشون شاید نمی‌خواستن عمل کنن، ولی به خاطر کمپانی این کار رو کردن چون کلاً کمپانی خیلی فشار میاره به کارآموزها و آیدول‌هاشون که عمل کنن، آرایش کنن و لباس‌هایی که بهشون می‌دن بپوشن. لباس‌هاشون رو کمپانی تهیه می‌کنه و استایلیست قبلش می‌گه که مثلاً نامجون بی‌تی‌اس امروز باید این لباس رو بپوشه با این گردن‌بند و ترکیبش خوب می‌شه، یعنی اول استایلیست انتخاب می‌کنه لباس رو و بعد کمپانی تهیه می‌کنه و خوب معمولاً هم لباس‌های گرون‌قیمتی هستن، کلاً کمپانی خیلی اهمیت می‌ده به ظاهر و استایل‌شون. به دلیل دیگه هم که داره اینه که مثلاً جین بی‌تی‌اس الان فکر کنم ۳۱ سالشه و شوگا چند ماه دیگه یعنی توی اسفند می‌شه ۳۰ سالش و نمی‌شه گفت پیر شدن، چون توی سی سالگی که آدم پیر نمی‌شه، ولی توی کی‌پاپ خیلی این طوری هستن که تا سی سالگی جوون هستن و بعد از سی سالگی دیگه به حالت پیش‌کسوت شناخته می‌شن و به همین دلیل کمپانی انگار می‌خواد جوون نگه‌شون داره با استایل‌شون که مد روز باشه و مثلاً شوگای ۳۰ ساله مجبوره، مثل تهیونگ ۲۶ ساله لباس بپوشه تا جوون‌تر به نظر برسه.

- توی حرف‌ها گفتی که آهنگ‌های بی‌تی‌اس نسبت به بقیه گروه‌های کی‌پاپ گیراتر، دلیل این حرفت چی هست؟
 همین که خوب پیام‌های مختلفی رو می‌ده، مثلاً به جز این که می‌گن خودت را دوست داشته باش، بی‌تی‌اس یه حتی در مورد درس و تحصیل سری پیام گفته، مثلاً شوگای بی‌تی‌اس یه جا گفته بود که این قدر سر درس و تحصیل تون نگران نباشید، این قدر به خودتون فشار نیارید و مسأله رو بزرگش نکنید برای خودتون، چون درس و تحصیل فقط یه قسمت کوتاهی از زندگی‌توننه که خیلی مجبور نیستید به خاطرش استرس بکشید، البته نه این که حالا درس نخونید، ولی این طوری هم نباشه که خیلی فشار بیارید به خودتون، چون یه قسمت کوتاه زندگی‌توننه. گروه‌های دیگه مثل رد ولولت اکثر آهنگ‌هاشون بیش‌تر در مورد عشق و عاشقیه و زیباییه. البته من خیلی آهنگ‌هاشون رو گوش ندادم، ولی چندتایی که گوش دادم، بیش‌ترش تو این فاز بوده، ولی بی‌تی‌اس بیش‌تر آهنگ‌هاش همیشه امید به روزهای بهتر هست، مثلاً توی دوره کرونا که همه سخت‌شون بود، بی‌تی‌اس یه آهنگ داد که ترکوند، آهنگ لایف گوز آن^۱ آلبوم بی در مورد امید به روزهای بهتر و این که همه بهتر می‌شن و زندگی ادامه داره و این‌ها بود.



پیام‌های مختلفی که می‌دن احساس می‌کنم باعث می‌شه که آهنگ‌هاشون گیراتر باشه مثلاً یه آرمی بود توی فن‌پیچ‌اش می‌گفت که من طوری که با بی‌تی‌اس آشنا شدم این طوری بود که اصلاً طرفدارشون نبودم و فقط آهنگ‌هاشون رو گوش دادم و این آهنگ اون قدر خوب بود که افتاده بود تو سرم و روزی چندبار گوشش می‌دادم و بعد موزیک ویدیو و متن آهنگش رو رفتم و دیدم و این جور کم‌کم طرفدارشون شدم. گیرایی آهنگ‌هاشون یه دلپش همینه و آدم طرفدارشون می‌شه.

^۱ - Life goes on



- گوش دادن به این آهنگ‌ها چه تأثیری روی تو گذاشته و پیام‌هایی که توی آهنگ‌هاشون می‌دن روی زندگیت تأثیر مستقیم گذاشته و باعث شده که چیزی در زندگی تو تغییر بکنه یا نه؟

آره، مثلاً من وقتی هنوز طرفدارشون نبودم، هیچ وقت این پیام خودت را دوست داشته باش گوشم نخورده بود و بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، تازه با اهمیت این موضوع آشنا شدم و مشکلاتم رو بهتر درک کردم. البته که با وجود عیب‌ها و نقص‌ها هنوزم کامل نتونستم خودم رو دوست داشته باشم، یعنی بهتر از قبل شدم، ولی کامل نشده، مثلاً اعتماد به نفسم چند سال پیش این جور بود که وقتی خودم رو می‌دیدم تو آینه به خودم فحش می‌دادم، ولی بعد از این که این پیام رو شنیدم، خیلی تأثیر گذاشت که مثلاً قیافه‌ام رو دوست داشته باشم، هیکلم رو دوست داشته باشم، شخصیتم رو تا به جایی پذیراش باشم، ولی خوب مثلاً روی دوستانم که طرفدار بی‌تی‌اس هستن، خیلی روی بعضی‌هاشون تأثیر گذاشته و آدم قشنگ متوجه می‌شه که اعتماد به نفسشون بیشتر شده یا مثلاً تا به مدتی فکر می‌کردم این که به موقع‌هایی بی‌دلیل ناراحت باشم و یا دلیل کوچیک و مزخرفی باشه برای ناراحت بودنم و گریه کنم، خیلی به معنای ضعیف بودنمه، در صورتی که اصلاً این طوری نبود و این اشتباه بود و این رو وقتی متوجه شدم که توی یک برنامه‌ای که اسمش رو یادم نیست، شوگای بی‌تی‌اس داشت می‌گفت که کاملاً اوکی و طبیعی هست که به موقع‌هایی حال‌تون خوب نباشه، حتی بی‌دلیل، این به چیز طبیعی و اصلاً مشکلی نداره و این که باید در برابر مشکلات، در مورد نقص‌هایی که داریم و اتفاقات بدی که می‌افته، باید قوی باشیم. مثلاً به سری اتفاقات وحشتناک برای افراد خوب می‌افته و این بخشی

از زندگیه و این طبیعت انسانه که گاهی وقتا ناراحت بشه و گریه کنه و این کاملاً اوکی هست و نشانه ضعف نیست، این پیامش خیلی روی من تأثیر داشت.

- گفتی که بی‌تی‌اس نسبت به گروه‌های دیگه تلاش بیش‌تری کرده، می‌تونی مثال بزنی که چه چیزی ازشون دیدی که می‌گی تلاش‌شون از گروه‌های دیگه بیش‌تر بوده؟

- مثلاً گروه گات سون و اکسو واقعاً خیلی تلاش زیادی کردن حتی چندتا شون هم خیلی محبوب هستن توی کی‌پاپ و خیلی تلاش‌شون خوب بوده، ولی بی‌تی‌اس و بلک‌پینک تنها بوی‌بند و تنها گرل‌بند بودن که توی بیلبورد جایزه بردن، توی گرمی جایزه بردن و توی ماما جایزه بردن و جزو تنها گروه‌هایی بودن که توی برنامه‌های خارجی تونستن شرکت بکنن و دعوت بشن برای مصاحبه، خوب این‌ها خودش خیلی موفقیت‌های بزرگیه و این نشون می‌ده که چه قدر عشق طرفدارا زیاد بوده نسبت بهشون و چه قدر تلاش‌شون زیاد بوده.



البته گروه‌های دیگه هم خیلی تلاش می‌کنن و منظورم این نیست که فقط بی‌تی‌اس خیلی تلاش می‌کنه، نه! گروه‌های دیگه هم می‌شناسم، مثل اکسو که خیلی تلاش کردن، ولی در کل بی‌تی‌اس انگار جلب توجه بیش‌تری کرده، حتی توی هالیوود. حتی الان توی تلویزیون ایران هم درباره‌شون حرف زده می‌شه.

- می‌تونی توضیح بدی که چه طور توی تلویزیون ایران درباره‌شون حرف می‌زنند؟

دیدم که چندبار اخبار شبکه ۶ نشون‌شون داده و حتی یه بار هم رفته بودن از افراد مسن و پیرمردها گزارش تهیه کردن بودن و پرسیده بودن گروه بی‌تی‌اس رو می‌شناسن یا نه و اون‌ها می‌گفتن که مثلاً نوه‌ها اون‌ها طرفدارشون هستن، البته یه جاهایی هم بد گفته بودن، مثلاً همین اواخر بود که یه مستندی ساخته بودن در مورد بی‌تی‌اس و این مستند رو که پخش کردن و خیلی‌ها اومدن مسخره کردن کسی رو که به عنوان راوی داشت توضیح می‌داده. خب خیلی مسخره کرده بود و خیلی تحقیر کرده بود و من خودم شخصاً خیلی ناراحت شدم. سینا ولی‌الله توی

برنامه‌اش، دوبار تاحالاً ری‌اکشن نشون داده به این اخبار، ولی نیومد بگه، چرا همچین چیزی رو نشون دادن به جاش مسخره کرده بود کسانی رو که خودشون بی‌تی‌اس رو مسخره کرده بودند.



توی مستندی که پخش کردن کسی که راوی بود یه خانمی بود که صدا و سیما بهش گفته بود چی بگه، برای این که بازدیدهاشون بالا بره، معمولاً هر وقت می‌بینن بازدیدهاشون کمه، می‌گن بیایم یه چیزی در مورد بی‌تی‌اس بگیم. توی اون برنامه تلویزیون می‌گفتن که این‌ها قیافه‌هاشون شبیه دخترها هست و نمی‌شه تشخیص شون داد و این حرفاییه که خیلی‌ها می‌زنن و واقعاً آدم ناراحت می‌شه و این که گفته بود، این‌ها آرایش می‌کنن و پسرها نباید هیچ وقت آرایش کنن و چیزهای این طوری گفته بود، اینم گفته بود که این‌ها به خاطر قیافه‌هاشون دارن بچه‌ها رو نابود می‌کنن و مادر و پدرها باید حواس شون باشه. حتی توی مدرسه خودمون هم مشاور مدرسه در این مورد اومد گفت که بچه‌هاتون که پروفایل‌هاشون عکس بی‌تی‌اس هست، این باعث می‌شه که بچه‌ها اعتماد به نفس شون بیاد پایین، به خاطر این که قیافه‌های این‌ها رو می‌بینند، چون این‌ها خیلی خوشگل هستن، به بچه‌هاتون بگید طرفدار این‌ها نباشند و این عکس‌ها رو از پروفایل‌هاشون بردارند.



که این جور یه بخوایم در نظر بگیریم، خب این رو در مورد بازیگرهای ایرانی هم حتی می‌شه گفت، مثلاً محمدرضا گلزار که همه می‌گن خیلی جذابه، خود این می‌تونه اعتماد به نفس خیلی‌ها رو بیاره پایین، ولی خوب خیلی‌ها که فن این‌ها بودن، این طوری نشدن و کسانی که این حرف‌ها رو می‌زنند، چرا نمیان در مورد سلبریتی‌های ایرانی هم این‌ها رو بگن؟ فقط در مورد کره‌ای‌ها میان این چیزا رو می‌گن و هم اخبار و هم مشاور مدرسه ما هردوشون همین رو داشتن می‌گفتن که اعتماد به نفس بچه‌هاتون میاد پایین و پدر و مادرها همگی حواستون باشه، در صورتی که من خیلی مخالفم، چون توی ایران هم ما از این موردها داریم مثل همون محمدرضا گلزار یا پارسا پیروزفر و بقیه خوب این‌ها هم می‌تونن این

تأثیر رو روی بقیه بذارن، ولی خوب متأسفانه همیشه این چیزها رو فقط از دید خودشون در مورد کره‌ای‌ها میان می‌گن و انگار فقط کره‌ای‌ها این تأثیر منفی رو می‌ذارن.

- به آرایش پسرها اشاره کردی، به نظرت کمپانی می‌خواد هم‌جنس‌گرایی، آرایش کردن پسرها و جنسیت نداشتن لباس‌ها رو در سطح جامعه عادی سازی بکنه یا این که نه، هدفش از این کارها به نوعی تبلیغ خودشه؟

در مورد آرایش پسرها و این که لباس‌ها جنسیت ندارن، اگر از دید مثبت بهش نگاه کنی، همون می‌شه که داره عادی‌سازی می‌کنه، ولی اگر از دید منفی بهش نگاه کنیم، برای کمپانی سود داره و یه جور تبلیغ به حساب میاد. خیلی‌ها فکر می‌کنند فقط کی‌پاپ داره این چیزها رو عادی‌سازی می‌کنه در حالی که هنرمندان و آرتیست‌های دیگه‌ای هم قبل از بی‌تی‌اس و کی‌پاپ بودن که این کار رو انجام می‌دادند، مثلاً هری استایلز خیلی در مورد این می‌گه که لباس‌ها جنسیت ندارند و پسرها می‌تونن دامن بپوشن و خانم‌ها می‌تونن کراوات بزنن و یا حتی لاک زدن و یا همون آرایش، فعالیت داشته.

اگر از دید مثبت بخوایم بهش نگاه کنیم کمپانی داره عادی‌سازی می‌کنه و یه مقدار تبلیغ هم برای خودش هست و به نظرم کار درستی می‌کنه، چون هنوزم که هنوزه، توی ایران وقتی می‌شنوند که پسرها آرایش می‌کنند یا مثلاً پسرها دامن می‌پوشن یا لاک می‌زنن و... واقعاً قاطی می‌کنن و نمی‌پذیرند این چیزها رو. خیلی جنسیت گذاشتن رو لباس‌ها و آرایش و حتی بیش‌تر از اون، یک‌سری کارهای فنی رو گفتن برای خانم‌ها نیست و به نظر من خوبه که این چیزها عادی‌سازی بشه و امیدوارم تا چند سال آینده دیگه این جور چیزها توی ایران هم کم‌رنگ بشه و این همه جنسیت‌زدگی و جنسیت‌گذاری روی اشیاء و حرفه‌ها و کارها از بین بره.



در مورد هم‌جنس‌گرایی نمی‌شه گفت عادی‌سازی و من فکر می‌کنم، کمپانی می‌خواد تبلیغ کنه و سود خودش رو ببره و برای همین به اعضای می‌گه یه سری کارها رو بکنن، مثل نگاه‌های معنادار و این که دست هم رو بگیرن و این عادی‌سازی نیست، این بیش‌تر کاریه که کمپانی می‌کنه برای سود خودش، چون وقتی این کارها رو می‌کنن مثل بغل کردن یا بعضی حرکات با دست خیلی محبوب می‌شه و به اصطلاح شیپ می‌شن. مثل شیپ یونمین یا شیپ نامجین و شیپ‌های دیگه. مثلاً جونگ‌کوک و تهیونگ محبوب‌ترین شیپه توی اعضای بی‌تی‌اس و آرمی‌ها خیلی شیپ‌شون می‌کنن و کلی هم فن‌فیک در موردشون نوشتن. من فکر می‌کنم این شیپ کردن‌ها می‌تونه خیلی به ضرر اعضای باشه و

بهشون آسیب برسونه، چون ممکنه هم جنس گرا نباشند و این شایعه که پخش می‌شه، حس بدی پیدا بکنند که آرمی‌ها دارند چیزی در موردشون می‌گن که واقعاً نیستند، هیچ کس دوست نداره که هویت واقعیش بره زیر سوال. از طرف دیگه هم بین اعضاء ممکنه حس بدی ایجاد بشه و وقتی این فن فیکشن‌ها و اخبار به دستشون برسه، ممکنه حس کنند پیش هم معذب اند و اون رابطه دوستی‌شون دیگه مثل قبل راحت نیست.

- نیکو جان تاحالا خودت یا بین دوستانت کسی بوده که تحت تأثیر بی‌تی‌اس به هم جنس‌گرایی تمایل پیدا بکنه؟

توی ایران خانواده‌ها، مدرسه، آموزش و پرورش و کلاً جامعه‌مون اصلاً با این موضوع اوکی نیستن که هم جنس‌گرا باشی و توی سن ما و بین نوجوون‌ها خیلی‌هاشون ممکنه، واقعاً این حالت رو داشته باشن، یعنی گرایش داشته باشن، ولی مخفی‌اش کنن، به خاطر این که تحقیر نشن و مسخره نشن، به خاطر همین هیچ وقت در موردش حرف نمی‌زنن، مگر این که به دوست خیلی صمیمی‌شون بگن یا به خواهر و یا برادرشون، یعنی کسی که خیلی بهش اعتماد دارن بگن یا این که تو خودشون نگه می‌دارن. ولی یه سری‌ها هم هستن که واقعاً گی نیستن و تحت تأثیر جوّ کی‌پاپ این توهم رو می‌زنند، مثلاً یکی از دوستانم که فکر می‌کنم خیلی تحت تأثیر این‌ها قرار داره و اعضاء رو خیلی باهم شپ می‌کنه، یه بار داشت می‌گفت که دوست خودش رو یه بار بوسیده و فکر می‌کرد، واقعاً به دخترها گرایش داره، ولی من فکر می‌کنم که خیلی تحت تأثیر مومنت‌های بین اعضاء و شپ‌هاشونه و حتی پروفایلش اکثراً عکس دوتا از اعضاء باهم یا یکی از مومنت‌های بین‌شونه. روی یکی از دوستاش کراش داشت و محبت می‌کرد به اون دوستش و این شبیه همون محبت‌هایی بود که جونگ‌کوک و تهیونگ گاهی به هم نشون می‌دن و حالت تظاهر داره، مثلاً توی یکی از کنسرت‌هاشون به هم دیگه حلقه دادن و مشخص بود که این کارشون ظاهریه، ولی آرمی‌ها خیلی شلوغش کردن که اینا به هم حس دارن که به هم حلقه دادن و یا مثلاً موهای هم رو ناز می‌کنن. این دوستانم با کراشش هم همین شکل کارها رو انجام می‌داد و به نظرم یه جورهایی داشت تقلید می‌کرد.

- یعنی به نظرت مومنت‌های بین اعضاء ساختگی و برنامه‌ریزی شده هست و برات جذابیتی نداره؟

- اصلاً برام جذابیتی نداره. من معتقدم که این‌ها ساختگی هستند و بدم میاد، وقتی دوستای شپیرم خیلی شپ می‌کنن و سر این مومنت‌ها خیلی ذوق می‌کنن و خیلی جدی می‌گیرن، چون وقتی همه‌مون می‌دونیم که این‌ها الکلیه ذوق کردن نداره واقعاً. من هیچ وقت دلم نمی‌خواست که شپیر باشم، چون به نظرم یه نوع توهین به بی‌تی‌اس بود، البته یه مدت تحت تأثیر یکی از دوستانم یونمین رو شپ می‌کردم، ولی بعد از یه مدت منصرف شدم، چون شاید اعضاء بیزار باشن از این که شپ می‌شن، نه تنها بی‌تی‌اس، بلکه گروه‌های دیگه هم همین طور. اون‌ها هم ممکنه آسیب ببینن و حتی تهیونگ توی یکی از مصاحبه‌هاش گفته بود، یه سری از فن فیکشن‌ها رو خونده در مورد خودش و جونگ‌کوک و خیلی اعصابش به هم ریخته و خیلی خواهش می‌کرد که این‌ها رو ننویسن و شپ نکنن. وقتی خودشون هم دارن این رو می‌گن، برام عجیبه که هنوز خیلی از آرمی‌ها شپ می‌کنند و فن فیک می‌نویسن یا می‌خونن به نظرم وقتی طرف خودش راضی نیست، دیگه حتی خوندن فیک‌ها هم جذابیتی نداره.

- چه طور فن فیکشن‌ها برات جذابیتی نداره، در حالی که اکثر آرمی‌ها به شدت طرفدارش هستند؟

به خاطر این که اکثرش حالت جنسی داره و خیلی اغراق‌آمیز و حتی خشونت‌آمیزه. حتی جدا از ژانرش، اون اوایل آرمی شدنم که فن فیک می‌خوندم، داشت دیدم رو تغییر می‌داد و روی روانم تأثیر می‌گذاشت، سر این که هر بار اون دو نفر رو کنار هم می‌دیدم، مسأله رابطه اونا توی ذهنم می‌اومد و دیدم تغییر می‌کرد نسبت به اون دو نفر و گاهی هم با خودم فکر می‌کردم، شاید واقعی باشه با این که می‌دونستم واقعی نیست و کمپانی نمی‌ذاره هیچ وقت این‌ها باهم قرار بذارن و اگر رابطه‌ای بود، قطعاً مخفی می‌موند. بنابراین از یه جایی به بعد دیگه فن فیکشن نخوندم، ولی دوستانم خیلی پیگیر بودن حتی استوری می‌داشتن که اگه فن فیک خوب می‌شناسید به ما بگید بریم بخونیم.

- به نظرت اعضای بی‌تی‌اس می‌تونند به خاطر فن‌فیکشن‌ها یا شیپ شدن‌ها شکایت بکنند و اعتراض‌شون رو نشون بدن یا این که نه، کمپانی مانع می‌شه؟

من تاحالا به این موضوع فکر نکردم، ولی به خاطر محدودیتی که کمپانی برای اعضای خودش می‌ذاره، فکر نمی‌کنم اجازه شکایت کردن داشته باشن، چون یک سری اتفاقاتی هم که می‌افتاد یا یک سری شایعه‌هایی که پخش می‌شد، معمولاً کمپانی با دادن پول اون‌ها رو خفه می‌کرد و پاک می‌کرد اون شایعه رو و نمی‌داشت زیاد اوج بگیره، چون می‌ترسید یه وقت به ضرر کمپانی بشه و یه درصد کمی‌اش به خاطر محافظت از اعضا بود، ولی بیش‌تر به فکر سود خودش بود. مثلاً یه دوره‌ای بود که یه عکس از نامجون با یه دختر بچه که فنش بود، پخش شده بود، ولی شایعه شده بود که این دختر بچه، دختر خود نامجونه و نامجون ازدواج کرده، چون قبلاً هم یه شایعه دیگه درآمده بود که نامجون ازدواج کرده چون توی یه برنامه‌ای یه حلقه‌ای که شبیه حلقه ازدواج بود، توی انگشت ازدواج‌اش بود و هی باهاش بازی می‌کرد و هی بهش نگاه می‌کرد، همه می‌گفتن که نامجون ازدواج کرده و اون عکس هم، عکس دخترش بوده و فن‌ها خیلی شلوغش کردن و توی فن‌پیج‌ها چت می‌کردن و دعوا می‌کردن سر این قضیه و شاکی شده بودن. حتی من فکر می‌کنم فقط قوانین کمپانی نیست که این‌ها نمی‌تونن ازدواج کنن یا حتی قرار بذارن، تقصیر فن‌ها هم هست، چون شاکی می‌شن سر این مسأله و حساسیت دارن روی اعضا مثلاً بایس‌شون جونگ‌کوک و نمی‌خوان این رو قبول کنن که خب بالاخره جونگ‌کوک هم انسانه و ممکنه یه روزی عاشق بشه، ازدواج بکنه و بخواد با یکی قرار بذاره، چه حالا دختر باشه یا پسر ما نمی‌دونیم، ولی فن‌ها نمی‌خوان قبول کنن، چون اون شخص رو خیلی دوست دارن و خیلی این توهم رو می‌زنن که ممکنه اونم عاشق ما بشه، حتی تبدیل به یک سندروم شده و یه اسمی هم داره، بهش می‌گن سانسگ فن، این جوریه که مثلاً یه فرد محبوب و سلبریتی رو احساس کنی که عاشقته، با این که حتی نمی‌شناسدت و این حس بیش‌تر به خاطر فن‌فیک‌هاییه که می‌نویسن و تحت تأثیر اون حرفا قرار می‌گیرن. مثلاً یه کمپانی هست به نام دیسپچ که عکس‌ها و شایعاتی که از گروه‌های مختلف و کمپانی‌های مختلف پخش می‌شه و کسی نمی‌دونه رو میان پخش می‌کنن توی سایت‌شون. دیسپچ خیلی سایت معروفیه و حتی بارها در مورد سلبریتی‌ها گفته که این‌ها باهم قرار می‌گزارن یا باهم هستن یا ازدواج کردن، در صورتی که اصلاً این طوری نبوده، البته گاهی هم درست درمی‌اومد. در مورد بی‌تی‌اس هم چند بار یه شایعاتی رو پخش کرد و کمپانی اومد با پول این شایعات را پوشوند و بهشون می‌گفت که این شایعه رو جمع کنن و بیش‌تر ادامه ندن و شلوغش نکنن و با پول این داستان‌ها رو جمع می‌کرد تا سهامش به خطر نیفته و طرفداراش رو از دست نده.



- به نظرت چرا بعضی از فن‌ها این حق رو به خودشون می‌دن که به آیدول‌شون به خاطر تصمیمات شخصیش هیت بدن؟

- متأسفانه این موضوع زیاد هست، چون حساسیت‌شون خیلی زیاد و بیش از حد می‌شه. مخصوصاً بیش‌تر برای مکنه لاین این اتفاق پیش میاد، چون کوچیک‌ترین اعضای گروه ان و جوون هستن و خیلی از فن‌ها روشون حساب باز کردن و فکر می‌کنن، این‌ها یه روز عاشق‌شون می‌شن. این سه نفر (مکنه لاین) محبوبیت بیش‌تری نسبت به بقیه اعضا دارن و از این نظر هم بده که به اون‌ها بیش‌تر توجه می‌شه و کمپانی هم بیش‌تر تمرکزش رو می‌ذاره روی اون‌ها، چون پول بیش‌تری ازشون درمی‌آید، در صورتی که ممکنه تلاش بقیه اعضا حتی بیش‌تر باشه و آهنگ‌های بیش‌تری بسازن، ولی خوب کمپانی خیلی مهم نیست براش این چیزها و بیش‌تر به فن‌ها فکر می‌کنه که اون‌ها چی دوست دارن.

سازنگ فن‌ها خیلی موجودات خطرناکی ان، مثلاً توی تیک‌تاک و توی اینستاگرام خیلی زیاد شده بود یه مدت که ویدیو می‌داشتن از خودشون که مثلاً ما چندین ساله با جونگ کوک ازدواج کردیم، ولی مخفی نگهش داشتیم یا مثلاً یکی از دخترها که فن بی‌تی‌اس بود و ویدیو گذاشته بود توی اینستا که من عاشق تهیونگم و ما بالاخره یه روزی ازدواج می‌کنیم و هیچ کس حق نداره بایسش تهیونگ باشه، با این که تهیونگ اون همه طرفدار داره، حالا تو بیا همه رو راضی کن که فقط من طرفدارشم، مگه امکان پذیره؟ یکی هم توی اینستا بود که خیلی هم معروف شد، اسمش جیمی بود و یه پسر گی بود که عمل زیادی کرده بود و حالت‌های زنونه زیادی داشت و گیر داده بود که با جیمین ازدواج کرده و توی رابطه هستن، آرمی‌ها هم شاکی بودن و بدشون می‌اومد. این قدر این خبر زیاد شد که خود بی‌تی‌اس اون رو شنید و جیمین هم در جریان قرار گرفت و می‌دونست، ولی ری‌اکشنی نشون نداد، چون معمولاً کمپانی‌ها اعتقاد دارن که اگه آیدول‌ها ری‌اکشن نشون ندن، خیلی بهتره و اون طرف هم می‌بینه تو اهمیتی نمی‌دی، با خودش می‌گه چرا این قدر تلاش کنم برای این قضیه، ولی جیمی همچنان ادامه داد و هنوزم هست و توی یه برنامه‌ای اومده بود و بنر جیمین رو گرفته بود دستش و با اون زندگی می‌کرد، حتی یه ویدیو گذاشته بود و اون بنر جیمین رو بوسیده بود یا مثلاً عروسک جیمین که شکل خودش بود رو گرفته بود و باهاش زندگی می‌کرد، حتی اون رو می‌گذاشت جلوی خودش و باهاش غذا می‌خورد، خیلی حالت توهمی داشت و خیلی آرمی‌ها شاکی بودن از این مسأله و اون یکی از کسانی بود که خیلی معروف شد به خاطر این کارش. جیمی در ابتدا اینستاگرامش فالوور کمی داشت و بعد از این قضیه، فالوورهاش زیاد شد، با این که شاکی‌هاش زیاد بودن، خیلی معروف شد و توی یه برنامه‌ای داشت مصاحبه می‌کرد، می‌گفت که من این قدر شبیه جیمینم، این اعتقاد رو داشت که خیلی شباهت داره با جیمین با این که اصلاً شبیه‌اش نبود و خیلی عمل کرده بود و خودش می‌گفت، من این قدر شبیه‌اش هستم که توی کره که راه می‌رم، مردم فکر می‌کنند که من جیمینم و آرمی‌ها می‌گفتن این رو داره از خودش درمیاره.

- حالا بگو کدوم یک از اعضاء رو بیش‌تر از بقیه دوست داری؟

- من خیلی بایس ندارم و بیش‌تر این طوره که هر هفت نفرشون رو دوست دارم و به نظرم باهم دیگه و در کنار هم قشنگند، ولی اگر بخوام بگم که یکی شون برام خاص‌تره، می‌شه گفت شوگا، ولی کلاً هر هفت نفرشون رو دوست دارم.

- اگر بشنوی یکی از اعضاء ازدواج کرده یا با کسی قرار می‌گذاره، واکنشت چه خواهد بود؟

اگه این سوال رو از آرمی‌های دیگه پرسیم، احتمالاً واکنش بدی نشون می‌دن، مثلاً من یه ویدیو دیدم که ادمین یکی از فن‌پیج‌های معروف بی‌تی‌اس درست کرده بود و توش داشت می‌گفت، آرمی‌ها فکرش رو بکنید، اگه یه موقع اعضاء ازدواج کنن و بچه‌دار بشن، ما چه حالی خواهیم داشت، ولی من خودم اگه یه روز این رو بشنوم، زیاد برام سخت نیست، چون من این جور یهش نگاه نمی‌کنم که مثلاً یه روز قراره با شوگا وارد رابطه بشم. بعضی از آرمی‌ها این فکر رو دارن که یه روزی وارد رابطه بشن با اون شخص و به خاطر همین، اگر همچین خبری رو بشنون، ممکنه خیلی بهم بریزند. من زیاد به این موضوع فکر کردم که چه واکنشی خواهم داشت، من اگه این اتفاق بیفته، اتفاقاً خوشحال می‌شم براشون، چون بالاخره یه زندگی سالم پیدا کردن، چون اعضای گروه خیلی تحت فشار هستن و به نظرم به همچین اتفاقات مثبتی نیاز دارن تا از نظر روحی قوی باقی بموندن. کمپانی بابت این جور چیزها خیلی برای اعضاء محدودیت گذاشته و به این خاطر نمی‌تونن یه رابطه درست و حسابی داشته باشن و با کسی در ارتباط باشن و این می‌تونه روی سلامتی شون تأثیر زیادی داشته باشه. واسه همین من خیلی خوشحال می‌شم یه روز بشنوم که مثلاً شوگا با یه نفر توی رابطه هست و یه نفر رو دوست داره، چون این‌ها جزو زیبایی‌ها و ملزومات زندگیه که کسی رو دوست داشته باشی و متقابلاً دوست داشته بشی.

- توی دوستان کسی هست که اگر خبر رابطه اعضاء رو بشنوه، خیلی ناراحت بشه و واکنش تندی نشون بده؟

یکی از دوستانم هست که خیلی احساسیه و رو این چیزها حساسه، مثلاً به دختری بود که ویدیو گذاشته و گفته بود که من و تهیونگ به زودی ازدواج می‌کنیم و اون ویدیو رو فرستاده بود تو گروه‌مون. بعد همین دوست احساسی من همین طور یک‌ریز داشت حرص می‌خورد و تا به مدت خیلی اعصابش بهم ریخته بود. خیلی هم تهیونگ رو دوست داره، یعنی با تمام وجودش دوست داره و همیشه هم طرفدارش بوده و به دید عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، یعنی فراتر از بعد آیدول بودنش، ازش خوشش میاد و حس عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، واسه همین خیلی واکنش نشون داد نسبت به این قضیه و هر چه قدر هم که ما باهاش حرف می‌زدیم که این اتفاق قرار نیست بیفته و دختری چرت و پرت گفته، قبول نمی‌کرد و همچنان عصبانی بود، می‌گفت اگه تهیونگ به روزی بخواد واقعاً با کسی قرار بذاره، من چه کار کنم؟ همیشه توی تصوراتش هست که به روزی می‌ره کره و با تهیونگ ازدواج می‌کنه، در صورتی که واقعاً معلوم نیست در آخر کی توجه اعضای بی‌تی‌اس رو به عنوان معشوق جلب می‌کنه. توی سال ۲۰۱۳ که تازه دیو کرده بودند، موزیک ویدیوی پسر عاشق رو دادن بیرون، اون آهنگ در مورد دختر است که دختری چه موجودات شگفت‌انگیزی هستن و به دختری توی اون موزیک ویدیو هست که باید انتخاب کنه بین اعضا و در آخر می‌ره، می‌پره بغل تهیونگ که یعنی اون رو انتخاب کرده و تهیونگ هم متقابلاً بغلش می‌کنه و دوست من سر این قضیه با این که این موزیک ویدیو قدیمی بود و هیچ حس واقعی‌ای در اون وجود نداشت، خیلی عصبانی شده بود و خیلی ناراحت بود و فکر می‌کرد تهیونگ روی این دختره کراش داره و به ویدیوی دیگه هم بود که وقتی دیدمش با خودم گفتم، اگه یکی دیگه از دوستانم که طرفداره جونگ‌کو که این ویدیو رو ببینه، خیلی ناراحت می‌شه چون در مورد جونگ‌کو بود و جونگ‌کو اون اوایل کارش با میکاپرش که هنوزم هست و به دختره هست، باهم به مدت رابطه داشتن و دوست دختر جونگ‌کو بود و خیلی هم واضح بود این قضیه و کمپانی هم هیچ کاری نکرده بود در این مورد، یعنی نه لاپوشونی کرده بود، نه چیزی گفته بود که این درسته یا نه، ولی خوب مشخص بود و همه می‌دونستن حتی خود جونگ‌کو هم خیلی نشون می‌داد این قضیه رو و به سری ویدیو هم ازش اومده بود بیرون که نشون می‌داد این دوتا توی رابطه هستن. من با خودم می‌گفتم اگه این ویدیو رو اون دوستانم ببینه، چه قدر بهش برمی‌خوره در صورتی که ویدیو قدیمی بود و مال چند سال پیش بود.

- به نظرت این روابطی که خبرش پخش می‌شه، واقعیه یا ساختگیه و برای تبلیغ بی‌تی‌اس هست؟

خب اون سالی که این خبر پخش شد، کلاً ژانر عاشقانه، مخصوصاً عاشقانه‌های دبیرستانی مد شده بود و اکثر خواننده‌ها رفته بودن سراغ همین ژانر، بی‌تی‌اس هم همون موقع موزیک ویدیوی پسر عاشق رو داد بیرون که در مورد به عشق دبیرستانی بود و هم‌زمان با این داستان خبر رابطه‌اش با میکاپرش همه جا پخش شد، واسه همین اگه از این زاویه بهش نگاه کنی، آره می‌تونسته به جور تبلیغ باشه واسه آهنگ جدیدشون، مخصوصاً که اون موقع اوایل کارشون بود و خیلی نیاز داشتند که تبلیغ کنند و خودشون رو مطرح بکنن، مثل الان نبود که همه دنیا بشناسنشون. ولی روابطی که الان خبرش بیرون میاد، به نظرم می‌تونه واقعی باشه، چون بی‌تی‌اس به مرحله‌ای رسیده که دیگه نیازی به تبلیغ‌های این شکلی سطح پایین نداره.

- به نظرت چی باعث می‌شه آرمی‌ها به خودشون این حق رو بدن که به اعضا هیت بدن؟

خوب مثلاً یک سری از آرمی‌ها، آرمی‌های فیک هستن و میان توی توئیتر و اینستا و فضای مجازی هیت می‌دن، مثلاً اگر صدای یکی از اعضا توی کنسرت بگیره. میان بابت این قضیه بهش هیت می‌دن با این که طرفدارش هستن، ولی این‌ها طرفدارهای واقعی نیستند.

- فکر می‌کنی هیت دادن طرفداران چه تأثیری می‌تونه روی روحیه آیدول‌ها داشته باشه؟

روی همه‌شون تأثیر مخرب نداره، چون بعضی‌هاشون واقعاً بهشون برنمی‌خوره و ناراحت نمی‌شن، این قدر که قوی هستن از جهت روحی، حتی با این که بعضی از هیت‌ها خیلی مخرب هستن و واقعاً آدم رو اذیت می‌کنه، ولی بعضی‌هاشون در جواب به جای ناراحتی یا به جای خودکشی، چون بعضی‌هاشون خودکشی می‌کنن، میان آهنگ می‌دن و دیس می‌کنن هیت‌هاشون رو یا مثلاً توی ویدیوشون به تیکه می‌اندازن بهشون یا

حتی یه آلبوم می‌دن در این مورد و این که چه آثار مخربی می‌تونه داشته باشه، خوب ما خودمون هم در طول روز اگر کسی بیاد حرفی بهمون بزنه که ناراحت بشیم یا در مقابل انتقادی که ازمون می‌شه یا حرف کوبنده‌ای بهمون می‌زنن، تا چند روز افسردگی می‌گیریم و خیلی ناراحت می‌شیم و توی روحیه‌مون واقعاً تأثیر می‌گذاره، برای اون‌ها هم دقیقاً همین طوره، چون اون‌ها هم انسان هستن. یه وقت‌هایی هم‌زمان با این که هیت‌هاشون زیاد شده، فشار کمپانی هم روش زیاد می‌شه، به خاطر همین هیت‌ها و دوره‌ای که این اتفاق می‌افته، بدترین دوره‌شون می‌شه، جدا از این که هیت می‌گیرن، آثار مخرب جسمی هم داره، مثلاً کمپانی می‌بینن که اینا هیت می‌گیرن و ضعف دارن، در صورتی که ممکنه عالی باشن، برای ماها که فن‌شون هستیم، ولی خوب باز هم هیت‌ها وقتی هیت می‌دن، کمپانی می‌بینن که گروهش داره میاد پایین و ضعف‌هاش میاد بالا، پس تصمیم می‌گیره که بیش‌تر فشار بیاره به اون شخص و اون شخص مجبور می‌شه بیش‌تر کار کنه و تلاش کنه، حتی ممکنه اصلاً نخواهه یا رژیم‌های سخت بگیره که یه مقدار بهتر بشه از نظر کمپانی که دیگه این هیت‌ها رو نداشته باشه، در صورتی که اگه خودش رو هم بکشه، باز هیت می‌گیره، باز یه سری آدم هستن که ازش خوش‌شون نیامد، مثلاً یه دوره‌ای بود جیمین بی‌تی‌اس به خاطر این که صورتش یه کم تپل شده بود، خیلی هیت می‌گرفت و همه می‌گفتن که تو خیلی چاقی و خیلی قد کوتاهی و اون قدر هیت‌ها زیاد شد که کمپانی بهش فشار آورد و یه رژیم سختی گرفت که هیچی نمی‌تونست بخوره به جز آب، یعنی فقط آب می‌تونست بخوره و تا لب مرگ هم رفت و خیلی رژیم سختی بود.



برای گروه‌های دیگه هم همین طوره، مثلاً موموی توایس یه رژیمی یه مدت گرفته بود به اجبار کمپانی که هیچی به جز یخ نمی‌تونست بخوره و خیلی رژیم‌های آب و یخ رژیم‌های افتضاحیه و توی اون حالت تو هی باید برقصی و بری بدن‌سازی که مثلاً بدنت رو بسازی و بخونی و خیلی سختی داره. کلاً کمپانی بعد از هیت‌ها خیلی فشار میاره.

- آیا سعی کردی از سبک پوشش و آرایش بی‌تی‌اس تقلید کنی و شبیه اون‌ها بشی؟

آره، حقیقتاً شده، چون استایل‌هاشون رو دوست دارم و استایل چندتا از اعضاء رو خیلی به شخصه می‌پسندم و تا یه مدت کوتاهی، اون اوایل که طرفدارشون شده بودم، فکر می‌کردم که این استایل‌ها رو خودشون انتخاب می‌کنن، بعداً که بیش‌تر آشنا شدم و بیش‌تر جزئیات رو فهمیدم، متوجه شدم که این‌ها رو کمپانی بهشون می‌گه که چی بپوشن و استایلیست دارن و خیلی کم پیش میاد که خودشون بتونن انتخاب کنن که چی بپوشن یا مثلاً استایل چند نفرشون بود، مثل جونگ‌کوک که خیلی دوست داشتم. مثلاً کلاه‌های حلقه‌دار می‌پوشید یا استایل‌هاش بیش‌تر تو مایه‌های رنگ مشکی بود، به نظرم خیلی خفن بود، الان بیش‌تر اوقات خودمم تیپم همین جوریه یا مثلاً جیمین استایلیش یه مدت این طوری بود که بیش‌تر جاها لباس راه‌راه یا عینک‌هایی استفاده می‌کرد که سبک‌های خاص داشتن.

- دوستان هم همین کار رو کردن؟

بله، مثلاً یکی از دوستانم بود که باهاش رفته بودم بیرون و استایلش شبیه جونغ کوک بود، حتی موهاش رو هم مثل جونغ کوک کوتاه کرده بود و ماسک داشت، همون کلاه، همون گوشواره‌ها، مثلاً گوشواره‌هاشون توی استایل‌هاشون جزو مهم‌ترین چیزها هست، چون خیلی به چشم میاد و اکثر دوستای من و کلاً اکثر آرمی‌ها این گوشواره‌ها رو دارن و به این اسم شناخته می‌شن، مثلاً می‌گن گوشواره جیمین، گوشواره جیهوپ. من با این دوستم که رفته بودیم پارک و استایلش خیلی شبیه جونغ کوک بود، یه دفعه یه نفر اومد جلو که اونم با دوستش بود و یهو ذوق کردن دوست من رو دیدن و هی می‌گفتن تو چه قدر شبیه جونغ کوکی و حتی به خاطر این قضیه ازش شماره گرفتن، خودشون هم طرفدار جونغ کوک و کلاً بی‌تی‌اس بودن.



- توی سن‌های شما اگر کسی مثل بی‌تی‌اس لباس بپوشه و شبیه اون‌ها باشه، بین هم‌سن‌هاش محبوب می‌شه؟
آره خیلی.

- توی آرایش کردن تو یا دوستان خودت ازشون تقلید می‌کنید؟

خیلی آرایش‌هاشون معلوم نیست، چون بیش‌تر سعی دارن آرایش‌هاشون رو طبیعی جلوه بدن، مگر این که مثلاً رژ که می‌زنن یه مقدار جلوه داشته باشه، ولی آرایش کامل نیست. کلاً دنیا داره به سمت نچرال بیوتی^۱ (زیبایی طبیعی) می‌ره، ولی مثلاً گروه بلک‌پینک و گروه‌های دخترونه‌شون که آرایش بیش‌تری دارن، از اون‌ها ایده می‌گیرم گاهی، البته من کلاً زیاد اهل آرایش نیستم، بیش‌تر دوستانم پیگیر این چیزها هستن. مثلاً توی گروه بلک‌پینک یکی از اعضاهاشون به اسم جی‌سو رفته بود پیش دوستش که آرایشگره و اون دوستش می‌گفت، الان طوری شده که طرفدارای شما میان اینجا و می‌گن که ما آرایش بلک‌پینکی می‌خواهیم و یا تو گروه جی‌آیدول یه عضوی داشتن که الان دیگه جزو اون گروه نیست و اسمش سوچین بود که اونم یه آرایش خاصی داشت و زیر چشمش یه چیزی اکلیلی بود، مثل خال می‌گذاشت و خط چشم خاصی داشت و خیلی از طرفدارهاش همون مدلی آرایش می‌کردن مد شده بود.

1- Natural beauty



- تا حالا سعی کردی آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو کاور کنی یا رقص‌های کی‌پاپ رو یاد بگیری؟

در مورد دنس‌ها احساس کردم که اگه بلد باشم، خیلی خوبه چون بین دوستانم و کلاً گروه‌های طرفدار بی‌تی‌اس این طوره که اگه به نفر دنس‌هاشون رو حفظ باشه، خیلی باحاله. من کاور هم کردم، هم کاور رقص کردم هم کاور آهنگ کردم، البته کاورهای آهنگ صرفاً به خاطر بی‌تی‌اس نبود و بیش‌تر به علاقه خودم برمی‌گرده، چون من علاقه زیادی به خوانندگی دارم و این یه تمرینی می‌شه برام. در مورد دنس هم قبل از این که طرفدار بی‌تی‌اس باشم من قبلاً فقط رقص ایرانی بلد بودم، ولی بعد از این که با این گروه آشنا شدم، با رقص هیپ هاپ و کی‌پاپ آشنا شدم و این احساس بهم دست داد که چون دوستای کی‌پاپم دنس‌هاشون رو حفظ بودن، پس منم چون طرفدارشون هستم، باید دنس‌هاشون رو حفظ باشم و انگار جزو وظایفم بود و تا یه مدتی انگار اجباری و زوری بود که من باید حتماً بلد باشم و اگه یه تیکه از دنس‌شون رو نتونم خوب اجرا کنم و حفظ نباشم، خیلی احساس بدی بهم دست می‌داد. ولی از یه جایی به بعد این حسم عوض شد و با خودم گفتم، من فقط به خاطر این که طرفدار بی‌تی‌اس هستم نمی‌رقصم، من رقص رو کلاً دوست دارم و الآن دیگه فقط بی‌تی‌اس رو نمی‌رم، مگر این که بین دوستانم باشم و بخوایم چندتایی یکی از دنس‌هاشون رو بریم، الآن کلاً رقص تمرین می‌کنم تو خونه با هر آهنگی که باشه.

- علاقه به خوانندگی قبل از آرمی شدن در تو بود یا بعد از این که طرفدار بی‌تی‌اس شدی، این علاقه در تو شکل گرفت؟

نه، قبلش هم علاقه به خوانندگی داشتم، ولی کم‌تر بود تا این که آرمی که شدم، در این زمان علاقه‌ام بیش‌تر شد. ما حتی یه اکیپ دوستی داشتیم که چهار نفر بودیم و خیلی به فکر این بودیم که وقتی بزرگ‌تر شدیم و هجده سال‌مون شد بریم کره و تا اون موقع فقط کاور کنیم و بعد از هجده سالگی بریم اون جا آودیشن بدیم و یک گروه کی‌پاپ بشیم و این رؤیای ما بود و می‌خواستیم خواننده بشیم. البته این تصمیم بیش‌تر به خاطر بلک‌پینک بود، نه بی‌تی‌اس، چون بلک‌پینک دختر بودند مثل ما و این که یه چیزهایی شون شبیه ما بود، مثل دوستی بین شون و این که چه طوری باهم آشنا شدن و این که اون‌ها هم مثل ما چهار نفر بودند. البته الآن یه مقدار فرق کرده و دو نفرمون دیگه نمی‌خوان که خواننده باشن و فقط من و یکی از اون دوستانم تصمیم داریم که خواننده بشیم و اون دوستانم بیش‌تر دوست داره خواننده کی‌پاپ بشه و طرفدار گروه‌های زیادی از کی‌پاپ هست، یعنی بیش‌تر از من. ولی من دیگه زیاد تو خواننده کی‌پاپ شدن نیستم دیگه، بیش‌تر خود خوانندگی رو دوست دارم، چون از بچگی هم این علاقه بوده و برام فرقی نمی‌کنه تو کی‌پاپ باشه یا هالیوود یا ایران یا هر جا.

- گفتم دو نفر از دوستان دیگه تمایلی به آیدول شدن ندارند، دلیل این تصمیم‌شون چی بود؟

اونا از اول هم خیلی علاقه به خوانندگی نداشتن و یکی‌شون به من می‌گفت که اصلاً دلیل اصلی‌ای که من توی گروه بودم و همراهی می‌کردم، به خاطر این بود که می‌خواستیم گروه دوستی‌مون از بین نره و این که جو بین خودمون رو دوست داشتیم، ولی خیلی علاقه به خوانندگی نداشتیم و اگر هم قرار بود خواننده بشم، دوست داشتم که تکی خواننده بشم. البته اینم اضافه کنم که الآن من و اون یکی دوستانم هم به این نتیجه رسیدیم که دوست داریم تکی کار کنیم برای خوانندگی، چون زیاد نمی‌شه گروهی جلو رفت، خیلی اختلاف نظر و دعوا بین‌مون زیاد بود.

- دلیل اختلاف نظرهای بین شما چی بود؟

بین ما تقریباً واسه همه چی دعوامون می‌شد، از انتخاب اسم گروه‌مون بگیر تا انتخاب آهنگ و حتی این که کی کدوم بخش رو بخونه. کنار نمی‌اومدیم زیاد.

- قبل تر گفتی که برخلاف دوستت علاقه چندانی به خوانندگی در فضای کی‌پاپ نداری، دلیل این موضوع چیه؟

من از آیدول شدن تو کی‌پاپ دیگه زیاد خوشم نمیاد، چون سختی‌های زیادی داره، البته نه این که من آدم تنبلی باشم و نخوام سختی تحمل کنم، نه! به هر حال، هر کاری سختی‌های خودش رو داره، ولی این فشارهایی که کمپانی‌ها میارن و این که اعضای بی‌تی‌اس یا گروه‌های دیگه واقعاً زندگی و تفریح سالم ندارن و به خاطر کمپانی‌ها، فشارهای زیادی بهشون وارد می‌شه، درست نیست. این که حتی تو نتونی توی رابطه احساسی باشی یا مثلاً این که تو پولدار باشی، ولی نتونی بری یه رستوران با خیال راحت غذا بخوری، بدون این که ده نفر بیان سر میزت که باهاشون عکس بگیرن. هر جا هم که می‌رن کلی عکس و فیلم ازشون پخش می‌شه که یواشکی ازشون گرفتن، خب من نمی‌تونم این‌ها رو تحمل کنم، ولی اگه چیزهای این شکلی نبود و آزادی‌شون بیشتر بود، شاید منم دوست داشتم خواننده کی‌پاپ باشم، ولی بیش تر دوست دارم که خواننده هالیوود بشم، چون آزادی‌هاشون بیشتره و رفاه و تفریح دارن و از این نظرها خیلی بهتر از کی‌پاپه.

- خواننده‌های هالیوود هم با بعضی از مشکلاتی که ذکر کردی درگیرند، این مسأله روی تصمیمت تأثیری نداره؟

آره خب، کلاً معروف شدن یه دردسرهایی داره و ریتم عادی زندگی آدم رو تغییر می‌ده، ولی محدودیت‌های گروه‌های کی‌پاپ، خیلی بیش تر از محدودیت سلبریتی‌های کشورهای دیگه هست. توی هالیوود ما می‌بینیم که سلبریتی‌ها همیشه به تفریحاتشون می‌رسن و می‌تونن با هر کی دوست داشتن، وارد رابطه بشن و زیاد تحت کنترل کسی نیستن، ولی کی‌پاپ این طوری نیست، تو حتی واسه دیدن خانواده‌ات هم باید اجازه بگیری، چه برسه به کارهای دیگه.



- تو نمی‌خواهی آودیشن بدی؟

الآن دیگه نه.

- یعنی اقدامی در این زمینه انجام ندادی، مثل یادگیری موسیقی یا رقص و آواز؟

من فعلاً دارم به این فکر می‌کنم که از راه تحصیلی مهاجرت کنم، واسه این کار باید در دیپلم نمرات خوبی بیارم و زبانم رو خیلی روش کار کنم که بتونم آیلتس بدم، به سن لازم که رسیدم، بعدش مهاجرت کنم. فعلاً اولین کاری که باید بکنم، همینکه، چون بهرحال توی ایران که اگه دختر باشی، نمی‌شه خواننده شد. متأسفانه خانم‌هایی که دوست دارن خواننده بشن، باید حتماً برن خارج. البته یه کاری دارم می‌کنم برای خوانندگی و خیلی داره کمک می‌کنه و مهمه و جزو ساده‌ترین مراحلشه، و اون اینکه که یه کلاسی پیدا کردم که سبک پاپ کار می‌کنه و سبک سنتی ایرانی کار نمی‌کنه و کلاس خوانندگی و آواز هست و مربی‌اش هم خیلی آدم درستی و کارش حرفه‌ایه و اون جا دارم می‌رم برای یادگیری خوانندگی، صداسازی. این داره کمک می‌کنه که روم هم بازتر بشه بتونم یه جایی بخونم برای بقیه. در کنارش دارم سلفژ هم دارم یاد می‌گیرم. خودآموز گیتار هم کار می‌کنم. در مورد رقص هم یه مدت کلاس زومبا می‌رفتم با یکی از دوستانم که کی پاپ بود ولی کلاس زومبا خیلی کلاسی نبود که کمک کنه و باعث بشه رقص آدم قوی بشه، بیشتر حالت ورزشی داره. بی‌تی‌اس و گروه‌های کی‌پاپ یه چیز خوبی که دارن، اینکه که برای یادگیری رقص‌هاشون بعد از هر آهنگ جدیدی که می‌دن بیرون یه ویدیو تولید می‌کنند و اون ویدیو تمرین رقص‌شونه و خیلی کمک می‌کنه که آدم یاد بگیره.

- موسیقی بی‌تی‌اس رو از چه لحاظ ترجیح می‌دی، ریتم‌شون، محتواشون یا اجراشون؟

خیلی سوال سختیه، من بیشتر صداهاشون رو دوست دارم و متن آهنگ‌هاشون هم خیلی قشنگه. تنوع اجراشون سر هر آهنگ و استایل‌هاشون متفاوت، بیشتر اوقات سر هر اجرا یه تم رنگی رو دارن همه‌شون، یه تم رنگی می‌پوشن یا مثلاً سه رنگ انتخاب می‌کنن، مثل مشکی و قرمز و سفید، استایلیست‌شون انتخاب می‌کنه، استایل‌شون همیشه تنوع داره و رقص‌شون هم خیلی سخته و پیچیده هست، هم چشم‌گیره و واقعاً استعداد دارن هم توی رقص و هم توی خوانندگی. می‌شه گفت من همه چیزشون رو دوست دارم، ولی بیشتر صدا و استعدادشون و توانایی رقص‌شون رو دوست دارم و همین طور هماهنگی‌شون رو خیلی دوست دارم، چون توی اجراها خیلی هماهنگی دارن باهم و تنوع دارن توی هر اجرا.

- می‌تونن بیشتر توضیح بدن که آهنگ‌های بی‌تی‌اس رو بیشتر به خاطر چه چیزی شون دوست داری؟

بیشتر به خاطر لیریک‌شون دوست دارم، چون لیریک‌هاشون هر بار یه پیام متفاوتی داره، ولی به نظر من ریتم‌هاشون یه ایرادی که داره اینکه که با ساز آکوستیک داره اجرا می‌شه و با آکوستیک ضبط شده، مثلاً با گیتار ولی توی کی‌پاپ بیشتر تر آهنگ‌ها با ریتم الکترونیک هست نه ساز الکترونیک، بعد آهنگ‌های بی‌تی‌اس بیشتر با صداهای کامپیوتری و با ریتم‌های کامپیوتری درست می‌شن و من خوشم نمیاد و به نظرم این مسأله یه ایراده، ولی یه سری‌ها دوست دارن، چون همین ریتم‌های کامپیوتریه که باعث رقص می‌شه، مثلاً اگه همون آهنگ‌ها رو با سازهای آکوستیک اجرا کنن، شاید اون قدر باعث رقص نشه و هماهنگی نداشته باشه با خود طراحی رقص‌هاشون.

- دوست داری محتوای آهنگ‌هاشون بیشتر توی چه زمینه‌هایی باشه؟

به نظرم همه لیریک‌هاشون قشنگه، چون لیریک‌هایی هستن که وقت گذاشتن سرش و همیشه هم این طوری نیست که لیریک‌ها رو کمپانی یا ترانه‌سراها طراحی کنن، یه وقتایی اگه کمپانی اجازه بده، خودشون می‌نویسن و برای دخترها کم‌تر این اجازه هست، خیلی توی کره تبعیض زیاده برای دخترهای آیدول‌شون خیلی این اجازه نیست که آهنگ‌ها رو بنویسن، ولی برای پسرهاشون این اجازه رو دادن و بی‌تی‌اس خیلی زیاد آهنگ نوشته، مخصوصاً شوگا و نامجون این دو نفر زیاد آهنگ نوشتن، البته جونگ‌کوک هم چندتایی آهنگ نوشته.

- دلیل خاصی داره که نمی‌گذارن دخترها آهنگ بنویسن؟

به خاطر همین تبعیضه، کلاً که آسیای شرقی یه سری شباهت‌ها داره با ایران چون جفت‌شون جزو آسیا هستن و یه سری اعتقادات و سنت‌های قدیمی دارن، مخصوصاً تبعیضی که بین زن و مرد قایل می‌شن، متأسفانه خیلی هم این حالت زیاد هست و انگار فکر می‌کنن که اگه دخترها آهنگ بنویسن کم‌تر توجه می‌گیرند و برای همچین چیزی هیچ دلیل منطقی‌ای ندارند.

- این که به دخترها اجازه نوشتن آهنگ داده نمی‌شه رو از چه منبعی شنیدی؟

یکی از فن‌پیج‌های بلک‌پینک یه پست گذاشته بود در مورد همین موضوع که چه قدر بین آیدول‌های پسر و دختر فرق می‌ذارن.

- تو از طریق بی‌تی‌اس با هم‌جنس‌گرایی و جامعه کوئیر آشنا شدی؟

نه، من فیلم زیاد می‌بینم، واسه همین از قبل هم در موردشون می‌دونستم و خوشم می‌اومد ازشون. البته در مورد گرایش خودم هنوز هیچی نمی‌دونم، چون به نظرم زوده آدم تو نوجوانی بخواد در این مورد به نتیجه برسه و ممکنه اشتباه کنه.

- یعنی بی‌تی‌اس روی علاقه‌ای که به هم‌جنس‌گرایان داری، تأثیری نداشته؟

نه، می‌گم از طریق فیلم‌هایی که دیدم بهشون علاقه‌مند شدم.

- به نظرت دلیل این علاقه‌مندی به جامعه کوئیر چیه؟

به نظرم عشقی که بین‌شونه خالص‌تره، چون توی روابط افراد استریت^۱ مسایل جنسی خیلی زیادی مطرحه، یعنی اکثر پسرها حواس‌شون فقط به این موضوعه، ولی تو روابط کوئیرها، به دلیل محدودیت‌هایی که دارند، باید عشق‌شون به هم خیلی زیاد باشه که جرأت کنند به همدیگه اعترافش کنند و تو جهانی که خیلی‌ها علیه هم‌جنس‌گرایی اند، این شجاعت رو داشته باشند که دست هم رو بگیرند. ممکنه حتی به خاطر رابطه‌شون با خانواده‌هاشون دچار چالش بشن و البته مشکلات دیگه‌ای هم هست. کلاً هم‌جنس‌گرا بودن چیز آسونی نیست و دردسر زیاد داره، واسه همین اکثر هم‌جنس‌گراهایی که باهم هستن، برای این باهم بوده دارن هر روز می‌جنگند و این عشق‌شون رو واقعی‌تر می‌کنه. روابط استریت اون قدر راحت و دم‌دستی شده که کسی قدرش رو نمی‌دونه و همه فکر می‌کنند، این نباشه، صدتا مثل این هست، پس چرا به خاطرش تلاش کنم یا دوست داشته باشمش. به نظرم سوءاستفاده احساسی و جنسی تو جامعه کوئیر کم‌تر پیش میاد و ارزش عشق رو بیش‌تر می‌دونند.

- آیا فن‌فیکشن می‌خونی؟

آره یه وقت‌هایی می‌خوندم.

- بیش‌تر چه گونه‌هایی می‌خوندی؟

بیش‌تر ژانر عاشقانه‌های دختر پسری.

^۱ - گرایش به جنس مخالف



- یعنی فن فیکشن های مربوط به شیپ اعضاء باهم رو نمی خوندی؟

نه خوشم نمی اومد.

- چرا خوشت نمی اومد؟

به نظرم بی احترامی به اعضاء بود، چون گرایش واقعیشون رو نمی دونم که.

- خودت هم فن فیکشن می نویسی؟

آره یه وقت هایی عاشقانه احساسی می نویسم، البته جنسی نه ها، خوشم نیامد این جوری درباره اعضاء بنویسم.

- درباره رابطه خودت با اعضاء می نویسی؟

آره همیشه بین من با اعضاء بوده و هیچ وقت دوست نداشتم بین خود اعضاء باهم باشه، چون ممکنه اعضاء اصلاً از همچین چیزی خوششون نیاد.

- خوب شاید اعضاء از این که آرمی ها در مورد رابطه خودشون با اون ها می نویسند هم خوششون نیاد، نظرت در این مورد چیه؟

آره ممکنه، حتی یه بار یکی از اعضاء گفت ما رو به عنوان سلبریتی دوست داشته باشید، نه به عنوان دوست پسرهاتون، ولی خب آخه این قضیه در مورد همه سلبریتی های همه کشورها وجود داره که طرفدارهاشون دوست دارند خودشون رو به شکل تخیلی به جای پارتنر اون ها در نظر بگیرند، البته نه این که واقعاً این طور باشه ها، این ها صرفاً تخیلاته واسه دلخوشی.

- فن فیکشن هایی که می نویسی رو تاحالا جایی هم منتشر کردی؟

نه، ولی با یکی از دوستانم که اونم می نویسه، حتی بیش تر از من درگیره نوشتنه و فعال تره، ما داستان هامون رو واسه هم می فرستیم و واسه هم رو می خونیم و راجع بهش نظر می دیم. فن فیک هایی که می نویسم رو فقط دوستانم می خونند جای نمی دارمشون.

- دلیل این که منتشرشون نمی کنی چیه؟

آخه دلیلی نداره. الان انقدر تعداد فن فیک ها زیاد شده که نیازی نیست منم بخوام بذارم یه سری فن فیکشن های خیلی قوی هست که بعضی از آرمی ها می نویسند، اون ها آره باید منتشر بشه، ولی یه سری فن فیک های سطحی هم هست که بعضی آرمی ها می نویسند و من نمی دونم با چه هدفی اینا رو منتشر می کنند، چون صرفاً تصورات فکری خودشونه که حتی به خوبی هم نتونستند بنویسنش و واضحه که استعدادی توی

نویسندگی ندارند. منم در اون حدی نمی‌نویسم که بخوام جایی بذارمش، در همین حد که خودم و دوستانم بخونیم، اوکیه به نظرم. حالت سرگرمی داره واسمون.

- چه قدر وقت صرف نوشتن یا خوندن این فن‌فیکشن‌ها می‌کنی؟

این روزها دیگه اندازه قبل فن‌فیک نمی‌نویسم، چون یه مقدار وقتم پر شده به خاطر مدرسه و کلاسی که می‌رم، مدرسه‌ام رو هم امسال عوض کردم، واسه همین دوستیم با اون دوستای آرمیم کمرنگ شده، ولی اون دوره‌ای که دوستی‌مون بیش‌تر بود، وقت بیش‌تری صرفش می‌کردم، مثلاً توی کلاس‌های آنالاین وقتم رو می‌گذاشتم سر این که این‌ها رو بنویسم، ولی داشت بد می‌شد، چون یکی دوبار الکی غیبت خوردم سر کلاسا با این که بودم، ولی حواسم نبود، دیگه یه مقدار گذاشتمش کنار.

- وقتی آهنگ‌های کره‌ای رو گوش می‌دی، متوجه معنی متن آهنگ می‌شی؟

من خیلی زبان کره‌ای بلد نیستم، ولی تا یه جایی می‌فهمم، مثلاً یه سری کلمات و جملات رو می‌فهمم چون یه دوره‌ای می‌خواستم زبان کره‌ای یاد بگیرم و حتی کتابش رو گرفتم و یه سری پیچ فالو کردم که آموزش زبان کره‌ای می‌گذاشتن و یه سری افرادی که خودشون کره‌ای هستن و زبان کره‌ای درس می‌دن رو دنبال می‌کردم تا یه جایی می‌فهمم یه سری چیزها. البته فقط آهنگ‌ها نیست، کی‌دراما، فیلم‌های کره‌ای، سریال‌های کره‌ای، این‌ها همه کمک می‌کنه آدم یه چیزهایی از زبان کره‌ای یاد بگیره. اون دوره‌ای که می‌خواستم کره‌ای یاد بگیرم، زیاد سریال‌هاشون رو می‌دیدم و خیلی سعی می‌کردم بفهمم که چی می‌گن و وقتی که آهنگ‌هاشون رو می‌شنوم، خیلی لذت می‌برم از زبان کره‌ای با این که خیلی از ایرانی‌ها این زبان رو مسخره می‌کنن و می‌گن که عین چینی‌ها حرف می‌زنن یا عین ژاپنی‌ها حرف می‌زنن، واقعاً خیلی بدم میاد وقتی این رو می‌گن، با این که خودم قبل از این که طرفدارشون بشم، جزو همین دسته آدم‌ها بودم و بچه بودم و این طوری فکر می‌کردم که اینا همه یه کشور هستنند و یه زبان مشترک دارن، ولی الآن متوجه شدم که این طوری نیست. الآن خیلی بدم می‌بینم مسخره می‌کنن و حتی زن دای‌ام می‌پرسید ازم که این همه فیلم‌هاشون رو می‌بینی یا آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دی، از زبان‌شون خوشت میاد؟ من وقتی می‌بینم تلویزیون داره اینا رو نشون می‌ده، بی‌صداش می‌کنم، چون بدم میاد از زبان‌شون و حرف زدنشون، ولی بعد از این که من بهش گفتم که زبان کره‌ای رو دوست دارم، خیلی حالت تحقیرآمیز رفتار کرد و گفت این چه زبانیه و شروع کرد اداشون رو درآوردن و کلاً وقتی می‌بینن یه نفر طرفدارشونه، بیش‌تر لج‌شون می‌گیره و بیش‌تر تحقیر و مسخره می‌کنن.

- آیا ترجمه آهنگ‌هاشون رو می‌خونی؟

آره. خیلی پیگیری می‌کنم که ترجمه آهنگ‌هاشون رو بخونم، کلاً هم من آهنگ‌های خارجی، انگلیسی، اسپانیایی هر زبانی که گوش بدم، ترجمه‌اش رو می‌رم می‌خونم، خوشم نمیاد آهنگی رو گوش بدم که نمی‌دونم داره چی می‌گه.

- فکر می‌کنی خواندن ترجمه آهنگ‌ها به یادگیری زبان کره‌ای کمک می‌کنه؟

صدا در صد. خیلی کمک می‌کنه و کلی اصطلاحات اون زبان رو یاد می‌گیری، چون معمولاً وقتی آدم یه زبانی رو می‌خواد یاد بگیره و کلاس می‌ره یا با دیکشنری و این جور چیزها می‌خواد یاد بگیره، زبان رسمی رو یاد می‌گیره، ولی توی آهنگ‌ها و یه سری از فیلم و سریال‌هاشون، میان یه سری اصطلاحات به کار می‌برن و این خیلی کمک می‌کنه به خصوص که اگه بخوای یه روز سفر بری کره، خیلی راحت‌تر می‌تونی با مردم ارتباط بگیری با همون اصطلاحات‌شون، مثلاً ممکنه توی کلاس‌ها این تدریس نشه که توی کره دوستاشون رو به اسم صدا نمی‌زنن، مثلاً به دوست بزرگ‌ترشون می‌گن «اونی» به عنوان مثلاً خواهر بزرگ‌تر، این جور چیزهای روزمره توی مکالمه رو به نظرم توی آهنگ‌ها و فیلم و سریال‌ها بیش‌تر می‌شه یاد گرفت.

- تو خودت چه قدر تونستی کره‌ای یاد بگیری؟

من خیلی پیگیر نبودم چون هم تنبلی نمی‌ذاره، هم واقعاً زبان سختیه و این که خیلی گرامر پیچیده‌ای داره، واسه همین زیاد دنبالش نرفتم، البته به این هم فکر کردم که زیاد توی زندگی به دردم نمی‌خوره، خوبیش اینه که این موضوع رو من همین اول کار بهش فکر کردم، ولی یکی از دوستانم که خیلی پیگیر زبان کره‌ای بود و کلی به خاطرش کلاس رفت و زحمت کشید، این موضوع رو دیر فهمید که این زبان هیچ جا به دردش نمی‌خوره و فقط به درد کسی می‌خوره که بخواد به کره مهاجرت کنه. البته اون دوستم به خاطر علاقه‌ای که به زبان شون داشت، رفت یاد بگیره، ولی خب بعد از مدت‌ها وقتی فهمید، خیلی خورد تو ذوقش. کلاً کره‌ای زبانی نیست که به دردت بخوره، مگه این که بخوای بری اون جا زندگی کنی که زندگی کردن در اون جا هم خیلی سخته، چون خیلی راحت راه نمی‌دن افراد رو اون جا برای زندگی، مخصوصاً ایرانی‌ها رو. من فقط یه سری اصطلاحات شون رو یاد گرفتم و یه سری جملات آسونش و این که چه طوری خودم رو معرفی کنم، در همین حد. بعد اینم اضافه کنم که اگه آدم زبان چینی و ژاپنی یاد بگیره، خیلی بیش‌تر به دردش می‌خوره و مهاجرت به کشور ژاپن خیلی بهتره و به صرفه‌تره تا این که بخوای زبان کره‌ای یاد بگیری و توی کره زندگی کنی، کره خیلی جای مناسبی برای مهاجرت و زندگی کردن نیست، چون هم ورود بهش سخته، هم کار کردن و کنار اومدن با مردمش سخته، چون آدم‌های زیاد گرمی نیستند.

- یعنی تو علاقه نداری به کره مهاجرت کنی؟

یه دوره‌ای بهش فکر می‌کردم، ولی بعد پشیمون شدم، چون واقعاً جای مناسبی برای زندگی نیست.

- دلیل این که می‌گی کره جنوبی جای مناسبی برای مهاجرت و زندگی کردن نیست، چیه؟

بین این جوریه که برای خانم‌ها خیلی سخت‌تره، انگار داری می‌ری ایران دوم، چون تقریباً همون قدر به زن‌ها سخت‌گیری می‌کنن و همون قدر تبعیض بین زن و مرد دارن و همون قدر به زن‌ها ظلم می‌شه که توی ایران هست. و این که امنیت اصلاً نیست اون جا خیلی تجاوز زیاده، دزدی زیاده و از این نظرها جای امنی نیست با این که کشورشون اعلام کرده بود یه دوره‌ای که ما امن‌ترین کشور جهانیم، ولی این درست نبود و کشورهای دیگه اومدن تکذیب کردن، خود مردم خودشون هم این رو تکذیب کردن و حتی توی فیلم‌هاشون ناامنی کره رو نشون می‌دن.

- می‌تونن مثال بیاری که چه طور توی کره جنوبی بین زن و مرد تبعیض هست؟

یکی در مورد همین آیدول‌هاشون که گفتم دخترهاشون خیلی اجازه ندارن آهنگ بنویسن، در صورتی که توی هالیوود خانم‌ها اکثر آهنگ‌ها رو می‌تونن خودشون تولید کنن، مثل تیلور سوئیفت که تقریباً تمام آهنگ‌هاش رو خودش تولید می‌کنه و این اجازه رو دادن بهش و این خیلی خوبه، ولی خوب توی کی‌پاپ این حالت نیست. از طرف دیگه همین ظلمی که بهشون می‌شه، تجاوزی که بهشون می‌شه و از جهت این که حقوق‌شون برابر نیست با مردها و توی کار خیلی بیش‌تر بهشون سخت‌گیری می‌شه تا مردها، یه حالتی مثل ایران هستش تقریباً.

- نیکو جان به نظرت علاقه‌ای که به کی‌دراما داری تحت تأثیر بی‌تی‌اس شکل گرفته؟

آره می‌شه گفت، چون حتی اعضاء خودشون توی یه سری فیلم و سریال بازی کردن، مثلاً تهیونگ همین اواخر یه سریال بازی کرده بود، دوستانم دیدن، ولی من ندیدم، چون خیلی طولانی بود و من از فیلم و سریال‌های امپراتوری و تاریخی کره‌ای خوشم نمیاد و اون سریال چون خیلی تاریخی بود، من نگاه نکردم. این که خود اعضاء توی سریالی بازی کنند، باعث می‌شه اون سریال خیلی معروف بشه و همه آرمی‌ها برن ببینند، واسه همین بعضی کارگردان‌ها میان از خواننده‌ها هم توی فیلم و سریال‌هاشون استفاده می‌کنند.

- کدام سبک لباس اعضای بی‌تی‌اس رو بیش‌تر دوست داری؟

من زیاد سبک‌ها رو توی لباس نمی‌شناسم و نمی‌تونم تشخیص بدم چه سبکیه ولی کژوال رو خیلی دوست دارم و در مورد بی‌تی‌اس لباس‌های گشادی رو که می‌پوشن خیلی دوست دارم، البته خیلی گشاد نمی‌پوشن، ولی یه وقتایی که استایل‌شون اون طوریه، دوست دارم یا مثلاً بیش‌تر استایل اسپرت می‌پوشن و اگه بخوام در مورد سبک‌شون بگم بیش‌تر سبک اسپرت و من خودم سبک اسپرت رو خیلی بیش‌تر دوست دارم و

مخصوصاً جیمین بیش تر فاز اسپرت رو داره و این که مثلاً راه‌راه می‌پوشه با شلوار لی می‌پوشه و کلاه خیلی استفاده می‌کنه، من خیلی خوشم میاد و مخصوصاً کت، کت‌هایی که می‌پوشن رو خیلی دوست دارم حتی چندتا شبیه‌اش رو دارم و می‌پوشم بیش تر.

استایل شوگا بیش تر وقتا به جوریه که من دوست ندارم یا مثلاً استایل جین رو دوست ندارم، ولی بعضی وقت‌ها با استایل‌هاشون متفاوت و خیلی خفنه. هر کدوم به استایل خاص دارن، ولی در کل مشابه همدیگه است و همه‌شون استایل اسپرت دارن و در مورد جونگ‌کوک، می‌تونم بگم که جدا از کمپانی بیش تر استایل‌هاش رو خودش انتخاب می‌کنه، این به چیزی بود که واضح بود، ممکنه یکی از اعضاء هم باشه که استایلش دست خودش باشه و خودش انتخاب کنه و آزاد باشه، ولی ما ندونیم ولی جونگ‌کوک خیلی واضح بود. جونگ‌کوک بیش تر اوقات به نوع استایل داره، بیش تر مشکی می‌پوشه و کلاه خیلی استفاده می‌کنه، کلاه حلقه‌دار هم زیاد استفاده می‌کنه یا مثلاً جیمین خیلی هودی می‌پوشه و از طرف دیگه تهیونگ و جین استایل‌شون خیلی شبیه همه و وقتی پاییز می‌شه، پالتوهای کره‌ای می‌پوشن. نمی‌دونم شما پالتوهای کره‌ای رو دیدید یا نه، به حالت بلند دارن و توی سریال‌هاشون هم خیلی نشونش می‌دن و رنگ‌های گرم و شکلاتی و نسکافه‌ای داره، البته من خودم خیلی خوشم نمیاد از این پالتوها و بیش تر تیپ اسپرت و لش‌طورشون رو دوست دارم.



- از کجا می‌دونی که جونگ‌کوک خودش لباس‌هاش رو انتخاب می‌کنه؟

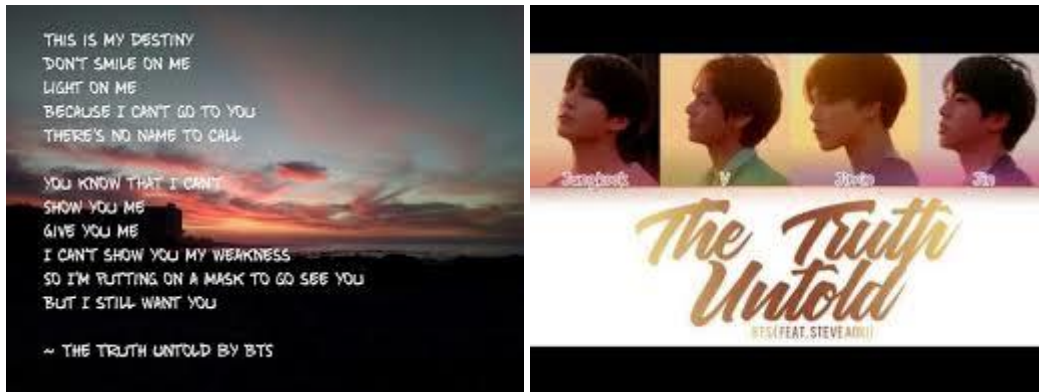
از این جهت که همیشه استایل‌اش به جوریه و حتی توی لایوهای همیشه همون شکلی بوده چون توی لایوها می‌تونن دیگه خودشون انتخاب لباس داشته باشن و لباس‌هایی هست که توی خونه‌شون می‌پوشن یا توی خوابگاه و کمپانی جونگ‌کوک همیشه به سبک لباس رو می‌پوشه، نه این که به دست باشه‌ها، نه، منظورم اینه که به تم بود به سبک بود و من از تم لباس‌های جونگ‌کوک خوشم می‌اومد، واسه همین که می‌گم، ممکنه خودش لباس‌هاش رو انتخاب کنه، چون همیشه سبکش به شکله. من قبل از این که طرفدار شوگا باشم، طرفدار جیمین بودم و توی اون مدت می‌رفتم، کت اون شکلی می‌خریدم چون از استایلش خوشم می‌اومد، ولی هیچ وقت هم نمی‌شد دقیقاً مثل استایل اون باشه و همه چیزها باهم هماهنگ باشه، ولی از به جایی به بعد خودم علاقه‌مند به این کت‌ها شدم، کت‌های کلفت و اسپرتی.

- وقتی که ناراحتی و آهنگ‌هاشون رو گوش می‌دی، حالت بهتر می‌شه؟

آره خیلی، خیلی تأثیر می‌ذاره، مخصوصاً این که هر آهنگ رو در ارتباط با به حس نوشتن، مثلاً آهنگ حقیقت ناگفته^۱ شده که وکالیست‌هاشون خوندن، مثلاً اون آهنگ در مورد ناامیدیه، واسه وقتی که از زندگی خسته شدی و دیگه نمی‌تونی ادامه بدی. من هر وقت ناامید می‌شم، وقتی

1_ The truth untold

لیریکاش رو یادم می‌افته و می‌رم دوباره لیریکاش رو می‌خونم، به این فکر می‌افتم که هنوز یه امیدی هست یا مثلاً آهنگ زیرو اُکلاک^۱ در مورد ناراحتیه یا این که سعی کنی یا تظاهر کنی، حالت اوکیه و به بقیه بگی که من کاملاً اوکی هستم و همه چی اوکیه، ولی در صورتی که این طور نیست یا مثلاً یه دوره‌ای بود که خیلی ناامید شده بودم، از این جهت که نکنه من نتونم رؤیام رو دنبال کنم و نتونم اون کار رو انجام بدم و شکست بخورم و آهنگ نات تودی رو که گوش می‌دادم، اون جوّی که داشت و تأثیری که روی من می‌داشت، خیلی خوب بود.



1- Zero o'clock ساعت دوازده



- یعنی برای هر حس و حالت آهنگ دارند؟

بله، مثلاً آهنگ مجیک شاپ^۱ که جزو محبوب‌ترین آهنگ‌هاشونه. این آهنگ رو جونگ‌کوک نوشته، بیش‌تر آهنگ‌های احساسی رو جونگ‌کوک می‌نویسه. این آهنگ رو هم برای آرمی‌ها نوشته بود که احساس شکست و تنهایی دارن یا احساس طرد شدن. یه فروشگاهی هست که هر موقع بخوان می‌تونند درش رو باز کنند و اون جا هفت تا پسر منتظرشون هستن که بهشون عشق بدن و بهشون امید بدن و اون جا هستن که دوست‌شون داشته باشن و این آهنگ در این مورد بود.



- تو تاحالا برای بی‌تی‌اس فن پیج داشتی؟

بله، یه مدت یه دونه داشتیم، ولی توی اینستاگرام نبود، توی روبیکا بود. دوتا فن پیج داشتیم در واقع، یکی واسه بلک‌پینک، یکی واسه بی‌تی‌اس. البته من طرفدار خیلی از گروه‌ها هستم، ولی اون موقع بیش‌تر جذب این دوتا گروه شده بودم و فکر کنم حدود ۱۰۰ تا فالور داشتیم.

- چرا توی اینستاگرام پیج نداشتی؟

چون اون موقع اینستاگرام نداشتیم، حتی تلگرام هم نداشتیم، به خاطر این که سنم کم‌تر بود. فقط روبیکا داشتیم، اون اوایل بود که تازه طرفدارشون شده بودم.

- حدوداً چند ساله بودی؟

۱۲ سالم بود. فعالیتیم هم زیاد بود و هرروز پست می‌گذاشتم.

- بیش‌تر چه جور پست‌هایی می‌گذاشتی؟

^۱ - Magic shop

پست‌ها در مورد موزیک ویدیوهاشون و با این که من قبلاً هم گفته بودم، تو سوالات قبلی که از شیپ کردن بدم میاد ولی یه سری از پست‌ها در مورد همین قضیه بود، ویدیوهاشون باهم و اون موقع هم می‌دونستم این‌ها ساختگیه ولی خوب بعضی‌هاش بود که حالت رفاقتی داشت، اونا رو بیشتر می‌گذاشتم. بیشتر پست‌ها پست‌های فان و خنده‌دار بود.

- آیا از طریق فن پیجت کسب درآمد هم داشتی؟

نه، ولی با دوستانم تبلیغ پیج‌های هم رو می‌داشتیم و یه جورایی می‌شه گفت به اصطلاح تب می‌زدیم، ولی با هدف کسب درآمد نبود، چون تا یه کم داشت اوج می‌گرفت، دیگه بستمش چون هر روز می‌خواستم کلی پست بذارم و وقت می‌گرفت و این که بیشتر دوستانم بودن که پیگیر بودن و کس دیگه‌ای نبود که بخواد پیجم رو ببینه. بعدش روییکا رو هم کلاً پاک کردم.

- پس بعد از این که این پیج رو بست، دیگه توی اینستاگرام فن پیج درست نکردی؟
نه.

- روزانه چه قدر زمان صرف فعالیت توی این پیج می‌کردی؟

زمان زیادی می‌گرفت، چون باید هر روز ویدیو پیدا می‌کردم، پست می‌گذاشتم و کپشن می‌نوشتیم. به نظر نمی‌اومد که کار وقت‌گیری باشه، ولی واقعاً وقت می‌گرفت ازم.

- می‌توننی حدوداً بگی روزانه چند ساعت وقت می‌گذاشتی؟

حدود دو ساعت این طورا.

- آیا طرفداری از بی‌تی‌اس باعث شده از کارهای روزمره و درست عقب بیفتی؟

نه خیلی، اون قدر دیگه زمان ازم نمی‌گرفت که از درس‌هام عقب بیفتم. بعضی از پدر و مادرها هستن که بچه‌ها رو محدود می‌کنن که طرفدار بی‌تی‌اس نباش، به خاطر این که احساس می‌کنن، اگه بچه‌شون دنبال بی‌تی‌اس و طرفدار بی‌تی‌اس باشه، دیگه درس‌هاش رو می‌گذاره کنار، در صورتی که فقط برای بعضی‌هاشون که درس خون نیستن، این اتفاق می‌افته، البته منم اون دوره که فن فیک می‌نوشتیم با دوستانم سر کلاس‌های آنلاین یه وقتایی حتی غیبت می‌خوردم که تصمیم گرفتم نکند دیگه این کار رو، ولی برای بعضی‌هاشون که درس خون و زرنگ هستن، این اتفاق نمی‌افته که از درس‌هاشون عقب بیفتن و معمولاً می‌تونن زمان‌شون رو برنامه‌ریزی کنند. من یه دوست درس‌خون دارم که همین جوریه، اصلاً نمی‌ذاره تایمی که برای درس خوندن تعیین کرده، تغییر کنه، به نظرم بیشتر به شخصیت خود آدم بر می‌گرده که چه قدر جدی و اهل برنامه‌ریزیه.

- هیچ وقت تلاش کردی از طریق کامنت و پیام با اعضاء ارتباط برقرار کنی؟

من اون اوایل اینستاگرام و وی‌ورس نداشتم، واسه همین نمی‌تونستم، البته اون موقع خود بی‌تی‌اس هم توی اینستاگرام فعالیتی نداشتن، الان که اینستا دارم، تازگی‌ها فعالیت‌شون رو توی اینستا شروع کردن. یه سری از آرمی‌ها واقعاً تلاش می‌کنن و یه وقت‌هایی واقعاً جواب می‌گیرن ازشون، ولی خب مشخصه که خیلی کم پیش میاد جواب کسی رو بدن، واسه همین من تلاش زیادی در این زمینه نکردم، البته یکی، دوبار کامنت گذاشتم براشون. بی‌تی‌اس بیشتر فعالیت‌شون توی وی‌ورسه و من هیچ وقت نتونستم درست حسابی آپش رو نصب کنم، همیشه خدا یه مشکلی توش ایجاد می‌شه، واسه همین بیشتر اوقات فیلم لایوهاشون رو توی یوتوب می‌بینم و زنده نیست که بخوام همون لحظه براشون کامنت بذارم. یه بار جونگ‌کوک یه استوری گذاشته بود، از این چت‌باکس‌ها هست که می‌گن، اگه سوالی داری در مورد هر چیزی بپرس. این استوری رو همون روز اولی که اینستا رو باز کرده بود، گذاشت. منم یه سوالی ازش پرسیدم، یادم نیست دقیقاً چی بود، ولی آخرش هم پیامی که فرستادم براش رو جواب نداد.

– چرا نتونستی وی‌ورس رو نصب کنی؟

چون برنامه پیچیده‌ایه و شرایط نت خیلی بده و وی پی ان قوی می‌خواد. اگر طرفدار کی‌پاپ و بی‌تی‌اس باشی دوتا برنامه هست که باید داشته باشی، یکی وی‌لایوه و یکی وی‌ورس و من هیچ کدوم رو ندارم، به خاطر این که خیلی سخته کار کردن باهاشون. البته اگه بریزم هم با این که زیاد لایو نمی‌ذارن، ولی وقتی می‌ذارن خیلی طولانیه و یک تا دو ساعته لایوشون زمان می‌بره، واسه همین می‌شینم پاش و دبگه زمان می‌گیره. تازه من زبان کره‌ای هم خیلی بلد نیستم واسه همین نمی‌تونم حرف‌هاشون رو بفهمم، خوبی یوتوب و آپارات اینه که یه وقت‌هایی زیرنویس فارسی یا انگلیسی واسه لایوهاشون می‌ذارن.

– وقت‌هایی که کام‌بک می‌دن، چه قدر وقت برای استریم زدن صرف می‌کنی؟

بین کلاً این جور کارها با نت ایران زیاد شدنی نیست، چون وقتی یه آرمی خارجی بخواد این کار رو بکنه، اون ویدیو یا آهنگ خیلی سریع براش لود می‌شه و استریم زده می‌شه، ولی ما ایرانی‌ها باید سه برابر زمان بذاریم، چون هر یک دقیقه ویدیو بخواد لود بشه، پنج دقیقه وقت می‌بره، این جووری زمان خیلی زیادی می‌گیره. آرمی‌های خارجی اون قدر زیاد ان که می‌تونن این موضوع رو جبران کنند و جای ماها هم استریم بزنند، ولی با شرایط وی پی ان و اینترنت ایران، من نمی‌تونم یکی، دوبار هم تلاش کردم، ولی فقط اعصابم خورد شد سر دیر لود شدن‌ها.

– آیا دوستان استریم می‌زنند؟

بله، اکثرشون این کار رو می‌کنن.

– چه قدر زمان صرف این کار می‌کنند؟

ساعات زیادی که نه، ولی اگه موزیک ویدیویی چیزی بیاد بیرون، یه چندباری استریم می‌زنند.



– اگر آیدول مورد علاقه‌ات مرتکب خطایی بشه، آیا باز ازش حمایت و طرفداری می‌کنی؟

بین مثلاً سر اتفاقاتی که توی ایران افتاد، بی‌تی‌اس خیلی دیر واکنش نشون داد، اونم بیش تر نامجون. در حالی که هر اتفاقی توی کره می‌افته آرمی‌ها سریع واسه حمایت از بی‌تی‌اس صداشون درمیاد، توقع می‌رفت بی‌تی‌اس خیلی زودتر و بیش تر از این حرف‌ها به ماجراهای ایران واکنش بده و حمایتش رو نشون بده. نامجون یه استوری گذاشت و واسه یه آرمی که توی ایران مرده بود، اسپرینگ دی^۱ (روز بهاری) رو خوند و ابراز ناراحتی کرد، ولی توقع من خیلی بیش تر از این حرف‌ها بود. البته این جووری نیست که کلاً آدم طرفداریش رو قطع کنه، ولی یه کم دلسرد کننده هست بعضی کارها.

^۱ – Spring day



- آیا آلبوم و لوازم طرفداری رو خریداری می‌کنی؟

آلبوم رو نه نتونستم، چون خیلی گرون هستن و کلاً توی ایران سخت آلبوم اصل پیدا می‌شه، بیش‌ترشون آلبوم‌های فیکن. یکی، دوتا آلبوم فیک دارم که البته چیز خاصی ندارن، فقط آهنگ اون آلبوم توی سی‌دیش هست. یه سری پوستر هم از یه آنلاین شاپ خریدم زدم رو دیوار اتاقم، خیلی قشنگ شده.

- آیدول‌های کره رژیم‌های غذایی سخت و عمل‌ها زیبایی دارن، این موضوع باعث شده خودت هم به انجام این کارها تمایلی پیدا کنی؟

نه هیچ وقت. چون یه حالت ظلم به خود داره. رژیم رو که نه هیچ‌وقت لازم بوده بگیرم، نه هیچ‌وقت دلم خواسته بگیرم، حتی اگه یه دوره‌ای بوده که می‌خواستم لاغرتر بشم، هم به ورزش فکر کردم، ولی هیچ وقت به رژیم علاقه پیدا نکردم. در مورد عمل جراحی هم نه، فقط یه دوره کوتاهی بود که دلم می‌خواست دماغم رو عمل کنم چون احساس می‌کردم که دماغم خیلی بزرگه برای صورتم، ولی در نهایت به این نتیجه رسیدم که دماغم همین جوریش به صورتم میاد اگه کوچیک‌تر بشه ممکنه دیگه به بقیه اعضای صورتم نیاد و ناهماهنگ بشه.

- نظرت در مورد فشار و کنترلی که کمپانی رو اعضاء داره چیه؟

خب خیلی اذیت‌کننده هس مثلاً منیجرهایی که دارن همه چیزشون رو چک می‌کنن، گوشی‌هاشون رو چک می‌کنن، ساعت رفت و آمدشون، این که کجا می‌رن و کی برمی‌گردن و کلاً همه چیزشون. کلاً هم رفت و آمدشون خیلی کم و کنترل شده هست و اون آزادی رو ندارن که بخوان هر جایی خواستن برن یا مثلاً با کسی قرار بگذارن، حتی چیزهایی که می‌خورن خیلی کنترل شده است و این خیلی اذیت‌کننده هست.



- بین پیام‌های بی‌تی‌اس کدام پیامشون رو بیش‌تر از بقیه دوست داری و بیش‌ترین تأثیر رو روت گذاشته؟

سوال سختیه، اکثر پیام‌هاشون توی یه دوره‌ای خیلی کمک کرده و من توی اون دوره این طوری بودم که این پیام زندگی من رو نجات داد، این یکی پیام مورد علاقه منه، شعار منه، نمی‌تونم به طور قطع بگم کدوم پیامشون رو بیش‌تر دوست دارم، اکثرشون خوب ان.

- می‌تونی از پیام‌هایی که تأثیر بیش‌تری روت داشته مثال بزنی؟

بین کلاً بی‌تی‌اس یکی از خوبی‌هاشون همینه که وقتی حرف می‌زنند، خیلی تلاش می‌کنند که بتوندن تأثیر مثبتی روی زندگی آرمی‌ها داشته باشن، همیشه تو حرفاشون آرمی‌ها رو تشویق می‌کنند که زود خسته و ناامید نشین و مسیری که داری برای اهدافت می‌ری رو ادامه بدید و درس و تفریح رو باهم جلو ببرید و تمرکزتون رو فقط روی یکی از این دوتا بعد زندگی خودتون نذارید در کنارش به خودتون هم اهمیت بدید و برای خودتون و شخصیت و ظاهری که دارید، ارزش و احترام قایل بشید.

- نیکو جان آیا تو فن‌وارها شرکت می‌کنی؟

توی سه‌تا از دعوا شرکت کردم، چون واقعاً لج آدم در می‌اومد.

- می‌تونی بیش‌تر در مورد دعواهایی که داشتی، توضیح بدی؟

مثلاً ساسی مانکن این طوری بود که رفته بود کنسرتشون توی لس‌آنجلس و ویدیو گرفته بود از خودش و دقیقاً هم ردیف جلو نشسته بود، چون از جیمین که داشت ویدیو می‌گرفت قشنگ جلو بود. بعد از خودش ویدیو گرفت که اینا کی ان اصلاً و دارن چرت و پرت می‌گن و چی دارن اصلاً می‌خونن که من سر این مسأله واقعاً عصبانی شده بودم، چون داره حق آرمی‌های دیگه رو می‌خوره، چون یه سری آرمی‌ها هستن از کشورهای مختلف پدرشون درمیاد پول درمیارن و می‌کوبن می‌رن اون جا برای کنسرت، این یعنی داری حق دیگران رو می‌خوری وقتی طرفدارشون نیستی، بشین تو خونه‌ات نرو، سر همین کلی از آرمی‌ها رفتن تو پیج ساسی مانکن براش کامنت گذاشتن، منم دلایل اشتباه بودن کارش رو براش نوشتم.

مورد بعد دعوی حمید هیراد و بی‌تی‌اس هم سر این بود که حمید هیراد، سال ۲۰۱۸ تیزر کنسرت جدیدش رو دقیقاً از روی تیزر آلبوم وینگز^۱ کاملاً کپی کرده بود و دقیقاً همون ویدیو بی‌تی‌اس بود، فقط به جای اعضاء حمید هیراد بود و هیچ تغییری نداده بودن، سر اون بود که فندوم خیلی شاکی شده بودند و حتی این رو توی شبکه من و تو هم نشون داد و آخرش هم حمید هیراد هیچ عذرخواهی‌ای نکرد. از اون جا به بعد آرمی‌ها خیلی از حمید هیراد متنفر شدن.

مورد آخر دعوی بین مهرداد هیدن و فن‌های آرمی هم این بود که می‌خواست برای خودش یه نماد درست کنه که نماد فندومش باشه و دقیقاً از روی نماد بی‌تی‌اس کپی کرده بود و دقیقاً یه چیزی شبیه به همون بود، واسه همین بعدش فندم آرمی خیلی شاکی شدن و اومدن دعوا و گفتن این نماد بی‌تی‌اس هست. مهرداد هیدن هم کلی استوری گذاشت و کلی فحش داد به بی‌تی‌اس و عکسشون رو استوری کرده بود و حرف‌های زشت و رکیک زده بود بهشون، بعد از این که کلی استوری‌های توهین‌آمیز گذاشت، نمادش رو عوض کرد و نماد بعدیش هم باز شبیه نماد آرمی‌ها بود و دیگه آرمی‌ها به شدت عصبانی شدن و خیلی اوضاع بد شد، آخرش هم یه آهنگ دو دقیقه‌ای داد بیرون و باز به بی‌تی‌اس فحش داده و توهین کرده بود و حرف‌های بدی زده بود. من خیلی ناراحت و عصبانی شدم، دوستم بهم می‌گفت که ما اصلاً این یارو رو نمی‌شناختیم و اسمش رو هم نشنیده بودیم، مخصوصاً این کار رو کرده که معروف بشه و حالا به خاطر این کارش، ما همه اون رو می‌شناسیم، منم دیدم راست می‌گه ما الکی داریم این همه جوش می‌زنیم و اون یارو داره در واقع تبلیغ منفی می‌کنه برای خودش. توی این جور دعواها شرکت کردم و مثلاً اگه قرار بود یه هشتگی علیه حمید هیراد ترند شه، سعی می‌کردم خیلی اون هشتگ رو کامنت کنم.

^۱ - Wings

- یعنی سلبریتی‌های ایرانی با تقلید از بی‌تی‌اس سعی دارند خودشون رو معروف و مطرح کنند؟
بله، صددرصد.

- توی دوستانت کسی هست که خیلی تعصبی باشه و توی فن‌وارها اقدامات زیادی انجام بده؟
دوستای تعصبی زیاد دارم، مثلاً توی همین ماجراها یکی شون می‌رفت زیر پست‌های حمید هیراد و مهرداد هیدن فحش‌های بد می‌نوشت و استوری می‌داشت و بقیه آرمی‌های توی پیجش رو هم تشویق می‌کرد که همین کار رو بکنند. بعد یه دوست مشترک دیگه‌ای داریم که طرفدار مهرداد هیدنه، اون این استوری‌ها رو می‌دید خیلی ناراحت می‌شد و می‌رفت با دوستم دوتایی دعواهای شدیدی می‌کردن با این که تمام این اتفاقات رو افراد دیگه‌ای رقم زدن و تقصیر دوستت نیست که بری باهاش دعوا کنی، اما خیلی توی اون مدت دعواشون می‌شد.

- به نظرت این دعواها و تنش‌ها نتیجه‌ای هم دربرداره؟

این دعواها نه، راستش یه دلیلی هم که من زیاد اقدامی نکردم این بود که می‌دونستم هیچ فایده‌ای نداره، کلی وقت و انرژی مون رو صرف کنیم با یه سری عده آدم بحث کنیم تهش هم اونا حرف خودشون رو می‌زنن و ما هم حرف خودمون رو می‌زنیم. البته ساسی مانکن همون سال هم کلی شهرت داشت و نیاز نبود این کار رو بکنه، ولی مهرداد هیدن و حمید هیراد که این کار رو کردن، قشنگ برای تبلیغ خودشون بود و این که از راه منفی شهرت پیدا کنن و معروف بشن. من خودم مهرداد هیدن رو اصلاً نمی‌شناختم و بعد از این ماجرا تازه شناختمش و فهمیدم اونها دقیقاً هدفشون همین بوده که بیفتن سر زبون‌ها.

- به نظرت بی‌تی‌اس باعث شده راحت‌تر بتونی دوست پیدا کنی؟

آره، صددرصد، مخصوصاً توی سن ما خیلی این قضیه رایج هست و من خودم بهترین دوستم رو از همین طریق پیدا کردم. مثلاً یه جا که می‌ری می‌بینی که طرف کیف بی‌تی‌اس داره، می‌ری جلو و می‌گی تو طرفدار بی‌تی‌اس هستی؟ و اونم می‌گه آره و باهم دوست می‌شین سر همین قضیه، من خودمم خیلی از دوستانم رو همین شکلی پیدا کردم. هم توی کلاس زبان هم توی مدرسه که خیلی زیاده و هم کلاس‌های تقویتی بیرون.

- تاحالا بی‌تی‌اس باعث شده باورهای تو تغییر کنه؟

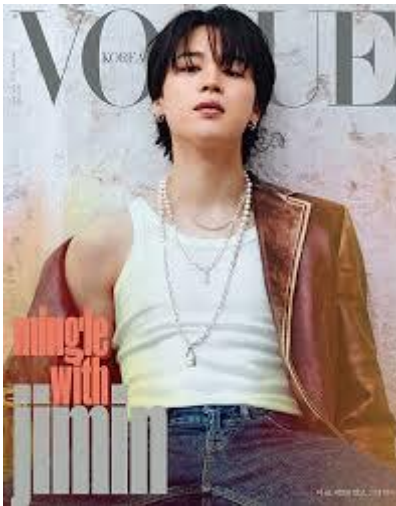
آره این اتفاق افتاده و تأثیر زیادی گذاشته، ولی تأثیر بدی نبوده، مثلاً این که یه عده آدم‌ها هستن که محجبه و مذهبی هستن و این عقیده رو دارن که افراد مسلمان حتماً باید حجاب داشته باشن یا اونایی که حجاب ندارن خیلی بد هستند و بی‌تی‌اس اومده بود گفته بود که افراد زیادی رو که با حجاب هستن، ما می‌بینیم و خیلی هم افراد زیبایی هستن، یعنی با حجاب هنوز هم زیبا هستند. یه بار هم یه مجری پرسیده بود ازشون که خودتون دوست دارید افراد بی‌حجاب بیان فن‌میتینگ‌ها یا با حجاب باشن؟ و بی‌تی‌اس گفته بود که هر طور که راحت هستن و هر طور که عقیده خودشونه و هر جور که دوست دارن، همیشه سعی می‌کنند این فرهنگ‌سازی رو بکنند که عقاید مذهبی دیگران، هیچ ربطی به ما نداره و این چیزیه که خودشون باید انتخاب کنند. حتی گفتند که اگر یه جایی یه فرد محجبه دیدید، این طوری نباشین که اگه خودتون محجبه نیستید، آه آه بکنید یا بگید یارو رو ببین حجاب داره و برعکسش هم همین طور، افراد محجبه نباید برن به اونایی که حجاب ندارن گیر بدن یا تیکه بندازن و این موضوع خیلی دید من رو تغییر داد، خودم تا قبل از شنیدن این‌ها دید مثبتی نسبت به افرادی که خیلی محجبه بودن نداشتم، البته مسخره نمی‌کردم و کاری هم نداشتم، ولی بعد از این که بی‌تی‌اس این حرف‌ها رو زد، تأثیر گذاشت روم و به نظرم عقیده افراد به خودشون بستگی داره و به خودشون ربط داره.

- فکر می‌کنی حمایتی که بی‌تی‌اس از افراد محجبه می‌کنه با هدف عادی‌سازی این موضوع در سطح جهان هست یا این که هدفش تبلیغ و جذب مخاطب برای خودشه؟

این مسأله سوالی بود که به مجری هم یهو ازشون پرسید و فکر نمی‌کنم قبلاًش وقتی بوده باشه که بخوان برنامه‌ریزی کنن که برای تبلیغ خودشون این حرف‌ها رو بزنند، البته ممکنه از قبل پیش‌بینی شده باشه و برنامه‌ریزی شده باشه و مثلاً به مجری گفته باشن که این سوال رو بپرس که ما این جواب رو بدیم، ولی من احساس می‌کنم که اعضای بی‌تی‌اس می‌خواستن عادی‌سازی بکنن این قضیه رو، ولی این امکان هم هست که کمپانی گفته باشه بهشون که این رو بگید و به حالت تبلیغ هم باشه برای خودشون، ولی چون گروه‌های دیگه هم توی کی‌پاپ بودن که از افراد محجبه دفاع کرده بودن و حمایت کرده بودن، من احساس می‌کنم که بیشتر حالت عادی‌سازی و حمایت بوده.

- فکر می‌کنی حمایتی که بی‌تی‌اس از جنسیت نداشتن لباس‌ها و آرایش کردن پسرها می‌کنه با هدف عادی‌سازی این موضوعات در سطح جهان هست یا این که هدفش تبلیغ و جذب مخاطب برای خودشه؟

الآن تمام گروه‌های کی‌پاپ دارن این کار رو می‌کنن، حتی می‌شه گفت تو کل جهان همین طور شده، مثلاً خواننده‌های هالیوود هم دارن همین کار رو می‌کنن و خیلی‌هاشون که پسر هستند، آرایش می‌کنن و لباس‌هایی بپوشند که ما با نام لباس دخترانه می‌شناسیمشون، به نظرم این یه مسیر مثبت توی صنعت موسیقی و خیلی خوبه که دارن از این موضوع حمایت می‌کنن. واسه همین فقط بی‌تی‌اس نیست که از این چیزها تبلیغ کنه و حمایت از این چیزها دیگه نمی‌تونه کار متفاوت و خاصی باشه که مخاطب جذب کنه چون خیلی از سلبریتی‌ها دارن همین کار رو می‌کنند.



- فکر می‌کنی چرا بعضی از افراد به خودشون این حق رو می‌دن که به آیدول‌ها هیت بدن؟

متأسفانه خیلی چیز بدی هست، وقتی تو از یکی خوشت نیامد، لازم نیست حتماً بری یارو رو تخریب کنی، یارو رو بکوبی، مثل این می‌مونه که یکی بیاد و این کار رو با تو بکنه، مثلاً بگه چه دماغ زشتی داری یا چه هیکل بدی داری، چه صورت زشتی داری یا هر چی چون از تو خوشش نیامد، هی بیاد بهت بد و بیراه بگه یا هیت بده، دست تو نیست که اون اتفاق افتاده، اگه برای زشتی صورت و اینا بوده که خدا آفریده، البته بعضی از هیت‌ها هم هست که می‌گن برو عمل کن و شاید اون طرف شرایطش رو نداشته باشه و بعضی‌هاشون رو به زور مجبور می‌کنن عمل کنن، ولی خوب طرف ممکنه بیاد و عمل زیبایی هیکل رو انجام بده، بعد قلبش مشکل پیدا کنه و کلیه‌اش مشکل پیدا کنه. اما در مورد هیت‌ها خوب مثلاً من همیشه فکر می‌کردم که یه دلیلی هم که داره، ممکنه ضعف اون طرف باشه، مثلاً تو می‌ری به یه آیدولی هیت می‌دی که تو چرا بد می‌رقصی و حالا ممکنه اون کسی که داره این هیت رو می‌ده، اصلاً رقص بلد نباشه و تاحالا توی عمرش نرقصیده باشه، به نظرم یه

هیتهایی از ضعفهای درونی خود انسانها میاد، مثل این مثالی که گفتم یا مثلاً این که می بینن اون طرف معروفه، پول داره و خوشگله و کلاً خیلی مزایای خوبی از دید اون آدم داره و از این جهت حسادت می کنه که خودش هیچی نیست و برای همینه که هی هیت می ده.



- گفتمی آرمی بودن باعث می شه آدم راحت تر دوست پیدا کنه، به نظرت بین همسالان شما اگه کسی آرمی نباشه از جمعها طرد می شه و برای آرمی شدن احساس فشار می کنه؟

آره مثلاً بهترین دوست من آرمی نیست، من کاملاً اوکی هستم با این قضیه که طرفدار بی تی اس نیست، البته تاجایی که هیت ندها و تا الان هم هیچ هیتی نداده، ولی بعضی از بچه هامون که آرمی ان، باهاش گرم برخورد نمی کنن و براشون عجیبه که تمام این مدت که با ماها دوست بوده، آرمی نشده. البته بعضی از کسانی که طرفدار بی تی اس نیستن، میان همه اش هیت می دن به اعضا، در اون صورت به نظرم حق شونه که باهاشون خوب برخورد نشه، چون این مهمه که احترام متقابل باشه و هم من به اون که طرفدارشون نیست، احترام بذارم هم اونی که طرفدارشون نیست، باید به من که هستم احترام بذاره. بهترین دوستم که طرفدار بی تی اس نبود، دوستهای دیگه مون همه اش مسخره اش می کردن و می گفتن چه طوری طرفدارشون نیستی و تمام تلاش شون رو می کردن که طرفدارش کنن.

- تو خودت تاحالا تلاش کردی کسی رو فن بی تی اس کنی؟

آره، یکی دوبار تلاش کردم، ولی به نتیجه نرسید.

- چرا؟

مشکل این بود که طرف جلو من ادای این رو درمیآورد که فن شون شده، ولی در واقع نشده بود. مثلاً وقتهایی که می خواستیم هم رو ببینیم می رفت عکس هاشون رو دانلود می کرد و یکی، دوتا از آهنگ هاشون رو زوری گوش می داد که به من نشون بده پیگیره، در صورتی که کاملاً تابلو بود، این کارها رو به زور انجام می ده و علاقه ای نداره.

- چرا همچین کاری رو می کرد؟

فکر کنم واسه این بود که خودش رو با من هماهنگ کنه و برای این که باهام دوست بمونه، علایق من رو دنبال می کرد.

- می تونی مثال بزنی که طرفدار بی تی اس بودن تاحالا برات چه نکته های مثبت و منفی ای دربرداشته؟

از خوبی هاش اینه که یه جایی می ری، به خاطر همین آرمی بودن محبوب می شی، چون آرمی های دیگه وقتی می فهمن تو هم طرفدار بی تی اسی ازت استقبال می کنند. روی روحیه فن ها هم کلاً خیلی تأثیر داره بی تی اس، مثلاً من یه ویدیو درباره یه فنی دیدم که سالها افسردگی حاد داشت و توی فن ساین به نامجون می گفت که من افسردگی حاد داشتم و توی بیمارستان روانی بستری بودم، ولی بعد که طرفدار شماها شدم، زندگیم تغییر کرد، از بیمارستان مرخص شدم و زندگی خودم رو دوباره شروع کردم یا من خودم نمی دونستم پیام «خودت را دوست داشته

باش»، چی هست و چه قدر مهمه که آدم خودش رو دوست داشته باشه، ولی بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، این رو فهمیدم و روم خیلی تأثیر مثبت داشته. تأثیر منفی خاصی هم تو زندگیم نداشته که بخوام بگم، چیز خاصی به ذهنم نمی‌رسه.

- خوب نیکو جان مصاحبه ما تموم شد. چیزی مونده که نپرسیده باشم و دوست داشته باشی بگی؟

نه فکر نمی‌کنم. ممنون.

تأملی دوباره

نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

نیکو در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: برخورد ابزاری با ستاره‌ها برای کسب توجه و سود بیش‌تر، فشار کمپانی‌ها برای جذاب نگه داشتن ستاره‌ها، تفاوت گروه پسران با هالیوود، افزایش عزت نفس طرفداران، تأثیرگذاری ستاره‌ها، وارد کردن جوانان در رؤیاپردازی، دامن زدن به عشق تخیلی در سطح نوجوانان و جوانان، الگوبرداری از ستاره‌ها در انتخاب سبک آرایش، مو، پوشش و مانند آن، تبعیض بین ستاره‌های دختر و پسر، احساس مالکیت طرفداران نسبت به ستاره‌ها و باج دادن کمپانی، اشاره داشته است.

نیکو در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: امید بخشیدن، امید و انگیزه دادن به طرفداران، افزایش اعتماد و عزت نفس طرفداران، الگوبرداری از رفتار ستاره‌ها، توهم زدگی درباره گرایش به هم جنس، ستایش هم جنس‌گرایی توسط ستاره‌ها، تمایل به هم‌جنس‌گرایی تحت تأثیر ستاره‌ها، الگوبرداری از ستاره‌ها در انتخاب سبک آرایش، مو، پوشش و مانند آن، تسهیل دوست‌یابی (و از سوی دیگر تحدید دوست‌یابی)، همکاری طرفداران، شکل‌گیری یک هویت جمعی در بین طرفداران، هویت جمعی، هویت‌یابی افراد بی‌هویت، رؤیاپردازی افراطی و باور آن‌ها، غرق شدن در عشق تخیلی، شکست‌های عاطفی، احساس فشار برای یادگیری رقص‌های کی‌پاپ، یادگیری رقص‌های کی‌پاپ، اثرپذیری ارزشی از فن‌فیک‌ها، وجود فن‌وارها، سرخوردگی از مواضع گروه، کم‌توجهی به درس و اتلاف وقت، اشاره داشته است.

نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: جذابیت‌های متنوع و جانبی گروه، امید بخشیدن، افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس طرفداران، تأثیرگذاری ستاره‌ها، وارد کردن جوانان در رؤیاپردازی، دامن زدن به عشق تخیلی در سطح نوجوانان و جوانان، شکست‌های عاطفی، الگوبرداری، الگوبرداری از ستاره‌ها در انتخاب سبک آرایش، مو، پوشش و مانند آن، ستایش هم جنس‌گرایی، تمایل به هم‌جنس‌گرایی تحت تأثیر ستاره‌ها و مخالفت رسانه‌های جمعی با بی‌تی‌اس در ایران، اشاره داشته است.

از بیانات اخیر نیکوی ۱۵ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با ترنم، ۱۸ ساله

شاید اگه بی‌تی‌اس نبود یا من با اون آشنا نمی‌شدم، الان وجود نداشتم چون من در اون زمان حتی به خودکشی هم فکر می‌کردم.

- سلام!

سلام.

- اسمت چیه خانمی؟

اسم من ترنم هست.

چند سالت هست ترنم خانم.

من ۱۸ سالمه.

- عزیزم بی‌تی‌اس رو می‌شناسی؟

بله.

- طرفدار بی‌تی‌اس هم هستی؟

بله. چه جور هم.

- می‌تونم درباره این گروه، چندتا سوال از شما داشته باشم؟

بله. بفرمایید.

- چند وقت هست که با بی‌تی‌اس آشنا شدی و طرفدارشون هستی؟

خوب برای جواب دادن به این سوال باید یه کم بیش‌تر خودم رو معرفی کنم و یه کم از زندگی شخصیم بگم. من به خاطر مشکلات خانوادگی نتونستم درس بخونم و ترک تحصیل کردم، ولی خیلی دوست دارم در آینده درس رو ادامه بدم. تقریباً هم ۵ سال هست که طرفدار بی‌تی‌اس هستم، اما این که چی شد که طرفدارشون شدم، راستش رو بخوای خیلی یهویی شد و اصلاً نمی‌دونم چه طوری تا اینجا اومدم. یادم میاد اون موقع‌ها که ۱۳ سالم بود، مامان و بابام از هم طلاق گرفتن و مامانم با یک مرد غریبه قرار می‌داشت و بابام هم با یک زنی ازدواج کرد که تقریباً هر روز زندگی من رو آزار می‌داد و کتکم می‌زد، من تنها بچه‌ی خانواده‌ام بودم. خیلی روح و روانم خراب شده بود همه نمره‌هام صفر و یک بود، زندگی خیلی بدی داشتم. به خاطر نمره‌هام بابام همیشه سرزنش می‌کرد و من رو با بقیه دوست‌هام مقایسه می‌کرد و من خیلی تنها بودم، حتی در طول روز به جز تایم مدرسه رفتنم از اتاقم در نمی‌اومدم تا این که یک روز دختر همسایه‌مون بهم گفت یک آهنگ می‌شناسم، حال و هوای تو رو خیلی عوض می‌کنه و بهت انرژی می‌ده. منم قبول کردم و گفتم باشه برام بفرست ببینم چه طوریه، من وقتی به اون آهنگ گوش می‌دادم، چه با معنیش، چه با ریتم، بهم می‌گفت: کسی نمی‌تونه جلوی دوست داشتن خودت رو بگیره و من بعد اون آهنگ فقط با یک سرچ در گوگل شروع کردم به شناختن تک‌تک اعضای گروه، ام‌وی‌هاشون رو می‌دیدم، ویدیوها، کنسرت‌ها و مصاحبه‌هاشون رو می‌دیدم. بعد یکی دو ماه متوجه شدم که چه قدر بهشون وابسته شدم. چه قدر بهم کمک کردن که از اون حال بد در بیام و من تو همون مدت کوتاه خیلی عوض شده بودم، حتی انگیزه این رو داشتم که وقتی زن بابام من رو می‌زد، جلو روش مثل یک دیوار محکم بایستم، بعد از اون موقع دیگه اون جرأت نکرد من رو بزنه، حتی اون از من می‌ترسید که نکنه یه وقت به بابام بگم اون من رو می‌زنه. وقتی ۱۵ سالم شد، دقیقاً یک روز بعد از تولدم،

بابام گفت دیگه مدرسه نرو. خیلی گریه کردم و ناراحت شدم که چرا بابام نمی‌ذاره برم مدرسه؟ بعدها فهمیدم که اون زنه به بابام گفته که من دیدم دخترت با چندتا پسر تو کافه نشستته بود، بعد بابام گفت، ناموس و شرف نداشت تو درست رو ادامه بدی. من اون موقع تصمیم گرفتم از خونه فرار کنم و برم پیش مادر بزرگم. یادم میاد دو روز تو پارک خوابیدم، چون مادر بزرگم خونه نبود، مجبور شدم که این کار رو بکنم. بی‌تی‌اس در طول این مدت همیشه کنارم بود، یعنی چه طوری بگم، اونا می‌گفتن تو اگه بخوای می‌تونم هر کاری رو انجام بدی و من احساس می‌کردم که اونا فرشته‌هایی هستن که من نمی‌تونم ببینمشون، ولی همیشه ازم حفاظت می‌کنن. دوران بلوغ برام خیلی سخت گذشت، ولی اونا با بودنشون و با آهنگ‌هاشون نداشتن از دست برم، حتی شاید اگه بی‌تی‌اس نبود یا من با اون آشنا نمی‌شدم، الآن وجود نداشتم، چون من در اون زمان حتی به خودکشی هم فکر می‌کردم، ولی با کمک اونا من فهمیدم که اگه من نباشم، کی من رو بغل بگیره و آرزوهای من رو به واقعیت تبدیل کنه؟ کی جوونی کنه، بخونه و برقصه؟ فکر کنم معنی واقعی زندگی کردن رو خیلی زود یاد گرفتم. خلاصه‌تر بخوام بگم، متن اون آهنگ در اصل حرف‌هایی بود که کسی بهم نزنده بود و خودم هم اون اشتیاق و علاقه به زندگی رو هم علاقه به خودم رو فراموش کرده بودم، دقیقاً چیزی که من رو جذب کرد و مثل یه نیروی محرک برای ادامه زندگی بود، حرف‌های اونا برای دوست داشتن خودم بود.

آهنگ و متن و حس خوبی که بی‌تی‌اس به من می‌دادن، فوق‌العاده برام جدید و جذاب بود و حال من رو خوب می‌کرد. انگار در مورد من صحبت می‌کردن و آهنگ‌ها برای من ساخته شده بود و من با هر بار شنیدن آهنگ‌ها انرژی می‌گرفتم.

– بعد از این که موزیک ویدیوها رو دیدی یا آهنگ‌های بیش‌تری از بی‌تی‌اس رو گوش دادی، چه چیزهایی برات جذاب بود، مثلاً رقص، لباس، شخصیت یا چهره؟

اگر بخوام راستش رو بگم، میمیک صورت کره‌ای‌ها خیلی سخته و اونا خیلی شبیه به هم هستن و من نمی‌تونم اونا رو درست تشخیص بدم و بعد از چند ماه به طور کامل شناختمشون. به خاطر همین علاقه به چهره‌شون نداشتم اما آهنگ‌شون و متنشون و حس خوبی که به من می‌دادن، فوق‌العاده برام جدید و جذاب بود و حال من رو خوب می‌کرد. انگار در مورد من صحبت می‌کردن و آهنگ اون‌ها برای من ساخته شده بود و من با هر بار شنیدن آهنگ‌ها انرژی می‌گرفتم. الآنم که دارم می‌گم، یه کم احساسی شدم. بعد از آهنگ‌ها لباساشون و دنس‌هاشون و میکاپ‌شون خیلی جذاب بود.

– خودت بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس سعی کردی که به افراد دیگه هم معرفی کنی؟

من بعد ۱۵ سالگیم که رفتم خونه مادر بزرگم، بهتر درک کردم که چه قدر بهم امید دادن و باعث شدن که از نابود شدن نجات پیدا کنم. من بعد ۱۵ سالگی، تلاش کردم بیش‌تر دخترهایی که مثل گذشته خودم از زندگی ناامید هستن رو با بی‌تی‌اس آشنا کنم و بگم چه قدر بهم انگیزه دادن تا اونا هم انگیزه بگیرن و بتونن به زندگی ادامه بدن و تعداد زیادی رو می‌شناسم که با بی‌تی‌اس و لیریک^۱ آهنگاشون و بیش‌تر از همه صحبت‌هاشون، تونستن خودشون رو دوباره از نو بسازن و تبدیل به یک آدم جدید و قوی بشن.

– می‌دونی معنی اسم بی‌تی‌اس و آرمی چیه و چرا این اسم روشون گذاشته شده؟

بی‌تی‌اس مخفف بنگتن سونیاندن^۲ به معنای پسران ضد گلوله و آرمی هم به معنای ارتش هست. تئوری این دو اسم اینه که بی‌تی‌اس با آرمی‌هاش ضدگلوله هستن و وقتی هیترها به بی‌تی‌اس هیت می‌دن، آرمی‌ها از اونا دفاع می‌کنن. وقتی هم که آرمی‌ها هیت می‌گیرن، بی‌تی‌اس

^۱ – متن آهنگ یا لیریک به واژگانی گفته می‌شود که متن یک ترانه را می‌سازند.

^۲ – پسران پیش آهنگ ضدگلوله Bangtan sonyeondan

از ما دفاع می‌کنه. تو فوتو کانسپت^۱ آلبوم آخرشون هم یه عکس هست بهشون گلوله اصابت کرده و گلوله‌ها خوردن زمین^۲ که دقیقاً به تصویر کشیدن معنای اسمشون هست. یه بار یک سلبریتی آمریکایی گفته بود که آرمی‌ها وحشی هستن، بعد نامجون در جواب به اون سلبریتی گفت که آرمی‌های ما خیلی با هوش هستن، وقتی می‌فهمن یکی می‌خواد به ما توهین کنه یا با حرف‌هاشون ما را ناراحت کرده و آزارمان بده، از ما دفاع می‌کنن، همون طور که ما هم این کار رو در مورد اون‌ها انجام می‌دیم. در واقع تئوری اصلی اینه همه آرمی‌ها تو زندگی‌شون مثل هر آدم عادی سختی می‌کشن و بعضی‌ها در جنگیدن با این سختی‌ها خسته می‌شن و از خودشون متنفر و با حرف‌های مردم دور و برشون احساس کم بودن می‌کنن، اما آرمی‌ها با وجود بی‌تی‌اس و آیدول^۳‌هاشون می‌تونن از حق خودشون دفاع کنن. یاد می‌گیرن که قبل از همه چی باید خودشون را ببینن و یاد می‌گیرن باید خودشون رو دوست داشته باشن.

– نماد بی‌تی‌اس چه مفهومی داره؟

لوگوی آرمی و بی‌تی‌اس مثل یک دره که رو هم دیگه باز و بسته می‌شه و تو اون جای خالی وسطش نور امید می‌درخشه. امیدی که باعث می‌شه آدم زندگی رو بدون فکر به مرگ و باخت ادامه بده. لوگوی بی‌تی‌اس در طول این ۱۱ سال ۴ بار تغییر کرده. لوگوی اولشون سال ۲۰۱۳ طراحی شد، یه جلیقه ضدگلوله هست که نشون دهنده قدرت شلیک و نفوذ اون‌ها در خوانندگی هست و رو قلب جلیقه اسم بی‌تی‌اس نوشته شده و یه سری خطوط و رعد و برق اطراف جلیقه هستش که خطوط نشان دهنده‌ی درخشش جلیقه و گروه هست و اون رعد و برق‌ها قدرت ضربات گلوله رو نشون می‌ده.



۱ – واژه کانسپت به معنای تصور کلی از چیزی است. معمولاً هنگام انتشار آلبوم یک آیدول یا گروه بیش‌تر گفته می‌شود. مثلاً کانسپت آلبوم یک گروه می‌تواند دارک، کیوت، جذاب و یا گرل کراش باشد و به عکس‌هایی که با آن مضمون کلی گرفته میشود، فوتو کانسپت می‌گویند.



۳ – معنای لغوی آیدول بت است، اما در کی‌پاپ به خواننده یا یکی از اعضای گروه گفته می‌شود.

لوگوی دوم برای سال ۲۰۱۶ هشتش. این لوگو از چهارتا دایره تشکیل شده که هر کدام از این دایره‌ها داخلش طرح متفاوتی هست و پایین این دایره‌ها نوشته wing به معنی بال‌ها.



لوگوی سوم سال ۲۰۱۷ ارایه شد که ۴ تا بیضی آبی رنگ بود که دو به دو متقاطع بودن، مفهوم دقیقش رو نمی‌دونم چی بود، اما زیر آن هم کلمه wing رو نوشته بود و زیر اون هم نوشته بود که تو هرگز تنها راه نمی‌روی.



و آخرین لوگوی بی‌تی‌اس همین لوگویی هست که الان داره و اون هم از سال ۲۰۱۷ به بعد طراحی شد که شبیه یه در هست و این ارتش رو تشویق می‌کنه برن دنبال هدف هاشون.



آرمی‌ها اول لوگویی نداشتن و تو چپتر اول برای آرمی‌ها لوگو درست کردن و لوگوی آرمی‌ها یه جورهایی برعکس لوگوی بی‌تی‌اس هست، یعنی در بسته که نشون دهنده‌ی سپر محافظتی هست.



- رنگ بنفش هم نماد بی‌تی‌اس هست، انتخاب این رنگ هم مفهومی داره؟

رنگ بنفش آخرین رنگه رنگین کمان هست و معنی بی‌نهایت رو می‌ده. رنگی که بین رنگ چراغ‌های قطبی هست و راه درست رو بهت نشون می‌ده. رنگ بنفش تو هیچ کدوم از پرچم‌های روی زمین نیست چون بنفش خیلی رنگ گرون قیمتی بوده و تا ۳۰۰ سال پیش کسی نمی‌تونسته پارچه‌ای به رنگ بنفش بخره حتی تو گوگل سرچ کنی، برات اطلاعات کامل رو میاره و این یعنی بنفش رنگ بسیار ارزشمندی بوده و نشون از ارزشمندی بی‌تی‌اس داره. فقط بی‌تی‌اس هم نیست مثلاً رنگ بلک‌پینک مشکی صورتی هستش که صورتی بیانگر زیبایی در عین معصومیت، نماد سرکشی هست و این دقیقاً چیزیه که بلک‌پینک از طرفدارانش می‌خواد.

- چپتر رو دقیق توضیح می‌دی؟

دقیق نمی‌دونم چه طوری می‌تونم تعریفش کنم، اما یه توضیح می‌دم در موردش امیدوارم که متوجه بشی. چپتر مثل فصل می‌مونه. مثلاً یه فصل کاری. انگار که وقتی وارد یه چپتر می‌شن، وارد فصل جدیدی از یه کار شدن. مثل مدرسه، فکر کن از کلاس اول بری کلاس دوم. یه کم ارتقاء پیدا می‌کنی، چپتر اول با آلبوم خودت رو دوست داشته باش، در سال ۲۰۱۸ شروع شد که اعضاء در مورد آینده و گذشته‌ای که باهم و در کنار هم سر کردن ترانه می‌نویسن و می‌خونن. با انتشار آلبوم پروف راه برای ورود به چپتر دوم را باز کردن، تو چپتر دوم با آلبوم‌های سولو و سینگل‌های سولو از زندگی شخصی‌شون و سختی‌هایی که تو دوره گذشته برای شخص خودتون پیش اومده، ترانه می‌نویسن و می‌خونن، درست مثل تیکه‌های پازل که کنار هم پیچیده می‌شه یه بخش کوچیک از زندگی‌شون رو تو یه آهنگ می‌گن و بخش‌های دیگه تو آهنگ‌های دیگه و تو با هر بار شنیدن آهنگ جدید مشتاقانه منتظر کارهای بعدی‌شون می‌مونی. بی‌تی‌اس تنها گروه کی‌پاپ هست که این داستان فصل رو شروع کرده، بعد از بی‌تی‌اس خیلی کمپانی‌های دیگه خواستن این کار رو با آیدول‌شون بکنن و یک گروه مثل بی‌تی‌اس که باهم در این حد سازگار بسازن و بتونن با آهنگ‌هاشون با مخاطب صحبت کنن، اما نتونستن چون کسی به اندازه بی‌تی‌اس خوب برنامه‌ریزی نمی‌تونه بکنه،

بی‌تی‌اس جووری نشون می‌دن که اگه تو گذشته این سختی‌ها رو نمی‌کشیدم یا حتی اگر سختی‌های گذشته رو فراموش می‌کردم، قطعاً به اینجا نمی‌رسیدم.

- یه توضیح کلی، اما همراه با جزئیات از اعضای بی‌تی‌اس می‌دی؟
از لیدر بی‌تی‌اس شروع کنم.

کیم نامجون

این بشر خیلی باهوش و خوش اخلاقه اولای دیو^۱ ازش پرسیدن که می‌خواهی سولو آیدول بشی یا تو گروه باشی، اونم گفته گروه چون می‌گفت، یه حسی تو دلم بهم گفته تو باید با این شش پسر که اون موقع هیچ حرف گوش کن نبودن و خام بودن، چون همه‌شون بچه‌های ۱۷ تا ۹ ساله بودن کنار هم باشید. مادرش وقتی نامجون ۱۴، ۱۵ سالش بوده برای این که نامجون بتونه رو درس‌هاش تمرکز کنه، کامپیوترش را می‌شکونه تا نتونه آهنگ بسازه و رپ کنه، اون خیلی ناراحت شد، بعد از این حرکت مامانش، اون یه تایم کوتاه به حرف مامانش گوش داده و از رپ کردن گذشته، ولی بعداً که مامانش متوجه شده که پسرش چه قدر نیاز داره دنباله آرزوهاش بره و رپ بخونه و آهنگ بسازه، رفته براش یک کامپیوتر جدید خرید و گفته آرزوهات رو دنبال کن پسر و اصلاً به حرف‌های منفی مردم گوش نده. من خیلی دوسش دارم، یعنی این جووری که اون با حرف‌هایی که می‌زنه حرکت‌هایی که می‌کنه آدم رو به خودش جذب می‌کنه و بعضی وقتا خیلی جدیه خود به خود آدم با خودش می‌گه، کاش تو زندگی یه دونه نامجون بود، به شخصه من خیلی این حرف رو می‌زنم، اون با وجود تمام هیت‌هایی که گرفت، خودش رو جووری که بود دوست داشت حتی تو آلبوم خودت را دوست داشته باش، بیش‌تر لیریک آهنگ‌های این آلبوم رو نامجون نوشته و همه‌شون خیلی انگیزشی و قشنگ ان و اون خیلی از تک تک اعضای گروهش محافظت می‌کنه و همه‌شون رو خیلی، خیلی دوست داره.



کیم سوکجین

کیم سوکجین یا همان اسمی که اکثر مردم می‌شناسنش جین، اول از همه چی می‌تونم بگم که اون خیلی خوش‌تیپه. تو سال ۲۰۰۷ یک دکتر جراحی پلاستیکی آمریکایی به کره سفر می‌کنه و رو ۲۰۰ تا از مرد کره‌ای آزمایش می‌گیره و تست‌شون می‌کنه و بین این ۲۰۰ مورد جین رو به عنوان تک مرد کره‌ای که صاحب بی‌نقص‌ترین و زیباترین شکل و میمیک صورت هست، معرفی می‌کنه. این مرد عاشق دریا و ماهی‌گیریه حتی یک آهنگ به اسم super camci داره یعنی سوپر تن ماهی. بعد اون خیلی عاشق ماهیه. امسال یعنی ۱۰ روز دیگه می‌ره سربازی و تا

^۱ - شروع به کار رسمی یک خواننده یا یک گروه

دو سال دیگه نمی‌تونیم ببینیمش. چند وقت پیش یک آهنگ سینگل سولو به اسم the Astronaut منتشر کرد و به فضا، ماه و آرمی‌ها مربوطه که چه قدر آرمی‌ها رودوست داره.



جین بزرگ‌ترین عضو بی‌تی‌اسه، ۳۰ ساله و فقط ۱ ماه مونده تا تولد ۳۱ سالگیش. راستی جین انگشت‌های دستاش کجه و خیلی بامزه هس دستاش.



جین اصلاً قرار نبوده آیدول بشه، اون اومده تو کمپانی که بازیگر بشه، یعنی آرزوش بوده از بچگی که بازیگر بشه، ولی اون جا تو کمپانی تستش کردن و ازش خواستن یک آهنگ بخونه و وقتی صدای نرم و آرامش بخش جین را شنیدن گفتن این باید ووکال گروه بشه، صداش خیلی خوبه و اونم به در خواست کمپانی فکر کرده و تصمیم گرفته به گروه بی‌تی‌اس محلق بشه، ولی تاحالا تو هیچ فیلم و یا سریالی بازی نکرده. بعد جین خودش رو خیلی دوست داره، یعنی اگه ببینی اصلاً می‌گی جین خیلی خودپسنده و خودش هم همیشه می‌گه که اون ورلد واید هندسامه، یعنی خوش‌تیپ‌ترین مرد دنیا.

شوگا

شوگا اسم استودیویی اون هست، یعنی اسم اصلی‌اش نیست، اسم اصلی‌اش مین یونگی‌عه، مین یونگی ۲۹ سالشه و خدای رپ کرده، اون یه دونه آهنگ داره به اسم دجینتا یه اسم دیگه هم داره و اون آگوست دی هستش.





اون هم یک رپر زیر زمینی بوده تا این که یهویی خودش را تو گروه بی‌تی‌اسم می‌بینه و خیلی یهویی عضو گروه می‌شه. توی یکی از آهنگ‌هاش اعتراف کرده که اصل اون، آدم‌های بزرگی بودن، یعنی مادرِ مادرِ مادرِ بزرگش، یه وقتی ملکه کره بوده، یعنی اصلش ملکه و شاهزاده هست، یعنی اگه امروزه هم کره قدیم بود شوگا یک شاهزاده می‌بود. اون خیلی شبیه یک گربه است، بعضی‌ها می‌گن، تو زندگی قبلی تون چی بودین یا چی می‌تونستین باشین من مطمئنم یونگی تو زندگی قبلیش گربه بوده، خیلی از آدم‌ها وقتی تازه آرمی می‌شن، فکر می‌کنن که یونگی خیلی خشمگین، سرد، بی‌احساس و از این حرف‌ها هست، ولی اصلاً این جور نیست، اون خیلی دلش پاک و تمیزه. یونگی تک بچه هست و وقتی بچه بود، مثل اکثر بچه‌ها از مدرسه خیلی بدش می‌اومده و حتی تو مدرسه بچه‌ها رو می‌زده و با معلم‌ها دعوا می‌کرده، یه بار هم از مدرسه فرار کرده که پدر و مادرش خیلی ناراحت می‌شن و حدس می‌زنن، به خاطر این که خواسته خواننده بشه از مدرسه فرار کرده و دوباره مجبورش کردن درس بخونه و خیلی بهش سخت گرفتن و اجازه ندادن هیچ جوره سمت خوانندگی و رپ بره، چون به شدت فقیر بودن و دوست داشتن بچه‌شون، درس بخونه و به جاهای خوبی برسه، تا راه آینده هم برای خودش و هم خانواده‌اش باز بشه. اوضاع مالی‌شون اون قدر بد بوده که اونم از ۱۱ سالگی کار می‌کرده و حتی بعضی وقت‌ها، اون قدر پول نداشته که بین پول اتوبوس و یک لقمه غذا می‌مونده یعنی یا باید غذا می‌خورده و راه ۴ ساعته رو پیاده می‌رفت خونه یا گشنه می‌موند و با اتوبوس می‌رفت خونه. حتی تا زمان دبیر خوانده‌اش هیچ حمایتی ازش نداشتن و انگار رابطه‌شون هم زیاد خوب نبود و یه جورایی یونگی تنها بزرگ شده و یونگی فکر می‌کنم ۱۳ یا ۱۵ سالگی مدرسه رو ول می‌کنه و تو مسابقات کمپانی‌ها شرکت می‌کنه برای آیدول شدن و وقتی استعدادش تو رپ کردن رو می‌بینن، قبولش می‌کنن و کمپانی اون زمان خیلی کوچیک بود و دوست داشت که خودش رو بالا بکشه و اینجا برای پیشرفتش از استعداد یونگی استفاده می‌کنن.

جیهوپ

اسم اصلی‌اش جانگ هوسوک هست و این بشر با توجه به اسم استیجش که هوپه، به معنای واقعی یک بمب امید و انرژی. اون یه خط فک داره خیلی زیبا هست. یه دونه هم خواهر داره، خیلی شبیه داداشش هست، یعنی اگه جیهوپ دختر می‌شد، دقیقاً عین خواهرش می‌شد. هوپی در اصل یک دنسر هست. از روزی که به دنیا اومده، عاشق رقصه و یک وجود ژله‌ای هم داره که نگو. عینه ژله نرمه! اون تو دوران مدرسه در مراسم‌هایی که تو مدرسه‌شون برگزار می‌شد می‌رقصید و تو کوچه‌ها تو مسابقه‌هایی که تو کوچه برگزار می‌کنن و دوتا گروه با رقص می‌جنگن، شرکت می‌کرد. یک روزی یکی از مدیر یا معاون‌های کمپانی این رو می‌بینه و متوجه استعدادش می‌شه و می‌گه یه دونه لیدر سرسخت و با

هوش داریم، یه دونه وکال خوش صدا و یک رپر پر استعداد. الان لازمه این رقص قوی رو هم داشته باشیم و اون جا به یک دوستش می‌گه که هوپی رو به مراسمی که تو کمپانی قراره واسه سال جدید برگزار بشه بفرسته و بهش بگه اون جا می‌تونی استعدادت رو بیش‌تر به آدم‌های معروف که احتمالاً تو رو ببرن بالا، نشون بدی و این جوری می‌شه که اون رو تو مراسم با حرکت‌های بهتر و قوی‌تر می‌بینی و بیش‌تر جذب حرکاتش می‌شن و ازش در خواست می‌کنن که بیاد تو گروه اونا. هوپی می‌گه، من می‌خوام رقص بشم، نه خواننده یا آیدول، بعد هم باهاش صحبت می‌کنم و می‌گن تو هم صدات خوبه هم رقصات، تو اگه بیایی اینجا، می‌تونم با آموزش دادن به اعضای گروه حقوق بیش‌تری هم بگیرم. الان جیهوپ چون هم مربی دنس اعضاء هست، هم رپر، هم ترانه‌سرا، برای همین بیش‌تر از همه حقوق می‌گیره. هوپی خیلی خوش اخلاق و خوش قلب و احساساتیه، اون چند ماه پیش یه دونه آلبوم سولو منتشر کرد. توی این آلبوم رازهایی که سال‌ها هست مخفی کرده، چه از لحاظ هیتهایی که خودش و گروه گرفته بودن، چه از لحاظ صدمه‌های روحی و جسمی که دیده بودن، همه چی را به طوری زیبا و قشنگی خوانده.



جیمین پارک

اسم اصلی و استیج یکیه. فامیلش پارک و اسمش هم جیمینه. اون یک دنسره، در واقع در مورد زندگی گذشته‌اش زیاد چیز نمی‌دونم، چون بیگ هیت هیج وقت بهش اجازه نداد که برامون توضیح بده، دلیل این رو هم نمی‌دونم، ولی تا جایی که می‌دونم، اون تو شهر بوسان به دنیا اومده و یه دونه داداش کوچیک داره، باباش هم تو شهر بوسان یه دونه کافه داره، ولی هیج وقت از چهره مادرش رو نمایی نکرده. اون دوران دانشگاهش رو تو دانشگاه بزرگ بوسان با یکی از عضوهای گروه یعنی کیم تهیونگ گذرونده و در این باره می‌گفت، تهیونگ همیشه خواب می‌موند و من تو خوابگاه سر و صدا می‌کردم و همیشه صداسش می‌زدم تا بیدار شه که باهم بریم، ولی اون خیلی خواب‌آلود بود. جیمین اون موقع‌هایی که ۱۴، ۱۵ سالش بود، حتی از بچه‌گی خودش یک بچه تپل بوده و تو مدرسه همیشه مسخره‌اش می‌کردن که اون چاقه و اون دوران خیلی براش سخت گذشته. جیمین در یه بخش کوچیکی از خاطراتش گفته که تو دانشگاه عاشق یک دختر می‌شه و خیلی دوستش داشته و دختره هم یه جوری باهاش رفتار می‌کنه که جیمین فکر کنه، اونم دوسش داره و حاضره که باهاش قرار بذاره. جیمین اولش خیلی خجالت می‌کشه و نمی‌ره بهش بگه ولی بعدش خودش را جمع و جور می‌کنه تا بره از دختر درخواست کنه، اما بعد از مطرح کردن درخواستش دختره جیمین رو رد می‌کنه و بهش می‌گه جیمین تو دوست خوبی هستی، ولی تو چاقی و بهم نمی‌آییم، اگه بچه‌های دیگه تو را کنار من ببینن، من رو مسخره می‌کنن. جیمین اون لحظه تصمیم می‌گیره که دیگه عاشق هیچ دختری نشه و دانشگاه رو ترک می‌کنه. هم به خاطر اون دختر و هم برای این که به خاطر چاق بودنش مسخره‌اش می‌کردن. این جوری شد که جیمین تصمیم می‌گیره که خودش رو به جایی برسونه که همه بخوانش، حتی این رو یه بار تو لایو توضیح داد و گفت، اون موقع ناراحت بودم، چون دختری که دوسش داشتم رو از دست دادم و برای این که

اون من رو بخواد تلاش کردم، ولی وقتی وارد گروه شدم و با بقیه اعضا به خوبی آشنا شدم، فهمیدم که اون یه نفر بود که قدر من رو نمی‌دونست، ولی من الان هزاران دوست دارم، جواری که نه من اونا رو می‌بینم، نه اونا من رو از نزدیک می‌بینن، ولی من دیوانه‌وار اونا رو و اونا هم دیوانه‌وار من رو دوست دارن. من از این بیش‌تر چی می‌خوام. جیمین حتی الان هم خیلی سخت کار می‌کنه و رژیم‌های سخت می‌گیره تا اندامش را حفظ کنه و دوباره چاق نشه. وقتی که جیمین وارد کمپانی می‌شه، تقریباً اعضای گروه کامل بوده و عضو جدید نمی‌خواستن و چندبار ردش می‌کنن اما نهایتاً پذیرفته می‌شه. بعد از ورودش با کمپانی وقتی مجبور بوده رژیم‌های سخت بگیره و ورزش‌های سنگین کنه، کم میاره و می‌خواد که از گروه خارج بشه، اما تهیونگ که دوست صمیمیش بوده خیلی گریه می‌کنه و از جیمین می‌خواد که کنارش بمونه و این مسیر رو باهم برن.



کیم تهیونگ

اسم استیج نداره، خانواده‌اش تو روستا زندگی می‌کردن و در مورد خواهر و برادرش تا حالا چیزی نگفته، نمی‌دونم کمپانی اجازه نداده یا خودش نخواسته چیزی بگه. تهیونگ حدوداً کلاس پنجم بوده که برای ادامه تحصیل میاد سئول، بنابراین از ۱۲ سالگی خونه مادر بزرگش زندگی می‌کرده و خیلی اون رو دوست داره. یک‌بار تو فن‌ساین یعنی برنامه‌ای که آیدول‌ها می‌شینن و طرفدارهاشون باهاشون صحبت می‌کنن و ازشون امضاء می‌گیرن، یه دختره بهش می‌گه من تو رو به اندازه مادر بزرگت دوست دارم که یهو تهیونگ می‌زنه زیر گریه. اون از شدت دوست داشتن مادر بزرگش با هر بار شنیدن اسم مادر بزرگش گریه می‌کنه. البته الان مادر بزرگش فوت کرده. داستان ورودش به کمپانی هم از این قرار هست که دوستش قصد داشته آیدول بشه و تو مسابقات شرکت کنه. تهیونگ و پدر تهیونگ برای همراهی اون دوستش باهاش می‌رن که تو مسابقه شرکت کنه، اما دوستش از هیجان زیاد از پس آزمون برنمیاد و قبول نمی‌شه که اتفاقاً هیئت ژوری (داوران)، وقتی چهره تهیونگ رو می‌بینن، بهش پیشنهاد می‌دن که اون تو آزمون ورودی شرکت کنه تا اگر در کنار چهره خوبی که داره، صداس هم خوب باشه، می‌تونه یه آیدول موفق بشه که تهیونگ قبول نمی‌کنه و می‌گه من تحمل زندگی سخت آیدول‌ها رو ندارم، اما پدرش باهاش صحبت می‌کنه و می‌گه کم‌تر کسی می‌تونه همچین موقعیتی داشته باشه بنابراین اول فکر کن بعد رد کن و با خوندن یه آهنگ کاملاً اتفاقی به گروه می‌پیونده. جیمین هم که بالاتر گفتم دقیقاً بعد تهیونگ وارد کمپانی می‌شه. بعد حدود دوسال زندگی با اعضا و کم‌کم عادت کردن به فضای کمپانی و قوانینش مادر بزرگش فوت می‌کنه و تهیونگ از ناراحتی افت زیادی می‌کنه تو کاراش و به پدرش زنگ می‌زنه و می‌گه که بیا دنبالم من تحمل این سختی‌ها و رژیم‌ها و ورزش‌های سخت رو ندارم و تمام مدتی که اعضا تمرین می‌کنن من کنار سطل زباله می‌شینم و گریه می‌کنم از شدت بدن درد و الانم که مامان بزرگم نیست، دیگه حال روحی خوبی هم ندارم. پدرش قبول می‌کنه که از کمپانی جداس کنه، اما ازش می‌خواد باز هم فکر کنه و سعی کنه نتایج تصمیماتش رو ببینه که تهیونگ باز هم تصمیم می‌گیره که تو کمپانی بمونه.



جونگ کوک

آخرین و کوچک‌ترین عضو جئون جونگ کوک هست. روی استیج بعضی وقت‌ها بهش می‌گن جی.کی. اون از روزی که به دنیا اومده آرزو داشته که آیدول بشه و خانواده‌اش هم همیشه ازش برای انجام و رسیدن به رؤیاهاش حمایت می‌کردن، مخصوصاً داداش بزرگش. فقط یه دونه داداش بزرگ داره. خودش هم کوچک‌ترین عضو خانواده‌اش هست، هم مکنه^۱ گروه. مامان و باباش هم استاد دانشگاه بودن، ولی پسر کوچک‌شون یک تنبل درجه یک بوده و مامانش همیشه به خاطر نمره‌های بدش اون رو سرزنش می‌کرد، اما باباش جدی نمی‌گرفت. اون تو ۱۵ سالگی تو انتخاب کارآموز کمپانی برای عضو شدن در گروه بی‌تی‌اس شرکت می‌کنه، ولی اولش قرار بوده تو یک گروه دیگه باشه، ولی چون نامجون رو خیلی دوست داشته، بعد از یه مدت از دوره کارآموزیش از کمپانی خواهش کرده که او را به گروه بی‌تی‌اس ملحق کنه و این جور شده که او به گروه ملحق شده و بعدش که از خانواده‌اش دور شده، به زور کمپانی به درس مدرسه ادامه داده و کمپانی براش شرط گذاشته که اگر نمره‌هاش خوب باشه، می‌تونه وارد گروه بی‌تی‌اس بشه و جونگ کوک بعد از اون همیشه نمراتش الف بوده. بعد اولین عشق جونگ کوک شیر موز هست، یعنی تو همه چیزش رو ازش بگیر، یه دونه شیر موز بده به دستش. نقاشی می‌کشه انگار از دست لئوناردو داوینچی در اومده. اون هر سازی از موسیقی رو تقریباً بلده بزنه، صداس محشره، جور می‌آهنگ می‌خونه که بدون هیچ ملودی و یا ریتم موسیقی انگار از تو گلوش ساز می‌زنه. اون یج هورای بچه‌ی اعضا هست، یعنی تو دست‌شون بزرگ شده، از خوابش بگیر تا حمومش رو همه اعضا بهش کمک می‌کردن، شب‌ها که خوابش نمی‌برده، براش لالایی می‌خوندن، براش لباس گرم می‌خریدن، حتی یه بار یکی از اعضا گفت، ما وقتی کار می‌کردیم و پول مون رو برای چیزهای لازم خرج می‌کردیم، هیچ وقت یادمون نمی‌رفت برای جونگ کوک حتماً شیرموز بخریم.

^۱ - کوچک‌ترین عضو گروه



- انتخاب لیدر معیار خاصی داره؟

کسی که بتونه گروه رو سرپرستی و مدیریت بکنه به عنوان لیدر انتخاب می‌شه که این بر اساس یک سری تست‌ها که تو دوره کارآموزی می‌گیرن، مشخص می‌شه. حتی اگه کوچیک باشه. مثلاً نامجون مکنه هیونگ لاینه، یعنی بین افراد بزرگ سال گروه، کم‌ترین سن رو داره. نامجون، جین، شوگا و جیهوپ، هیونگ^۱ هستن، یعنی بزرگ‌ترین عضوهای گروه و جیمین و تهیونگ و جونگ‌کوک هم مکنه^۲ هستن، یعنی کوچک‌ترین عضوهای گروه. توی هیونگ لاین یعنی بین جین، جیهوپ، شوگا، نامجون از همه کوچیک‌تره و ۲۷ سالشه، اما لیدر گروه هست.

- توی صحبت‌ها از صمیمیت اعضا گفتی. برخی این صمیمیت رو با هم‌جنس‌گرایی بی‌تی‌اس تبیین کرده‌اند، نظرت در این مورد چه طوره؟

یه سری‌ها هستن اونا رو باهم شپ می‌کنن مثلاً باهم ان، منم شپ می‌کنم، ولی به نظرم این کار اشتباهه، چون اونا مثل داداش هستن و خودشون بارها و بارها گفتن لطفاً این کار رو نکنید، ما نمی‌تونیم جلوی شما راحت باشیم و خود واقعی‌مون را نشون بدیم. به هر حال یه دونه نیست، دوتا نیست، میلیون‌ها فن دارن، هزارتا به حرف‌شون گوش بدن، هزارتای دیگه گوش نمی‌دن و می‌اندازن پشت گوش، ولی دیگه جوری شده که خودشون هم گوش نمی‌دن و حتی یه بار گفتن ما تو این دوران یاد گرفتیم که مشهور شدن و پر طرفدار شدن، اون قدر هم زیبا و بی‌دغدغه نیست و حتی سختی‌های زندگی آدم، این وقتا بیشتر تر و بیش‌تر می‌شه، برای همین تصمیم گرفتیم دیگه به یه سری از چیزها توجه نکنیم. اونا فقط خیلی صمیمی ان. فکر کن از زمان کارآموزی و قبل دبیو باهم زندگی کردن و تو یه خونه بیش‌تر از ۱۰ ساله که کنار هم ان و خیلی نرماله که این قدر باهم صمیمی باشن و به نظرم شپ کردن این‌ها کنار هم خیلی اشتباهه و دقیقاً خانواده‌ها به خاطر این شپ‌های غلط به اشتباه می‌افتن و مخالف هستن که بچه‌هاشون طرفدار بی‌تی‌اس باشن، چون معتقد ان این‌ها تأثیرات منفی رو آینده بچه‌هاشون می‌ذاره، ولی واقعیت اینه که هیچ کدوم‌شون تاحالا اعلام نکرده که هم‌جنس‌گرا هستن و حتی بعضاً در مقابل شپ‌ها می‌ایستن و می‌گن این کار رو که می‌کنید، درست نیست. وقتی ما رو باهم شپ می‌کنید، ما معذب می‌شیم و نمی‌تونیم راحت و دوستانه باهم برخورد کنیم. فقط جیمین تو فوتوبوک‌هایی که اخیراً منتشر کرده انگار کام اوت^۳ کرده ۵۰ درصد به زن‌ها و ۵۰ درصد به مردها گرایش داره و این رو هم خودش اعلام

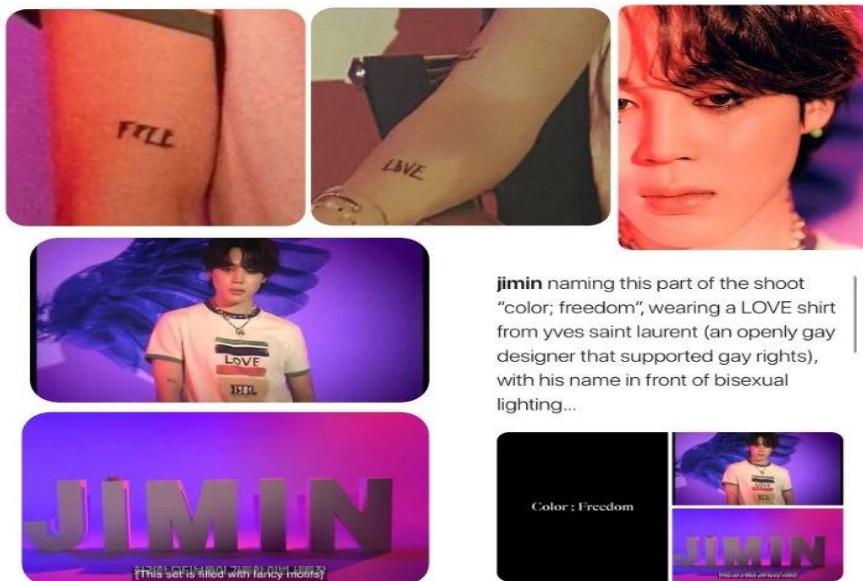
^۱ - بزرگ‌ترین فرد گروه

^۲ - کوچک‌ترین عضو گروه

^۳ - کام اوت به معنای بیرون آمدن و آشکار کردن است و در اینجا به معنی آشکار کردن گرایش جنسی است.

نکرده، فقط براساس تئوری فن‌ها به دست اومده. بقیه اعضا درسته از گرایش‌های مختلف حمایت می‌کنن اما تا جایی که من می‌دونم هم‌جنس‌گرا نیستن.

- خوب این تئوری‌ها چی هستن و فن‌ها چه طور متوجه این مسایل می‌شن؟
 بذار من یه عکس دارم که کاملاً توضیح داده که بر چه اساسی فن‌ها به این نتیجه رسیدن.



Jimin naming this part of the shoot "color: freedom", wearing a LOVE shirt from Yves Saint Laurent (an openly gay designer that supported gay rights), with his name in front of bisexual lighting...

جیمین به عنوان بایسکشوال کام اوت کرده؟

جیمین این قسمت شات‌ها شو اسمشو گذاشته color:freedom یعنی رنگ:آزادی یه تیشرت که روش نوشته شده LOVE و طرحش مال افراد LGBT و از برند Yves Saint Laurent هست پوشیده که طراحی به شخص گی هست که از اشخاص گی حمایت زیادی کرده اسم جیمین توی فوتو شات‌ها جلوی نورهایی که ترکیبی از ❤️💙 هستن قرار داده که این رنگ‌ها خودشون نماد افراد بایسکشوالن تنوهای که رو دستاش کشیده شده free love به معنای عشق آزاد که شعار مردمی بوده که می‌خاستن افراد جامعه هر گرایش جنسی رو در کنار استریت بودن بپذیرن و اما چیزی که خود جیمین گفته: این کانسپت انتخاب و طراحی شده تا بتونه چیزی که خودش هست رو نشون بده و حالا با توجه به این که من خیلی از جزئیات دیگه رو نگفتم بعضیا میگن کام اوت غیر مستقیم جیمین حسابش میکنن بعضیا هم میگن نه اینطور نیس نظر شما چیه؟

پ.ن: اینم بگم کره ایا اکثرشون به شدت با LGBT مخالفن و حتی یکی از خواننده‌ها که کام اوت کرده بود رو چندوقت پیشا کتک زدن و نمیتونن مستقیم راجع گرایشاشون بگن و ما هرچی باشن حمایت میکنیم و خواهشاً اینو به چیزی ربط ندید این هنوز از طرف خود جیمین تایید نشده است و تا تایید نشه نه من نه شما میتونید قضاوت با هم تصمیم بگیریم این حق رو در رابطه با جیمین یا هر کسی دیگه به خودتون ندین ولی اگه اینجوری هم باشه به هر حال من با پسرم افتخار میکنم که ققدر شجاعانه میتونه در رابطه با آدم‌ها احساساتش و چیزی که درواقع میخاد بشه رو میتونه بگه و انجامش بده شما هم از جیمین فیض ببرین، حرفم رو خراب برداشت نکن منظورم اینه که چیزی که هستی و خواهی شد باش نه چیزی که بقیه بقیه میبرن و میچینن!! 🌈💙❤️

- فتوبوک چیه که ازش حرف می‌زنی؟

فتوبوکی که من درباره اعضا می‌گم، اینه که اونا میان با سلیقه و طراحی‌هایی که خودشون توی عکس‌برداری‌ها انجام می‌دن، حرف‌هایی که تا حالا تو دل‌شون مونده و به هر دلیلی نتونستن به ما بگن با یه سری تصاویر و نمادهای خاص به ما نشون می‌دن، بعد اینا رو تو یک مجله جمع آوری می‌کنن و به عنوان مرچ می‌فروشن. دقیقاً مثل همین کام اوت جیمین که به شکل مستقیم اعلام نکرده، چه گرایش جنسی داره و در قالب تصاویر به ما فهموند.

- مرچ چیه؟

وسایلی که اونا استفاده می‌کنن یا خودشون ساختنش و یا تو موزیک ویدیو و آهنگ‌هاشون ازشون استفاده کردن رو کمپانی با قیمت‌های خیلی بالا می‌فروشه. به اینا می‌گن مرچ، مثلاً لیدی گاگا بیاد لباسی که توی یک مراسم پوشیده باشه رو به فروش بذاره (!).

- باوجود این که گفتمی خودشون دوست ندارن. طرفداراشون دارن باهم شپشون می‌کنن یا حتی فیکیشن می‌نویسن براشون. به نظرت این نادیده گرفتن حقوق اعضاء نیست؟

من خودم گاهی شپش می‌کنم، اما نه در اون معنایی که در نظر داری. برای من فرندشپ هست و ابدأ به عنوان زوج هم‌جنس‌گرا شپشون نمی‌کنم. حتی اگر هم‌جنس‌گرا هم باشن تا وقتی خودشون رسماً اعلام نکنن، من به عنوان دوست می‌دونم اون‌ها رو و فقط به عنوان دوست شپش می‌کنم، به این معنی که این دوتا دوست کنار هم خیلی خوب ان، خیلی پر انرژی هستن، این طوری. نه مثل یک سری‌ها که بخوام با زور بهشون بگم قرار بذارین و یا به خاطر زندگی شخصی‌شون به اونا هیت بدم، آدم‌هایی هستن که این کار رو انجام می‌دن، ولی من همیشه در تلاش بودم با صحبت کردن نظر این جور آدم‌ها رو عوض کنم، ولی نهایتاً نمی‌شه گفت خیلی هم موفق بودم، اونا چیزی رو می‌بینن که خودشون می‌خوان. مثلاً جنی از بلک‌پینک و تهیونگ، این دوتا رو ۲، ۳ ساله که خیلی باهم شپش می‌کنن، حتی جاهایی رسیده که وقتی می‌خواهی بگی نه این جوری نیست، میان بهت فحش مادری می‌دن و می‌گن چرا این جوری می‌گی، اونا به خاطر شما از رابطه‌شون رو نمایی نمی‌کنن. این جور آدم‌ها به نظر شخصی خودم، آدم‌هایی هستن که تو زندگی بهشون اجازه تصمیم گرفتن در زندگی شخصی‌شون را ندادن و همیشه یکی بوده که اینا رو کنترل می‌کرده و وقتی وارد فضای مجازی می‌شن، در قالب فن یا هیت، زورشون به آدم‌هایی که می‌دونن نمی‌تونن کاری انجام بدن می‌رسه و اونا رو با این حرف کار و فکرهاشون آزار می‌دن. در مورد فیکیشن هم فقط یک جمله می‌گم، اونم این که چه کسایی که می‌خونن و چه کسایی که می‌نویسن، یه احمق به تمام معنا هستن. همین.

- خوب با توجه به حمایت اعضاء از اقلیت‌های جنسی و فتوبوک‌های جیمین تو با این جنسیت‌زدایی در عشق موافقی؟

برای منم اوایلش عجیب بود، ولی بعداً فهمیدم که عشق فقط به جنس مخالف نیست و می‌تونه به هم‌جنس هم باشه، عشق یک حس مقدسیه که هرگز نمی‌تونی دقیقاً بگی که عاشق کی یا چی می‌شی، اون خود به خود پیش میاد و تو تعیینش نمی‌کنی. اما خوب با توجه به این که ما ایرانی‌ها مسلمانیم و در اسلام هم‌جنس‌گرایی حرام هست، بنابر این انتظار دارم که تو ایران این مسأله به خوبی پذیرفته نشه و اصلاً از دلایل مخالفت خانواده‌ها و جامعه ایرانی با بی‌تی‌اس، حمایت اون‌ها از اقلیت‌های جنسی هست. خانواده‌هایی هم که کاملاً در جریان حمایت از اقلیت‌های جنسی نیستن، معمولاً به خاطر ظاهرشون بهشون گیر می‌دن.

- نظر خودت در مورد ظاهرشون چیه؟ تا جایی که من می‌دونم، سعی دارن از جنسیت‌زدایی در آرایش و پوشش هم حمایت کنن و حتی گاهی خودشون با آرایش در کنسرت‌ها یا عکس‌برداری‌ها حاضر می‌شن یا لباس‌های دخترونه می‌پوشن. نظرت در این مورد چیه؟

میکاپ رو خیلی از خواننده‌ها و بازیگرها انجام می‌دن و نه تنها خارج از کشور، تو کشوره ما هم مردها انجام می‌دن، به خاطر همین هیچ وقت برام عجیب نبود، چون می‌دونستم تنها اونا این کار رو انجام نمی‌دن و به نظرم باید آدم جوری که می‌خواد باشه و پسرها هم می‌تونن آرایش برای خودشون انجام بدن. آره درسته من دیدم اونا دامن هم بیوشن و وقتی از خود ملت کره هیت می‌گرفتن که مگه مرد هم دامن می‌پوشه، در جواب به اونا می‌گفتن مرد و زن فرق نداره. مردها اگه بخوان، می‌تونن انجامش بدن، ولی خوب یکی هست به علایق و سلايق ديگران احترام می‌ذاره و مثل ما در هر شرایطی حمایتش را نشون می‌ده یکی هم هست که فقط هیت می‌ده.

- بعد از آشنایی با بی‌تی‌اس، سعی کردی با الگوبرداری از اون‌ها تغییراتی در ظاهرته به وجود بیاری؟

اوایل آره. مثل اونا لباس می پوشیدم و مثل اونا میکاپ می کردم، اما بعدش کم کم از سرم افتاد و فکر کردم که من همون جوری که هستم خوبم. نامجون هم همیشه می گه، خودتون رو اون طور که هستید دوست داشته باشید. حتی اوایل سعی داشتیم، دقیقاً کپی اونا بشم برای همین به خاطر این که مثل اونا لاغر بشم، یه دوره رژیم خیلی سخت گرفتم و حتی وزنم به ۳۴ کیلو رسید. اصلاً وحشتناک لاغر شده بودم، ولی همون طور که گفتم، چندماه بعدش این مسأله از سرم افتاد و ترجیح دادم طوری زندگی کنم که خود واقعیم می خواد.

- مردم کره با جنسیت زدایی در پوشش، آرایش و عشق مخالف هستن؟

تا جایی که من تو تلویزیون و اخبارهاشون دیدم مردم کره اکثراً خیلی با فرهنگ و قابل احترام هستن، ولی متأسفانه اون ها هم در این موارد یک سری چارچوب سخت گیرانه دارن و بله، نه تنها موافق این مسایل نیستن، بلکه هیت هم می دن. البته الآن به خاطر قدرت بی تی اس هیت ها به بی تی اس کم شده. از طرفی فقط بی تی اس نیست که تو این موارد حمایتش رو نشون می ده، تو صنعت کی پاپ و کی دراما گروه ها و افراد دیگه ای هم هستن بنابراین مردم کره نمی تونن که بیان به تک تک شون هیت بدن و با وجود مخالفت شون دیگه اون قدر هیت نمی بینیم تو این موارد از شون.

- فکر می کنی تلاش های بی تی اس و سایر گروه ها یک مقدار سبب عادی سازی موارد بالا در جامعه کره شده؟

چرا کره خیلی تغییر کرده، از وقتی صنعت کی پاپ، اونم به خاطر بی تی اس این قدر بالا اومده، ولی هنوزم یه سری ها هستن که این جوری فکر کنن که گی بودن یه چیزه چندشیه. بنابراین درسته که نسبت به گذشته راحت تر با این موضوع کنار میان، اما نمی شه گفت عادی سازی شده، ولی در طول زمان به نظرم با عوض شدن نسل ها پذیرفته بشه.

- مردم کره دیگه با چه چیزهایی مخالف هستن و در موردش به بی تی اس هیت دادن؟

مردم کره رو خیلی چیزها مثل گی بودن، چاق بودن دخترها و ریش داشتن مردها، حساس ان و بهشون گیر می دن. مثلاً ریش داشتن مردها را یه چیز بد می بینن و خیلی چیزهای دیگه که یادم نیست. اما در مورد هیت هایی که به اعضاء دادن: مثلاً به چهره نامجون خیلی هیت می دادن اوایل دبیو و می گفتن که این آدم چهره خوبی برای آیدول شدن نداره، بعد این که یک ریپر زیر زمینی بود، بهش می گفتن تو لیدر خوبی نیستی، تو هنوز نمی تونی جمله بسازی، چه طوری آهنگ می نویسی، خیلی زشتی و کلی توهین دیگه، یونگی خیلی پوستش سفیده اون قدر که می تونم بگم از شیر هم سفیدتره، اولای دبیو بهش می گفتن رنگ پوستت خیلی سفیده، انگار یک روحی یا می گفتن مثل گربه ها چندشی، به جیهوپ می گفتن، نخند، اصلاً لبخند بهت نمیداد، دندون هات خیلی بزرگ ان، زشتی با این قیافه می خواهی آیدول بشی؟ به جین می گفتن، خیلی لاغره، خیلی قدش بلنده برای آیدول شدن پیره، چون اون موقع ها ۱۸ یا ۱۹ سالش بود، به جیمین که اون موقع ها یه کم تپل بود، می گفتن چاق، می گفتن لب هات خیلی بزرگه، بی استعدادی، شبیه دخترها هستی، به تهیونگ می گفتن تو دوستت رو فروختی، برای این که بتونی آیدول بشی، می گفتن بی احساسی، تو لایق این هستی که همیشه تو روستا زندگی کنی و کارهای روستایی ها رو انجام بدی و به جونگ کوک می گفتن خیلی بچه ای برای آیدول شدن، چرا نمی ری مشق هات رو بنویسی و کلی هیت دیگه. هنوز هم هیت ها هستن، البته به این شکل نه، ولی هیت ها با چیزهای جدید، هر روز بهونه دارن برای هیت دادن، مثلاً هیت هایی که سولو استن هستن، یعنی فقط طرفدار یکی از اعضای گروه یا یک شیب هستن، هیت می دن، اونم این جوری که مثلاً بیان جین و نامجون رو شیب کنن. نامجون تو یه برنامه به جونگ کوک یا جیهوپ نزدیک بشه به شونه اش دست بزنه اون رو بغل کنه، دستش را بذاره رو دستش، می گن چرا جیهوپ این کار رو کرد، شاید می خواد بین نامجون و جین دعوا راه بندازه با این که اصلاً تأیید شده نیست که همچین رابطه ای هست یا نه و همه این ها در حالیه که بی تی اس همیشه برای هر دین و اعتقادات و نژاد و زبان و رنگ پوستی ارزش قایل هست، اما درست با همین رنگ پوست و چهره و این جور چیزا بهشون کلی هیت دادن.

در کل اوایل دبلیو، هیت‌ها خیلی بیش‌تر بود و بین اعضاء نامجون و جیمین خیلی هیت می‌گرفتن، اما الان بی‌تی‌اس بزرگ‌ترین بوی بند جهان و صاحب بزرگ‌ترین فن‌دوم جهان هست و کسی نمی‌تونه که بهشون خیلی هیت بده.

- خودشون یا کمپانی در مقابل این هیت‌ها کاری نمی‌کنن؟

خودشون اجازه ندارن همچین کاری کنن. یعنی یه سری قانون تو کمپانی هست که به هیچ وجه اجازه ندارن جواب هیت‌ها رو بدن یا یه سری کارهای دیگه رو انجام بدن. ولی از ۵ ماه پیش کمپانی تصمیم گرفت که از هیت‌ها و چیزهایی که تو فضای مجازی منتشر می‌شن و باعث آزار و ناراحت شدن اعضاء می‌شن، شکایت کنن و به حسابشون برسن. بی‌تی‌اس به غیر از هیت‌ها یه سری ساسنگ فن هم داره که اگر بخوای اون رو هم توضیح بدم بهت.

- آره حتماً.

ساسنگ فن به طرفداری می‌گن که بدون این که به آزار و یا اذیت شدن اعضاء فکر کنن تا خونه‌هاشون می‌رن یا برای دیدن اون‌ها، تهدیدشون می‌کنن و تو فرودگاه و اینا بهشون حمله می‌کنن و حتی شده به هتلی که توش می‌مونن هم برن و یه سری‌ها هم هستن که تا تو بغل اعضاء میان و سعی دارن ازشون از نزدیک عکس بگیرن و اون رو به کانال‌های خبری بفروشن. اتفاقاً یه دختره ایرانی هم اخبارش رو دیدم که فن بی‌تی‌اس بوده، رفته اون رو تو فرودگاه ببینه، برداشته بهشون حمله کرده، حتی یه تایمی در مورد این بدبخت خیلی صحبت کردن آرمی‌های ایرانی.

خطرناک‌ترین ساسنگ فن بی‌تی‌اس هم یک دختر ۲۵ سال بود که به جونگ‌کوک گیر داده بود و یه بار تو فرودگاه لخت خودش رو می‌انداخت جلوی جونگ‌کوک، بعد بهش از تو وی‌ورس پیام‌های تهدید می‌فرستاد و بهش می‌گفت، تو باید با من ازدواج کنی، وگرنه می‌کشم. نمی‌دونم تفنگ دارم، چی دارم و گفتم برات، اعضاء رو شیپ می‌کنن و از اون جایی که بعضی‌ها ته‌کوک یعنی جونگ‌کوک و ته‌یونگ رو باهم شیپ می‌کنن برا جونگ‌کوک پیام فرستاده بود که تو اگه واقعاً با ته‌یونگ رابطه داری، من ته‌یونگ رو می‌کشم. یک بار هم که تو وی‌ورس به ته‌یونگ پیام داده بودن، ازدواج نکن، من نمی‌خوام ازدواج کنی، ته‌یونگ هم در جواب بهش گفته بود که ولی من می‌خوام بابا بشم.

کمپانی خودش اون رو یکی یکی تشخیص می‌دن و اسمشون رو لیست سیاه می‌نویسن و جا و مکان‌هایی که اعضاء توش هستن، اون رو وارد نمی‌کنن. من خودم هم تو پیجم کم از این آدم‌ها ندیدم که کامنت می‌ذارن، اگر اینا ازدواج کنن، من خودم رو می‌کشم و من می‌میرم و از این چیزا. می‌گم دیگه آیدول بودن به حدی که فکر می‌کنن و به نظر می‌رسه، خوب و رؤیایی نیست، مثل یه قفس طلایی می‌مونه، از یک طرف کمپانی با قوانینش و از یک طرف مردم بهت فشار میاره.

- می‌شه یه کم هم از قوانین کمپانی صحبت کنی؟

این سوال رو از کسی که می‌خواد آیدول بشه، می‌پرسیدی، خیلی بهتر می‌شد، ولی من تا جایی که می‌دونم و با چشمای خودم دیدم، برات توضیح می‌دم. بین برای آیدول شدن، کمپانی‌ها اکثراً بچه‌های خیلی کوچیک رو ترجیح می‌دن، یعنی هر چه قدر کوچیک‌تر باشه، بهتره. الان تو صنعت کی‌پاپ کوچیک‌ترین آیدولش ۱۰ سالشه. برای آیدول شدن باید بیش‌تر از چندین استعداد باهم داشته باشی، مثلاً باید حتماً بدنت سالم باشه و هیچ مریضی نداشته باشی. هیچ بیماری روحی از قبل نداشته باشی، باید هر چی کمپانی بگه رو انجام بدی، مثلاً تو نمی‌خواهی موهات رو رنگ کنی، ولی چون اون می‌گن باید انجام بدی باید از خانواده جدا و با اعضای گروه زندگی کنی. نباید با کسی رابطه عاشقانه داشته باشی و یا ازدواج کنی، حتی یکی از میکاپ آرتیست‌های اعضاء که دختر بود، کمپانی رو ترک کرد، چون حس می‌کرد یواش یواش داره عاشق جیمین می‌شه. دختره از ترس این که عاشقش بشه، کاری رو از دست داد که هیچ وقت نمی‌شه دوباره به دست بیاره، شاید بتونه جای دیگه‌ای کار کنه، ولی هیچ جا بیگ‌هیت نمی‌شه. بنده خدا یک بار با خبرنگار مصاحبه کرده بود و گفته بود که من احساس می‌کردم دارم عاشق جیمین

می‌شم و نخواستیم این حسم ادامه پیدا کنه و نه برای من، نه برای اون مشکل پیش بیاد. منم مثل همه یک آرمی‌ام و دوست ندارم بودنم دلیل اذیت شدن شون بشه و خودم تصمیم گرفتم که ادامه ندم. صنعت کی‌پاپ هم جوری که دیده می‌شه، آیدول‌ها خوش فرم و خوشگل ان، اصلاً شکم ندارن، خوش به حال شون نیست. مخصوصاً برای بی‌تی‌اس که راه رو برای بقیه گروه و سولو اکت‌ها باز کرد که بتونن به غیر از کره هم دیده بشن تو کل جهان. بعد خود آیدول‌ها اعتراض نمی‌کنن به این همه قوانین سخت به خاطر این که خودشون قبول کردن که وارد کی‌پاپ بشن و همه می‌دونن که کی‌پاپ چه قوانین سختی داره، مثلاً بعضی آیدول‌ها که مثل جیمین یه کم تپل بودن رو مجبور می‌کنن رژیم‌های خیلی سخت بگیرن، حتی نمی‌دونم کی بود یکی از اعضای گروه‌های دخترونه بود، دختره صبح و شب‌ها یخ می‌خورد برای این که اندام‌دار بشه و این که وزن کم کنه. فقط ظاهرها بود، یک عدد سبب می‌خورد که از حال نره و کلی سختی دیگه، سخته کردن، مشکل تنفسی پیدا کردن، پاشون شکست، دست‌شون شکست، تو بدونی برای اونا از چه روان‌شناس‌هایی کمک می‌گیرن تا روحیه‌شون کاملاً از بین نره، دیونه نشن، تازه تو خود کمپانی‌ها یه سری‌ها هستن که یه کم قدرت دستشونه و از قدرت‌شون برای آزار و اذیت اعضاء استفاده می‌کنن، مثلاً یه بار که اعضاء نمی‌دونم دقیقاً برای چه برنامه‌ای اومده بودن رو استیج هوا هم خیلی سرد بود، بعد جین خواست پتو بندازه رو جونگ‌کوک تا سرما نخوره، یکی از استف‌ها نداشت و پتو رو از کوکی گرفت آنقدر بچه بود که اصلاً نفهمید چی شد با لبخند به چشمای استف^۱ نگاه کرد و می‌دونست اگه چیزی بگه و یا کاری بکنه براش خوب نیست و ممکنه مجازاتش کنن بعداً چیزی نگفت و با دست‌های لرزون برا آرمی‌ها دست می‌زد و برا این که فکر نکنن چیزه بدی شده یه لبخنده فیک گذاشته بود رو لبش. یه بار هم پسرا یک منیجر^۲ داشتن که اونا رو کتک می‌زد، حتی یه بار که جونگ‌کوک برای اولین بار به تنهایی سفر می‌کرد، اون ۱۵ سالش بود و تنهایی می‌خواست سفر کنه و ترسیده و نگران بود، اما منیجر بهش توجه نمی‌کرد و او را زد تا سریع‌تر بره داخل هواپیما و این شدت منیجر تا ۳ سال باهاشون همیشه همراه بود و بعد سه سال رئیس کمپانی یعنی بنگشی پی دی نیم فهمید که این منیجر داره اعضاء رو از لحاظ روحی و جسمی آزار می‌ده، ازش شکایت می‌کنه و از کار می‌اندازتش.



اصلاً صنعت کی‌پاپ خیلی سخته، مخصوصاً برای بی‌تی‌اس که تبدیل به یک گروه جهانی شده از این بدتر می‌دونی چیه، ملت با این که از این قوانین‌ها خبر دارن، اون قدر بهشون هیت می‌دن. حتی خیلی راحت می‌گن اگر نمی‌تونن تحمل کنی برو خودکشی کن. من دیدم یه دونه دختر

^۱ - به کارمندان کمپانی که در مسایل مختلف به اعضای گروه یا سولویت کمک می‌کنند و برخی برنامه‌ریزی‌ها بر عهده‌شان است استف می‌گویند.

^۲ - منیجر به معنی مدیر است و در کی‌پاپ به کسی گفته می‌شود که بر فعالیت آیدول‌ها نظارت دارد.

که دوست آيو بود (آيو يك سولو اکت خیلی معروفیه که منم خیلی دوستش دارم)، اون رو با این حرف و هیت‌هاشون به پای مرگ کشوندن و یه روز تو خونه‌اش جنازه‌اش رو پیدا کردن و کمپانی‌ها و مردم در کنار هم عملاً حقوق شخصی تمام آیدول‌ها رو نادیده می‌گیرن. - همه این سختی‌ها به معروف شدن می‌ارزه؟

نمی‌دونم. این رو باید کسی جواب بده که برای شهرت حاضره این همه سختی تحمل کنه، ولی فقط از جنبه شهرت نگاه نکنیم، واقعیت اینه که اونا موفق ان و سختی تو راه موفقیت نرمال‌ترین چیز تو این دنیا هست، فقط جنس سختی‌ها و موفقیت‌های آدم‌ها هم فرق داره. اگر این همه سختی رو تحمل نمی‌کردن، قطعاً امروز تو دنیا این قدر طرفدار نداشتن و موفق نبودن.

- یعنی جامعه کره، این قدر که تو کی‌پاپ نشون می‌ده، به علایق و سلایق مختلف احترام نمی‌گذاره؟

ابداً. بی‌تی‌اس این جوهره که به دین‌ها، نژادها، فرهنگ‌ها، زبان‌ها و کشورهای مختلف با هر رنگ پوستی و هر سلیقه‌ای احترام می‌ذاره و باوجود تمام هیت‌هایی که می‌گیره، از اقلیت‌های جنسی حمایت می‌کنه چون اون‌ها هم مثل ما انسان هستن و حق زندگی دارن و یک عده از مخاطبان بی‌تی‌اس هم همین افراد هستن، پس درست‌ترین کار احترام به اون‌ها هست. اصلاً بی‌تی‌اس برای همین ارزش و احترامی که برای مخاطبینش قایل هست، این همه هم طرفدار داره، اما مردم کره اصلاً این طور نیستن، اونا نژادپرستن و به همه چی گیر می‌دن. مثلاً چند بار تو اخبار کره دیدم، حتی نه تنها اون جا، یه بار یه دختر که فن بی‌تی‌اس بود یه کم هم تپل بود لایو گذاشته بود، یه زن دیگه که از کوچه رد می‌شد، بهش گفت چه قدر چاقی خجالت نمی‌کشی، دختره یه کم اخم کرد، ولی برگشت گفت، اگه از آدم‌های مثل خودت رو می‌گی، نه. بعد این که نژادپرستن خیلی زیاد و آدم‌های کشورهای دیگه رو مسخره می‌کنن.

- فردی از اعضای گروه تاحالا از بدی‌های مشهور شدن چیزی گفته؟

گفتن ولی خیلی کم. مثلاً وقتی که تازه اعضاء اعلام کردن که خونه‌هاشون را جدا کردن، همه فکر می‌کردن که اونا دیس‌بند^۱ می‌شن، بعد نامجون اومد یه پست خیلی طولانی تو وی‌ورس منتشر کرد که دقیق یادم نیست چی بود، اما یه مقدار در مورد معروف بودن و مشکلاتش گفته بود. یه بار هم جین برای نامجون تو وی‌ورس تبریک گفت، بعد گفت که من از قبل به نامجون زنگ زدم و تولدش رو تبریک گفتم، ولی چون می‌دونم یه سری‌ها میان سر این موضوع که چرا هیچ پستی چیزی نداشتن، به من هیت می‌دن گفتم، حتماً پیام یه بار هم از اینجا تبریک بگم. بیش‌تر در مورد این که مورد قضاوت قرار می‌گیرن بود محتوای گلایه‌هاشون.

- اعضاء قبل از ورود به کمپانی با کسی رابطه عاشقانه داشتن؟

در حد دوستی‌های دختر و پسرهای دوره دبیرستان آره.

- اگر آیدول‌های مورد علاقه‌ات در آینده وارد رابطه عاشقانه بشن، ناراحت می‌شی؟

وای، من اصلاً مثل یه سری‌ها این جور فکر نمی‌کنم، حتی دوست دارم بابا بشن، دوست دارم، اونا هم یک زندگی بدون دغدغه داشته باشن، دوست دارم زن‌شون رو ببینم، دوست دارم از عروسی‌هاشون هم کلی پست بذارن با بقیه آرمی‌هایی که مثل من فکر می‌کنن، بگیم، بخندیم و حال مون خوب باشه از خوشبختی اونا.

- امکانش هست که آیدول‌ها در حال حاضر به صورت مخفیانه و دور از چشم فن‌ها و کمپانی، در رابطه باشن؟

۱ - اگر بنا به اتفاقاتی اعضای یک گروه موسیقی کی‌پاپ بخواهند قرارداد خود را با کمپانی تمدید نکنند و یا راه جداگانه‌ای را پیش بگیرند و از هم جدا شوند، در اصطلاحات جامع کی‌پاپ به آن دیس‌بند گفته می‌شود.

کمپانی حتی از تایم دوش گرفتن شون هم خبر داره، فکر نمی‌کنم از کمپانی بتونن چیزی مخفی کنن، اما اگر رابطه مخفی داشته باشن هم حق دارن، شاید از ترس هیت گرفتن این کار رو کردن. ولی باز هم فکر نکنم، رابطه‌ای داشته باشن.

– با دونستن تمام این سختی‌ها حاضری وارد کی‌پاپ بشی و آیدول شدن بشی؟

نه، من هیچ وقت نخواستم. چون می‌دونم صنعت کی‌پاپ سخته و حالا تو پاشو برو کره پول در بیار، باید زبان کره‌ایت فول فول باشه. بعد کلی سختی کشیدن، هیت بگیر، تهدیدت کنن یا این که زیردست کمپانی باشم و کارایی که دلم می‌خواد رو نتونم انجام بدم و هر مشکلی که تو بگی تو کی‌پاپ و اون دوران سختی که قراره در اون باشم، هست. من به دنیا اومدم که آزادانه زندگی کنم، نه زیر دست این و اون باشم. اگه این جور بود، من با نامادری خودم زندگی می‌کردم. برای همین هیچ وقت نخواستم و به نظرم کسانی که می‌خوان آیدول بشن، هنوز خام ان یا به چشم یک رؤیا به کی‌پاپ نگاه می‌کردن یا در واقع نمی‌دونن که کی‌پاپ پشتش چه سختی‌ها، افسردگی‌ها و شکست‌هایی رو قایم کرده. ولی چه بهتره که قبل از رؤیاپردازی، حقیقت رو ببینیم.

– گفتی تعدادی از این سانسگ فن‌ها رو تو پیچ خودت هم دیدی. اصلاً چی شد که تصمیم گرفتی فن‌پیچ بزنی؟

وقتی یه سری فن‌پیچ‌های بزرگ اخبار فیک می‌ذارن و چیزهایی که در واقع نبودن رو می‌گفتن و به دروغ شایعه می‌ساختن، منم تصمیم گرفتم که خودم فن‌پیچ بزوم و هر چی که فقط واقعیه، بگم تا آدم‌ها کمتر اعضاء رو قضاوت کنن. راستی می‌دونستی خود اعضاء هم حدوداً ۱۰ ماه هست که پیچ جداگانه دارن؟ قبل اون فقط پیچ بی‌تی‌اس بود و اعضاء اجازه فعالیت توی فضای مجازی رو نداشتن. گروه تی‌اکس تی^۱ و استری کیدز^۲ هنوز هم این طوری هستن و پیچ جدا ندارن اعضاء. فکر کنم جز قوانین کمپانی‌ها هستش.



^۱– ومارو اکس توگدر که بیش‌تر با نام تی‌اکس تی شناخته می‌شود، گروه پسرانه اهل کره جنوبی است که توسط بیگ هیت میوزیک شکل گرفته‌است. این گروه متشکل از پنج عضو است: یونجون، سوبین، بومگیو، ته‌هیون و هیونینگ کای. گروه تی‌اکس تی در ۴ مارس ۲۰۱۹ با آلبوم چند آهنگه فصل رؤیا: ستاره، فعالیت خود را آغاز کرد.

^۲– استری کیدز یک گروه موسیقی پسرانه کره‌ای است که در سال ۲۰۱۸ تحت نظر کمپانی جی‌وای پی تشکیل شد. اعضای استری کیدز توسط لیدر گروه بنگ چان انتخاب شده‌اند و در طی برنامه‌ای در سال ۲۰۱۷ به نام استری کیدز موفق به دیپو در کی‌پاپ شده‌اند.



- برخورد تو با این جور آدم‌ها (سازنگ فن یا فن‌های افراطی) چه طور هست؟

این جوریه که اولش باهاش صحبت می‌کنم و سعی می‌کنم براش توضیح بدم که اون کیه، چیه و در چه جایگاهی و به عنوان یک طرفدار نمی‌تونه که به هر شکلی تو زندگی شخصی آیدول‌ها دخالت کنه، ولی وقتی می‌بینم قصد فهمیدن و درک کردن رو نداره، بلاکش می‌کنم. نه اعصابم رو خراب می‌کنم، نه سرم رو گیج می‌برم.

- وقتی به بی‌تی‌اس هیت می‌دن، اعصابت بهم می‌ریزه؟

متأسفانه خیلی از مردم بدون این که از احساس ما خبر داشته باشن، هیت می‌دن و توهین می‌کنن و این می‌تونه از لحاظ روحی برای ما آسیب‌زا باشه، چون اون‌ها شاید برای خیلی‌ها ناشناخته یا بی‌اهمیت باشن، ولی برای ما ارزشمند هستن و ما اون‌ها رو مثل خانواده خودمون می‌بینیم و بهشون وابسته و دلبسته‌ایم. اما با گذر زمان من عادت کردم و دیگه به هیت‌هاشون توجه نمی‌کنم حتی گاهی به توهین‌هاشون با کلمات قشنگ جواب می‌دم تا از توهینی که کردن خجالت بکشن، اما یک‌سری هم هستن که هیچ‌جوره نمی‌پذیرن که اشتباه می‌کنن، منم باهاشون بحث نمی‌کنم، چون آدم‌هایی هستن که نمی‌دونن آقا وقتی من از اینا خوشم نیامد، چرا باید باهاشون کاری داشته باشم، اصلاً من خوشم نیامد، اون خوشش میاد به من چه؟ وقتی این رو نتون درک کنن، نباید هم صحبت بشه، چون اون خودش نشون می‌ده که چه قدر نفهمه، من چرا خودم را با این آدم‌ها، توی یک درجه ببینم.

- زیر پست خود اعضا هم هیت‌ها و سازنگ فن‌ها کامنت می‌گذارن؟

کامنت پیج‌های اعضا بسته هست.

- یک تعدادی از آیدول‌های کی‌پاپ کار بازیگری رو هم انجام می‌دن، نظرت در مورد ورود آیدول‌های کی‌پاپ به کی‌دراما چیه؟

وقتی از پس بازیگری بر بیان، خیلی هم عالیه و می‌تونن خودشون رو تو زمینه‌های مختلف ارتقا بدن و به طرفداراشون اضافه کنن. اتفاقاً نمی‌دونم دقیقاً چه زمانی بود، فک کنم حدود ۳ یا ۴ سال پیش بود که تهیونگ به سریال خیلی قشنگ بازی کرد، البته به خواسته کمپانی چون اون موقع تسلط کمپانی نسبت به الآن روشن‌تر بود.

- یعنی الآن تسلط کمپانی روشن‌تره؟

آره مثل قبل نیست. در اصل تسلط و قوانین کمپانی برای موفقیت و دیده شدن گروه‌ها هستش و وقتی بی‌تی‌اس به این حجم از موفقیت رسیده دیگه دلیلی نداره که سخت‌گیری داشته باشن. در اصل طبق قرارداد به قوانین کمپانی پایبند هستن، اما مجبور به کارهایی که خارج از قرار داد و قوانین مثل همین بازیگری اند، نیستن.

- در روز چند ساعت از وقتت رو صرف بی‌تی‌اس و اخبار و موزیک و... و پیج خودت می‌کنی؟

والا من تقریباً هر لحظه روزم با آهنگ می‌گذره، نه تنها بی‌تی‌اس‌ها، بلکه آهنگ‌های دیگه رو هم گوش می‌دم و می‌تونم بگم، بدون موسیقی زندگی برام مثل زندانه. پیج‌م را هم سعی دارم هر لحظه روز فعال استفاده کنم، یعنی از اون جایی که پیج‌م خبریه، همیشه باید پست و استوری بذارم، اما اگه اینجا موضوع فقط بی‌تی‌اس هست، هر لحظه تو فکرم هست، چه ساعتی چه برنامه‌ای دارن یا مثلاً شیر می‌خورم، به یاد جونگ‌کوک می‌افتم، دست و پا چلفتی می‌شن به یاد نامجون، یه تایم‌ها خیلی بامزه می‌شم به یاد جین، بعضی وقتا که احساس می‌کنم، یکی به کمک من احتیاج داره، به یاد جیهوپ، وقتایی هم که آدم‌ها باهام بد برخورد می‌کنن یا هم لازم می‌شه که از خودم دفاع کنم، شوگا، وقتایی که احساس می‌کنم روحم به آرامش احتیاج داره هم به یاد تهیونگ، وقت‌هایی هم که خیلی زیبا می‌شم، به یاد جیمین می‌افتم، حتی خیلی چیزهای دیگری هم هستن که اگر بخوام توضیح بدم تا فردا وقت می‌بره. در کل همه تایم زندگی‌م با فکر کردن به اونا می‌گذره. دست خودم نیست، وقتی چیزها و اتفاق‌هایی که برای اونا پیش اومدن رو هر روز تجربه می‌کنم، دایم بهشون فکر می‌کنم. فکر کردن به اونا روتین نرمال زندگی من شده و بدون اون‌ها روزهام نمی‌گذره.

- از پیجت درآمد هم داری؟

قبل قطعی اینترنت آره، اون موقعی که فالور زیاد داشتم، میلیونی پول در می‌آوردم نصفش رو برای خودم و نتی که برای فعالیت‌م لازم داشتم، خرج می‌کردم، نصفش رو هم به آدم‌های فقیر می‌دادم. چون بی‌تی‌اس همیشه می‌گه، وقتی برای خودتون یه کاری می‌کنید، به فکر اونایی که نمی‌تونن هم باشید. وقتی از یک وسیله‌تون خسته می‌شید و یا مثلاً می‌گین دیگه به دردم نمی‌خوره، به اون کسی که دوست داره همون وسیله رو داشته باشه، ولی امکانش رو نداره، فکر کنید.

- گفتمی برای استریم زدن هم وقت می‌گذاری، لطفاً از شرایط استریم زدن هم بگو.

آره استریم می‌زنم، وقتی کار و بار مهمی ندارم می‌شینم ام‌وی‌ها (موزیک ویدیوها) شون رو که جدید منتشر شده تو یوتیوب می‌بینم، وقتی کاری، چیزی هم دارم، آهنگ پلی می‌کنم و پلی لیستی که از قبل آماده کردم رو گوش می‌دم. حتی شب وقتی می‌خوابم، آهنگ باز می‌کنم و با هندزفری گوش می‌دم. وقتایی که کلاً کاری ندارم هم می‌شینم، هم با گوشی خودم هم با گوشی مامان بزرگم هم با کامپیوتر هم با تبلت هم با لپ‌تاپ، کلاً با هر وسیله‌ای که به اینترنت وصل می‌شه و زیره دستمه، استریم می‌زنم. حتی جوری شده مامان بزرگ هم بهم کمک می‌کنه، مثلاً ام‌وی رو هم‌زمان تو گوشی هر دومون که باز می‌کنم، یکیش رو می‌دم اون نگاه کنه. اونم می‌شینم همراهی می‌کنه با من. شرایطش هم اینه که باید ویدیو رو با صفحه کامل ببینی، نباید تو پلی لیست ببینی، باید یه گزینه‌ای که بالای صفحه یوتیوب هست، اون رو بزنی. بعد از هر ویدیو خود به خود یعنی اتوماتیکی یه ویدیو دیگه پلی می‌کنه، باید اون رو خاموش کنی، باید با صدای بلند ویدیو رو ببینی، البته با هندزفری هم می‌شه، ولی باید بالای نصفه باشه، باید هر بار اسمش را سرچ کنی و به جز چنل بنگنن تی‌وی، جای دیگه‌ای رو تماشا نکنی. راستی باید اکانت یوتیوبت هم به ایمیل وصل باشه. ویدیو حداقل حدود ۵ دقیقه پلی بشه، بعد لایک کنی، باید نور صفحه گوشی بالای ۱۵ و کیفیت بالای ۳۸۰ باشه. اگر همه اینا رو رعایت کنی، می‌تونی با یک اکانت، یک میلیون بار هم استریم بزنی، اما اگر حتی یکی‌شون رو رعایت نکنی، استریم به حساب نمیداد. یه چیز دیگه هم هست، باید بین هر ۱۰ بار که ویدیو را دیدی، یه ویدیو دیگه هم از کانال‌های دیگه که یوتیوب فکر نکنه رباتی، ببینی. اگه این جوری بشه ۱۰۰ استریم رو حذف می‌کنه. برای استریم زدن روز اول خیلی مهمه، اگر روز اول آهنگ صدر نشین بشه، اون موقع یوتیوب ویدیو رو برای همه دنیا پیشنهاد می‌کنه که ببینن، این جوری همه می‌بینن و ام‌وی محبوب‌تر می‌شه و تو رأی‌گیری‌ها نامزد دریافت جایزه می‌شه.

- دوست داشتی به کره سفر یا مهاجرت کنی؟

فقط دوست دارم یک سفری داشته باشم که بتونم برم کنسرت بی‌تی‌اس و جاهایی که تو گوشی می‌دیدم رو ببینم و باز به وطنم برگردم، مثلاً جزیره ججو رو خیلی دوست دارم برم و مثل جیمین داد بزنم: دنیا اگه تو نمی‌خواهی با سازه من برقصی، من مجبورت می‌کنم که این کار رو انجام بدی و در آخر من خودم رو دوست دارم، چون کسی نمی‌شه من. برای این دو کلمه می‌رم اون جا (باخنده) این رو تو یکی از ران بی‌تی‌اس‌های ۲۰۱۷ دیدم و از اون به بعد به جزیره ججو علاقه‌مند شدم. برم کافه بابای جیمین، برم با بنگ پی دی نیم^۱ و دوست دخترش، عکس بگیرم، برم لباس محلی شون رو بپوشم، برم سئول رستورانی که نزدیکه خونه نامجونه، موچی بخورم، برم بوسان، برم کیمچی و جاجانگ بخورم. انگار بیش‌تر هم برای خوردن می‌رم (باخنده)، ولی جدی این غذاهاشون خیلی خوشمزه هستن. من تو آنلاین شاپ‌های کی‌پاپ چند بار اونا رو سفارش دادم برام بیارن. اما دوست ندارم مهاجرت کنم ایران رو به همه جای دنیا ترجیح می‌دم.



^۱ - رئیس کمپانی هایب (بیگ هیت سابق)

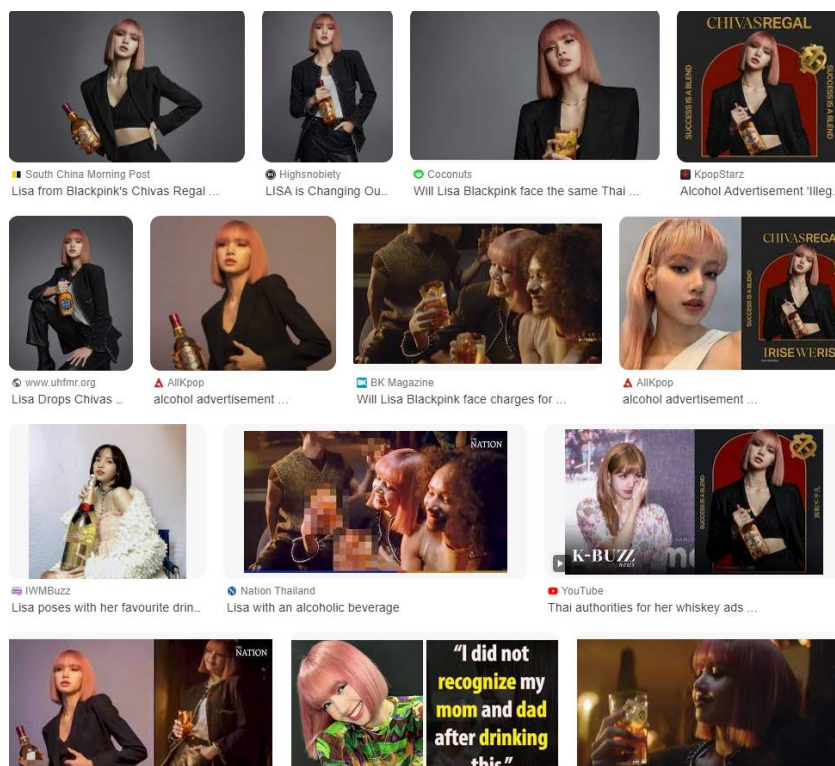


- دوست داری زبان کره‌ای رو یاد بگیری؟

تاحدودی زبان کره‌ای رو بلدم، تو این ۵ سال از طریق آهنگ و سریال‌های کره‌ای، یه چیزایی یاد گرفتم و قدری می‌تونم ترجمه انجام بدم، اما تلفظ کلماتش برام سخته. حدوداً سه ماهه که کلاس کره‌ای هم می‌رم، اون خیلی کمک کننده بوده برام و خیلی دوست دارم کامل و حرفه‌ای یاد بگیرم. ولی من زبان یاد گرفتن برام آسونه زود یاد می‌گیرم، مثلاً انگلیسی رو از فیلم و سریال یاد گرفتم و خوب هم صحبت می‌کنم. راستی نامجون هم انگلیسی رو خودآموز یاد گرفته و فوق‌العاده روون صحبت می‌کنه.

- غیر از بی‌تی‌اس طرفدار گروه‌های دیگه کی‌پاپ نیستی؟

نه، هیچ وقت نبودم. گروه‌های دیگه همیشه این جواری بودن که چیزهای درستی به فن‌هاشون یاد نمی‌دادن، بزرگ‌ترین دلیل این که از بی‌تی‌اس حمایت می‌کنم و دوس‌شون دارم، این بود که بهم روحیه می‌دادن و من رو تشویق به کارهای درست می‌کردن، بعد درسته همه‌شون کی‌پاپ ان، اما محتوای آهنگ‌ها و کارهاشون یکی نیست. مثلاً تو آهنگ دینامیت، اولش جونگ‌کوک می‌گه صبح‌ها پا می‌شم شیر می‌خورم. نه مثل این گروه دخترونه بلک‌پینک که لیسا تو یک آهنگش می‌گه، مشروب و الکل، از سال ۱۸۹۵ عه حتی از اون موقع که من نبودم برام نگه داشتن و یه جواری طرفدارهاشون را تشویق به مصرف این جور چیزها می‌کنن، من خوشم نمی‌اومد، چون اکثر فن‌های چه بی‌تی‌اس باشه، چه گروه دیگه‌ای، از ۱۲ سال بگیر تا به بعدش فن می‌شن و اینا بزرگ می‌شن به تقلید از حرف‌های اونا همین کار رو انجام می‌دن، البته بی‌تی‌اس هم بعضی جاها صحبت‌های مثبت ۱۸ می‌کنن‌ها، ولی تازگی این کارها رو انجام می‌دن، تو چپتر اول اصلاً نبود. کلاً یکی از دلایلی که بی‌تی‌اس رو فراتر از کی‌پاپ می‌دونم، همین سبک کاری‌شون هست که موسیقیش با کی‌پاپ متفاوته.



- سبک موسیقی بی‌تی‌اس چه فرقی با گروه‌های دیگه کی‌پاپ داره؟

انگیزشی هست، عاشقانه هست، غمگین هست، بعد هر سلیقه‌ای هم توش وجود داره. رپ هست، هیپ هاپ هست، کلاسیک هست، راک هست. همه نوع موسیقی رو تو یک آهنگ و یا آلبوم جا می‌دن و یک شاهکار می‌سازن. از طرفی تلفیق موسیقی و آهنگ‌های کره‌ای با آهنگ‌های انگلیسی، یکی دیگه از دلایل محبوبیت سبک بی‌تی‌اس هست.

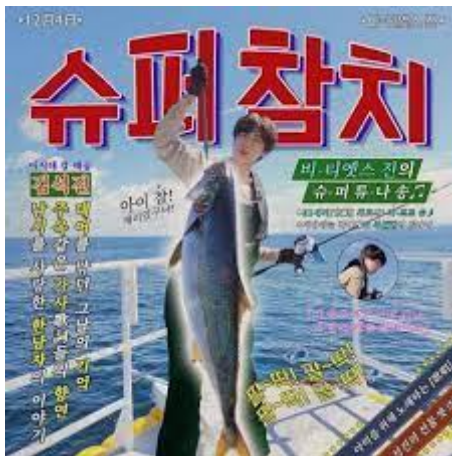
- بقیه گروه‌ها این قدر سبک متنوع در موسیقی رو ندارن؟

دارن، ولی استعداده این رو ندارن که مثل بی‌تی‌اس هم ریتم و هم متن آهنگ‌هاشون رو خودشون بنویسن، اونا میان می‌دن به بقیه می‌نویسن، اونا هم می‌خوان. بعد این که من از رقص همه گروه‌ها خوشم میاد ولی یه سری‌ها واقعاً هم به نظرم خوب بلد نیستن برقصن، یعنی هیت نشه‌ها،

این نظر خودمه، ولی رقص جزء مهمی از کی پاپ هست، نمی شه انجامش نداد، تو کره تو آگه خواننده ای، ولی نمی رقصی یا خوب نمی رقصی، یعنی ناقصی.

- خودت بعد آشنایی با بی تی اس سعی کردی که مثل اونا برقصی؟

راستش را بخواهی قبل از بی تی اس هم آدمی بودم که وقتی یک آهنگ ریتم دار پلی می شد، بدنم ناخودآگاه تکون می خورد و با حرکت های عجیبی می رقصیدم. با بی تی اس یه کم بیش تر علاقه مند شدم و بعضی وقت ها شبیه اونا می رقصیدم. اما ۳ سالی چیزی هست که حسش رو ندارم مثل قبل خوب و طولانی برقصم، جز وقتی که آهنگ سوپر تونای بی تی اس پلی می شه، یه دونه هم ران بی تی اس.



- بعد بقیه گروه ها هم مثل بی تی اس از آیین ها، نژادها و اقلیت های جنسی حمایت می کنن؟

راستش رو بخواهی من چون کارهای بقیه گروه ها رو خیلی دنبال نمی کنم، ندیدم کسی از گروه های دیگه بیان مستقیم حمایت کنن و یا نکنن، ولی من دیدم و شنیدم که بی تی اس حمایت کردن و می کنن.

- تمام حمایت های مالی آیدول ها از زمان کارآموزی با کمپانی هستش؟

دقیق برای کمپانی های دیگه رو نمی دونم، اما بی تی اس این طوری که از همون زمان کارآموزی پسر باهم تو یه خونه زندگی می کردن و هر ۷ نفرشون کنار هم بودن. دلایلش قوانین کمپانی بوده یا بودجه کم کمپانی نمی دونم، چون کمپانی بی تی اس اون موقع خیلی کمپانی کوچیک و فقیری بوده و در حالی که بقیه کمپانی ها کلی به آیدول ها و کارآموزهاشون می رسیدن و کلی امکانات براشون فراهم می کردن، بیگ هیت حتی پول غذای اینا رو نمی داده و اونا مجبور بودن خودشون کار کنن. صبح و شب کار می کردن تا گشنه نمونن. می رفتن دستشویی تمیز می کردن، کارگری می کردن، تو کافه کار می کردن، هر کاری می کردن تا گشنه نمونن. به جز جونگ کوک، همه کار می کردن، گفتم که اون مثل بچه اعضا هست و براش هر کاری رو انجام می دادن، اون رو می فرستادن مدرسه، خودشون هم می رفتن سر کار. جونگ کوک گفته بود که یک بار تو خونه کم میوه مونده بود و چون اون عاشق موز بود، بین جی کی و هوسوک برای یک موز دعوا شده و هوسوک موز رو به سمتش پرت کرده و گفته که بیا خودت بخورش. بعدش جونگ کوک زده زیر گریه و اون قدر گریه کرده که هوسو ازش معذرت خواهی کرده. کمپانی فقط برای آموزش ها و کلاس هاشون پول خرج می کرده و تمام هزینه های شخصی اعضا با خودشون بوده.

آره داشتیم می‌گفتم که اونا تا امسال باهم زندگی می‌کردن، اما امسال تو شام فستا^۱ اعضا در مورد گذشته‌شون و اتفاقات زندگی‌شون باهم صحبت و درد و دل می‌کنن. امسال گفتن که ما نشستیم باهم صحبت کردیم در مورد خیالات و آرزوهایمون و متوجه شدیم چه قدر متفاوت از همیم و دل‌مون می‌خواد بتونیم راحت‌تر خودمون رو نشون بدیم و حتی تا ۶ ماه پیش باهم زندگی می‌کردن اما بعد دیگه خونه خودشون رو جدا کردن و الان برای دنبال کردن رؤیایا و آرزوهایشون جدا از هم هستن. در واقع بعد از نامزدی تو مراسم گرمی و افزایش موفقیت‌هاشون و شکستن رکوردها پشت هم تصمیم گرفتن خودشون در ابعاد جدیدی رکورد بزنی و خود واقعی‌شون رو تو سولو آلبوم‌هاشون ارایه بدن و تو سولو آلبوم‌هاشون، بیش‌تر از خودشون و سرگذشت‌شون بگن. کمپانی هم مشکلی با این قضیه نداشت. چون اونا به گروه هستن و هنوز هم به عنوان یه گروه فعالیت می‌کنن و در کنارش به صورت سولو کار می‌کنن و بی‌تی‌اس اون قدر بزرگ شده که کمپانی سخت‌گیری‌هاش رو خیلی کم‌تر کرده و نسبت به سایر کمپانی‌ها بی‌تی‌اس خیلی آزادانه‌تر عمل می‌کنه و می‌شه گفت، در کنار کارهای خودشون اگر کمپانی خواسته‌ای داشته باشه، بهش عمل می‌کنن، یعنی اون فشار و سخت‌گیری اولیه نیستش، ولی همچنان گروه و قرارداد با کمپانی پابرجاست و فک کنم تا ۲۰۳۰ ادامه داره.

- بعد چرا بچه‌ها ترجیح ندادن برن کمپانی‌های بزرگ‌تر و معروف‌تر تا کم‌تر سختی بکشن؟

رفتن، چرا نرفتن، ولی هر جور شده نتونستن از هم جدا بشن در واقع هیچ کدوم از کمپانی‌ها نتونستن استعداد درون‌شون رو ببینن، مخصوصاً مال نامجون رو، نامجون تو هر کمپانی که رفته، قبولش نکردن، ولی بیگ هیت نه، اون را قبول کردن و بزرگش کردن، ولی بعد از این که اونا تقریباً ۴ یا ۵ سال از دبوشون گذشت و خیلی سریع که بالا اومدن حتی جلوی تمامی کمپانی‌ها زدن اونا دزدکی برای تهیونگ، نامجون و بقیه اعضا میل می‌فرستادن تا بیگ هیت رو بذارن و بیان تو کمپانی اونا سولوکار کنن، اما اونا قبول نکردن و تا اینجا باهم اومدن و به شخص خودم به این باور دارم و ایمان میارم اگه بی‌تی‌اس از هم جدا کار می‌کردن هیچ وقت نمی‌تونستم به امروزشون برسن.

- کلاس‌ها آموزشی‌شون فقط تا پایان دوره کارآموزی هست یا بعد از دیبو هم ادامه داره؟

وقتی دیبو می‌کنن و وارد مرحله دوم می‌شن که تا ۳ سال این بچه‌ها رو بازهم پیشه هم نگه می‌دارند و کلی بهشون درس و کلاس‌های خصوصی می‌دن تا استعدادهاشون بیش‌تر بشه، حتی اگه استعدادی اونا تو خودشون دارن، ولی هنوز خبر ندارن را بهشون نشون بدن. حتی تو این دوره تهیونگ یکی از اعضای گروه متوجه این می‌شه که می‌تونه با هر دوتا دستش هم‌زمان در دو طرف نقاشی بکشه، یعنی با دسته چپ تو بیایی سمت چپ یک صورت را بکشی با راستت هم طرف راست را بکشی و درست عین هم در بیاد.

- اگر کمپانی این قدر بودجه کمی داشته که حتی نمی‌تونسته غذای کارآموزها رو فراهم کنی، چرا الان داره بخش زیادی از درآمد بی‌تی‌اس رو دریافت می‌کنه؟

درسته برای نیازهای شخصی‌شون پول خرج نمی‌کرده، اما تمام کلاس‌ها و آموزش‌ها به عهده کمپانی بوده و این کمپانی بوده که اون‌ها رو در کنار هم آورده و به نوعی روشون سرمایه‌گذاری کرده، به خاطر همین بخش خیلی زیادی از درآمد اعضا رو دریافت می‌کنه و رو آیدول‌های دیگه سرمایه‌گذاری می‌کنه. درآمدی که اعضا در میارن فقط ۹ درصدش برای خودشون هست که البته این ۹ درصد هم خودش مبلغ هنگفتی می‌شه و جیهوپ ۱۰ درصد می‌گیره، چون گفتم که آموزش دنس به اعضا رو هم به عهده داشته و مابقیش صرف هزینه‌های کمپانی و آیدول‌های جدید می‌شه.

- قراره بعد از این کلاً سولو کار کن یا باز ۷ نفرشون کنار هم میان برای آهنگ و کنسرت؟

^۱ - مراسم شامی که هر ساله در مراسم سالگرد دیبو، اعضا در کنار هم جمع می‌شوند.

میان حتی گفتن که بعد از انجام و اتمام کارهای سولوشون و اتمام تایم سر بازی شون، یه دونه کامبک منتشر می کنن و باهم دوباره شروع به کار می کنن که گروهی کار کنن. حتی بعد از سولو کار کردن شون باز هم تو بوسان کنسرت گروهی گذاشتن. اونا سفیر بوسان هم برای جذب گردشگر به بوسان هستن و اون جا کنسرت گذاشتن. کنسرت لس آنجلس هم بوده البته. الان هم که قراره به نوبت برن سر بازی، کارهایی که از قبل ضبط کردن پخش می شه چه تو موسیقی چه تو ران بی تی اس.



- تو این مدت که سولو کار کردن همه شون آهنگ یا آلبومی منتشر کردن که مثل کارهای گروهی شون سر و صدا کرده باشه؟ همه اعضاء نه، اما جیهوپ اولین آلبوم رسمی سولوش رو با ده تا ترک داد بیرون. یک هفته بعد از انتشار آلبومش هم در لولاپالوزا تو شیکاگو اجرا داشت و دوتا هم موزیک ویدیو بیرون داد.



جین یه سینگل سولو منتشر کرد. این ترک هدیه کلدپلی به جین بود، یعنی ترانه و موسیقی با کلدپلی بود و خوندنش با جین و حتی تو کنسرت کلدپلی هم چند روز پیش به عنوان اولین استیج سولوش با کلدپلی رو صحنه رفت. بعدی نامجون هست که اولین آلبوم رسمی سولوش چند روز دیگه منتشر می شه، قبلاً هم آلبوم سولو داشته، اما رسمی نبوده، این آلبوم هم ده تا ترک داره و می خواد کنسرت ۲۰۰ نفره برای افراد بالای سن قانونی تو کره اجرا کنه. نامجون تو این آلبوم با ۴ یا ۵ سولو اکت کره ای و ۳ یا ۴ تا امریکایی همکاری کرده و آهنگی که جونگ کوک چند روز پیش برای جام جهانی خوند و موزیک ویدیوش رو ضبط کرده. بقیه اعضاء هنوز کاری منتشر نکردن، حتی اسپویلی هم ندادن که بدونیم کاری منتشر می شه یا نه.

- خودت بین اعضاء کدوم رو بیش تر دوست داری و مورد علاقه ات هست؟

بایس ندارم، او تی سون (طرفدار همه) هستم. سولو استن بودن رو دوست ندارم، چون فکر می‌کنم اونا باهم بی‌تی‌اس هستن و در کنار هم همدیگه رو کامل می‌کنن. ولی برای اونایی که بایس دارن هم احترام قایلیم، به شرطی که به بقیه اعضا هیت ندن و از اونا هم حمایت کنن.

- در مورد سولو استن بودن یه توضیح می‌دی؟

سولو استن بودن این جوریه که تو بین اعضا فقط یک نفر رو قبول داری و بقیه اعضا رو مثل اون قبول نداری. حتی اگر پاش برسه، حاضری به خاطر اون یه نفر به بقیه شون هیت بدی. مثلاً تعداد فالورهای اعضا رو ببین هر کدومش یک عدد متفاوت داره. این تفاوت اعداد دقیقاً به خاطر سولو استن‌ها هستن. افرادی که همه اعضا رو و نه فقط یکیش رو دوست دارن. این‌ها آرمی نیستن، اما تو می‌تونی به عنوان یه آرمی واقعی یک نفر رو بیش‌تر دوست داشته باشی، اما در کنارش از بقیه هم حمایت کنی. این می‌شه بایس داشتن و آرمی واقعی بودن.

- بالاتر گفتی که اعضای بی‌تی‌اس تا سال ۲۰۲۳ با کمپانی قرار داد دارن، بعد از این تاریخ دیس‌بند می‌شن و می‌تونن به صورت سولو کار کنن؟

خدا نکنه دیس‌بند بشن، امیدوارم دوباره قراردادشون رو تمدید کنن، ولی اگر تمدید نکنن، فکر می‌کنم دیس‌بند می‌شن و نمی‌دونم شرایط تمدید دوباره چیه و اصلاً تمدیدپذیر هست یا نه، ولی فکر کنم به این بستگی داره که هم اعضا و هم کمپانی بخوان. دقیق نمی‌دونم اگر چه جدا هم بشن، باز هم فن‌شون می‌مونیم، اما دیگه اون اجراهای گروهی، ران‌ها و خاطرات گروهی برامون رقم نمی‌خوره. اما باز هم باید صبر کنیم که از سربازی بیان تا دقیق متوجه برنامه کاری شون بشیم.

- آیدول‌ها جدا جدا سربازی می‌رن یا همه باهم می‌رن؟

راستش رو بخوای من این قضیه رو امسال تجربه می‌کنم، چون فقط با بی‌تی‌اس وارد این داستان‌ها شدم و بی‌تی‌اس هم برای اولین بار می‌خواد بره سربازی و تا به حال از سوی رسانه‌های کره‌ای یا هم خوده بیگ هیت هیچ چیزی نگفتن که دقیقاً باهم می‌رن یا یکی یکی، ولی این رو می‌دونم که به نوبت سنی می‌رن و جین تا چند روز دیگه می‌ره، ولی فکر کنم اعضای اکسو که رفتن هم باهم نرفتن و جدا جدا رفته بودن.

- بعد از دیس‌بند شدن شون هم باز هم بخشی از درآمدشون برای کمپانی خواهد بود؟

نه، بعد دیس‌بند شدن درآمدشون برای خودشون خواهد بود و از زیر نظر کمپانی میان بیرون.

- تاحالا از مرچ‌های بی‌تی‌اس خرید کردی؟

نه، چون خیلی گرون ان و تو ایران هم در دسترس نیستن. اما خیلی دوست دارم آلبوم خودت رو دوست داشته باش و پروف رو بخرم، چون دوتا از مهم‌ترین و قشنگ‌ترین آلبوم‌های بی‌تی‌اس هستن. هم شروع چپتر یک و دو هستن، هم این که من با خودت رو دوست داشته باش، آرمی شدم. اکسسوری‌هاشون رو هم خیلی دوست دارم بخرم. اونا یه جورایی فرشته‌های نجات من حساب می‌شن، بنابراین دوست دارم با وسایلی که متعلق به اونا هست، هر لحظه وجودشون رو کنار خودم حس کنم. سولو‌هاشون رو هم خیلی دوست دارم بخرم، اما متأسفانه توان مالیش رو ندارم.

- اگر یکی از اعضای بی‌تی‌اس اشتباهی انجام بده بازهم طرفدارشون می‌مونی؟

اگه کارشون چیزی مثل کار یکی از اعضای اکسو که می‌گن به یه دختره ۱۴ ساله تجاوز کرده باشه (البته که من از جزئیات مسأله خبر ندارم، حالا واقعی باشه یا نباشه)، اگه حتی همچین شایعه‌ای باشه و منم در جریان اینا باشم و به نظرم این جوریه برسه که آره انجام داده، نه، دیگه فن‌شون نمی‌شم و کلاً راهم رو کج می‌کنم کسی که این کار رو با یک دختر بچه کرده باشه، پس همه حرفاش دروغ بوده و در واقع همه چی

رو برای پول انجام داده، ولی من می‌تونم قسم بخورم که هر چیزی مثل اینا از بی‌تی‌اس در نیامد، هیچ وقت حتی تو من رو بگیر بذار تو یک اتاق که اون ۷ پسر بی‌تی‌اس هم باشن، من خیلی بیش‌تر احساس امنیت می‌کنم تا این که ۷ تا پسر از فامیل خانواده و افراد دیگه تو اتاق باشن.

- من یه چیزی هم در مورد دیسپیچ شنیدم که چت خصوصی اعضاء رو منتشر می‌کنن. نظرت در این مورد چیه؟

خیلی اطلاع از دیسپیچ ندارم، ولی تاحالا ندیدم چت خصوصی اعضاء پخش بشه. حتی یه بار تو یکی از مصاحبه‌هاشون از مسوولین کمپانی سوال کردن چه طوری خبرنگارها نمی‌تونن چیزی از گذشته‌ی اعضاء، خانواده، خواهر، برادر یا هر چیزه دیگه‌ای جز چیزی که اونا گفتن چیزی پیدا کنن یا ببینن، اونا هم گفتن که چون پسرهای ما خوب بلدن از زندگی شخصی و کاری‌شون خوب محافظت کنن.

- خبرنگارا هم خیلی سعی می‌کنن در مورد زندگی اعضاء اطلاعات به دست بیان؟

دقیقاً، حتی اگه می‌تونستن جلوی درشون می‌خوابیدن. نه تنها خبرنگارها، بلکه خیلی‌های دیگه مثل یک آدم معمولی که تو خیابون یکی دیگه رو ببینه که تپش یه کم شبیه اعضاء باشه، میاد ازش ویدیو و عکس می‌گیره و تو فضای مجازی به اسم اعضاء پخش می‌کنه. واقعاً یه سری‌ها رو نمی‌تونم درک کنم اعضاء رو مثل اسباب‌بازی می‌بینن.

- فکر می‌کنی بی‌تی‌اس در چه مواردی بیش‌ترین تأثیر رو در زندگی شخصی خودت داشته؟

از هر لحاظ برای من تأثیرگذار بود. اول و مهم‌تر از همه تأثیری که رو روحیه‌ام داشته و الآن نسبت به قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس، خیلی شادترم. دوم تو سن خیلی کوچیک توانایی گرفتن تصمیمات بزرگ رو به دست آوردم، مثلاً موقع‌هایی که از دست زن بابام کتک می‌خوادم، با یاد آوردن حرف‌هاشون که تو آهنگ فایر می‌گفتند تو جوونی، بزن بشکن، از خودت دفاع کن، اونا نمی‌تونن تو رو بفهمن، پس تو خودت را بفهم. سوم این که قبلاً از نظر اخلاقی خیلی سنگ‌دل بودم. الآن خیلی مهربون‌ترم، می‌دونم و می‌فهمم که نمی‌شه با دعوا و دیوانگی برای مشکل‌ها راه حل پیدا کرد. من دورانی با بی‌تی‌اس مواجه شدم که به این چیزهایی که بالاتر گفتم، نیاز داشتم و این جووری دور خودم با خیالات و توانایی که داشتم با بی‌تی‌اس یک چهار دیواری ساختم که توش همیشه در امنیتم. از نظر اجتماعی خیلی ارتباطم با اطرافیانم بهتر شده، قبلنا که می‌رفتم مدرسه یا عروسی، جشنی، چیزی، همیشه انتظار داشتم آدم‌ها بهم سلام بدن یا در خواست دوستی بدن، همیشه خودم رو کم‌تر از بقیه می‌دیدم و تا زمانی که کسی سمت من نمی‌اومد، من به سمتش نمی‌رفتم، ولی وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم، یه جووری کلاً تغییر کردم، الآن من می‌رم بهشون در خواست دوستی می‌دم، وقتی می‌بینم ناراحت ان، برای خوشحالی‌شون تلاش می‌کنم، بیش‌تر با آدم‌ها ارتباط چشمی برقرار می‌کنم، شجاعتش را دارم وقتی به یکی حسی دارم، برم رو به روش بایستم و براش توضیح بدم، مشکلاتم را با آدم‌ها می‌تونم به راحتی به اشتراک بذارم، سرش بحث کنم و متوجه این شدم که وقتی با آدم‌ها این جووری برخورد می‌کنم، آدم‌ها بیش‌تر بهم توجه می‌کنن، بیش‌تر برام ارزش قایل می‌شن. حسی بدی که قبلنا به خودم داشتم، کاملاً از بین رفته و من رو از تاریکی به روشنی کشونده.

- با توجه به این که تعداد زیادی از طرفداران بی‌تی‌اس زیر سن کمی دارن، فکر نمی‌کنی، وقتی کسی به بلوغ فکری نرسیده، حرفای بی‌تی‌اس می‌تونه اون رو به اشتباه بکشونه؟

آره راست می‌گی، خیلی‌ها حرف‌های بی‌تی‌اس رو مطابق میل خودشون برداشت می‌کنن و اون بخشی رو متوجه می‌شن که می‌خوان. بیش‌تر اینا همون آرمی‌هایی هستن که سولو استن می‌کنن یا اعضاء رو باهم شیپ می‌کنن یا فقط از ظاهر الگو می‌گیرن، اما پیغام‌های بی‌تی‌اس رو فقط بخشی که خودشون می‌خوان رو متوجه می‌شن و به نظرم اگر خانواده‌ها از بچه‌هاشون حمایت کنن و در مقابل بی‌تی‌اس گارد نگیرن، می‌تونن بچه‌هاشون رو هم راهنمایی کنن و وقتی بچه‌ها دارن کارهای بی‌تی‌اس رو دنبال می‌کنن، به جای این که بگن اینا چیه، باهاشون همراه بشن، قطعاً خیلی کمک کننده خواهد بود.

- فکر می‌کنی خوبی‌ها یا بدی‌هایی که فن بی‌تی‌اس بودن برات داشته چی بوده؟

نمی‌دونم راستش، ولی به چیزی هست که حالا نمی‌تونم بگم بدی هست یا قابل کنترل و اون وابستگی زیاد به اونا هست. من فکر می‌کنم اگر اونا نباشن، آرمی‌ها به مدت حس گم‌شدگی و سردرگمی پیدا می‌کنن، ولی این به آدمش وابستگی داره، برخی آسیب می‌خورن و برخی آگه اونا هم نباشن، خوشحال می‌مونن و گم نمی‌شن و برای خودشون تلاش می‌کنن، چون زندگی همینه آدم‌ها میان و می‌رن بی‌تی‌اس هم همین طور، مثلاً من می‌تونم این حس گم‌شدگی و کلافگی رو کنترل کنم و به مسیر خودم ادامه بدم، چون این قدرت رو از بی‌تی‌اس گرفتم.

- در مورد موفقیت‌های بی‌تی‌اس چند مورد رو نام می‌بری؟

خیلی زیاد ان، اما به چندتا مهم‌شون رو می‌گم، با آهنگ داینامیت در سال ۲۰۱۹ نامزد دریافت جایزه گرمی شدن و اولین گروه پسرانه دنیا هستن که ۵ سال متوالی در این مراسم نامزد دریافت جایزه می‌شن و البته جایزه هم دریافت کردن، و امسال هم جیهوپ به عنوان اولین و تک اکت آسیایی توی گرمی نامزد دریافت جایزه برای کار سولو شده و احتمالاً جایزه هم می‌گیره. گروه بی‌تی‌اس با آلبوم پروف و آهنگ یت تو کام، به عنوان بهترین ام وی (موزیک ویدیو) سال نامزد شدن و جونگ‌کوک با آهنگ لفت اند رایت، با همکاری چارلی پوت با این که هیچ وقت سولو دیبو نکرده، تو این مراسم به عنوان بهترین همکاری سال نامزد دریافت جایزه هستش. سال ۲۰۱۷ برای اولین بار تو مراسم ماما شرکت می‌کنن و با برنده شدن دسانگ، سریع‌ترین و موفق‌ترین گروهی شدند که به این حد از موفقیت رسیدن و کلی موفقیت جهانی دیگه. همکاری با خواننده‌های مطرح جهان مثل هالزی، کلد پلی، چارلی پوت، نیکی میناژ هم به نظرم نشون دهنده موفقیت و شهرت جهانی بی‌تی‌اس هست. به همین ترتیب بی‌تی‌اس باعث شده کره دیده بشه و صنعت توریسمش پیشرفت کنه و با حضور بی‌تی‌اس خیلی‌ها دل‌شون بخواد به کره سفر یا مهاجرت کنن. تولیدات کره حتی غذاهای بومی‌شون مورد توجه جهانی قرار گرفت و صادرات محصولاتش ارتقاء پیدا کرده.

- خیلی ممنون بابت همکاریت.

خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره

ترنم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

ترنم در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند:

تعقیب اهداف اقتصادی کشور کره، سیاست کمپانی برای جلب کنجکاوی مخاطب با ارایه محتوای پازل‌گونه، ایجاد فضای متنوع برای سلیقه‌های گوناگون، جنسیت‌زدایی از عشق و تغییر نگاه از منفی به مثبت به رابطه هم‌جنس‌گرایان، اشاره داشته است.

ترنم در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند:

الگوپردازی از سخت‌کوشی اعضای بی‌تی‌اس در ابتدای کارآموزی، بهبود حال روحی بد افراد، سرگرم کردن هواداران، وابسته شدن به اعضای گروه، علاقه‌مند شدن به غذاهای کره جنوبی، تئوری‌پردازی درباره ستاره‌ها، حمایت طرفداران از ستاره‌ها، اتلاف وقت گسترده میان کی‌پاپرها برای شرکت در رأی‌گیری‌ها در فضای مجازی، درگیری ذهنی روزمره و تبدیل شدن گروه بی‌تی‌اس به اولویت زندگی فرد، ایجاد عرصه‌ای برای پرخاش کردن و تخلیه روانی (حتی به ستاره‌ها)، طرفداری به مثابه عرصه‌ای برای پرخاش کردن و تخلیه روانی حتی به ستاره‌ها، اشاره داشته است.

ترنم ۱۸ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: تعقیب اهداف اقتصادی کشور کره، ایجاد انگیزه، تحول‌آفرینی در ارزش‌ها، ایجاد فضای متنوع برای سلیقه‌های گوناگون، حمایت ستاره‌ها از طرفداران، کمک به بهبود حال روانی بد مخاطبان، در نظر گرفتن ستاره‌ها به عنوان ناجی، گنجاندن اسرار زندگی شخصی ستاره‌ها در قالب مجموعه عکس‌ها و وضعیت مالی نابسامان کمپانی در ابتدای کار آموزشی اعضای بی‌تی‌اس، اشاره داشته است.

از بیانات اخیر ترنم ۱۸ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

مصاحبه با شادی، ۱۵ ساله

خیلی زیاد مثل دخترا لباس پوشیدن و حتی شاید بشه گفت، اکثراً لباساشون دخترونه هست (با خنده) تا پسرונה و رفتاراشون، حتی اکسسوری که می‌اندازن و رنگ مو و میکاپ هم همین طور.

- عزیزم اسمت چیه؟

اسم شادیه.

- شما چند سالت هست؟

من ۱۵ سالمه.

- شما با کی پاپر آشنایی داری؟

بله.

- عزیزم چه طور با این گروه آشنا شدی؟

خب من از حدود یکی، دوسال قبل، کلاً خواننده‌های کره‌ای رو گوش می‌دادم و به طور کلی با اونا آشنا بودم ولی با بی‌تی‌اس یک سال و نیمه که آشنا هستم و این طور شد که مدرسه بچه‌ها بیش‌تر مشوق شدن برام. من مدرسه‌ام غیردولتی هست، ولی بچه‌ها خب خیلیاشون طرفدار این گروه ان و آهنگاشون رو تو مدرسه پلی می‌کردن و باهم می‌شستن سر کلاس گوش می‌دادن یا قبل این که معلم بیاد تو کلاس رقص شون رو می‌رفتن، بعد حرف می‌زدن راجع بهش باهم که کدوم جذابه و کدوم بهتره و حتی دعوا می‌کردن سر شون، منم سر همین جریانات، واقعیت کم‌کم خودم هم نفهمیدم چه جوری، ولی جذب بهشون شدم، ولی دقیق یادم نیست اتفاقی افتاده باشه جذب بشم، کلاً دیگه کم‌کم منم باهاشون کلیپاشون رو دیدم خوشم اومد از شون و از قیافه‌های کیوت‌شون و خودم هم تو خونه هی نگاه می‌کردم بهشون و آهنگاشون و حتی رقص شون رو هم کم‌کم یاد گرفتم.

- بیش‌تر از چه چیز اون‌ها خوشت اومد؟

اوم در برخورد اول قیافه‌شون طبعاً دیده می‌شه و تو چشمه و بعد آهنگاشون.



- از چه چیز قیافه‌شون خوشت اومد؟

امممم... خب پوست سفید و صاف و دماغ کوچیک شون و میکاپ سبک شون و موهای رنگی رنگی شون هم جذابه، کیوت ان کلاً عین عروسک می موند.

- عمل جراحی هم می کنن؟

آره، چهره شون رو ممکنه جراحی پلاستیک بکنن یا دماغ شون رو عمل می کنن، بعضاً موهاشونم که رنگیه و زاویه سازی فک هم انجام می دن از ظاهرش، مشخصه بعد ترکیب رنگ هایی که می پوشن هم خیلی جذاب و رنگی رنگیه، ولی خب تابلو عمل نمی کنن، معلوم نمی شه، ولی من چون خودم از این کارا کردم، می فهمم.

- بابت تأثیری که روت گذاشتن عمل کردی؟

آره می شه گفت، ولی صددرصد هم نه، یعنی من بینیم مشکل داشت یه کم کلاً بزرگ بود، ولی لبام رو از اونا تأثیر گرفتم، تزریق کردم یا پوستم رو دکتر پوست می رم فن پوست کره ای رو براش اجرا کردم.



- یعنی چی فن پوست کره ای؟

یعنی یه سری مراکز هست تهران بالا شهره، بعد اینا پوستت رو عین کره ای ها صاف و شفاف می کنن.

- تأثیر طولانی مدت هم داره؟

آره کارشون درسته، دوستم هم رفته بود پیش شون نتیجه گرفت، بعد من رفتم.

- راضی هستی؟

آره، پوستم خیلی خوب شده، جای جوش و اینا داشت.



- آیدول‌ها به زیبایی ظاهری شون خیلی اهمیت می‌دن؟

آره، یعنی کمپانی براش مهمه و بر اساس یه سری معیارها انتخاب شون می‌کنه که زیبایی قیافه و هیکل جزوش هستن و برای هیکل شون هم رژیم‌های غذایی دارن که سفت و سخت باید اجراش کنن، کمپانی براش مهمه حتی یه شکلات نمی‌تونن جدای اون رژیم بخورن (باخنده)، دیگه سخته به هر حال کارشون، اون قضیه شکلات رو هم خودشون گفته بودن یه بار که رژیم دارن و نمی‌تونن شکلاتای هوادارها رو بخورن. این استانداردهای زیبایی از کجا اومدن؟

خب دیگه از هالیوود و امریکا و صنعت مد، اونا دیگه چون عین اونا هستن، فیلمای امریکایی هم من می‌بینم، حتی مدل اکسسوری‌هایی که می‌اندازن خیلی ریز و نحیف نیست، یعنی امریکایی‌ها هم بازیگراشون جایی می‌رن یا تو فیلماشون این جور می‌ان.

- از لحاظ عاطفی و احساسات چه تأثیری روی شما گذاشته؟

اممم خب یه کم هیجانی تر شدم کلاً سر مسایل، یعنی صبرم کم تر شده، حس می‌کنم و زود جوش میارم و خب بیش تر وقتم رو صرف دیدن کلیپ‌هاشون می‌کنم، در نتیجه وقتی برای خانواده و درس دیگه نمی‌مونه و اینم اعصابم رو خورد می‌کنه یه کم یا مثلاً این طوری شدم که می‌گم یا فلان چیز باید بشه یا کلاً منصرف می‌شم ازش یعنی برخورد نسبی رو از دست دادم، نسبت به همه چیز حتی ظاهر خودم، مثلاً می‌گم پوستم کلاً خرابه وقتی یکی دوتا جوش می‌زنه حتی یا مثلاً چشمام زشته، در صورتی که خب شبیه مال اونا نیست چشماشون کشیده هست آخه اونا.

- می‌تونن یه مثال درباره زودجوش آوردنت بزنی؟

مثلاً با مامانم حال بحث زیاد ندارم دیگه مثل قبل و سریع عصبانی می‌شم و حتی بعضاً دلم می‌خواد چیز میزی بشکونم از شدت عصبانیت. یعنی شدتش این قدر زیاده؟

آره، بعد از دنبال کردن بی‌تی‌اس خیلی زیاد شده، انگار آدم انرژی مضاعف پیدا می‌کنه و منفی می‌شه این انرژی، واسه خودم هم عجیبه.

- تأثیر این گروه روی دوستانت چی بوده؟

اونا هم مشابه همین قضیه و اصن یه جورایی هویت شده براشون که فن بی‌تی‌اس هستم یا پیج توی مجازی دارم، فن پیج بی‌تی‌اس ام و کسب درآمد می‌کنم، بعد این رو دیگه برا خودشون هویت و شغل محسوب می‌کنن.

- یعنی چی کسب درآمد می‌کنن؟

فن پیج دارن از اون طریق تبلیغات می‌ذارن و پول درمیارن.

- چی تبلیغ می‌کنن؟

گردن بند و دست بندای بی‌تی‌اس یا تبلیغات پیج‌های روسری و لباس و ماگ (لیوان‌های قهوه‌خوری با طرح‌های مختلف که روش می‌اندازن).

- در زمینه گرایش‌شون اطلاعی داری؟

خودشون که چیزی نمی‌گن هیچ وقت و معلوم نیست، کدوم وری هستن، اما هر دو ور رو دارن، یعنی بعضاً رفتارهای هم‌جنس‌گرایی هستن، مثلاً هم دیگه رو بوس می‌کنن مثل دوتا رل هم‌جنس‌گرا یا مثلاً روی پای هم می‌خوابن یا تو بغل هم و همه می‌گن لابد ال‌جی‌بی‌تی هستن، ولی بعدش یهو خبرش میاد با فالانی لاس می‌زدن که خانوم بوده.



- واقعاً خبرش اومده بود؟

آره، هی از این جور چیزا می‌گن و بعضاً هم درسته یعنی فیلمش میاد، بعضاً هم نه شایعه هست که جذب مخاطب کنن و حاشیه درست کنن و همه توجه‌ها بره سمت‌شون، یعنی کلاً کمپانی خودش شایعه‌سازی هم زیاد می‌کنه که مثلاً فالانی با فالانی رل زدن دوتا از اعضای گروه، بعد یه کم داستان درست می‌کنه تو مجازی حاشیه می‌شه بعد تکذیب می‌کنن، بارها پیش اومده، حالا دقیقش رو یادم نیست الان.

- یعنی هر طور دوست داشتن ازشون استفاده می‌کنن؟

آره دیگه یه جورایی تحت اختیار کمپانی هستن چه از لحاظ جنسی چه از لحاظ عقاید چه پوشش.

- یعنی چی، می‌تونن بیش‌تر بگی؟

یعنی مثلاً پوشش دست خودشون نیست، چه لباسی دوست دارن، پس همون رو بپوشن، نه این جور نیست دست کمپانی و مثلاً ممکنه عقایدی داشته باشن، کمپانی نذاره بگن یا حتی برعکسش رو بخوان بگن، مثلاً شاید خودشون دوست نداشته باشن هم‌جنس‌گرایی رو، ولی مجبورن اجراش کنن یا شاید خودشون طرف کشورهای مظلوم باشن، ولی نمی‌ذارن بگن. اولش تعهد می‌دن دیگه که هر چی کمپانی بگه همون هس و همون رو باید انجام بدن.

- کمپانی دیگه چه چیزهایی‌شون رو چک می‌کنه؟

یه کلام بخوام بگم، کل زندگی‌شون رو، یعنی از گرایش جنسی و پوشش گرفته تا عقاید و سلیق و اندام و قیافه و گوشه‌شون و خانواده‌شون، حتی اطلاعات گوشه‌شون رو هم چک می‌کنه یه بار چندتا از فنانش می‌گفتن که داخل گوشه‌شون شنود هم کار گذاشته می‌شه که صدای حرفاشون باهم دیگه رو بشنون یه وقت حرفای خارج قوانین نزنن.



- از لحاظ احترام به عقاید دیگران چه طور ان؟

یعنی به کارباشون؟

- آره.

تاحالا من ندیدم بی‌احترامی به طرفداراشون یا مذاهب مختلف بکنن، اصن فناشون می‌پرن بهم، یعنی به ضررشون هست، چیزی نمی‌گن در اون مورد و حتی ممکنه مثلاً خوششون هم بیاد، یعنی یه بار یکی از فناشون درباره نماز می‌گفت بهشون و اونا هم می‌گفتن چه قدر باحال و تاحالا نشنیدیم و اینا.

- خودشون تفاوت عقیدتی باهم دارن؟

والا نمی‌دونم این رو، اطلاعی ندارم، چون زیاد حرفی در این باره نمی‌زنن.

- پس احترام رو به همه می‌گذارن؟

آره، اون هست.

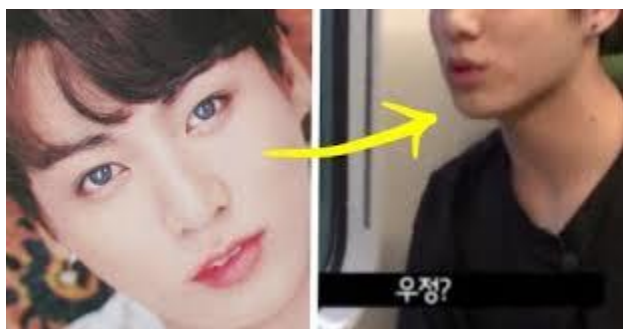
- جنسیت زدایی هم از پوشش می‌کنن؟

یعنی مثل دخترا لباس بپوشن؟

- آره.

آره خب، خیلی زیاد مثل دخترا لباس پوشیدن و حتی شاید بشه گفت، اکثراً لباساشون دخترونه هست (باخنده) تا پسرונה و رفتاراشون، حتی اکسسوری که می‌اندازن و رنگ مو و میکاپ هم همین طور.





- دلیلش چیه؟

مدل شونه دیگه، تیپ شون اون جوریه، به نظرم دنبال جذب مخاطب ان.

- یعنی برای جذب مخاطب خودشون رو شبیه دخترا می کنن؟

آره دیگه، برای سود و جذب مخاطبه به نظرم.

- از کجا می دونی؟

فناشون هم می گن، خب فنای نزدیک دارن که بهشون و به کمپانی نزدیک ان و خیراشون موثقه همیشه، اونا هم می گن.

- آهنگ هاشون چه طوره؟

خیلی قشنگه و رقصم دارن که جذاب ترش می کنه و نور صحنه خیلی زیاده تو آهنگا و هی عوض می شه رنگ ترکیبی دارن، چندتا رنگ مثلاً

باهم، بعد رقص شون سخت هم هست خیلی حرکتیه و نفس می خواد.

- رقص شون رو بلدی گفتی؟

آره کامل.

- چه جوری یاد گرفتی؟

از کلیپاشون یاد گرفتم. اونا رو زیاد می بینم.



- در طی چه مدت یاد گرفتی؟
- تقریباً یکی، دو ماه، ولی زیاد می‌دیدم.
- مثلاً چه قدر؟
- روزی ۵ ساعت مثلاً.
- زبون شون رو چی؟
- تاحدودی آره، ولی خیلی سخته (باخنده) شبیه چینی، ولی عین اون نیست، چینی سخت‌تره.
- نوشتن هم بلدی؟
- نه فقط شنیداری، حرف زدن رو بلدم.
- زندگی شخصی شون رو هم با مخاطبان به اشتراک می‌گذارند؟
- آره، حالت بلاگر لایف استایل هم دارن و از زندگی شون هم فیلم می‌گیرن، می‌ذارن. مثلاً غذا درست کردن شون یا کارای روزمره شون یا خرید، ولی خب یه مقدار فیکه چیزایی که نشون می‌دن.
- یعنی چی؟
- یعنی مثلاً خب کسی اول صبح ساعت ۶ که نمی‌ره خرید، بعدش بیاد با اونا صبحونه درست کنه، یعنی یه کم ایده‌آله چیزی که نشون می‌دن یا مثلاً بعدش تازه بره حمام و بیاد صبحونه بخوره، تو زندگی واقعی، ما اول صبح فقط داریم می‌دویمیم که به کارمون برسیم (باخنده) یا مثلاً هر جا می‌رن صف نیست، مگه می‌شه؟ همه جا خلوته، خب اون جا هم جمعیتش خیلی کم نیست، این جور یه ایده‌آله در واقع.
- یعنی تبلیغ کشورشون رو می‌کنن؟
- آره فکر می‌کنم یه کم این جوریه که مثلاً همه جا خلوته و صف نیست و کارها زود راه می‌افته و همه جا شیک و خوشگله و نو و زندگی شون لاکچریه، شاید کمپانی می‌خواد این جور یه ایده‌آل نشون شون بده، چون اینا هر کاری که کمپانی بگه رو می‌کنن دیگه.



- این گروه به سازمان ملل هم دعوت شدن، درسته؟
آره ظاهراً، ولی من درباره اون زیاد نمی‌دونم، یعنی در حد کلی فقط می‌دونم که دعوت شده بودن و حرف زدن و کلی وایرال شد و پخش شد. سازمان ملل هم هر کسی رو دعوت نمی‌کنن، ولی خب اینا خیلی معروف ان و دعوت شده بودن درباره فمینیسم هم حرف زدن و گفتن ما هم به نمایندگی ازش پوشش رو جنسیت‌زدایی کردیم و دیگه جنسیتی نباید براش قایل بود، همون طور که چیزای دیگه این طور هستن، مثل حقوق برابر و آزادی و حق انتخاب در دنیا.

- گفتی که بعضی از دوستان خودت به واسطه این که فن شون هستن، شغل دارن؟
آره فالور جمع می‌کنن، بعد تبلیغات می‌کنن، کسب درآمد می‌کنن تو اینستا.





- خودت فن بیج داری؟

نه.

- فن بودن تأثیری روی درست گذاشته؟

اممم... خب تو درس کم کم آوردی، یعنی نمی‌رسم به همه‌شون و وقت درس خوندن ندارم زیاد دیگه، چون بیش‌تر وقتم سر مجازی می‌ره.

- چه قدر از وقتت رو صرف دیدن شون می‌کنی؟

حدوداً در روز ۵، ۶ ساعت.

- خانواده‌ات مشکلی باهاشون ندارن؟

خب خانواده من خیلی تعصبی نیستن خدا رو شکر، ولی پدرم بعضاً می‌گه که این قدر بهشون نگاه نکن و درست رو بخون، امتحان داری و حتی بحث‌مون شده خیلی وقتاً خانواده‌ها آخه خیلی هم شناخت ندارن از بی‌تی‌اس در نتیجه خیلی درگیر هم نمی‌شن، ولی بابام چرا درگیریم یه کم باهم.

- گفتی که بین دوستان خودت سرشون دعوا هم می‌شه؟

اووو آره خیلی، یکی شون می‌گه فلانی واسه منه و کراشمه و بعد باهم دعوا می‌کنن سر یکی و حتی یه سری خیال‌پردازی‌های ازدواج و اینا هم می‌کنن راجع بهشون و بچه داشتن ازشون و از این جور چیزا.

- جدی می‌گن اینا رو یا صرفاً شوخیه؟

بعضاً شوخیه، ولی اکثر اوقات جدی انگار یه شوخیه که پشتش جدی هم هست، اون طوریه. یعنی واقعاً اعتقاد دارن به این، ولی خب شوخی شوخی اون رو می‌گن زیاد دعوا نشه، ولی جدی هستن.



- فن‌هاشون تعصب هم دارن؟

آره، خیلی زیاد تعصبی هستن.

یعنی خب منم یه کم تعصب دارم روشن، ولی نه اون قدر که به خاطرشون داد و بیداد و جر و بحث با همسن خودم کنم. حتی نمی‌شه جلوشون بگی فلانی مثلاً قیافه‌اش خوب نیست یا خوشم نمیاد یا مثلاً اون یکی فلان رفتارش خوب نبود فرضاً.

- مثلاً اگر یکی شون بگه فلانی قیافه‌اش خوب نیست، چی می‌شه؟

دعوا می‌شه و فحش کاری و قهر از کجا تا کجا می‌گم که خیلی زیادی تعصبی هستن.

- فن‌ها توی زندگی شخصی آیدول‌ها هم دخالت می‌کنن؟

کلاً آیدول‌ها زیر ذره بین هستن دیگه، همه چی شون، رفتارشون، ظاهرشون، اخلاقشون، نوع برخوردشون، همه‌ههه چیزشون که فکرش رو کنی، توجه می‌شه بهش و دقت می‌شه، حتی اکسسوری که انداختن یا مدل لباس‌هایی که می‌پوشن، هر کدوم که خب متفاوت، هر کدوم استایل خاص خودش رو داره و ترندینگ هم هست، دیگه بعضیا از یه استایل خوششون میاد، بعضیا از یه استایل دیگه.

- شادی شما خودت هم الگوبرداری از پوشش اون‌ها کردی؟

من آره تا حدودی، مثلاً رفتم موهام رو رنگ کردم و لباس‌های لش طور می‌پوشم، علاقه‌مند شدم رنگ‌های روشن بیش‌تر می‌پوشم.

- کمپانی از لحاظ روحی به آیدول‌ها توجه می‌کنه؟

نه، بیش‌تر توجهش ظاهری هست که قشنگ و شیک باشه و جذاب، یه سری شون افسردگی دارن، فنای نزدیک بهشون هم می‌گن افسردگی شدید دارن بعضیاشون و خب به خاطر شرایط محیطی هست به نظرم، یعنی فشارهای زیاد کمپانی روشن از لحاظ پوشش و رفتار و حرکت و گرایش جنسی.

- طرفداران وابستگی زیادی به آیدول‌ها دارن؟

آره خب، وقتی تخیلات ازدواج و شوهر دارن ازشون، طبعاً وابستگی زیادی هم دارن دیگه بهشون و بعد این که بعضی از طرفدارها شنیده بودن یه سری از آیدول‌ها افسردگی دارن، کلی ناراحت شدن و یه سریا گریه کردن سرش.



- و طرفدار هم‌جنس‌گرایی هم هستن؟

آره خب، همون جور که غرب هست، اینا هم هستن و احترامم می‌ذارن و حتی می‌گم رفتارهاش رو هم دارن و حتی یادمه یه بار یکی از اعضا شون لباسش رنگ پرچم ال‌جی‌بی‌تی‌ها بود و خودشم گفت به خاطر علاقه‌ام بهشون و حمایت ازشون پوشیدم.



یه جورایی برده‌داری هستش دیگه، ولی برده‌های شیک و پیکن (باخنده)، و گرنه فرقی نداره هر چی کمپانی بگه، می‌کنن و می‌گن و می‌پوشن.



- سبک زندگی شون بیشتر بر پایه چی هست؟

یعنی چی رو نمایش می‌دن؟

- یعنی مثلاً مادیات رو بیش‌تر نمایش می‌دن یا چیز دیگه‌ای؟

آره، کلاً مادیات رو نشون می‌دن اصن. دیگه هر دقیقه لباس عوض کردن شون و اکسسوری عوض کردن یعنی همین دیگه.



- این آیدول‌ها تبلیغات هم می‌کنن؟

آره کسب درآمد دارن از طریق تبلیغات برندهای لباس و کفش و اکسسوری.

- چه جور، پیج دارن؟

نه، خودشون از برندهای مختلف براشون می‌فرستن معمولاً، بعد اینا لباس اگر باشه می‌پوشن، اکسسوری باشه می‌اندازن، عکس می‌گیرن، بعد

از طرف کمپانی به اشتراک گذاشته می‌شه. بعضاً برای خودشون می‌مونه، بعضاً پس می‌فرستن، ولی پول می‌دن بهشون، پول تبلیغات.

- آهنگ‌هاشون سبکش چه جوریه؟

همه جوره هست، شاد و دپ. یه سبک خاصی ندارن برای همه سبکا می‌خونن.

- تأثیری که حرفاشون یا عقایدشون روی خودت گذاشته، چی بوده؟

خب درباره ال‌جی‌بی‌تی‌ها نظرم مثبت‌تر شده، کلاً قبلاً این جور نبود، البته شناخت زیادی هم نداشتم قبلاً از طریق اینا آشنا شدم بیش‌تر از

لحاظ ظاهری که می‌بینی (اشاره به بینی و لب) و موهام (اشاره به موها) (خنده) و بحث این که لباس جنسیت نداره رو الان واقعاً باور دارم.

- این مقدار وقتی که می‌گذاری براشون و گوشه دستت، به چشمت یا جای دیگه‌ای از بدنت آسیبی نرسونده؟

چرا چشمم فقط بهشون فشار اومد و سر درد می‌گرفتم، رفتم دکتر عینک داد بهم و از اون موقع عینکی شدم متأسفانه. از عینک هم اصلاً خوشم نمیداد ولی مجبورم.
- مرسی که وقتت رو برامون گذاشتی عزیزم.
خواهش می‌کنم، ممنون از شما همچنین.

تأملی دوباره

شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، به مباحثی حول محورهای کمپانی هایب (مؤسس گروه بی‌تی‌اس)، گروه پسران بی‌تی‌اس و هواداران گروه بی‌تی‌اس اشاره داشته است.

شادی در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد کمپانی هایب، به مواردی مانند: تبلیغ برای مهاجرت به کره جنوبی، استانداردهای سخت‌گیرانه زیبایی در کی‌پاپ، احترام به برخی از عقاید طرفداران، برخورد با ستاره‌ها به عنوان یک ابزار، دسترسی کمپانی به تماس‌ها و اطلاعات خصوصی ستاره‌ها و سایه افکندن سیستم برده داری نوین برصنعت موسیقی دنیا، اشاره داشته است.

شادی در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد هواداران گروه بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: الگوبرداری از رفتارها و حرف‌های ستاره‌ها، الگوبرداری از سبک پوشش و ابعاد ظاهری ستاره‌ها، زیربنای هیجانی هواداری، ترغیب شدن به حل هیجان‌مدار مسایل، خیال‌پردازی‌های عاشقانه میان طرفداران، افسردگی در اثر مشکل ستاره‌ها، پناه جستن افراد بی‌هویت به گروه‌های مطرح برای کسب نوعی از هویت (هویت گروهی) و خود زشت انگاری، اشاره داشته است.

شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از گروه کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در مورد گروه پسران بی‌تی‌اس، به مواردی مانند: احترام به برخی از عقاید طرفداران، تبلیغ استانداردهای زیبایی کی‌پاپ برای طرفداران، توجه زیاد به جلوه‌های بصری، تبلیغ سبک زندگی لذت‌گرا توسط ستاره‌ها، جنسیت‌زدایی ستاره‌ها از پوشش و آرایش، نشان دادن رابطه‌های غیرواقعی ستاره‌ها برای جذب مخاطب بیش‌تر، بسترسازی ستاره‌ها برای عادی نشان دادن روابط هم‌جنس‌گرایانه و تقلید هواداران از ستاره‌ها، اشاره داشته است.

از بیانات اخیر شادی ۱۵ ساله، در جمع‌بندی کلی کتاب، در موارد مورد اشاره، بهره جسته خواهد شد.

جمع بندی

در بررسی اثرگذاری‌های مختلف اعضای گروه پسران بی‌تی‌اس بر روی هوادارانشان، عناوین اثرگذاری‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی- عقیدتی، اقتصادی- سیاسی، زیباشناختی، هنری و خانوادگی می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. از این رو در ادامه، با استناد به مصاحبه‌های انجام شده، بیانات مصاحبه شونده‌گان، ذیل عناوین کلی پیش گفته، مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.

اثرگذاری‌های روانی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران

در بررسی اثرهای روانی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، موارد زیر از سوی مصاحبه شونده‌گان مطرح شده است:

ظاهر شدن در نقش یک راهنما برای جوانان، امیدبخشی، انگیزه دادن، مواجهه کردن جوان با لایه‌های زیرین شخصیتی خودش، ارتقای اعتماد به نفس هواداران، ارضای هیجانی مخاطبان، دامن زدن به عشق تخیلی هواداران و توهم زده کردن طرفداران. شرح اجمالی موارد درج شده ذیل عنوان کلی اثرهای روانی کاربری از گروه بی‌تی‌اس در هواداران، در ادامه آمده است.

- ظاهر شدن در نقش یک راهنما برای جوان

بروز تحول‌های مغزی در نوجوانان از سویی و تحقق تحول‌های فیزیکی، زیباشناختی، عاطفی- روانی، اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی که نوجوان در دوران بلوغ زیستی خود به تجربه آن‌ها می‌پردازد، از سوی دیگر، در مجموع شرایط بفرنجی را برای غالب نوجوانان پدید می‌آورند. گذشته از تحول‌های مغزی پیش گفته، تحول‌های عاطفی و روانی نوجوان، ممکن است به درستی از سوی اولیاء فهم نشده، موجبات نقد و یا در سطحی فراتر درگیری اولیاء و نوجوان‌شان را فراهم آورد. به عنوان مثال، بسیاری از روان‌شناسان سن نوجوانی را سن نفی و انکار قلمداد می‌کنند، مثلاً هانری والن با یاد کردن از سن نفی و انکار در دوره نوجوانی، بیان می‌دارد، نوجوان برای اثبات وجود خویش در برابر اولیاء، به نه گفتن می‌پردازد تا به این ترتیب در عمل به اولیای خویش نشان بدهد که اگر اولیاء تا اوان بلوغ، دست به امر و نهی به فرزندشان می‌زدند و وی از آنان تبعیت می‌کرد، اکنون فرزند دیگر از مرحله تبعیت و دیگرپیروی خود گذشته و به مرحله استقلال‌طلبی و خودپیروی خویش رسیده است و ضرورت دارد که برای تجربه ایستادن روی پای خودش، با نفی سیطره اولیاء بر خودش، به نوعی هویت مستقل خویش را تجربه کرده و رقم بزند.

استقلال‌طلبی نوجوان در عین هیجان‌جویی‌های وی، علاقه نوجوان و جوان به مرآده با جنس مخالف، اهمیت یافتن گروه همسالان برای نوجوان و تحقق از شیر گرفتگی روانی (به معنای گسستن نسبی از خانواده و ارزش‌های آن و ورود به جمع همسالان)، هر یک به سهم خود ممکن است قضاوت بدبینانه اولیاء نسبت به نوجوان‌شان را دامن بزنند و مجموعه این عدم فهم‌ها و قضاوت‌های زود هنگام روابط اولیاء با فرزندشان را مخدوش و دچار بحران سازد.

مضاف بر موارد یاد شده، مواجهه نوجوان با فضای مجازی و برخورد وی با ویتترین زندگی بسیاری از افراد در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، نوجوان را با واقعیات اغراق شده‌ای مواجه می‌سازد که نوجوان به دلیل کم تجربگی خود، ممکن است آن‌ها را منطبق با واقع تصور کند و از سوی دیگر، چون نوجوان مشابه آن موارد را در زندگی خویش نمی‌یابد (نظیر صبحانه خوردن در یک رستوران لاکچری، صرف ناهار در یک رستوران لاکچری دیگری، شرکت در یک میهمانی پرشکوه در شب همان روز، رفتن به سفرهای خارجی، تهیه البسه و پوشاک برند و نظایر آن‌ها)، تکدر خاطری را در خویش احساس می‌کند که قسمت‌هایی از این تکدر خاطر ممکن است در خانواده نیز مطرح شده و اسباب سردی و یا در سطحی بالاتر، محکوم کردن اولیاء را به دلیل عدم تهیه امکانات پیش گفته برای نوجوان فراهم آورد.

مضاف بر آن چه از آن یاد شد، نوجوان در بدو ورود به جامعه به سبب آن که از منظر نظریه پیازده در سن آرمان‌گرایی خویش است و به تعبیری مسیحایی شدن را تجربه می‌کند، با ملاحظه شکاف طبقاتی، رانت‌خواری بسیاری از مسوولان و اقربای آنان، فساد اقتصادی و نظایر آن، ممکن است سرخورده شده و به خشم درآید.

علاوه بر این، نوجوان در بدو ورود به جامعه، با ارزش‌های اجتماعی (نظیر ضرورت جذابیت بدنی افراد، خاصه زنان) مواجه می‌شود و به سبب آن که همه دختران جذابیت و زیبایی مورد نظر جامعه را در دوران بلوغ خویش به دست نمی‌آورند، این مسأله اسباب نگرانی و کاهش اعتماد به نفس قشر جوان، به ویژه دختران را فراهم می‌آورد.

مجموعه آنچه که به اجمال از آن یاد شد، نوجوان را بدانجا سوق می‌دهد که به سبب اختلاف‌هایی که بین خود و اولیاء، اولیای آموزشی و اولیای اجتماعی خودش (و حتی دیگر کشورهای جهان) می‌بیند، احساس سردرگمی و حتی یأس کند.

برخی از افراد مصاحبه شده، با تأکید بر احساس سردرگمی که گریبان بسیاری از نوجوانان و جوانان را فراگرفته است، خاطرنشان ساخته‌اند، برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، با در نظر گرفتن سردرگمی‌های مخاطبان جوان خویش، در صدد ارایه رهنمود برای خروج جوانان از سردرگمی‌هایی هستند که آنان را فراگرفته است. زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌اش به صراحت از این مسأله یاد کرده است که آهنگ‌های گروه پسران، در اکثر اوقات به طرح دغدغه‌های جوانان می‌پردازند.

مهندسید ۲۱ ساله و سونیی ۱۷ ساله نیز در مصاحبه‌های خود در همین ارتباط بیان داشته‌اند:

«- یعنی حس می‌کنی محتوای موسیقی‌شون در رابطه با مسایلی هست که برای تو مهمه و دغدغه زندگی تو هست؟»

آره، آره، همین طوره، یعنی تو احساس می‌کنی که خیلی از آدم‌هایی که حالا فن این گروه هستن، این رو می‌گن مثلاً به چیزی که حتی توی تلویزیون هم مطرح شد... گفتش با همین کمپین لاو یورسلف گروه بی‌تی‌اس، بعضیا هستن که می‌گن، ما از خودکشی فاصله گرفتیم. چرا؟ چون تو وقتی موسیقی را می‌شنوی، مفهومش به تو این رو می‌گه، همه چیز عالی نیست، همه چیز پرفکت نیست. سختی هست... اوکی، ولی درکنار این سختی‌ها یک سری چیزهایی هستش که اهمیت دارن که اگه تو به اونا توجه کنی یا برای اونا تلاش کنی، بهتر از اینه که بگی وای من چه قدر بدبختم، چه قدر بیچاره‌ام، حالا خودم را بکشم و تمام!»

«- موضوع آهنگ‌های بی‌تی‌اس معمولاً چیه؟»

چون این هفت نفر سن‌شون زیاد نیست، انگار می‌دونن که جوونا و نوجوونایی که دارن در حال حاضر زندگی می‌کنن، چه مسایلی براشون پیش میاد. مثلاً یکی افسرده شده، یکی از ظاهر خودش راضی نیست و می‌خواد خودش رو تغییر بده، یکی اعتماد به نفس نداره، یکی دوست داره کارایی رو انجام بده که بهشون علاقه داره، ولی خب تو فضایی قرار گرفته که کنترل می‌شه، یعنی اختیار نداره که بره سمت چیزایی که دوست‌شون داره و من بین دوستانم می‌بینم که این طور چیزا وجود داره.

وقتی آهنگایی گوش می‌دی که مشکلات خودت توشون وجود داره، اون حس خوب رو می‌گیری ازش.»

- امیدبخشی

گروه بی‌تی‌اس در برخی از آهنگ‌های خود با مخاطب قراردادن جوانان، می‌کوشد تا بدان‌ها امید داده، آنان را نسبت به آینده پرچالش فراروی جوانان، دلگرم سازد. محمدرضای ۲۱ ساله، در قسمتی از مصاحبه خود در این ارتباط بیان می‌دارد:

«دیگه خیلی از آدمای افسرده که الان آرمی هستن، می‌گن ما اگه با این گروه آشنا نمی‌شدیم، قطعاً خودکشی می‌کردیم یا خیلیا بودن خودکشی کردن، ولی مثلاً ناموفق بوده، بعدش که با این گروه آشنا شدن، بعد بیش‌تر هم دختر بودن وقتی با این هفت نفر یا اصلاً بقیه آیدولا ولی من بیش‌تر اطلاعاتی که دارم در مورد بی‌تی‌اسه، وقتی با اینا آشنا شدن، خب به روال زندگی عادی‌شون برگشتن. دینامیت، آیدول، باتر اینا خب

بهترین موزیکاشون هست، اگه کسی گوش بده واقعاً به زندگی امیدوار می‌شه، لیریکاشم خب شما می‌فهمید دیگه چون انگلیسیه، خلاصه آره بیش‌تر دوست دارم متن تو هر حوزه‌ای باشه، فقط مهم اینه که موزیکش به دلم بشینه».

باران ۲۰ ساله نیز با استناد به فرازهایی از مباحث مطرح شده توسط جیمین، جین و نامجون در مجمع عمومی سازمان ملل، از امیدبخشی اعضای گروه بی‌تی‌اس به هوادارانشان، به قرار زیر یاد کرده است:

«ترجمه‌ی صحبت‌های بی‌تی‌اس در مجمع عمومی سازمان ملل، به قرار زیر بود:

جیمین: الآن، اگه ما به این عکس‌ها نگاه کنیم، به طور واضح می‌بینیم اینجا افرادی هستن که به سختی تلاش می‌کنن که به صورت آنلاین و شیوه‌های جدیدی دوستی‌هاشون رو ادامه بدن و به سختی تلاش می‌کنن زندگی سالمی داشته باشن، ما باید افراد جوان رو درک کنیم، کسانی که شجاعت پیدا کرده و چالش‌های جدیدی رو انجام می‌دن.

جین: ما این جسارت رو انجام می‌دیم و به جای استفاده از عبارت نسل گمشده از عبارت «نسل خوش‌آمد گویی‌ها» برای این نسل استفاده می‌کنیم، به طور ویژه، این عبارت به این خاطر برای نسل جوان استفاده شده که به جای ترسیدن، با یک خوش‌آمد گویی گرم از تغییرات استقبال و به سمت آینده پیش‌روی می‌کنن.

نامجون: کاملاً صحیحه. ما بدون هیچ قیدی به این باور داریم که با اعتقاد به امید و ممکن بودن در مواقع غیر منتظره، مردمی که بهشون گفته شده راهشون رو گم کردن این توانایی رو دارن که راه جدید و مختص خودشون رو بسازن و هموار کنن».

باران و بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خویش، با استناد به برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، القای امید به هواداران در آهنگ‌های این گروه را نتیجه گرفته اند:

«آهنگ لایف گووز آن رو که تو دوران کرونا منتشر کردن برای این بود که حال همه بهتر بشه».

«یه قسمتی از آهنگ جوان برای همیشه اینه:

می‌خوام برای همیشه جوان بمونم،

برای همیشه ما جوونیم،

زیر بارون گلبرگ گلا سرگردان تو ماریپیچ زندگی می‌دوم،

برای همیشه ما جوونیم،

حتی وقتی می‌افتم و آسیب می‌بینم،

به سمت رؤیاهام به دویدن ادامه می‌دم».

– انگیزه دادن

گروه پسران بی‌تی‌اس، هم‌زمان با قراردادن خویش در مسند هدایت و راهنمایی مخاطبان، از سویی با امیدوار کردن جوانان نسبت به آینده و از سوی دیگر با اعطای انگیزه به آنان برای کنار نهادن موانع، هواداران را نسبت به آینده خودشان مطمئن و خوش‌بین می‌سازند.

گلنوش ۱۴ ساله، ترنم ۱۸ ساله و مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته اند، با اشاره به انگیزه دادن پسران بی‌تی‌اس به خودشان، به قرار زیر یاد کرده اند:

«– گفتمی که متن آهنگ‌ها رو می‌خونی، می‌شه در مورد محتوای آهنگ‌ها توضیح بدی و بگی که چه چیزی رو بیش‌تر توی محتوایشون دوست

داری؟

معنی آهنگ‌ها بیش‌تر چیزای مثبت‌ه و امیدوارکننده هست. بعضی وقت‌ها خیلی چیزا رو یاد می‌ده، راهنمایی می‌کنه، نشاط بخشه و ساده و قابل فهم و دلنشین. همیشه توصیه می‌کنه شاد باشی و برقصی و نگران هیچی نباشی. یه جا می‌گه که ما برای رقصیدن نیازی به اجازه نداریم، نیازی به نگرانی نیست یا مثلاً می‌گه که نباید بترسی و دلیل واسه ترسیدن از چیزی نیست، اگه شکست خوردی باید قوی‌تر ادامه بدی و توی همین مایه‌ها».

«- می‌تونم درباره این گروه، چندتا سوال از شما داشته باشم؟

بله. بفرمایید.

- چند وقت هست که با بی‌تی‌اس آشنا شدی و طرفدارشون هستی؟

خوب برای جواب دادن به این سوال باید یه کم بیش‌تر خودم رو معرفی کنم و یه کم از زندگی شخصیم بگم. من به خاطر مشکلات خانوادگی نتونستم درس بخونم و ترک تحصیل کردم، ولی خیلی دوست دارم در آینده درسم رو ادامه بدم. تقریباً هم ۵ سال هست که طرفدار بی‌تی‌اس هستم، اما این که چی شد که طرفدارشون شدم، راستش رو بخوای خیلی یهویی شد و اصلاً نمی‌دونم چه طوری تا اینجا اومدم. یادم میاد اون موقع‌ها که ۱۳ سالم بود، مامان و بابام از هم طلاق گرفتن و مامانم با یک مرد غریبه قرار می‌داشت و بابام هم با یک زنی ازدواج کرد که تقریباً هر روز زندگی من رو آزار می‌داد و کتکم می‌زد، من تنها بچه‌ی خانواده‌ام بودم. خیلی روح و روانم خراب شده بود همه نمره‌هام صفر و یک بود، زندگی خیلی بدی داشتم. به خاطر نمره‌هام بابام همیشه سرزنشم می‌کرد و من رو با بقیه دوست‌هام مقایسه می‌کرد و من خیلی تنها بودم، حتی در طول روز به جز تایم مدرسه رفتنم از اتاقم در نمی‌اومدم تا این که یک روز دختر همسایه‌مون بهم گفت یک آهنگ می‌شناسم، حال و هوای تو رو خیلی عوض می‌کنه و بهت انرژی می‌ده. منم قبول کردم و گفتم باشه برام بفرست ببینم چه طوریه، من وقتی به اون آهنگ گوش می‌دادم، چه با معنی‌ش، چه با ریتم، بهم می‌گفت: کسی نمی‌تونه جلوی دوست داشتن خودت رو بگیره و من بعد اون آهنگ فقط با یک سرچ در گوگل شروع کردم به شناختن تک‌تک اعضای گروه، ام‌وی‌هاشون رو می‌دیدم، ویدیوها، کنسرت‌ها و مصاحبه‌هاشون رو می‌دیدم. بعد یکی دو ماه متوجه شدم که چه قدر بهشون وابسته شدم. چه قدر بهم کمک کردن که از اون حال بد در بیام و من تو همون مدت کوتاه خیلی عوض شده بودم، حتی انگیزه این رو داشتم که وقتی زن بابام من رو می‌زد، جلو روش مثل یک دیوار محکم بایستم، بعد از اون موقع دیگه اون جرأت نکرد من رو بزنه، حتی اون از من می‌ترسید که نکنه یه وقت به بابام بگم اون من رو می‌زنه. وقتی ۱۵ سالم شد، دقیقاً یک روز بعد از تولدم، بابام گفت دیگه مدرسه نرو. خیلی گریه کردم و ناراحت شدم که چرا بابام نمی‌ذاره برم مدرسه؟ بعدها فهمیدم که اون زنه به بابام گفته که من دیدم دخترت با چندتا پسر تو کافه نشسته بود، بعد بابام گفت، ناموس و شرف نداشت تو درست رو ادامه بدی. من اون موقع تصمیم گرفتم از خونه فرار کنم و برم پیش مادر بزرگم. یادم میاد دو روز تو پارک خوابیدم، چون مادر بزرگم خونه نبود، مجبور شدم که این کار رو بکنم. بی‌تی‌اس در طول این مدت همیشه کنارم بود، یعنی چه طوری بگم، اونا می‌گفتن تو اگه بخوای می‌تونم هر کاری رو انجام بدی و من احساس می‌کردم که اونا فرشته‌هایی هستن که من نمی‌تونم ببینمشون، ولی همیشه ازم حفاظت می‌کنن. دوران بلوغ برام خیلی سخت گذشت، ولی اونا با بودنشون و با آهنگ‌هاشون نداشتن از دست برم، حتی شاید اگه بی‌تی‌اس نبود یا من با اون آشنا نمی‌شدم، الان وجود نداشتم، چون من در اون زمان حتی به خودکشی هم فکر می‌کردم، ولی با کمک اونا من فهمیدم که اگه من نباشم، کی من رو بغل بگیره و آرزو هام رو به واقعیت تبدیل کنه؟ کی جوونی کنه، بخونه و برقصه؟ فکر کنم معنی واقعی زندگی کردن رو خیلی زود یاد گرفتم. خلاصه‌تر بخوام بگم، متن اون آهنگ در اصل

حرف‌هایی بود که کسی بهم نروده بود و خودم هم اون اشتیاق و علاقه به زندگی رو هم علاقه به خودم رو فراموش کرده بودم، دقیقاً چیزی که من رو جذب کرد و مثل یه نیروی محرک برای ادامه زندگی بود، حرف‌های اونای برای دوست داشتن خودم بود.

آهنگ و متن و حس خوبی که بی‌تی‌اس به من می‌دادن، فوق‌العاده برام جدید و جذاب بود و حال من رو خوب می‌کرد. انگار در مورد من صحبت می‌کردن و آهنگ‌ها برای من ساخته شده بود و من با هر بار شنیدن آهنگ‌ها انرژی می‌گرفتم... .

- خودت بعد از آشنا شدن با بی‌تی‌اس سعی کردی که به افراد دیگه هم معرفی کنی؟

من بعد ۱۵ سالگی که رفتم خونه مادربزرگم، بهتر درک کردم که چه قدر بهم امید دادن و باعث شدن که از نابود شدن نجات پیدا کنم. من بعد ۱۵ سالگی، تلاش کردم بیش‌تر دخترهایی که مثل گذشته خودم از زندگی ناامید هستن رو با بی‌تی‌اس آشنا کنم و بگم چه قدر بهم انگیزه دادن تا اونای هم انگیزه بگیرن و بتونن به زندگی ادامه بدن و تعداد زیادی رو می‌شناسم که با بی‌تی‌اس و لیریک آهنگاشون و بیش‌تر از همه صحبت‌هاشون، تونستن خودشون رو دوباره از نو بسازن و تبدیل به یک آدم جدید و قوی بشن».

«این سختی رو وقتی که می‌گن، یعنی همه‌چی از همون اول درست نشده این سختی‌ها گذشته تاحالا به شرایط بهتری رسیده و همین باعث جذب طرفدار می‌شه، ولی تو خاطر ما این طوری که آدمی که رسیده به جایگاهی، حتماً از اول پول دار بوده، حتماً موقعیت‌هایی داشته، حتماً یه پارتی داشته که کمکش کرده تا به این‌جا برسه، ولی نه، به تو دلگرمی می‌ده که بدونی یه آدمی، نه پول داشته، نه موقعیت داشته، نه پارتی داشته و فقط با تلاش خودش رسیده به اون جایی که شاید یه سری‌ها حسرتش رو بخورن».

- مواجه شدن با لایه‌های زیرین شخصیتی خویش

برخی از مصاحبه‌شوندگان در گزارش خویش خاطرنشان ساخته اند که آنان پس از انگیزه یافتن و اطمینان یافتن به خودشان، سعی کرده اند، بدون آن که کمک و یاری دیگران را طلب کنند، روی پای خود بایستند و در روند مواجهه با موانع و مشکلات فرارو و تلاش برای کنار زدن آن‌ها، در عمل با انرژی گسترده‌ای در لایه‌های زیرین وجودی خویش مواجه شده اند.

شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه خود گزارش می‌دهد، وی با روزی ۵ ساعت تمرین رقص، رقص‌های بی‌تی‌اس را فراگرفته است:

«- رقص‌شون رو بلدی گفتی؟

آره کامل.

- چه جوری یاد گرفتی؟

از کلیپاشون یاد گرفتم. اونای رو زیاد می‌بینم.

- در طی چه مدت یاد گرفتی؟

تقریباً یکی، دو ماه، ولی زیاد می‌دیدم.

- مثلاً چه قدر؟

روزی ۵ ساعت مثلاً.

- زبون‌شون رو چی؟

تأحدودی آره، ولی خیلی سخته (باخنده) شبیه چینی، ولی عین اون نیست، چینی سخت‌تره».

- افزایش اعتماد به نفس

اگر چه سنین بلوغ و بعد از آن، سنین خودپیروی اخلاقی جوانان است، اما به دلیل فضای نامساعدی که بعضاً در زندگی خانوادگی و آموزشگاهی برخی از جوانان حاکم است و در خانواده یا مدرسه و آموزشگاه، از آنان خواسته می‌شود که با تبعیت تام از اوامر و نواهی اولیاء و اولیای آموزشی،

حالت دیگر پیروی خویش را ادامه دهند، شرایط اخیر اطمینان و اعتماد به نفس نوجوان و جوان را به خودش به میزان زیادی از بین برده و زایل می‌سازد. به همین ترتیب، موارد دیگری همچون ارزیابی‌های غیرواقع‌نگر و استانداردهای بالا و دست نیافتنی اولیاء در تخفیف و تحقیر جوان مؤثر واقع می‌آیند.

بعضی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، با تشویق جوان به ایستادن در برابر عوامل مختلف محیطی و ارزیابی‌های نادرست، در عمل با آگاهی‌بخشی و بصیرت دادن به وی، سبب می‌شوند، اعتماد به نفس از دست رفته او، بازگشته و فرد با اطمینان خاطر به خود و آینده، با اعتماد به نفس بیش‌تری با دیگران و اطرافیان خویش برخورد کند. نیکوی ۱۵ ساله و زهرای ۲۴ ساله، در همین ارتباط در مصاحبه‌های جداگانه‌شان از ارتقای اعتماد به نفس‌شان، پس از آشنایی با گروه بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«گوش دادن به این آهنگ‌ها چه تأثیری روی تو گذاشته و پیام‌هایی که توی آهنگ‌هاشون می‌دن روی زندگیت تأثیر مستقیم گذاشته و باعث شده که چیزی در زندگی تو تغییر بکنه یا نه؟

آره، مثلاً من وقتی هنوز طرفدارشون نبودم، هیچ وقت این پیام خودت را دوست داشته باش گوشم نخورده بود و بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم، تازه با اهمیت این موضوع آشنا شدم و مشکلاتم رو بهتر درک کردم. البته که با وجود عیب‌ها و نقص‌ها هنوزم کامل نتونستم خودم رو دوست داشته باشم، یعنی بهتر از قبل شدم، ولی کامل نشده، مثلاً اعتماد به نفسم چند سال پیش این جور بود که وقتی خودم رو می‌دیدم تو آینه به خودم فحش می‌دادم، ولی بعد از این که این پیام رو شنیدم، خیلی تأثیر گذاشت که مثلاً قیافه‌ام رو دوست داشته باشم، هیکلم رو دوست داشته باشم، شخصیتم رو تا به جایی پذیراش باشم، ولی خوب مثلاً روی دوستانم که طرفدار بی‌تی‌اس هستن، خیلی روی بعضی‌هاشون تأثیر گذاشته و آدم قشنگ متوجه می‌شه که اعتماد به نفس‌شون بیش‌تر شده یا مثلاً تا به مدتی فکر می‌کردم این که به موقع‌هایی بی‌دلیل ناراحت باشم و یا دلیل کوچک و مزخرفی باشه برای ناراحت بودنم و گریه کنم، خیلی به معنای ضعیف بودنمه، در صورتی که اصلاً این طوری نبود و این اشتباه بود و این رو وقتی متوجه شدم که توی یک برنامه‌ای که اسمش رو یادم نیست، شوگای بی‌تی‌اس داشت می‌گفت که کاملاً اوکی و طبیعی هست که به موقع‌هایی حال تون خوب نباشه، حتی بی‌دلیل، این به چیز طبیعی و اصلاً مشکلی نداره و این که باید در برابر مشکلات، در مورد نقص‌هایی که داریم و اتفاقات بدی که می‌افته، باید قوی باشیم. مثلاً به سری اتفاقات وحشتناک برای افراد خوب می‌افته و این بخشی از زندگیه و این طبیعت انسانه که گاهی وقتا ناراحت بشه و گریه کنه و این کاملاً اوکی هست و نشانه ضعف نیست، این پیامش خیلی روی من تأثیر داشت».

«- دغدغه‌هایی که تو شعرهاشون ازش صحبت می‌کنی، بیش‌تر در ارتباط با چه مواردی هستن؟

بخوام خیلی کلی بگم مفهوم شعرهاشون خوبه و خب دغدغه‌هایی که ازش صحبت می‌کنی در مورد زندگی روزمره و واقعیت‌هایی هست که تو خیلی از جوامع وجود دارن.

- امکانش هست، مثالی رو در موردش بیان کنید؟

بله، مثلاً تو چندتا از شعرهاشون درباره‌ی دخالت بزرگ‌ترها تو تصمیمات کوچک‌ترها صحبت می‌کنی، در مورد این که بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها رو تحت فشار می‌گذارن برای این که مسیر آینده‌شون رو طوری انتخاب کنن که خودشون می‌خوان، یعنی مطابق میل خود بچه نباشه و در آخر هم می‌گه باید دنبال علاقه خودتون برید و چیزی که دوست ندارید، نباید به شما تحمیل بشه یا مثلاً اعتماد به نفس داشتن یا مفهوم به لیریک معروفش اینه که فقط هدف رو ببین و از مسیر رسیدن به هدف لذت ببر یا این که زندگی ادامه داره.

- در مورد این سه مورد، منظورم اعتماد به نفس، ادامه داشتن زندگی و لذت بردن از مسیر در جهت رسیدن به هدف هم می‌شه مثل مورد اول توضیح بدید؟

تو آهنگ‌های مختلف در مورد اعتماد به نفس داشتن صحبت کردن که معروف‌ترین شون هم لاو یورسلفه که می‌گن باید خودمون رو دوست داشته باشیم، جدا از همه تفاوت‌هایی که بین آدم‌ها وجود داره، مثلاً یکی چاقه، یکی لاغره، یکی قد بلنده یا یکی کوتاه، خب این ویژگی‌ها خوب یا بد، باید پذیرفته بشن و ما خودمون رو دوست داشته باشیم.

زندگی ادامه داره هم منظورش اینه با تمام سختی‌هایی که هست، باز زندگی قشنگی‌های خودش رو داره و باید تا حد ممکن ازش لذت برد^۱.

- ارضای هیجان‌جویی جوان

هیجان‌خواهی خصوصیتی است که با نیاز فرد به احساس‌های متفاوت، تازه و پیچیده و نیز تجارب متفاوت، تازه و پیچیده و اشتیاق فرد برای پذیرش خطر جسمی و اجتماعی مربوط به این تجارب تعریف می‌گردد.

منطقی (۱۳۹۹)^۱ در همین ارتباط می‌نویسد:

«هیجان‌خواهی با توانایی برانگیختن فرد مرتبط است. فردی که زیاد هیجان‌خواه است، تحریک مغزی مداوم را ترجیح می‌دهد، از کارهای یک‌نواخت خسته می‌شود و همواره به دنبال آن است که از طریق تجربه‌های مهیج، انگیزندگی خود را بیش‌تر کند. فردی که هیجان‌خواه نیست، تحریک مغزی کم‌تری را ترجیح می‌دهد و کارهای یک‌نواخت را نسبتاً خوب تحمل می‌کند.

هیجان و هیجان‌خواهی واقعیتی غیرقابل انکار در وجود هر انسانی محسوب می‌شود و مربوط به دوره خاصی از زندگی نیست، اما در دوره نوجوانی و جوانی شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. استینبرگ و همکاران، خاطرنشان می‌سازند، هیجان‌خواهی بین ۱۵-۱۰ سالگی افراد افزایش می‌یابد و سپس با بالا رفتن سن آنان، بعد از ۲۴ سالگی کاستی می‌یابد.

زاکرمن دریافت، در حالی که برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه از فعالیت‌هایی چون کوهنوردی، پرواز با هواپیمای بی‌موتور، مسابقات اتومبیل‌رانی، اسکی و غواصی لذت می‌برند، افراد کم هیجان‌خواه عموماً از آن لذت نمی‌برند. برخی از افراد زیاد هیجان‌خواه تجربه‌های متنوع را به تجربه‌های خطرناک ترجیح می‌دهند. همچنین معلوم شده است که افراد زیاد هیجان‌خواه بیش‌تر از افراد کم هیجان‌خواه از داروهای غیرمجاز استفاده می‌کنند. افراد هیجان‌خواه از تجارب جدید استقبال می‌کنند و آداب و رسوم مرسوم در جامعه، آنان را چندان محدود نمی‌کند.

زاکرمن اظهار می‌دارد، در گروه دوستان بزه‌کار، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون مصرف موادمخدر و قانون‌شکنی بروز کند، در مقابل در گروه رسمی‌تر، انگیزه هیجان‌خواهی می‌تواند در قالب رفتارهایی چون ورزش‌های خطرناک یا حتی هنر ابراز شود. افراد هیجان‌خواه به دنبال موسیقی می‌گردند که جدید و متفاوت باشد و از شعر و شوخی و لطیفه لذت می‌برند.

هس، بین ویژگی‌های هیجان‌خواهی و رفتارهای خطرآفرین از جمله سوءاستفاده از مواد، الکل و سکس بدون ایمنی، رابطه مثبتی یافت. ویس کریچ و مورفی نیز در پژوهش‌های خویش همبستگی بین هیجان‌خواهی با کاربری بالا از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای و موسیقی پاپ را نتیجه گرفته‌اند.

افراد هیجان‌خواه زیاد تمایل به خطر دارند. شوارز و همکاران، از وجود یک رابطه مثبت قوی بین هیجان‌جویی و استفاده از الکل یاد می‌کنند. همچنین بال و همکاران، خاطرنشان می‌سازند، بین هیجان‌جویی و سوءمصرف مواد و اختلال‌های روان‌پزشکی ارتباط وجود دارد و افراد با هیجان‌جویی بالا، علائم شدید سوءمصرف مواد و اختلال شدید روانی را نشان داده، در سنین زودتری به سمت مصرف مواد کشیده می‌شوند. این افراد همچنین تمایل به استفاده از انواع مواد مخدر و تنوع‌طلبی در مسایل جنسی دارند و به دنبال موقعیت‌هایی می‌گردند که بتوانند در آن بی‌قیدوبند باشند.

^۱ - منطقی، مرتضی (۱۳۹۹). بررسی اثرات روانی کاربری کودکان پیش از دبستان از تلبت، پی‌اس‌فور، تلفن همراه، ماهواره و رایانه، ج ۱. تهران: بعثت.

بروهی و همکاران نیز در پژوهشی همبستگی مثبتی بین هیجان‌خواهی و لذت بردن از رسانه‌های جمعی را نشان داده‌اند». بنابراین از آنجا که هیجان و هیجان‌خواهی به مثابه غذای روح آدمی در نظر گرفته می‌شود، توجه به آن از ضرورت تامی برخوردار است. تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش در توصیف شدت شور و هیجان‌آفرینی برخی از آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، خاطرنشان می‌سازد که وی حتی با تصور اجراهای گروه، موهای تنش راست می‌شوند:

«... من وقتی کنسرتاشون رو می‌بینم، اون حسی که طرف در مقابل مثلاً ده هزار آدم وایساده رو خیلی دوست دارم تجربه کنم، اون لحظه‌ای که یه ارتباط خیلی قشنگی بین طرفدار و خواننده هست و به نظرم اون لحظه روی استیج بودن، خیلی حس قشنگیه داره که تو احساس کنی که من آدم موفق هستم، من این همه آدم رو دارم خوشحال می‌کنم، این همه آدم من رو دوست دارن و این حرفا، ولی صرفاً همون اون تک لحظات کنسرت رو... اون استیجش باعث می‌شه دلم بخواد مثلاً همچین چیزی رو، همون حس رو فقط می‌خوام تجربه کنم تا این که مثلاً خواننده باشم یا چه می‌دونم آیدول باشم.

اصلاً من این حس رو قبل از بی‌تی‌اسم داشتیم. واسه بقیه هم مثلاً همون وان دی به کنسرتی داشتن تو میلان، خیلی سر و صدا کرد، یه جمعیت خیلی زیاد رفته بود و اینا، بعد یه تیکه بود که مردم داشتن می‌خوندن، وان دی داشتن با یه شوق خاصی نگاه می‌کردن و اینا. بعد من این جور بودم ای بابا... بعد من رفتم نگاه کردم، مو به تنم سیخ شد یا تیلور سوئیفت اون تور ۱۹۸۹ اون تیکه‌ای که بعد دیگه حتی مستندشم اومد بیرون، اصلاً این جوری همه داشتن می‌خوندن باهاش، بعد سر یه آهنگی کل جمعیت یه سری هارمونیای آهنگ رو می‌خوندن و اینا، من همین الانش دارم راجع بهش باهات حرف می‌زنم، تصویرش جلوی چشم تداعی می‌شه، همین الانش هم مو به تنم سیخ شد. احساس می‌کنم واقعاً اون لحظه حس خیلی قشنگ عجیب و خوبیه».

– عشق تخیلی

نوجوانان و جوانان در آغاز سنین جوانی خویش با برخی از تحول‌های مغزی (هرس سلولی، میلینی شدن سلول‌های عصبی، رشد هسته آکومینس)، فیزیکی (بلوغ و تلاطم‌های هورمونی)، عاطفی و روانی (مواجهه با مسایل عاطفی نظیر عشق)، اجتماعی (نظیر از شیرگرفتنی روانی و ورود جدی‌تر نوجوان به گروه همسالان، یادگیری‌های اجتماعی -نظیر ملاحظه رانت‌خواری برخی از مسوولان و آفازاده‌هایشان-)، فرهنگی (مانند تجربه سبک زندگی لاکچری در شبکه‌های اجتماعی)، زیباشناختی (نظیر طرح دغدغه‌های زیبایی، خاصه برای دختران جامعه) مواجهند که با ورود جدی‌تر آنان به جامعه، با تحول‌های اقتصادی (مواجهه با واقعیات تلخ اقتصادی در جامعه) و تحول‌های سیاسی و عقیدتی (با مشاهده فروری آرمان‌گرایی‌های وعده داده شده در جامعه) نیز روبرو می‌گردند.

در این میان نوجوانان و جوانان برای گریز از فشارهای مضاعفی که خود را با آن‌ها مواجه می‌بینند، ممکن است به راهکارهای مختلفی برای مهار نسبی فشارهای پیش‌رو متوسل شوند. عصیان و پرخاشگری، انزواگزینی و کنارجویی، انتخاب بی‌قیدی و بی‌مسئولیتی، برخی از راه‌های مواجهه نوجوانان و جوانان با شرایط پرتنش اطرافشان است. اما برخی از نوجوانان و جوانان (به ویژه دختران) که از عواطف توفنده‌تری نسبت به پسران برخوردارند، با انتخاب مسیری عاشقانه، گام به جهانی‌روایی می‌نهند که در آن ضمن ارضای نسبی نیازهای عاطفی آنان، بسیاری از مشکلات پیش‌گفته، حل شده و رنگ باخته‌اند.

فریاد در نظریه‌پردازی خویش خاطرنشان می‌سازد، اگر چه در آغاز هر فرزند به والد جنس مخالف خود علاقه‌مندی می‌یابد، اما در دوران بلوغ، علاقه‌مندی و کشش نوجوان نه به اولیا، بلکه به چهره‌های شاخص جنس مخالف آنان در جامعه (و جامعه جهانی) خواهد بود. به این معنا که دختران به خواننده‌ها، هنرپیشه‌ها و ورزشکاران و دیگر چهره‌های شاخص اجتماعی مرد و پسران به شکل مشابهی به چهره‌های مشهور هنری، ورزشی و اجتماعی زن متوجه شده و علاقه‌مندی و عشق به آن‌ها را در خود به نمایش می‌گذارند.

اگر از عشق اخیر که در دوران نوجوانی و اوان بلوغ در حد گسترده‌ای در جوامع مختلف بشری ملاحظه می‌شود، با عنوان عشق تخیلی یاد شود، می‌توان بیان داشت، در این عشق یک نوجوان و یا جوان، عواطف عاشقانه و پر شوری را در ارتباط با چهره‌های مشهور اجتماعی خویش و یا جامعه جهانی، تجربه خواهد کرد که علایم این عشق بی‌شباهت به عشق‌های پرشور شورانگیز نخواهد بود.

در این عشق نوجوان یا جوان با دلدادگی و دل سپردن به یک چهره هنری، ورزشی و یا اجتماعی، آرزوی دست‌یابی و همدم شدن با وی را دارد و از او به عنوان دوست جنس مخالف و یا اصولاً همسر آینده‌اش یاد می‌کند.

رنگ باختن منطق (نظیر امید بستن به دست‌یابی به فرد مورد نظر که آن سوی جهان زندگی می‌کند)، فرو رفتن در رؤیاهای عمیق، دست زدن به رفتارهای نمادین عاشقانه (مانند تتوی نام محبوب بر روی بدن خویش)، احساس خشم و حسادت در برابر رقبا و سرانجام تلاش برای حفظ و حراست از محبوب در برابر رقیبان، برخی از مهم‌ترین فزازهایی هستند که در عشق تخیلی قابل مشاهده هستند.

اگر در این قسمت، بحث محدود به گروه بی‌تی‌اس شود، بالطبع عشاق سینه‌چاک ستاره‌ها در این میان دختران هوادار خواهند بود و می‌توان انتظار داشت که خیل انبوهی از دختران هوادار، در عین طرفداری از ستاره‌ها، عشق‌ورزی به یکی از آنان را پیشه خویش کرده، در ذهن خودشان به روابط عاشقانه تخیلی خویش سامان می‌دهند.

در پژوهش حاضر، بسیاری از افراد مصاحبه شده، از شکل‌گیری عشق خویش به ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس یاد کرده، در ادامه یادآور شده اند که در رؤیاهای خویش به عشق مورد نظرشان می‌اندیشیده اند و با یاد وی زندگی می‌کرده اند.

بروز عواطف و احساسات افراد عاشق پیشه به صورت داستان‌سرایی‌های معمول در هواداران بی‌تی‌اس (و سلبریتی‌های دیگر)، به نمایش نهادن رفتارهای نمادین در ارتباط با محبوب، تلاش برای محافظت از وی و احساس خسران و شکست و بن‌بست روانی در شرایطی که فرد احساس از دست دادن محبوب (مثلاً با دوست شدن معشوق مورد نظر با یک زن یا ازدواج وی) را بیابد، پیامدهایی مانند به نمایش نهادن آن سوی سکه عشق که نفرت است، اضطراب، افسردگی و سوق یافتن به سمت خودکشی در شکست عاطفی پدید آمده، از مواردی است که در این دسته از هواداران عاشق‌پیشه قابل مشاهده است.

فراز مهمی که در عشق‌های تخیلی مشهود است، مسأله محافظت و مراقبت از عشق فرد به ستاره یا سلبریتی مورد نظر است. زیرا افراد اخیر که در سطح جامعه افراد شناخته شده‌ای به شمار می‌آیند، طبعاً فقط مورد توجه فرد عاشق‌پیشه تنها نبوده، افراد دیگری هم جذب چهره یا حرکات و ساکنات آن ستاره یا سلبریتی قرار گرفته اند. بنابراین هر فرد عاشق‌پیشه‌ای در واقع خود را با رقیب‌های متعددی مواجه می‌بیند که باید به نوعی در اندیشه آنان نیز باشد.

پس از شکل‌گیری عشق تخیلی و شروع رؤیادازی‌های دختران عاشق‌پیشه، مسأله مهمی که ممکن است در این میان رخ دهد، مسأله ازدواج کردن ستاره یا سلبریتی مورد نظر و به همین ترتیب وجود رقیبان بالقوه‌ای است که ممکن است گوی سبقت را از فرد عاشق‌پیشه گرفته، خود را کاندید به سر بردن یا ازدواج با ستاره یا سلبریتی مورد نظر کنند.

بنابراین در درجه نخست، ستاره مورد نظر نباید ازدواج کند، زیرا با ازدواج وی، رؤیای دست‌یابی و نزدیکی دختران هواداری که وی را عاشقانه دوست داشته و امید پذیرفته شدن از سوی وی را داشته اند، بر باد خواهد رفت.

برخی از پاسخ‌دهندگان، خاطرنشان ساخته اند که مجرد ماندن ستاره سبب می‌شود، امیدهای آنان از دست نرود و حداقل اگر آن‌ها به ستاره مورد نظرشان دست نیافتند، با مجرد ماندن وی، فرد دیگری هم به او دست نیابد تا اسباب حسادت بیش از پیش آنان فراهم نشود.

با آنچه در باب عشق تخیلی گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت، علایق عاطفی جوانان (خاصه در جنس مؤنث)، در اوان بلوغ علایقی توفنده است و چهره‌های جذاب هنری، ورزشی و اجتماعی، به سادگی می‌توانند مورد توجه جوانان قرار گرفته، مورد علاقه، محبت و مهرورزی آنان قرار گیرند.

با شکل‌گیری عشق تخیلی، علایمی شبیه علایم موجود در عشق‌های واقعی، در افراد پدید می‌آید و افراد عاشق‌پیشه در رؤیاهای خویش، هم‌زمان با رسیدن به وصل یار، از بر باد رفتن بنیان عشق تخیلی خویش در رنج و عذاب هستند، از این رو این دسته از جوانان، در کنار رفتارهای عاشقانه و نمادینی که با محبوب تخیلی خویش برقرار کرده و در رؤیاهای خویش خوش هستند، دست به اتخاذ مواضعی می‌زنند که تداوم رؤیاهای عاشقانه آنان را تا حد ممکن تضمین کنند، در حالی که رفتارهای حفاظتی و تدافعی این افراد عاشق، زندگی اجتماعی و روابط آنان با اطرافیان‌شان را (که ممکن است شبیه آنان به فرد خاصی عشق بورزند)، مخدوش می‌سازد و البته در صورت انتخاب فردی از جنس مؤنث توسط ستاره مورد نظر، تبعات شکست عاطفی، شبیه شکست‌های عشقی واقعی، گریبان افراد عاشق‌پیشه را می‌گیرد و زندگی را برای آنان برای مدت‌های طولانی، صعب و دشوار می‌سازد.

نیکوی ۱۵ ساله، سونیای ۱۷ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند، با اشاره به تحقق عشق تخیلی که بین هواداران دختر و ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس پدید می‌آید (و البته از سویی کمپانی بیگ‌هیت با ممنوعیت ازدواج و حتی قرار ملاقات نهادن ستاره‌ها، به این وضع دامن زده و از سوی دیگر خود ستاره‌ها هم با پیش گرفتن بیاناتی مانند این که «شما طرفداران، ستاره‌های آسمان من هستید»، به احساسات عاطفی طرفدارانشان دامن می‌زنند)، هر یک به وجهی از وجوه عشق تخیلی هواداران به ستاره‌ها، اشاره دارند:

«- توی دوستان کسی هست که اگر خبر رابطه اعضاء رو بشنوه، خیلی ناراحت بشه و واکنش تندى نشون بده؟»

یکی از دوستانم هست که خیلی احساسیه و رو این چیزها حساسه، مثلاً یه دختره بود که ویدیو گذاشته و گفته بود که من و تهیونگ به زودی ازدواج می‌کنیم و اون ویدیو رو فرستاده بود تو گروه‌مون. بعد همین دوست احساسی من همین طور یک‌ریز داشت حرص می‌خورد و تا یه مدت خیلی اعصابش بهم ریخته بود. خیلی هم تهیونگ رو دوست داره، یعنی با تمام وجودش دوست داره و همیشه هم طرفدارش بوده و به دید عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، یعنی فراتر از بعد آیدول بودنش، ازش خوشش میاد و حس عاشقانه‌ای نسبت به تهیونگ داره، واسه همین خیلی واکنش نشون داد نسبت به این قضیه و هر چه قدر هم که ما باهاش حرف می‌زدیم که این اتفاق قرار نیست بیفته و دختره چرت و پرت گفته، قبول نمی‌کرد و همچنان عصبانی بود، می‌گفت اگه تهیونگ یه روزی بخواد واقعاً با کسی قرار بذاره، من چه کار کنم؟ همیشه توی تصوراتش هست که یه روزی می‌ره کره و با تهیونگ ازدواج می‌کنه، در صورتی که واقعاً معلوم نیست در آخر کی توجه اعضای بی‌تی‌اس رو به عنوان معشوق جلب می‌کنه. توی سال ۲۰۱۳ که تازه دبیر کرده بودند، موزیک ویدیوی پسر عاشق رو دادن بیرون، اون آهنگ در مورد دختر است که دخترا چه موجودات شگفت‌انگیزی هستن و یه دختری توی اون موزیک ویدیو هست که باید انتخاب کنه بین اعضاء و در آخر می‌ره، می‌پره بغل تهیونگ که یعنی اون رو انتخاب کرده و تهیونگ هم متقابلاً بغلش می‌کنه و دوست من سر این قضیه با این که این موزیک ویدیو قدیمی بود و هیچ حس واقعی‌ای در اون وجود نداشت، خیلی عصبانی شده بود و خیلی ناراحت بود و فکر می‌کرد تهیونگ روی این دختره کراش داره و یه ویدیوی دیگه هم بود که وقتی دیدمش با خودم گفتم، اگه یکی دیگه از دوستانم که طرفداره جونگ‌کو که این ویدیو رو ببینه، خیلی ناراحت می‌شه چون در مورد جونگ‌کوک بود و جونگ‌کوک اون اوایل کارش با میکاپرش که هنوزم هست و یه دختره هست، باهم یه مدت رابطه داشتن و دوست دختر جونگ‌کوک بود و خیلی هم واضح بود این قضیه و کمپانی هم هیچ کاری نکرده بود در این مورد، یعنی نه لاپوشونی کرده بود، نه چیزی گفته بود که این درسته یا نه، ولی خوب مشخص بود و همه می‌دونستن حتی خود جونگ‌کوک هم خیلی نشون می‌داد این

قضیه رو و یه سری ویدیو هم ازش اومده بود بیرون که نشون می‌داد این دوتا توی رابطه هستن. من با خودم می‌گفتم اگه این ویدیو رو اون دوستم ببینه، چه قدر بهش برمی‌خوره در صورتی که ویدیو قدیمی بود و مال چند سال پیش بود».

«از بعضی شنیدیم طرفدارهایی هستن که رابطه خیالی با ستاره‌ها دارن، مثلاً فکر می‌کنن که با یک ستاره زندگی می‌کنند. اتفاقاً به این که گفتم خیلی مربوط می‌شه، چون بعضیا این طور رابطه‌های خیالی رو دارن، وقتی ببینن آیدول با کسی وارد رابطه شده، کلاً سرد می‌شن و دیگه دنبالش نمی‌کنن».

«- محمدرضا چه چیزی باعث این تعصب می‌شه؟»

خب بین اعضای کی‌پاپ یعنی همون آیدولا و آیدول هم یعنی همون خواننده‌های کی‌پاپ دیگه، در واقع این آیدولا نمی‌تونن ازدواج کنن تا وقتی تو اون گروه‌ها هستن، نه می‌تونن ازدواج کنن نه می‌تونن دوست دختر داشته باشن یا این جور چیزا دیگه، در کل تو این مسایل خیلی محدودیت دارن.

به خاطر همین بعضی از این فنا، البته بیش‌تر این فن استنا که دیگه خیلی رو اینا تعصب دارن، میان تو خیالاتشون آخه یه کم توهمی ان (باخنده) توهم می‌زنن و فک می‌کنن، اون طرف دوست پسرشونه، مثلاً بعضی‌ها هستن که واقعاً با عکسای اینا زندگی می‌کنن یا مثلاً همه چی شون رو دارن، یعنی همه چی شون بی‌تی‌اسه، مثلاً کیف، لباس، دفتر، پوستر همه چیز دیگه، بیش‌تر همین توهمات باعث این تعصب می‌شه، مثلاً فک می‌کنن طرف دوست پسرشه، برا همین زیاد روش تعصب دارن، بعد اگه کسی به اون چیزی بگه، اینا هم نمی‌تونن تحمل کنن و جوابش رو می‌دن.

- موسیقی که این گروه داره ارایه می‌ده، ویژگی خاصی داره؟

ویژگی خاص که آره، ویژگی خاصی داره، یه جورایی با بقیه موزیکا فرق داره معنی‌هاشون و چیزایی که می‌خواد به ما برسونه، مثلاً موزیکاشون کلاً در مورد اینه که عشق وجود داره، به خودت اهمیت بده یه همچین چیزایی، این چیزا باعث شده که موسیقیشون خاص بشه یا مثلاً ریتم آهنگش، ریتم آهنگش یه جوریه که اگه گوش بدی می‌خوای برقصی اصن (باخنده)».

- توهم‌زده کردن

ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس، در جریان تحقق دستورهای مسوولان کمپانی بیگ‌هیت، برای زیر پوشش بردن افشار مختلف مخاطبان، سعی وافری در تعمیق رابطه بین خود و مخاطبان دارند تا با عمق یافتن روابط عاطفی ستاره‌ها و هواداران، در عمل بر میزان هواداران گروه (که مستقیماً با افزایش سود آنان مرتبط است)، افزوده شود.

یکی از دستورهای کمپانی به ستاره‌ها، پیش گرفتن بیان‌های کاملاً عاطفی و البته غیرواقعی است، اما هواداران هیجان‌زده، در اوج هیجان‌زدگی، متوجه غیرواقعی بودن این دست از بیانات، مانند این که «ما در سؤال به فکر تک‌تک شما هواداران هستیم و اگر هیچ کس شما را درک نکرد، ما شما را درک می‌کنیم»، نشده، با پذیرش آن‌ها، در عمل از نوعی از توهم‌زدگی انتخابی استقبال می‌کنند.

بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه خودش به گزارش نمونه‌ای از همین دست موارد پرداخته است:

«- درباره کمکی که گروه بی‌تی‌اس به بهبود عواطفت کرد، توضیح می‌دی؟»

واقعیتش من سال دهم اصلاً از لحاظ روحی اوکی نبودم، یعنی تو شرایطی قرار داشتیم که نه به خودم اهمیت می‌دادم، نه نظر دیگران برام مهم بود، نه شرایطی که توش بودم رو دوست داشتم و می‌تونستم تحمل کنم و اصلاً برام موضع جالبی نبود، چون چیزی که می‌خواستم نبود، کاری که می‌خواستم بکنم، انجام نمی‌شد و تو همه این مشکلاتی که داشتیم، نیمه دوم سال دهم هم که مثلاً از دیماه به بعد دیگه از ترم دوم به بعد متوجه شدیم که مامان من سرطان داره، کلاً من خیلی شرایطم بد شد، چون می‌گم پدر و مادرم درگیر دوا و درمان بودن و

من و خواهرم بودیم فقط و من باید خواهرم رو هندل می‌کردم و می‌گم اصلاً شرایط خیلی بدی بود برام و خیلی بد من اون قدر روم فشار بود که دست به کارهایی می‌زدم که الان که بهش فکر می‌کنم، واقعاً ناراحت می‌شم، ضمناً شروع کردم به سیگار کشیدن و الان که بهش فکر می‌کنم، ناراحت می‌شم، می‌گم دهم هم که تموم می‌شه و یازدهم که می‌خوام برم، تابستون یازدهم من باهاشون آشنا شدم، به آهنگاشون گوش می‌دادم و معنیاش رو می‌خوندم و حرفاشون برام جالب بود که مثلاً می‌گفتن خودتون رو دوست داشته باشید یا مثلاً این که مهم نیست دارید چه کار می‌کنید، مهم نیست گذشته‌ها چی، مهم اینه که الان داری چه کار می‌کنی یا مثلاً یه حرفی بود که جیمین زده بود، می‌گفت، حتی اگه کسی درکتون نکنه، این رو بدونین که یه نفر تو کره‌ی جنوبی همیشه شما رو داره درک می‌کنه و خب این خیلی رو من تأثیر می‌گذاشت و خیلی حرف‌های دیگه بود، نه فقط اینا، چیزهای دیگه هم بود که برای من خیلی بولد شده و گذشت و من تا دوازدهم سیگار می‌کشیدم، تو دوازدهم خیلی رو خودم کار کردم و من به خاطر یکی از اعضاء سیگار کشیدن رو گذاشتم کنار و الان دوساله که اصن نکشیدم 🙏 و یه چیزی این که گفتم یه حالتی خودت رو مدیون می‌دونی بهشون، به خاطر اینه که تو لحظه‌های سخت زندگی حالم رو خوب کردن».

اثرگذاری‌های اجتماعی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران

در بررسی اثرگذاری‌های اجتماعی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران، موارد زیر از سوی مصاحبه‌شوندگان مطرح شده است:

اقدام به انجام کارهای خیرخواهانه، انجام فعالیت‌های اجتماعی، دامن زدن به تسامح اجتماعی، ایجاد هویت ربات‌مانند (رباتیک) در ستاره‌ها، تلاش در جهت تعمیق رابطه با هواداران، الگوبرداری هواداران از ستاره‌ها، ایجاد هویت جمعی جدید در هواداران، ارایه سبک زندگی جدید به هواداران و تشویق به هرج و مرج اجتماعی. در ادامه، شرح اجمالی هر یک از موارد مندرج در بالا آمده است.

– اقدام به انجام کارهای خیرخواهانه

انجام کارهای خیرخواهانه، همواره از سوی اقوام مختلف، با دید مثبتی نگریسته شده است و بالطبع افرادی که به انجام این امور مبادرت می‌ورزند، به سبب انجام کارهای خیرخواهانه به صورت مثبتی ارزیابی می‌شوند.

کمپانی بیگ‌هیت نیز در تلاش برای پردازش گروهی با حداکثر جذابیت ممکن، از این مقوله بااهمیت، نادیده نگذشته است و با سوق دادن پسران گروه بی‌تی‌اس برای انجام برخی از امور نועدوستانه و خیرخواهانه، در عمل جذابیت‌های گروه خویش را در اذهان مخاطبان دو چندان می‌سازد.

مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه خویش از کارهای خیرخواهانه‌ای نظیر ساخت مدرسه توسط اعضای گروه و یا پذیرش سفیری یونیسف توسط آنان یاد کرده، زهرای ۲۴ ساله نیز از کمک‌های مالی گروه بی‌تی‌اس برای تهیه لوازم بهداشتی و واکسن تا کمک مالی به بنیاد جورج فلویید به قرار زیر یاد کرده اند:

«– گروه کمپین هم برای کارهای خیریه برگزار می‌کنه؟»

آره خیلی، این بین کره‌ای‌ها خیلی چیز عادی‌ای هست، اصولاً افراد معروف که پولدار هستن، بخشی از پولشون رو هر چند وقت یک‌بار، مخصوصاً در روز تولدشون برای یه بیماری یا رفاه یه گروه خاص یا ساخت یه مکان مثل مدرسه، اهدا می‌کنن. در سال حداقل یکی دوبار انجام می‌دن، تازه سعی می‌کنن مخفیانه باشه، ولی مردم خبرش رو پخش می‌کنن... .

چند سال پیش کمپنی رو درست کرده بودند به نام لائورسل آلبومی هم با همین تایتل (عنوان) دادن. این کمپن بزرگ و بزرگتر شد و به هر کشوری که رفتن این رو تبلیغ کردن و تو آهنگاشون این رو تبلیغ می‌کردن تا این که یونیسف دعوت شون کرد، اون جا سخنرانی داشتن، سخنرانی شون خیلی خوب و جذاب بود، از اون به بعد هم هر سال حتی در ایام کرونا به صورت ویدیو پیام فرستادن و یا به صورت حضوری رفتن یونیسف و همین چند ماه پیش به عنوان نماینده قاره آسیا رفتن و برای سازمان ملل صحبت کردن برای مشکلاتی که در آسیا هست و در مورد این تبعیض نژادی و تفاوت‌هایی که بین آسیا، اروپا و آمریکا هست صحبت کردن».

«بی‌تی‌اس کمک مالی زیاد انجام می‌ده، حالا این می‌تونه تو زمینه‌های مختلف باشه، مثلاً تو دوره بیماری خیلی از افراد و گروه‌های مشهور اومدن به کشورهای مختلف کمک کردن برای تأمین کردن لوازم بهداشتی، تولید واکسن یا حتی خوراک و پوشاک برای افرادی که توانمندی مالی ندارن. مثلاً گواردیولا یک میلیون دلار به اسپانیا کمک کرد. در مورد بی‌تی‌اس هم صحبت‌هایی شد که برای مقابله با بیماری کمک‌های مالی انجام دادن، ولی ضد و نقیض بود. ولی وقتی که اون اتفاق تو آمریکا افتاد که پلیس اومد اون مرد سیاه پوست رو کشت، اسمش رو هم یادم رفته الان یادم میاد.

– جورج فلوید.

آره، وقتی اون اتفاق برای جورج فلوید افتاد، کلاً جهان تکون خورد. مردم تو کشورهای مختلف تظاهرات کردن و افراد مشهور هم به این اتفاق بد پرداختن که اعضای بی‌تی‌اس هم جزو همون‌ها بودن و ساکت نموندن. حتی کمک مالی هم انجام دادن، البته کمک‌های مالی که انجام دادن فک می‌کنم قبل از این اتفاق بود».

– انجام فعالیت‌های اجتماعی

انجام فعالیت‌های اجتماعی، ویژگی بارز دیگری است که جذابیت خاصی به هر گروهی که بدان متوسل شود، می‌بخشد. به این معنا که در غالب موارد ستاره‌ها و سلبریتی‌ها، سرگرم حرفه خود بوده، کار چندانی به مسایل اجتماعی اطراف و اکنافشان ندارند، اما اگر خوانندگانی پیدا شوند که در عین هنر خواندن خویش، نسبت به مسایل اجتماعی جامعه خود و جامعه جهانی خودشان احساس مسولیت کنند، بالطبع بیش‌تر از ستاره‌های عادی، مورد توجه قرار خواهند گرفت.

بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه خود با اشاره به آهنگ روز بهاری گروه بی‌تی‌اس، خاطرنشان می‌سازد، این آهنگ به یاد غرق شدن قریب به ۳۰۰ دانش‌آموز کره‌ای تهیه شده است، تا امید از دست رفته (بعد از غرق شدن دانش‌آموزان) را به جامعه کره باز گرداند.

محمدرضای ۲۱ ساله، در گزارش خویش از گروه بی‌تی‌اس، از فعالیت‌های ضدنژادپرستی اعضای گروه یاد کرده، خاطرنشان می‌سازد، اعضای گروه به نهادهای ضدنژادپرستی کمک مالی نیز می‌کنند.

سایه ۲۱ ساله نیز در توصیف دلیل علاقه‌مند شدن خویش به گروه بی‌تی‌اس، خاطرنشان می‌سازد، اساساً او پس از آن که سخنرانی اعضای گروه در کانال یونیسف را شنیده بود، به گروه علاقه‌مند شده و هوادار موسیقی آنان نیز گردیده بود:

«– علاقه شما به بی‌تی‌اس به خاطر موسیقی شونه یا اجرایشون یا شاید زیبایی خودشون یا همه این‌ها؟

من این طوری بودم که خیلی می‌گشتم تو یوتیوب و بعد داشتم تو کانال یونیسف می‌گشتم و اون جا یه سخنرانی دیدم که خیلی سخنرانی جالبی بود برام. هر چند نمی‌شناختم شون، ولی شنیدید می‌گن، آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند؟ همون طوری بود برام. شرایط سختی داشتم، اون موقع، اون حرف‌ها خیلی برام دلنشین بود. بعد فایل صوتی این سخنرانی رو برای خودم ذخیره کرده بودم و هی گوش می‌دادم. بعد چون موسیقی متن‌های سریال‌های کره‌ای یا فیلم‌هاشون و این‌ها رو هم گوش می‌دادم، خیلی بر اساس الگوریتمش یوتیوب بهم ویدیوهای بی‌تی‌اس رو پیشنهاد می‌داد و من دوتا دوست هم داشتم که هیت (متنفر) این گروه بودند و علاقه‌ای بهش نداشتند و من اسم این گروه رو از

اونا زیاد شنیده بودم، بعد برای همین تو یوتیوب که می‌گشتم ناخودآگاه ویدیوهای اینا رو می‌دیدم و خب جالب هم بودند برام، چون تاحالا مثلش رو ندیدم بودم هیچ جا، با این که من خودم موسیقی رو خیلی دوست دارم و زیاد کنسرت‌ها و اجراهای مختلف رو دیدم.

- دامن زدن به تسامح اجتماعی

جوامع بشری دارای نژادها، اقوام و فرهنگ‌های متفاوتی بوده، ممکن است از هنجارها و ارزش‌های بعضاً متفاوتی تبعیت کنند، زندگی اجتماعی بشر ایجاب می‌کند، انسان‌ها تفاوت‌های هم را پاس داشته، به جای پیش گرفتن برخوردهای مبتنی بر نفی و انکار دیگران، با تسامح با آرا و اندیشه‌های مختلف یکدیگر برخورد کرده، اختلاف‌های احتمالی را در پرتو استدلال، با یکدیگر رفع و رجوع کرده و حل کنند.

نیکو و شادی ۱۵ ساله و مهشید ۲۱ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه‌ای که داشته‌اند، از تسامح اعضای گروه بی‌تی‌اس در برخورد با مسلمانان‌ها، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«- تاحالا بی‌تی‌اس باعث شده باورهای تو تغییر کنه؟»

آره این اتفاق افتاده و تأثیر زیادی گذاشته، ولی تأثیر بدی نبوده، مثلاً این که یه عده آدم‌ها هستن که محجبه و مذهبی هستن و این عقیده رو دارن که افراد مسلمان حتماً باید حجاب داشته باشن یا اونایی که حجاب ندارن خیلی بد هستند و بی‌تی‌اس اومده بود گفته بود که افراد زیادی رو که با حجاب هستن، ما می‌بینیم و خیلی هم افراد زیبایی هستن، یعنی با حجاب هنوز هم زیبا هستند. یه بار هم یه مجری پرسیده بود ازشون که خودتون دوست دارید افراد بی‌حجاب بیان فن‌میتینگ‌ها یا با حجاب باشن؟ و بی‌تی‌اس گفته بود که هر طور که راحت هستن و هر طور که عقیده خودشونه و هر جور که دوست دارن، همیشه سعی می‌کنند این فرهنگ‌سازی رو بکنند که عقاید مذهبی دیگران، هیچ ربطی به ما نداره و این چیزیه که خودشون باید انتخاب کنند. حتی گفتند که اگر یه جایی یه فرد محجبه دیدید، این طوری نباشین که اگه خودتون محجبه نیستید، آه آه بکنید یا بگید یارو رو ببین حجاب داره و برعکسش هم همین طور، افراد محجبه نباید برن به اونایی که حجاب ندارن گیر بدن یا تیکه بندازن و این موضوع خیلی دید من رو تغییر داد، خودم تا قبل از شنیدن این‌ها دید مثبتی نسبت به افرادی که خیلی محجبه بودن نداشتم، البته مسخره نمی‌کردم و کاری هم نداشتم، ولی بعد از این که بی‌تی‌اس این حرف‌ها رو زد، تأثیر گذاشت روم و به نظرم عقیده افراد به خودشون بستگی داره و به خودشون ربط داره».

«- از لحاظ احترام به عقاید دیگران چه طور هستن؟»

یعنی به کارباشون؟

- آره.

تاحالا من ندیدم بی‌احترامی به طرفداراشون یا مذاهب مختلف بکنن، اصن فناشون می‌پرن بهم، یعنی به ضررشون هست، چیزی نمی‌گن در اون مورد و حتی ممکنه مثلاً خوششون هم بیاد، یعنی یه بار یکی از فناشون درباره نماز می‌گفت بهشون و اونا هم می‌گفتن چه قدر باحال و تاحالا نشنیدیم و اینا».

«... اصولاً گروه‌های خواننده و بازیگرا موقع ماه رمضان اصطلاحاً پیام ماه رمضان می‌فرستن و تبریک می‌گن این ماه رو به مسلمون‌ها و براشون آرزوی سلامتی می‌کنن و به دلیل این که کره یه سری مناسبت فرهنگی با کشور اندونزی داره و با یه سری چیزایی که حالا مسلمونا دارند، آشنا هستند و ازشون اطلاع دارن، یکیش همین ماه رمضان هست که خب بی‌تی‌اس هم چندین بار پیام ماه رمضان فرستاده.

راجع به حجاب هم بخوام بگم، این که تو یه برنامه ازشون پرسیدن که شما مثلاً فن‌های مسلمان دارید در کنسرت‌ها و برنامه‌هاتون، چه نظری راجع بهشون دارید، بعد اون وقت نامجون گفتش که فن‌های مسلمان ما کم نیستن و خیلی خوش حال کننده هست که ما فن مسلمان هم داریم و می‌بینمشون در کنسرت‌ها و برنامه‌ها، بعد یونگی می‌گفتش که به نظر من دخترهای کره‌ای زیبا هستن، ولی فن‌های مسلمون از دخترای

کره‌ای هم زیباتر، چون که مجبور هستن زیبایی خودشون رو بیوشون که بلکه یه کم از زیبایی شون کم تر بشه، یعنی استدلال این رو داشته که این قدر زیباتر هستند که مجبور هستن، مثلاً روسری سر خودشون کنن و مجبورن لباس‌های پوشیده بیوشن.

خیلی نسبت به فن‌های مسلمان دید خوبی دارن و خیلی اوکی ان و می‌دونن که نباید دست بزنی، نباید تاج (لمس) بکنن، نباید بغل بکنند، مثلاً کنسرتی بودش گفتن که با ۵ نفر عکس می‌گیریم... ۵ نفر از طرفدارا... بعد وقتی که فنی که قرار بود باهاش عکس بگیرن، مسلمون بود، سریع جیهوپ اومد به همه گفتش که حواستون باشه، بغل نکنید، دست ندید، خیلی نزدیک نشید، تاج نکنید و این‌ها بعد با رعایت همه این موارد، باهاش عکس گرفتن، صحبت کردن، پس اینا یه سری چیزا رو می‌دونن».

ملاحظه رفتار تسامح‌آمیز ستاره‌های مورد علاقه هواداران، بر مبنای یادگیری مشاهده‌ای، سبب می‌شود طرفداران آن‌ها نیز در برخورد با تفاوت‌های فرهنگی، قومی و نژادی، با تسامح با این تفاوت‌ها برخورد کنند.

- هویت ربات‌مانند (رباتیک)

بررسی میدانی عملکرد کمپانی بیگ‌هیت دلالت بر آن دارد که کمپانی برای ایجاد گروهی یکتا و بی‌مانند، قیود بی‌شماری را بر سر راه ستاره‌های خود گذاشته، تحقق و اجرای آن‌ها را از آنان خواستار شده است. برخی از این قیود به قرار زیرند:

برگزاری آزمون جهت جذب کارآموز، اعمال استانداردهای سخت‌گیرانه زیبایی، الزام ستاره‌ها به جراحی زیبایی در صورت نیاز، استفاده از برنامه سفیدکردن پوست بدن برای ستاره‌ها، در نظر گرفتن انجام تمرین‌های سنگین برای کارآموزان، منوط شدن رابطه کارآموزان و ستاره‌ها با خانواده‌شان به اجازه کمپانی، الزام به قرار نگذاشتن و ازدواج نکردن ستاره‌ها، الزام ستاره‌ها به تبعیت از رنگ کردن موها، آرایش، پوشش و زیورآلات درخواستی کمپانی، الزام ستاره‌ها به کاربری از برندهایی که تبلیغ می‌کنند، الزام ستاره‌ها به تبعیت از بازی‌های رسانه‌ای، نداشتن حق اعتراض ستاره‌ها به شایعات مرتبط با خودشان، ممنوعیت همکاری ستاره‌ها با هنرمندان دیگر بدون اجازه کمپانی، الزام به تبعیت از تماس بدنی در جریان اجراها توسط ستاره‌ها، الزام ستاره‌ها به همکاری در تهیه لحظات جذاب، الزام ستاره‌ها به عدم طرح گرایش جنسی خویش، الزام ستاره‌ها به تبعیت از رژیم‌های غذایی خاص، الزام ستاره‌ها به بیش‌تر نشدن وزنشان از حد مقرر، الزام ستاره‌ها به جهت‌گیری‌های سیاسی طبق نظر کمپانی، پذیرش نظارت ناظران کمپانی بر فعالیت ستاره‌ها (در فضای مجازی، برنامه‌های زنده - لایوها - و مانند آن)، در نظر گرفتن تمهیدات جانبی برای موفقیت گروه، الزام به بی‌نقص و ایده‌آل جلوه کردن ستاره‌ها، تعیین نیروهای حفاظتی برای مراقبت از ستاره‌ها، پذیرش تنبیه در صورت تخطی ستاره‌ها از قوانین و مقررات کمپانی، پذیرش کنار نهاده شدن پس از چند سال دیدن دوره کارآموزی، پذیرش عدم تمدید قرارداد (و به تعبیری انحلال گروه) در صورت صلاحدید کمپانی، کم توجهی به سلامت جسمانی و بهداشت روانی ستاره‌ها، داشتن نگاه ابزاری به ستاره‌ها. مجموعه مواردی که از آن‌ها یاد شد، در عمل به تربیت افرادی می‌انجامد که با کنار نهادن عواطف و اندیشه‌های خویش، بسان یک ربات تربیت شده، شایسته نام‌گذاری هویت ربات‌مانند (رباتیک) است. افراد اخیر که از هویت ربات‌مانند برخوردار شده اند، تنها و تنها مجری اهدافی قرار می‌گیرند که بدان‌ها دستور داده شده است. دستورهای اخیر می‌توانند از تبلیغ این کالا و آن کالا گرفته تا اتخاذ خطمشی سیاسی خاصی (نظیر محکوم کردن سیاست‌های کره شمالی) و تا الزام ستاره‌ها به استفاده از آرایش‌های زنانه و نمایش رفتارهای هم‌جنس‌گرایانه، گسترده باشند.

کمپانی با برخورداری از افرادی که بسان ربات عمل می‌کنند، می‌تواند گروهی بی‌همتا را رقم بزند، به این معنا که ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس، طبق فرمان کمپانی، نه تنها با شرکت در مواردی مانند: فن‌میتینگ، فن‌ساین، جشن فستا، جشن تولدهای پرشکوه، شرکت در برنامه‌های زنده اینترنتی (لایوها) و نظایر آن‌ها شرکت دارند، بلکه برای تحقق منویات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کمپانی، تبعیت تام خود را از مسوولان کمپانی به نمایش می‌گذارند. به عنوان مثال، ستاره‌ها برای تحقق اهداف اقتصادی کمپانی که کسب سود بیش‌تر و بیش‌تر است، نه تنها نباید

تن به ازدواج بدهند، بلکه حتی حق قرار ملاقات با جنس مخالف خویش را هم ندارند، شرایط اخیر سبب می‌شود، بسیاری از دختران هوادار، ستاره‌ها را به صورت دوست پسر یا شوهر خودشان ببینند و با حدّت و شدّت بیش‌تر به طرفداری از گروه بپردازند.

به شکل مشابهی ستاره‌های گروه باید برای جذب اقشار مختلف، در عین به نمایش نهادن تمایل خویش به جنس مخالف، تمایل به جنس موافق را هم از خود به نمایش بگذارند تا آن که اقشار هم‌جنس‌گرا را نیز زیر پوشش خود بگیرند.

پسران گروه بی‌تی‌اس با هویت ربات‌مانند خویش، اهداف فرهنگی کمپانی، نظیر تلاش برای جنسیت‌زدایی از آرایش، پوشش و عشق را نیز به منصفه ظهور می‌گذارند و در پی تحقق اهداف سیاسی کمپانی، ستایش مستقیم و غیرمستقیم از نظام سرمایه‌داری، فردگرایی افراطی نظام‌های سرمایه‌داری و مانند آن را در دستور کار خود دارند.

- تلاش در جهت تعمیق رابطه با هواداران

مصاحبه شونده‌گان زیادی روی مسأله رابطه عمیق ستاره‌ها و هوادارانشان تأکید داشته‌اند.

کمپانی بیگ‌هیت برای ایجاد گروهی برتر که از دیگر رقبای خویش پیشی بگیرد، با در نظر گرفتن تمهیدهای خاصی، کوشیده است تا رابطه ستاره‌ها با طرفدارانشان را عمق بدهد. مواردی مانند تشکر ستاره‌ها از هواداران پس از کسب جوایز مختلف، اجرای برنامه‌هایی مانند: فن‌میتینگ و فن‌ساین، گذاشتن برنامه زنده (لایو) با هواداران، انجام حرکت‌های عاطفی و نمایشی از سوی ستاره‌ها، برگزاری جشن تولد ستاره‌ها، جشن شکل‌گیری گروه بی‌تی‌اس، طرح زندگی شخصی ستاره‌ها برای هواداران، حاشیه‌سازی برای ستاره‌ها (جهت جلب توجه بیش‌تر هواداران به ستاره‌ها)، تشویق هواداران از سوی کمپانی برای رأی دادن به گروه بی‌تی‌اس در سایت‌های مختلف موسیقی و مانند آن‌ها، رابطه نسبتاً عمیقی بین ستاره‌ها و هواداران پدید می‌آورد که هواداران خود را موظف می‌دانند، در برابر اقدام‌های صمیمی ستاره‌ها، به حمایت و دفاع تمام‌قد از آنان بپردازند.

بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، ستاره‌ها حتی در آهنگ‌هایی که دارند، از هواداران خود یاد کرده‌اند:

«- می‌تونم لیریک موسیقی که درباره آرمی صحبت کردن رو برام بفرستی؟»

حتماً. این لیریک آهنگ «ما ضدگلوله هستیم» هست.

ما چیزی جز رؤیایا نداشتیم،

وقتی چشمانمان را باز کردیم هیچ چیز جز هوای مه‌آلود نبود،

تمام شب رو بیدار موندیم تا برقصیم و آواز بخونیم،

با نت‌های موسیقی بی‌پایان،

آی، ما شجاعانه فریاد می‌زنیم،

همه چیز را دور بیندازید،

اول با دنیا بجنگید،

نمی‌خواهم بمیرم،

اما خیلی درد داشت،

خیلی زیاد گریه می‌کنم،

تیغه‌ها را خیلی محکم کنید،

ما فقط هفت نفر بودیم،

اما حالا همه شما را داریم (آرمی)،
بعد از هفت زمستون و چشمه‌های آبگرم،
با نوک انگشتانم که به یکدیگر پیچیده شده بودند،
آره، ما به بهشت رسیدیم،
به طرف من سنگ پرتاب کن،
ما دیگر نمی‌ترسیم،
ما تا ابد هستیم، ضدگلوله،
بله، ما شما را داریم،
حتی اگر زمستان دوباره بیاید،
حتی اگر جلوم رو گرفته باشن، باز هم راه می‌روم،
من همیشه فکر می‌کنم،
من هنوز خواب می‌بینم؟
راستی بهار است؟
یعنی بعد از زمستون طولانی؟
نامی^۱ که همه به آن خندیدند.
اون یه بار خجالت کشید،
این مدرک مهمی است،
مدرک ضدگلوله،
ما تا ابد هستیم، ضدگلوله،
(بله، ما به بهشت می‌رسیم).
آره، ما تو رو داریم،
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش تریم)،
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش تریم)،
آره، ما هفت نفر نیستیم، با تو (بیش تریم)».

باران و بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خودشان، از تشکر و قدردانی ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس نسبت به هوادارانشان به قرار زیر یاد کرده اند:
«فکر می‌کنی صنعت موسیقی کی‌پاپ با موسیقی هالیوودی یا موسیقی‌های دیگه مثل خودمون چه فرقی‌هایی داره که باعث می‌شه افراد جذب بشن؟»

من موسیقی ایرانی خیلی کم گوش می‌دم و بیش‌تر موسیقی هالیوودی (انگلیسی زبان) گوش می‌دم و چیزی که تو کی‌پاپ من رو جذب کرد،
اولاً کیفیت بالای موسیقی‌شونه و مفهومی که می‌رسونه، دوماً مفهوم اون گروه و خانواده و اون رابطه‌ای که با طرفدارشون دارن برام ارزشمنده،

^۱ - گروه بی‌تی‌اس یا پسران ضدگلوله

اگر نگاه کنی، اکثر سلبریتی‌ها رفتار خوبی با طرفدارا در سطح دنیا ندارند و به چشم مزاحم بهشون نگاه می‌کنن، ولی کی پاپ ارزش خیلی زیادی برای فنا قایل هست و خب این خیلی ارزشمنده.

در این تصویر که برات فرستادم، جیمین داره از طرفدارا تشکر می‌کنه، به خاطر این که آهنگ پر میشن تو دنس رتبه اول بیلورد شد. یا ببین بی‌تی‌اس خیلی از نماد آرمی استفاده می‌کنه، حتی تو موزیک ویدئوهاش توی هر مسابقه‌ای هم که برنده می‌شن یا جوایزی که می‌گیرن، همیشه به فکر طرفداراشون هستن و ازشون تشکر می‌کنن، وقتی جوایز رو می‌گیرن و می‌گن اینا به خاطر حمایت شما هست آرمی و شما برای ما خیلی ارزشمندتر از جوایزی هستین که می‌گیریم و یه جورایی این پیام رو منتقل می‌کنن که بدون حمایت آرمی ما تو این جایگاه در دنیا نبودیم، این قضیه چیزیه که حتی تو هالیوود هم کم‌تر دیده می‌شه، اونا اکثراً این مدلی ان که بدون در نظر گرفتن طرفدارا، می‌گن این جوایز برای تلاش‌های شبانه روزی و بی‌وقفه خودشونه.

تو این عکس پایینی که برات فرستادم برای آهنگ باتره در واقع این عکس برای موزیک ویدیوی باتر هست که اعضاء با حالت ایستادن شون کلمه ARMY رو ساختن.

بی‌تی‌اس توی موزیک بوی ویت لاو هم برای آهنگ ویدئوشون به صورت مستقیم از کلمه آرمی استفاده کردن.»

«... من مثلاً همه‌اش این طوری بودم که چه قدر آدم می‌تونه از یک طرفداری که حتی ندیدتش، همه‌اش تشکر کنه یا حتی تو خیلی از مصاحبه‌ها این طوری می‌شستن زانو می‌زدند به حالت سجده طور و تشکر می‌کردن از طرفداراشون و خیلی برام جذابه.»

اگر چه ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس از سوی کمپانی بیگ‌هیت موظف هستن برنامه‌هایی همچون فن‌میتینگ، فن‌ساین و نظایر آن‌ها را برای هواداران گروه داشته باشند و با آن‌ها در برنامه‌های اخیر حشر و نشر داشته باشند، با این همه موظف به پاسخ دادن به حداقل برخی از هواداران در فضای مجازی نیز شده‌اند. سونیای ۱۷ ساله، در همین ارتباط گزارش می‌دهد:

«- ستاره‌ها برای زیبا و جذاب به نظر رسیدن چه کارهایی انجام می‌دهند؟»

به طرفداراشون خیلی اهمیت می‌دن که باعث می‌شه خیلی دوست داشته بشن. سعی می‌کنن هر بار با یه استایل برای آرمیا پست بذارن که هم خیلی مرتب و خوب به نظر میان با لباس و میکاپ، هم این که معمولاً شادان داخل عکس. با یه سری از آرمیا حتی حرف می‌زنن. - حرف زدن‌ها خارج از فن‌میتینگ هست؟

آره، جدای از فن‌میتینگ مثلاً یهو جواب کسی که بهشون دایرکت داده رو می‌دن و خب خیلی باعث خوشحالی اون آدم می‌شن، چون از بین اون همه طرفدار یهو اومدن جواب اون رو دادن.»

برگزاری پرشکوه جشن تولد ستاره‌ها، برگزاری سال‌روز تشکیل گروه بی‌تی‌اس و گذاشتن برنامه‌های زنده (لایو) با هواداران، فراز دیگری از اقدام‌های کمپانی و گروه بی‌تی‌اس، در راستای تعمیق رابطه ستاره‌ها با هوادارانشان است.

مهشید ۲۱ ساله، در مورد برنامه‌های زنده (لایوهای) ستاره‌های بی‌تی‌اس گزارش می‌دهد:

«یه نکته جالب در مورد کشور کره اینه که مثلاً توی ایران طرف می‌ره دکتر می‌شه، مطب می‌زنه، وکیل می‌شه شرکت حقوقی می‌زنه یا طرف پولداره، می‌ره کارخونه می‌زنه. خب، درآمد کسب می‌کنه و یک‌سری آدم زیر دست خودش داره. توی کره این جور نیست، یک شرکت بزرگ هست، پانزده طبقه. تمام این پانزده طبقه وکیل ان. یعنی یک شرکت بزرگ حقوقی ان که وکیل استخدام می‌کنن، مثلاً من که مشکل حقوقی دارم، می‌رم با اون شرکت حقوقیه قرارداد می‌بندم، این طور نیست که هر کسی وکیل شد، برای خودش دفتر بزنه یا که پزشک می‌شه، نمی‌تونه برای خودش مطب بزنه، توی شرکت کار می‌کنه، این که پزشک می‌شه، توی بیمارستان کار می‌کنه، بیمارستان همین طوری نیست که هر کسی پول داشت، بره بیمارستان بزنه، هر دانشگاهی برای این که دانشجویهای خودش بتونن یک جایی کار بکنن و بتونن یاد بگیرن، اون

دانشگاه میاد یه بیمارستان می‌زنه. پس هر چیزی زیر نظر یک شرکت و یا کمپانی بزرگی هست، همه بازیگرا و همه خواننده‌هاشون و همه آرتیست‌ها و یا اون طوری که خودشون می‌گن آیدول‌ها و یا آیدول‌ها، تمام آیدول‌هاشون زیر نظر یک کمپانی ان و کمپانی‌ها حرف اول رو می‌زنن توی این تفاوت‌هایی که گفتیم، یعنی هر کمپانی یک سری ویژگی‌های و قوانین خاص خودش رو داره که حداقل می‌تونم بگم این مسأله خیلی تأثیرگذاره روی میزان طرفداری از اون گروه، پس میزان تفاوتی که می‌خوای بین یه گروه با چندتا گروه دیگه بسنجی، اول از همه اون کمپانی اون گروه حرف اول رو می‌زنه.

دوم اعضای اون گروه ان، از اون جایی که مثلاً حالا حداقل در ایران کسی معروف شد، خواننده است یا بازیگر یا هر چی نهایتاً طرفدار اینستاگرام داره یا هر چند وقت یک‌بار اکران خصوصی دعوت می‌شه، در کره این طوری نیست، اپلیکیشن خاصی دارن که میان لایو می‌ذارن، صحبت می‌کنن. هر چند وقت یه بار راجع به کاراشون صحبت می‌کنن، اون کمپانی راجع به کارهاشون برنامه می‌ده، حتی مثلاً این تاریخ این موقع فلان اتفاق می‌افته، این تاریخ، این موقع فلان کشور کنسرت دارن و این یه جورهایی خیلی برنامه‌ریزی شده است، خیلی ارتباط نزدیکی با طرفدار ایجاد می‌شه این طوری که تو خیلی آشنا می‌شی، اون فرد معروفه این طوری نیست که مثلاً مردم اون رو فقط توی کنسرت ببینن. دایم تو برنامه‌های تلویزیونی هستن، توی موقعیت‌های مختلف و این به تو شناخت می‌ده، این آدم فقط این طوری نیست که فقط شیک و مجلسی و خیلی با یه چهره خوب فقط بیاد، یه آهنگ بخونه و بره، این طوریه که تو موقعیت‌های مختلف اون آدم رو می‌بینی، تو مسابقه، تو برنامه، تو شرایطی که مثلاً ما تو زندگی عادی مون داریم و برامون اتفاق می‌افته، حالا این آدم معروفه رو تو همون شرایط قرار می‌دن... یعنی می‌خواد بگه همه ماها شکل هم‌دیگه‌ایم، فقط فرق مون اینه که اون آدمه معروف‌تره. در اکثر کشورها این طور نیست، وقتی یک آدمی ستاره می‌شه، انگار خیلی فرق می‌کنه با آدمای دیگه، خیلی مهم‌تره خیلی چیزهاشون، شخصیت واقعی‌شون نیست و فلان، ولی اصلاً این‌ها براشون این چیزها مطرح نیست، خیلی خاکی برخورد می‌کنن، دروغ براشون خیلی صفت منفی‌ای هست، به‌خاطر همین تو برنامه‌های مختلف می‌تونن این گروه‌ها رو بهتر بشناسی و خوب بهتر می‌تونن طرفداری‌شون رو بکنن. توی این تمایزها... توی این برنامه‌ها... توی لایوها و تو این چیزها، نکته اصلی کمپانیه. تو این چیزها رو می‌بینی، بعد این گروه رو نسبت به گروه‌های دیگه ارجحیت می‌دی.»

بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطر نشان ساخته است که گروه بی‌تی‌اس برای یکی از هواداران بیمار خود، بلیط تهیه کرده، با پذیرش کل هزینه سفر وی، او را به کنسرت خودشان دعوت کرده اند:

«... همیشه توی مصاحبه‌های که داشتند، از ما تشکر کردند و خیلی جاها می‌رفتن به آمریکا کمک می‌کردن، مثلاً چه جوری بگم مثلاً یه دختری بود که مریضی قلب داشت و نمی‌تونست نفس بکشه و آرزوی دیدن اینا رو داشت، براش بلیت فرست کلاس فرستادن، هزینه کل سفرش رو دادن و حتی در کنسرت باهاش عکس یادگاری انداختند و یا یکی که معلول ویلچری بود به کنسرت رفته بود، یکی از اعضا می‌ره اون جا دستش رو بوس می‌کنه و ازش تشکر می‌کنه که به کنسرت اومده.»

سوی‌نای ۱۷ ساله، در فرازی از مصاحبه‌اش از کتاب‌هایی یاد می‌کند که در ارتباط با ستاره‌های بی‌تی‌اس تهیه شده است و زندگی‌نامه آنان را در اختیار هواداران می‌گذارد:

«- گفتید خود ستاره‌ها هم زندگی شخصی‌شون رو بیان می‌کنن؟»

آره خودشون هم گفتن. مثلاً بی‌تی‌اس اصن کتاب هم داره که توش در مورد پسرا زیاد گفته شده. گروه‌های دیگه هم کتاب دارن. همین که تو اینستا پست می‌ذارن از جاهایی که رفتن یا کارایی که کردن یعنی زندگی‌شون رو دارن نشون می‌دن.»

ستاره‌ها از سوی کمپانی موظف هستند که نسبت به فعالیت‌های خویش اطلاع‌رسانی لازم را داشته باشند^۱. محمدرضای ۲۱ ساله و زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خود، اشاره‌ای به اطلاع‌رسانی‌های اخیر داشته‌اند:

«خوب همین که به صورت گذری صفحه‌هاشون رو دنبال می‌کنی، چه محتوایی رو به اشتراک می‌گذارند؟»

محتواهاش خب بیش‌تر عکسای خودشونه، بعد خب اینا مدل برندای خاصی هم هستن مثل گوچی، مثلاً تهیونگ مدل برند گوچی، البته نه فقط اون، خب اینا چون گروه هستن همه‌شون باهم برای یه برند می‌رن مدل می‌شن، ولی خب تهیونگ، جونگ‌کوک با جیمین، این جور چیزاشون خیلی بیش‌تر می‌شه یعنی بیش‌تر مدل یه برند می‌شن. بیش‌تر این عکسایی که همین برندا ازشون می‌گیرن رو می‌ذارن. البته کلاً زیاد تبلیغات انجام می‌دن فقط هم لباس و اینا نیست، مثلاً من خودم گوشی هم زیاد دیدم تبلیغ می‌کنن، مخصوصاً سامسونگ چون خود سامسونگ هم برای کره جنوبیه دیگه.

بعد مثلاً کارای روزمره‌شون رو می‌ذارن یا مثلاً آگه آهنگی رو بخوان پخش کنن، یه قسمتی از اون آهنگ رو می‌ذارن، آها یکی دیگه هم مثلاً در مورد تولداشونه، تولدای همدیگه رو تبریک می‌گن، جایی آگه برن هم خب می‌ذارن، این طوری خیلی ویو می‌گیرن، ولی خب می‌گم من زیاد این چیزا رو نمی‌بینم، خب چون حوصله اینستا رو ندارم».

«بعضی از فن پیج‌های معتبرتر برنامه‌ی کمک به خیریه می‌چینند به مناسبت تولد اعضاء اینا همون پیج‌هایی هستن که گفتم تعداد دنبال‌کننده‌هاشون بیش‌تر هست.

- در صفحات خود گروه و یا اعضاء بیش‌تر چه مواردی اشتراک‌گذاری می‌شند؟

معمولاً عکس‌های خودشون هست یا تک نفره یا گروهی، البته بعضی وقتا هم مثلاً سه نفره یا چهار نفره هستن. اگر آهنگ یا موزیک ویدیو جدید بخوان ریلیز کنن هم تو صفحه‌های خودشون اعلام می‌کنن. کنسرت‌ها هم همین طور، بعد این طوری هم نیست که فقط یک نفر پست بذاره، ولی هفتاشون هم باهم پست نمی‌ذارن. مثلاً اول جیمین پست می‌ذاره، بعد از سه یا چهار روز جونگ‌کوک، چهار پنج روز بعدش هم وی یه پست می‌ذاره که ساعت دقیق انتشار رو مشخص کردن داخلش. ضمن این که تبلیغاتی هم که انجام می‌دن رو به اشتراک می‌ذارن، مخصوصاً مربوط به لباس و پوشاک رو».

اگر چه کمپانی خبرگزاری رسمی دارد و اخبار مورد نظرش در مورد گروه بی‌تی‌اس را از این طریق اطلاع‌رسانی می‌کند، اما با توجه به این که نشریاتی مانند دیسپچ اخبار محرمانه ستاره‌ها را نشر می‌دهد، برخی از هواداران بر این باورند که خود کمپانی رأساً با ایجاد حاشیه‌پردازی برای ستاره‌های گروه موافقت دارد تا با ایجاد حاشیه‌های مختلف برای گروه، چشم‌های بیش‌تر متوجه گروه گردد:

«- شنیدم سایت‌هایی مثل دیسپچ هستن که اطلاعات خصوصی ستاره‌ها رو فاش می‌کنن، مثل چت‌هاشون و این ستاره‌ها رو اذیت می‌کنه. در مورد این‌ها اطلاعاتی داری؟»

به جز دیسپچ، حالا یه جای دیگه هم هست، خبرگزاری‌ها اصولاً پیگیر کارهای آیدول‌ها، اعم از خواننده یا بازیگر هستند و جمع‌آوری اطلاعات می‌کنن راجع به هر چی، نه فقط جنبه منفیش، در مورد هر چیزی و الزاماً این طوری نیست که آسیب‌زننده باشه، ولی دیسپچ هر سال یک یا دو نفر رو اعلام می‌کنه که این دوتا مثلاً با این شواهد باهم دیگه قرار می‌ذارن و حالا پخش می‌شه. بعدها کمپانی‌های اون دو نفر می‌تونن رد یا تأییدش کنن، بعد این که اصولاً دیسپچ خیلی اخبارش موثقه، ولی دیسپچ ممکنه به یه سری چیزها بپردازه که اصولاً ربط داره فقط به

^۱ - اطلاع‌رسانی‌های اخیر، تدریجی و در عین حال از شکلی پرهیجان و پرشور برخوردارند تا چشم‌های بیش‌تری را معطوف به گروه کنند.

هنرمندا، مثلاً یه حاشیه‌ای برای یکی توشون باشه. ولی در صدد آسیب زدن نیستن، ولی پیش اومده که یه کم زیاد روی کنن، ولی کارشونه (می‌خندد) (مهشید، ۲۱ ساله).

کمپانی از طریق خبرگزاری رسمی خویش، در صدد خط دادن به هواداران برآمده، به فرض از آنان می‌خواهد برای بالا رفتن رتبه آهنگ‌های منتشره گروه بی‌تی‌اس در سایت‌های معتبر موسیقیایی، هواداران در این جهت شرکت فعال داشته باشند، زهرای ۲۴ ساله، در همین زمینه گزارش می‌دهد:

«- استریم کردن‌ها خودجوش هست یا گروه، طرفدارها رو تشویق به انجامش می‌کنه؟

طرفدارا از علاقه‌شون دارن این کار رو می‌کنن، اما فن پیچ‌ها هم هدف‌گذاری می‌کنن، ولی خود گروه تو صفحه‌های رسمی که داره، اصلاً هوادارها رو تشویق به انجام این کار نمی‌کنه. فقط بی‌تی‌اس هم نیست گروه‌ها یا افراد مشهور اگر این کار رو انجام بدن براشون اصلاً خوب نیست، چون اگر طرفدار به اندازه کافی داشته باشه، دیگه نیازی نیست برای گرفتن ویوی بیش‌تر بیان درخواست کنن از طرفداراشون».

مجموعه آنچه از آن یاد شد، روابط نسبتاً عمیقی بین ستاره‌ها و هواداران ایجاد می‌کند. به این معنا که وقتی هواداران احساس می‌کنند، ستاره‌های مورد علاقه‌شان به توان دو با آنان برخورد می‌کنند، آنان نیز خودشان را موظف می‌دانند که به توان دو با ستاره‌ها برخورد کرده، به حمایت و دفاع از آنان بپردازند. تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه‌اش در مورد عمق صمیمیت اخیر می‌گوید:

«... من کلاً از بچگی خیلی از این بند به اون بند می‌پریدم و به نظرم فرقی که بی‌تی‌اس با همه بندای غربی داره، اینه که اینا خیلی خودشون ان... خیلی. قشنگ^۱ "They feel like home" ... مثلاً این جوریه ان که تو واقعاً احساس نمی‌کنی اینا یه تعداد خواننده ان و تو فقط طرفدارشونی. حس می‌کنی که این آدم‌ها واقعاً می‌شناسی و می‌تونن واقعاً باهاشون ارتباط برقرار کنن».

ترنم ۱۸ ساله، از دفاع تمام‌قد خود و دوستانش از گروه بی‌تی‌اس، به عنوان ماحصل سرمایه‌گذاری‌های کمپانی و گروه بی‌تی‌اس در جهت تعمیق رابطه ستاره‌ها و هواداران، به قرار زیر یاد کرده است:

«- می‌دونی معنی اسم بی‌تی‌اس و آرمی چیه و چرا این اسم روشون گذاشته شده؟

بی‌تی‌اس مخفف بنگتن سونیاندن به معنای پسران ضد گلوله و آرمی هم به معنای ارتش هست. تئوری این دو اسم اینه که بی‌تی‌اس با آرمی‌هاش ضد گلوله هستن و وقتی هیترها به بی‌تی‌اس هیت می‌دن، آرمی‌ها از اونا دفاع می‌کنن. وقتی هم که آرمی‌ها هیت می‌گیرن، بی‌تی‌اس از ما دفاع می‌کنه. تو فوتوکانسپت آلبوم آخرشون هم یه عکس هست بهشون گلوله اصابت کرده و گلوله‌ها خوردن زمین که دقیقاً به تصویر کشیدن معنای اسم‌شون هست. یه بار یک سلبریتی آمریکایی گفته بود که آرمی‌ها وحشی هستن، بعد نامجون در جواب به اون سلبریتی گفت که آرمی‌های ما خیلی با هوش هستن، وقتی می‌فهمن یکی می‌خواد به ما توهین کنه یا با حرف‌هاشون ما را ناراحت کرده و آزارمان بده، از ما دفاع می‌کنن، همون طور که ما هم این کار رو در مورد اون‌ها انجام می‌دیم. در واقع تئوری اصلی اینه همه آرمی‌ها تو زندگی‌شون مثل هر آدم عادی سختی می‌کشن و بعضی‌ها در جنگیدن با این سختی‌ها خسته می‌شن و از خودشون متنفر و با حرف‌های مردم دور و برشون احساس کم بودن می‌کنن، اما آرمی‌ها با وجود بی‌تی‌اس و آیدول‌هاشون می‌تونن از حق خودشون دفاع کنن. یاد می‌گیرن که قبل از همه چی باید خودشون را ببینن و یاد می‌گیرن باید خودشون رو دوست داشته باشن».

- الگوبرداری از ستاره‌ها

^۱ - They feel like home اصطلاح انگلیسی به معنی حس آشنا بودن و آرامش

انسان‌ها در روند بودن و شدن خویش، به الگوها نیاز دارند، الگو به انسان‌ها راه را نشان داده و در آنان انگیزه طی طریق در راه‌های صعب و دشوار برای رسیدن به اهداف آدمی را ایجاد می‌کند.

کمپانی بیگ‌هیت از ستاره‌های گروه بی‌تی‌اس می‌خواهد که خود را به مثابه الگوی مخاطبان‌شان مطرح سازند تا به این ترتیب، از جذابیت بیش‌تر و فراگیری برخوردار شوند.

ترنم ۱۸ ساله، مهشید ۲۱ ساله و باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌های خود از تلاش کمپانی و ستاره‌های بی‌تی‌اس در جهت طرح خویش به عنوان الگوهای سخت‌کوش و شایسته الگوبرداری، به قرار زیر یاد کرده‌اند:

«... زمان کارآموزی پسر باهم تو به خونه زندگی می‌کردن و هر ۷ نفرشون کنار هم بودن. دلیلش قوانین کمپانی بوده یا بودجه کم کمپانی نمی‌دونم، چون کمپانی بی‌تی‌اس اون موقع خیلی کمپانی کوچیک و فقیری بوده و در حالی که بقیه کمپانی‌ها کلی به آیدول‌ها و کارآموزهاشون می‌رسیدن و کلی امکانات براشون فراهم می‌کردن، بیگ‌هیت حتی پول غذای اینا رو نمی‌داده و اونا مجبور بودن خودشون کار کنن. صبح و شب کار می‌کردن تا گشنه نمونن. می‌رفتن دستشویی تمیز می‌کردن، کارگری می‌کردن، تو کافه کار می‌کردن، هر کاری می‌کردن تا گشنه نمونن. به جز جونگ‌کوک، همه کار می‌کردن، گفتم که اون مثل بچه‌هاست و براش هر کاری رو انجام می‌دادن، اون رو می‌فرستادن مدرسه، خودشون هم می‌رفتن سر کار. جونگ‌کوک گفته بود که یک بار تو خونه کم میوه مونده بود و چون اون عاشق موز بود، بین جی‌کی و هوسوک برای یک موز دعوا شده و هوسوک موز رو به سمتش پرت کرده و گفته که بیا خودت بخورش. بعدش جونگ‌کوک زده زیر گریه و اون قدر گریه کرده که هوسو ازش معذرت‌خواهی کرده. کمپانی فقط برای آموزش‌ها و کلاس‌هاشون پول خرج می‌کرده و تمام هزینه‌های شخصی اعضا با خودشون بوده».

«... یه برنامه‌ای بوده چند سال یک‌بار تو کره برگزار می‌شد به نام المپیک آیدول‌ها. گروه‌های خواننده دور هم دیگه جمع می‌شدن و یه سری کارهایی رو می‌کردن، یه سری تو حوزه ورزش مثل دو، مثل مثلاً تیراندازی، مثل حالا ورزش‌های قدیمی خودشون، کشتی مثلاً، این موارد مخصوص خودشون رو دارن و اینا اون جا مثلاً بی‌تی‌اس هنوز مثلاً معروف نشده بود و وقتی که مثلاً می‌اومدن بازی کنن، جدی شون نمی‌گرفتن، گروه‌های دیگه رو تشویق می‌کردن توی اون المپیک تو خیلی از آیت‌ها بی‌تی‌اس برنده شد، اون موقع همه تعجب کردن، بعد وقتی دیدن که این‌ها برنده شدن، توی حتی یک چیز کوچیک یه بازی ورزشی، بعد دیدن که نه این‌ها کلاً چنین روحیه‌ای رو دارن، یه جورایی نمی‌بازن، اگر هم ببازن این قدر تلاش می‌کنن که اون باختن تبدیل به برد بشه.

وقتی بعدها بی‌تی‌اس معروف شد، تیکه‌هایی از اون زمان رو پخش می‌کنن، اون تیکه‌هایی که تحقیر شدن، اون تیکه‌هایی که اصلاً جدی گرفته نشدن شون، اون تیکه‌هایی که حتی بهشون توهین کردن...»

بنابراین من واقعاً خوش‌حالم که طرفدار این گروه هستم که می‌شه از هر چیزش یک درسی گرفت».

«- عکس همین آلبوم پروف رو داری؟»

آره.

همان‌طور که در عکس هست، در پشت سر اعضا جای گلوله‌های زیادی هست، این کانسپت نشان‌دهنده گلوله‌هایی که به سمت اعضا پرتاب شده‌اند، اما اعضا در مقابل اون‌ها مقاومت کرده‌اند و ضدگلوله هستن، در واقع این گلوله‌ها همان سختی‌هایی هستن که اعضا کشیده‌اند. مثل حرف‌ها، شایعات و هیتهایی که در طول ۹ سال تحمل کردن. همچنین پوکه‌های گلوله‌ها را در عکس می‌بینید که نشان‌دهنده همین موضوع هست، خب تو این مدت خیلی مشکلات داشت بی‌تی‌اس، مثل این که کمپانی‌شون می‌گن پولدار نبود، خوب محبوب و معروف نبود.

کمپانی تازه کار و کم پول بود و هفت نفر توی یه اتاق کوچک بودند یا مثلاً خیلی به اعضاء هیت می‌دادن، به نامجون می‌گفتن به اندازه کافی زیبا نیست، می‌گفتن صداتون زیاد خوب نیست، به جیمین می‌گفتند که چاقه، خلاصه که کلی اذیت‌شون می‌کردن و این گلوله‌ها هم نشونه‌های اون‌ها هس که مثلاً انگار از پشش بر اومدن و به اینجا رسیدن و اگه دقت کنی، اون گلوله‌هایی که پشت هر اعضاء خورده، متفاوته مال جیمین اگه اشتباه نکنم پوشش پشت سرش خیلی بیش‌تر آسیب دیده بود تا اون جایی که پاره شده بود».

بنفشه ۲۰ ساله، در گزارش خود خاطرنشان می‌سازد، ستاره‌های بی‌تی‌اس برای طرح خویش به صورت یک الگو، حتی به تاریخ فرهنگی کشور کره رجوع کرده، ذیل عناوین فرهنگی پیشین، به طرح تاریخچه خویش می‌پردازند:

«... این عکس برای آهنگ اگوست دیه شوگا هست.

- درباره آهنگ دچیتا شوگا هم توضیح می‌دی چون اشاره کردی که هم توش از موسیقی و هم از لباس سنتی‌شون استفاده شده. آره، کلاً این موسیقی و تئوریاش خیلی به فرهنگ و سنت کره مربوط می‌شه. اول از همه دچیتا یه Murching music هست. یعنی برای ورود پادشاه می‌زدن، یعنی کلاً برای ورود پادشاه بوده و وقتی می‌خواستن برن استقبال شاه یا وقتی شاه وارد می‌شده یا شاه مهمونی داشته، اون موقع می‌زدند. توی اول موزیک ویدیو وقتی شوگا داره از بازار رد می‌شه، لایه‌های اصلی کاراکتر رو نشون می‌ده، در واقع این مفهوم رو می‌رسونه یه آدم عادی از دل قشر پایین جامعه که پر هرج و مرج هست و اتفاقی زیادی در اون می‌افته، بی‌اعتنا به اطرافش داره مسیر خودش رو می‌ره و براش مهم نیست، چه اتفاقی داره اطرافش می‌افته، هدفش براش مهمه. کلاً این قسمت داستان خوبی رو بیان می‌کنه.

سه‌تا نکته توی لیریک آهنگ هست، می‌گه گذشته‌ات رو بذار تو جعبه برنج این اشاره می‌کنه به یه داستانی که توی کره هست شاهزاده‌ای هست به اسم سادو که پدرش شاه بوده به دلایلی تصمیم می‌گیره این رو بندازه تو یه باکس برنج و این سادو بعد یه مدت از گرسنگی و تشنگی می‌میره. دومین نکته‌اش اینه که می‌گه من توی یک گودال به دنیا اومدم، اما به یک اژدها بزرگ تبدیل شدم یه ضرب المثل کره‌ای هست که می‌گه یه مار ۱۰۰۰ سال طول می‌کشه تا یه اژدها بشه، این داره به سخت‌کوشی شوگا اشاره می‌کنه تو اون مسیر هنری که طی کرده، یعنی با همه تلاش‌هاش تونسته از یه آدم سطح پایین تبدیل بشه به یک پادشاه، سومی هم به یک شاه اشاره می‌کنه، پانزدهمین شاه سلسله چوسانه که یک رعیت میاد جای شاه رو می‌گیره و یه چیزیم هست تو تاریخ کره، هر کسی که یک زخم داشته باشه رو صورتش، نمی‌تونه پادشاه بشه، اما اگوست دی تو موزیک ویدیو یک زخم داره روی صورتش و با این حال شاه شده، همون طوری که تو عکس برات فرستادم.

تئوری که کاملاً از توی ذهن خودم میاد و خیلی دوسش دارم، دقت می‌کنم می‌بینم که درسته، چون وقتی بعد نشستم فکر و بررسی کردم، کاملاً این قضیه اومد توی ذهنم، توی شو بیزینس کره سه‌تا کمپانی وجود دارد که بزرگ‌ترین کمپانی‌های لیبل (عنوان) موزیک کره هستن و اکثر آرتیست‌ها و بندهای موزیک که دارن کار می‌کنن و معروف شدند، مخصوصاً تو سطح اینترنشنال، تحت لیبل این سه‌تا کمپانی ان، یعنی چی بیایم این جوری در نظر بگیریم که اونا خانواده سلطنتی ان، قشر سلطنتی ان و هر کسی بخواد پادشاه بشه هر کسی می‌خواد موفق بشه باید توی این قشر قرار بگیره، اما بی‌تی‌اس این اتفاق براش نمی‌افته بی‌تی‌اس یه بندیه که خودشون شروع کردن با یک لیبل دیگه، به جز این سه‌تا شروع به کار کردن و همون موقعی که شروع کردن بهشون گفتن که شما بازنده اید، ته داستان معلومه شما باختید، چرا چون جزو سه‌تا کمپانی نیستید، این گوشه‌ها دارید برا خودتون کار می‌کنید، همین جاها هم می‌مونید، اما چیزی نگذشت که تبدیل شدن

به بزرگ‌ترین بوی بند جهان تبدیل شدن، به پادشاه اگوست دی که رعیت بود، جزو خانواده سلطنتی نبود، اما اومد و تبدیل به پادشاه شد و بعد معروف شد، به قدری معروف شد که کل دنیا به عنوان بزرگ‌ترین بوی بند جهان بهشون لقب دادند.

بعد زخم روی صورت چیه، به نظر من اون زخم‌هایی در طول مدت کارشون و مخصوصاً اول شروع کارشون هیترها و آدمای دیگه مدیا وارد کردن به اعضای بی‌تی‌اس، اون زخم جاش موند، اما گروه موفق شدند در شرایطی که قرار نبود موفق بشن هیچ رعیتی و هیچ کسی که زخم روی صورتش باشه، قرار نیست موفق بشه اما بی‌تی‌اس این کار رو کرد و شد.

یک موضوع دیگه هم که تو موزیک این رو می‌گه، می‌گه این مسخره بازیای تلنت شو رو جمع کنید، کسی که استعداد داشته باشه، خودش میاد بالا و احتیاجی به این کارا نیست کسی که کارش رو بلد باشه، خودش میاد بالا اون اتفاقه برایش می‌افته، هم به هیترا یه جوابی داده هم به بقیه لیبیل‌ها و کمپانی‌های قدرتمند کره و کل‌کل ادامه داره. برداشت شخصی من اینه نمی‌تونن بگی صددرصد درسته، ولی درمیون گذاشتمش و خوشحالم این دقیقاً نشون می‌ده، آدم تو هر شرایطی می‌تونه موفق بشه، اگر استعداد و توانایی و پشتکارش رو داشته باشه و این امیدیه که به همه آرمیا می‌دن اینا».

نیکوی ۱۵ ساله، در گزارش خویش خاطر نشان می‌سازد، ستاره‌های بی‌تی‌اس با مخاطب قرار دادن هوادارانشان، دست به ارایه برخی از خط-مشی‌های به آنان می‌زنند:

«... ولی بی‌تی‌اس انگار واقعاً اون چیزی که می‌خواست رو خیلی برایش زحمت کشید و هر روز به طرفداراشون می‌گن که بهتر از دیروزشون باشن و این یکی از پیام‌هاشون بود، این که ما همیشه سعی می‌کنیم بهترین خودمون رو نشون بدیم و بهتر از دیروز باشیم یا این که همیشه می‌گفتن یک درصد بهتر از دیروز باش، مثلاً توی آهنگ نات تودی هم سعی می‌کردند همین مفهوم رو برسوند. ولی کلاً آهنگ‌هاشون تو این فازه. در کل من از حال و هواشون خوشم اومد و از پیام‌هایی که می‌دن».

ماحصل الگوپردازی ستاره‌های بی‌تی‌اس از خودشان، به آنجا می‌انجامد که برخی از هواداران به صراحت از این مسأله یاد می‌کنند که ستاره‌های بی‌تی‌اس، در عمل آنان را از سردرگمی خارج کرده، راه درست را بدان‌ها نمایانده اند:

«- اگه بی‌تی‌اس منحل بشه چه اتفاقی برای تو می‌افته؟

نمی‌خوام طوری برداشت بشه انگار دارم اغراق می‌کنم، اما واقعیت این بود که اونا نجاتم دادن، واقعاً نجاتم دادن، شاید اگه اونا نبودن من دست به کارهایی می‌زدم که الان پشیمون بودم یا اصلاً وجود نداشتم همیشه می‌گن، مثلاً تو زندگی یه دختر مثلاً شونزده، هفده ساله چی می‌تونه باشه که مثلاً فکر کنه همه مشکلات و سختی‌ها روی شونه‌ی اونه، با این حرف موافق نیستم، به هر حال اون زمان اون دردی که ما داریم، مختص سن خودمونه و برای ما خلیه من اون زمان دبیرستان خوبی نداشتم، از سال دهم هم اصلاً راضی نبودم و نهم هم اذیت می‌شدم، خیلی اتفاق‌ها برام افتاد و دست من نبود، می‌دونن چی دارم بهت می‌گم و این که به طور ناخواسته روم اثر می‌داشتن، مثلاً روزهایی بود که واقعاً کم می‌آوردم و می‌خواستم از همه چی بکشم عقب و همه‌اش به این فکر می‌کردم، شرایطت سخت‌تر از اینا هست؟ تلاش کردی که الان بخوای عقب بکشی، چون که می‌دونن گذشته‌شون واقعاً برای من خیلی درسه، این که هفت ساله تلاش کردند تا مشهور بشن و خوب می‌دونن، اینا حتی در حال دیس‌بند شدن (منحل شدن) بودن اون سال تو کره، اگه اون جایزه رو نمی‌گرفتن، الان دیس‌بند شده بودند، من همه‌اش فکر می‌کردم، مگه شرایطت از اونا بدتر بود، مثلاً یکی از اعضاء در حالی میاد و وارد گروه می‌شه که حتی پول غذا نداشته و مجبور بوده کار کنه، در کنار تمرینایی که می‌کرده، بعد من همیشه این طوری بودم که آیا یعنی زندگیت از این فرد سخت‌تر بوده؟ بیش‌تر از اون تلاش کردی که حالا می‌خوای پا پس بکشی؟

حتی تو دوران کرونا هم آهنگاشون انگیزه بخش بود و تو آهنگ دعوت به رقص شون به این صورت توی آهنگ بود که بالاخره افراد ماسک شون رو از روی صورت شون برمی دارن و باهم می رقصن» (بنفشه، ۲۰ ساله).

الگوبرداری هواداران از ستاره های بی تی اس، در ابعاد صوری و ظاهری، رفتاری و ارزشی، یعنی سه سطح الگوبرداری سطحی، متوسط و عمیق، گسترده است.

شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه خویش از نمونه ای از الگوبرداری سطحی و صوری خود از ستاره های مورد علاقه اش، به قرار زیر یاد کرده است:
«- تأثیری که حرفاشون یا عقایدشون روی خودت گذاشته، چی بوده؟»

خب درباره ال جی بی تی ها نظرم مثبت تر شده، کلاً قبلاً این جور نبود، البته شناخت زیادی هم نداشتم قبلاً از طریق اینا آشنا شدم بیشتر از لحاظ ظاهری که می بینی (اشاره به بینی و لب) و موهام (اشاره به موها) (خنده) و بحث این که لباس جنسیت نداره رو الآن واقعاً باور دارم». تینای ۱۹ ساله و زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه های جداگانه خویش از الگوبرداری های رفتاری خویش از پسران گروه بی تی اس به شرح زیر یاد کرده اند:

«- قبل تر اشاره کردی که استایل شون خیلی برات جذاب بوده، هیچ وقت سعی کردی از استایل شون الگو بگیری؟»

نه، من کلاً خیلی توی این مدل فن گرلی نیستم که مثلاً بخوام شبیه شون بشم، ولی یه چیزی که من خیلی سعی کردم ازش یه جورایی الگو بگیرم، انجامش بدم این بود که دیدم یه سری از اعضاء علی رغم برنامه کاری فشرده ای که داشتن، هنوز سعی می کردن که تو زندگی شخصی شون یه سری مهارت ها یاد بگیرن یا یه سری کارا رو انجام بدن و این که چیزای جدیدی رو امتحان کنن و بعد این جور بودم که خب، اوکی مثلاً طرف که این قدر آدم گنده و مشهوریه، داره هنوز وقت می ذاره و یه سری کارا رو انجام می ده و یه سری چیزا رو یاد می گیره و مثلاً تو هیچ کاری نمی کنی و این باعث شد یه کم تنبلی رو بذارم کنار و منم سعی کنم به جای این که هی بهونه بیارم و هیچ کاری نکنم، مهارت های جدید یاد بگیرم، رو مهارت های قبلیم کار کنم و این جور». «... شما گفتید بعضی از تبلیغات به دنبال نشون دادن وجهه مثبت و خوب گروه هستند.

بله اون تبلیغات هم هستن که هدفشون در اصل اطلاع رسانی هست. یعنی می خوان بگن که این صرفاً یه گروه موسیقی نیست و فعالیت های انسانی و مثبت خیلی خوبی هم داره انجام می ده که خب با این فعالیت های مثبتی که انجام می دن چندتا هدف به دست میاد.

- چه هدف هایی هستن؟

مثلاً اولیش این هست که این فعالیت ها به خودی خود تأثیر مثبت دارن و باعث پیشرفت اوضاع می شن، دومیش این هست که خود گروه مشهورتر می شه با توجه به فعالیت های چند وجهی که داره، یعنی از یه طرف تو حوزه موسیقی داره کار می کنه و از شهرتی که به دست آورده هم برای گسترش کارای مثبت تو دنیا استفاده می کنه، هم برای جهان و هم برای بی تی اس فایده داره. به قول معروف بازی برد- برد هست دیگه (باخنده).

- پس با توجه به قسمتی که از چند وجهی بودن صحبت کردید، از نظر شما بی تی اس هم چند وجهی هست، درسته؟

کاملاً برای این که الآن با زمان گذشته خیلی فرق کرده، اگر بچه ها رو هم نگاه کنیم، متوجه می شیم کاملاً که پدر و مادر این بچه ها تا حد توان خودشون، فقط به این اکتفا نمی کنن که دختر یا پسرشون مدرسه بره. در کنار مدرسه سعی می کنن مهارت یا دانش دیگه ای رو هم کسب کنن مثلاً زبان، هنر، ورزش و برنامه نویسی که خب خیلی مورد توجه قرار می گیرن. خب حالا بچه ها دارن مهارت های مختلف رو یاد می گیرن قطعاً افراد مشهور هم این کار رو انجام می دن».

نیکوی ۱۵ ساله نیز در مصاحبه ای که دارد، از الگوبرداری ارزشی از ستاره های بی تی اس، به قرار زیر یاد کرده است:

«- نیکو جان تاحالا خودت یا بین دوستانت کسی بوده که تحت تأثیر بی‌تی‌اس به هم‌جنس‌گرایی تمایل پیدا بکنه؟»

توی ایران خانواده‌ها، مدرسه، آموزش و پرورش و کلاً جامعه‌مون اصلاً با این موضوع اوکی نیستن که هم‌جنس‌گرا باشی و توی سن ما و بین نوجوون‌ها خیلی‌هاشون ممکنه، واقعاً این حالت رو داشته باشن، یعنی گرایش داشته باشن، ولی مخفی‌اش کنن، به خاطر این که تحقیر نشن و مسخره نشن، به خاطر همین هیچ وقت در موردش حرف نمی‌زنن، مگر این که به دوست خیلی صمیمی شون بگن یا به خواهر و یا برادرشون، یعنی کسی که خیلی بهش اعتماد دارن بگن یا این که تو خودشون نگه می‌دارن. ولی یه سری‌ها هم هستن که واقعاً گی نیستن و تحت تأثیر جوّ کی‌پاپ این توهم رو می‌زنند، مثلاً یکی از دوستانم که فکر می‌کنم خیلی تحت تأثیر این‌ها قرار داره و اعضاء رو خیلی باهم شپ می‌کنه، یه بار داشت می‌گفت که دوست خودش رو یه بار بوسیده و فکر می‌کرد، واقعاً به دخترها گرایش داره، ولی من فکر می‌کنم که خیلی تحت تأثیر مومنت‌های بین اعضاء و شپ‌هاشونه و حتی پروفایلش اکثراً عکس دوتا از اعضاء باهم یا یکی از مومنت‌های بین‌شونه. روی یکی از دوستاش کراش داشت و محبت می‌کرد به اون دوستش و این شبیه همون محبت‌هایی بود که جونگ‌کوک و تهیونگ گاهی به هم نشون می‌دن و حالت تظاهر داره، مثلاً توی یکی از کنسرت‌هاشون به هم دیگه حلقه دادن و مشخص بود که این کارشون ظاهریه، ولی آرمی‌ها خیلی شلوغش کردن که اینا به هم حس دارن که به هم حلقه دادن و یا مثلاً موهای هم رو ناز می‌کنن. این دوستانم با کراشش هم همین شکل کارها رو انجام می‌داد و به نظرم یه جورهایی داشت تقلید می‌کرد».

- ایجاد هویت جمعی جدید در سطح هواداران

کمپانی بیگ‌هیت هم‌زمان با تربیت ستاره‌ها از اوان نوجوانی به شکلی که از هویتی ربات‌مانند (رباتیک) برخوردار شوند، می‌کوشد تا از طریق ستاره‌های خود، هویت جمعی جدیدی در سطح هواداران گروه پدید آورد که به صورت مکمل تبلیغات مورد نظر کمپانی عمل کنند، به این معنا که کمپانی در جریان پردازش هویت جمعی جدیدی برای طرفداران، می‌کوشد تا از هواداران ارتشی آماده هر نوع فداکاری برای گروه بی‌تی‌اس (و در واقع خود کمپانی) پدید آورد. از این رو با تعمیق رابطه ستاره‌ها و هواداران گروه بی‌تی‌اس، صمیمیت روزافزونی بین ستاره‌ها و هواداران ایجاد می‌کند که هواداران نیز به شکل متقابل برای پاسداشت اهمیت و احترامی که ستاره‌ها برای آنان قایل هستند، به شکلی مضاعف و دو چندان، در جهت پیش‌برد اهداف کمپانی و گروه بی‌تی‌اس آن، می‌کوشند.

کسب رتبه‌های نخست در مهم‌ترین سایت‌ها و جشنواره‌های مختلف موسیقی و یا استقبال چند صد میلیونی از برخی از آهنگ‌های گروه پسران، ماحصل تلاش وافر هواداران گروه بی‌تی‌اس است.

تینای ۱۹ ساله، در مصاحبه خود، در توصیف صمیمیت پدید آمده بین ستاره‌ها و هواداران می‌گوید:

«... می‌دونی چی می‌گم؟ مثلاً من خیلی وقتاً شده که واقعاً این جور بود که مثلاً به همین دوستانم می‌گم، بابا اصلاً خیلی احساس آشنا بودن، دارن و واقعاً باعث می‌شن که تو هم احساس کنی، تو هم یه بخشی از این قضیه هستی. شاید علت این که حالا طرفدارای دو آتیشه‌شون، مثلاً دیگه خیلی واقعاً خودشون رو وقف این داستان می‌کنن و هزینه می‌کنن و زمان می‌ذارن، شاید این باشه که اینا باعث می‌شن تو حس کنی که تو واقعاً مهمی و یک بخشی از این قضیه هستی.»

بعد خیلی وقتاً هم شده که مثلاً ما توی خواننده‌های غربی این جوری بودیم که اول همیشه خواننده هست، بعد طرفدار. ولی اینا واقعاً به شکل عجیبی خیلی جاها یا حداقل نمی‌گم همیشه، ولی خیلی جاها واقعاً نشون دادن که اولویت‌شون قبل از خودش طرفداراشونه و نمی‌دونم واقعاً چی می‌شه گفت... واقعاً بهترین اصطلاحی که می‌تونم براشون بگم واقعاً "They feel like home". این وسط فقط اینه فرق شون».

گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از ضرورت قدردانی هواداران از پسران بی‌تی‌اس، به شرح زیر یاد کرده است:

«- کنجکاووم بدونم بی‌تی‌اس چه کار کرده که این قدر دوستش دارید و براتون مهمه که به خاطرش با دیگران درگیر می‌شید؟»

ما فقط بی‌تی‌اس رو دوست نداریم که، اونا هم ما رو همون قدر دوست دارن، وگرنه برامون این همه آهنگ نمی‌خوندن و این همه تو صفحه هاشون واسه آرمی‌ها وقت نمی‌داشتن؛ تنها دلیل جنگیدن و ادامه دادن شون عشق به ما آرمی‌ها هست. همون قدر که اونا به ما انگیزه می‌دن، ما هم به اونا انگیزه می‌دیم».

سایه ۲۱ ساله نیز با اشاره به قسمتی از هواداری‌های عملی که طرفداران گروه بی‌تی‌اس به تحقق آن‌ها پرداخته‌اند، از نمونه‌ای از تقسیم کارهای بین‌المللی تشکل‌های هواداری، به قرار زیر یاد کرده است:

«- یه توضیحی راجع به کام‌بک می‌دید؟

آره، کام‌بک یعنی مثلاً وقتی یه گروه یا یه خواننده بعد از یک مدتی یه آهنگ می‌دن، این می‌شه کام‌بک زدن. حالا اون مدته می‌تونه دو ماه باشه‌ها، ولی خب بالاخره بازگشت‌شونه و اینم هست که سیستم کی‌پاپ با باقی گروه‌ها فرق داره. طرفدارای باقی گروه‌ها این طوری اند که خب این گروهی که من طرفدارشم یه آهنگ داد. خب بعد می‌ری گوش می‌دی و تمام. ولی ما این طوری هستیم که می‌گیم، مثلاً فلان ساعت قراره این آهنگ بیاد. ۱۲ ساعت اول ما می‌خوایم به این تعداد بازدید برسیم، ۱۲ ساعت دوم می‌خوایم به فلان مقدار برسیم و همین طوری. مثلاً این قدر بازدید برای کشورای بیداره، این قدر بازدید برای کشورای خوابه، مثلاً همه‌ی اینا مشخص می‌شه. مثلاً می‌گه این کشورا هست که باید در این ساعت بازدیدهاشون رو انجام بدن و یک‌سری کشورهای دیگه هم هست که توی فلان ساعت باید بازدیدهاشون رو انجام بدن. مثلاً وقتی سینگل اومد، تونستیم تو ۷۰ تا کشور توی آیتونز اول بشیم، پس توی این کام‌بک توی ۸۰ تا آیتونز قراره اول باشیم، نه این که الزاماً قراره به اون برسه‌ها، مثلاً یه هدفی رو مشخص می‌کنه که وقتی افراد دارن بازدید می‌زنن، دارن آهنگ رو گوش می‌دن، دارن پلی‌لیست گوش می‌دن یا دارن هر کاری می‌کنن یه هدفی برای اون افراد مشخص باشه که خب مثلاً به اون برسن، مثلاً خیلی وقتا می‌شه که از اون هدفه رد می‌شن یا خب به اون هدفه نمی‌رسن.

- این هماهنگی کجا انجام می‌شه؟

این هماهنگی رو هر فن‌دومی داره. یعنی در واقع شما طرفدار هر کسی باشی، بالاخره به مرور یه سری پیجا یه سری فن بیس (پایه طرفدارها) بزرگ‌تر می‌شن، یعنی بیش‌تر و بزرگ‌تر از بقیه‌ی دیگه می‌شن و توی این فن بیس‌ها، هماهنگی و تعیین این هدف و اینا که گفتیم، اتفاق می‌افته».

- سبک زندگی

با الگو قرار گرفتن پسران گروه بی‌تی‌اس، در عمل هواداران با سبک زندگی خاصی که آنان بدان دامن می‌زنند آشنایی یافته، می‌کوشند تا بر همان منوال و روش اقدام کنند.

شادی ۱۵ ساله، در مصاحبه خود، در توصیف اجمالی سبک زندگی‌ای که اعضای گروه بی‌تی‌اس به نمایش آن می‌پردازند، دو عامل مصرف‌گرایی بی‌حد و حصر و لذت‌گرایی مفرط (که البته دستورالعمل کمپانی بدان‌ها است) را در سبک زندگی پیشنهادی گروه بی‌تی‌اس، مورد تأکید قرار می‌دهد:

«- سبک زندگی شون بیش‌تر بر پایه چی هست؟

یعنی چی رو نمایش می‌دن؟

- یعنی مثلاً مادیات رو بیش‌تر نمایش می‌دن یا چیز دیگه‌ای؟

آره، کلاً مادیات رو نشون می‌دن اصن. دیگه هر دقیقه لباس عوض کردن شون و اکسسوری عوض کردن یعنی همین دیگه... .

- در زمینه گرایش شون اطلاعی داری؟

خودشون که چیزی نمی‌گن هیچ وقت و معلوم نیست، کدوم وری هستن، اما هر دو ور رو دارن، یعنی بعضاً رفتارهای هم‌جنس‌گرایی هست توشون، مثلاً هم دیگه رو بوس می‌کنن مثل دوتا رل هم‌جنس‌گرا یا مثلاً روی پای هم می‌خوابن یا تو بغل هم و همه می‌گن لابد ال‌جی‌بی‌تی هستن، ولی بعدش پهلو خبرش میاد با فلانی لاس می‌زدن که خانوم بوده».

- تشویق هرج و مرج اجتماعی

کمپانی بیگ‌هیت در راستای پردازش گروه بی‌همتا، از آغاز با شناخت سردرگمی‌های نوجوانان و جوانان از سویی و پرداختن به موضوع‌های مبتلابه نوجوانان و جوانان، کوشیده است تا خود را در نقش منجی جوانان معرفی کند. از سوی دیگر، واقعیت امر این است که کمپانی در درجه نخست اهمیت به دنبال تحقق اهداف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود است، نه حل مشکلات جوانان این سو و آن سوی جهان، بنابراین یک دست نبودن شعارهای گروه بی‌تی‌اس که از سویی ماحصل ژست منجی‌گری گروه و از سوی دیگر حمایت بی‌چون و چرا از نظام سرمایه‌داری است، سبب می‌شود گاهی شعارهای گروه متعارض جلوه‌گر شوند، به عنوان مثال، دادن وعده جامعه‌ای انسانی و متعالی، با تبلیغ گران‌ترین نشان(برند)های جهان سرمایه‌داری، در تعارض باهم قرار دارند، اما در نهایت اهداف گروه، منوط به طرح شعارهای جهان سرمایه‌داری و دفاع از آن خلاصه می‌شود.

محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش بیان می‌دارد، شعار غایی گروه بی‌تی‌اس «خودت را دوست داشته باش» هست که این شعار، به شدت فردگرایانه، با زندگی اجتماعی افراد همخوانی نداشته، هرج و مرج اجتماعی در جامعه را دامن می‌زند:

«... بعد یه چیز دیگه هم هست که خیلیا اشتباه برداشت می‌کنن، این آیدولا نمیان بگن گی بودن خوبه، لز بودن خوبه یا این جور چیزها، اینا می‌گن تو هر جور هستی، قابل احترامی، هر طوری که باشی ما بهت احترام می‌ذاریم، کاری که دوست داری رو انجام بده، کسی نمی‌تونه به تو چیزی بگه، آخر آخرش، همینه که می‌گن خودت رو دوست داشته باش، لاو یورسلف در هر شرایطی با هر ویژگی که داری».

اثرگذاری‌های فرهنگی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران

کمپانی بیگ‌هیت در تلاش برای بی‌مانند ظاهر شدن، در عمل گروه موسیقیایی خودش را از سمت صنعت موسیقی به سمت و سوی صنعت سرگرمی سوق و ارتقاء داده است و مخاطبان ضمن کاربری از موسیقی گروه پسران بی‌تی‌اس، در عمل وقت بیش‌تری صرف گروه کرده، فراغ بال و سرگرمی‌های خویش را نیز با آنان سپری می‌سازند، نکته اخیر سبب می‌شود، برخلاف کشورهای غربی که با فاصله افتادن بین اجرای یک خواننده یا گروه خوانندگی، ستاره‌های آن به دست فراموشی نسبی سپرده شوند، ستاره‌های بی‌تی‌اس به هیچ عنوان بین دو اجرا (که ممکن است چندین ماه به درازا بکشد)، فراموش نشوند.

زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«- گفتید یک صفحه وجود داره که شما علاقه‌مندی زیادی بهش دارید.

بی‌تی‌اس آیلند.

- بله، بی‌تی‌اس آیلند چه طور صفحه‌ای هست و چه محتوایی رو به اشتراک می‌گذاره؟

بی‌تی‌اس آیلند هم جزو پیج‌های اصلی گروه هست و تفاوت زیادی در محتواهاشون وجود نداره، ولی یه داستان در موردش هست. این هفت نفر دارن تو یه فضایی که کاملاً آرامش و صلح درش وجود داره، زندگی می‌کنن. پست‌هایی که گذاشته می‌شن هم تماماً کارتونی هستن. بیش‌تر جنبه سرگرمی داره و کمی هم متفاوت با پیج‌های دیگه گروه هست. به خاطر کارتونی بودنش شادتر و بامزه‌تر هست... .

- عکس‌هایی که داخل این صفحه گذاشته می‌شه، اون‌ها رو در حال انجام چه کارهایی نشون می‌ده؟

خیلی کارها انجام می‌دن که بیش‌ترشون روزمره به حساب میان، مثلاً می‌رن به طبیعت برای خوش گذرونی. پیک نیک دیگه (باخته) می‌رن پیک نیک. ولی مثلاً تازگی چندتا پست گذاشته بودن که اینا رفته بودن فضا بازم برای خوش گذرونی (باخته). چون کارتونی هست یه کم چیزای غیر واقعی رو هم می‌ذارن. ولی هدف اصلی سرگرم کردن دنبال کننده‌ها هست».

بنفشه ۲۰ ساله و سونیا ۱۷ ساله، در مصاحبه‌های خود به شرح نمونه‌هایی از سرگرمی‌های ارابه شده توسط گروه پسران بی‌تی‌اس پرداخته اند:

«- درباره برنامه‌هایی که بی‌تی‌اس داره، مثل ران بی‌تی‌اس و این‌ها و لایوهای به خصوصی که می‌گذارن، توضیح می‌دی؟

در مورد برنامه که «ران بی‌تی‌اس» معروف‌ترین شونه، اما خیلی چیزای دیگه داریم مثلاً «بن‌وویاج» داریم که مثلاً اینا چند روز می‌رن مسافرت و «بی‌تی‌اس این د سوپ» داریم که اونم یه همچین حالتی داره تو برنامه‌های دیگه شرکت می‌کنن، «ریئالیتی شوها» بودن، وی لایو می‌رن، «لایو» می‌ذارن خیلی از این‌ها رو داشتیم ما یه چیزی مثل «فستا» داریم که هر ساله جشن می‌گیریم و این طوری که سالگرد هر ساله دیو بی‌تی‌اس و کانسپت‌های جدید به ما می‌دهند، بعضی وقت‌ها آهنگ حتی می‌خونن لایو گروهی می‌رند و بعد هر نامزدی یا بعد هر مسابقه‌ای که برنده می‌شن یا مثلاً چیزی دریافت می‌کنند یه لایو گروهی می‌رند برای تولداشون لایو می‌گیرن بعضی وقتا، خیلی از اینا رو داریم.

- همه برنامه‌ها رو هم دیدی؟

آره 😊😊».

«- چه چیزی تو رو به سمت این گروه جذب کرد؟

چیزای مختلفی بود، اول از آهنگاشون خیلی خوشم اومد با موزیک ویدیوهاشون. ولی بیش‌تر از همه این که خیلی به آرمی‌ها و طرفدارهاشون اهمیت می‌دادن جذب کرد و همچنین اجراهاشون.

- اهمیت دادن به آرمی‌ها چه طوری هست؟

مثلاً لایوای مختلف می‌ذارن تا با آرمیا صحبت کنن، بعد توی لایو امکان کامنت گذاشتن رو فعال می‌ذارن تا اگر کسی چیزی می‌خواد بگه یا سوالی داره بپرسه و به سوالا جواب می‌دن بعضی از خواننده‌ها، فقط خواننده هم نه، کلاً سلبریتیا، میان لایو می‌ذارن یا امکان کامنت گذاشتن رو غیر فعال می‌کنن یا اصن به کامنتا توجه نمی‌کنن».

«- داخل فن‌میتینگ‌ها چه اتفاقی می‌افته؟

تقریباً مثل همون لایوه، فقط اون مجازیه این واقعی. طرفدارا سوال می‌پرسن، اونا هم جواب می‌دن، مثلاً من داشتم یکی از فن‌میتینگا رو می‌دیدم، بی‌تی‌اس رفته بود ژاپن بعد یکی از فنا داشت می‌پرسید، نظرت در مورد کشور و مردم ما چیه از این جور سوالا. بعضی از فنا می‌رن عکس می‌گیرن باهاشون، بعضیا دسته گل می‌دن، می‌دونی این سوال جوابا زیاد مهم نیست، مهم اینه که میان برای طرفداراشون وقت می‌ذارن و به اونا اهمیت می‌دن.

- به نظرت دلیل این اهمیت دادن چیه که نشست‌های این طوری با طرفدارها برگزار می‌کنن و به سوال‌هاشون پاسخ می‌دن؟

من خودم اصلاً بین سلبریتیا ندیدم این طوری بیان یه برنامه ویژه و جداگونه برای دیدن فناشون داشته باشن. اصن یکی از دلایل دیگه‌ای که من دوس‌شون دارم، همینه. دلیل انجام این کارشون هم خب اینه که علاقه فنا به اینا خیلی زیاده و اینا هم می‌خوان علاقه‌شون رو به فنا نشون بدن و بگن که فنا چه قدر برای ما مهم ان و ارزش دارن...».

- پس یکی از راه‌های توجه کردن به طرفدارها برگزار کردن لایو و پاسخ به پرسش‌ها هست. موارد دیگه‌ای هم هست؟

آره فن‌میتینگ یه دونه دیگه هست، فن‌میتینگ هم تو کره برگزار می‌کنن، هم مثلاً کنسرت داشته باشن تو کشوری دیگه قبل یا بعد از کنسرت فن‌میتینگ برگزار می‌کنن».

همان‌گونه که از اظهارنظر سونیا پیداست، گروه بی‌تی‌اس، به عنوان یک گروه جهانی، تنها خود را محدود به هواداران کره‌ای خویش نکرده، برای هواداران خود در سایر کشورهای جهان نیز فن‌میتینگ (و نظایر آن) را برگزار می‌کند تا روابط خود با آنان را نیز بهبود بخشیده، به این روابط عمق بیش‌تری بدهند.

گروه بی‌تی‌اس علاوه بر ارتقای صنعت موسیقی به صنعت سرگرمی، خطمشی‌های فرهنگی کمپانی را نیز مدنظر داشته، در ترویج این خطمشی‌ها می‌کوشند.

جنسیت‌زدایی از آرایش، پوشش و عشق، یکی از مهم‌ترین خطمشی‌های کمپانی و گروه آن است. به این معنا که ستاره‌ها با پذیرش آرایش‌هایی که با آرایش‌های زنانه فرق چندانی ندارند، پوشیدن لباس جنس مخالف و گرداندن پرچم گروه ال‌بی‌جی‌تی‌کیو و انجام رفتارهایی که تداعی‌گر همخوانی آنان با هر دو گرایش جنس موافق و مخالف هستند، در عمل در صدد پیش‌برد و تحقق اهداف فرهنگی کمپانی خویش هستند. نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، با اشاره به آرایش‌های بعضاً زنانه اعضای گروه بی‌تی‌اس، اظهار می‌دارد:

«... توی اون برنامه تلوزیون می‌گفتن که این‌ها قیافه‌هاشون شبیه دخترها هست و نمی‌شه تشخیص‌شون داد و این حرفاییه که خیلی‌ها می‌زنن و واقعاً آدم ناراحت می‌شه و این که گفته بود، این‌ها آرایش می‌کنن و پسرها نباید هیچ وقت آرایش کنن و چیزهای این طوری گفته بود، اینم گفته بود که این‌ها به خاطر قیافه‌هاشون دارن بچه‌ها رو نابود می‌کنن و مادر و پدرها باید حواس‌شون باشه. حتی توی مدرسه خودمون هم مشاور مدرسه در این مورد اومد گفت که بچه‌هاتون که پروفایل‌هاشون عکس بی‌تی‌اس هست، این باعث می‌شه که بچه‌ها اعتماد به نفس‌شون بیاد پایین، به خاطر این که قیافه‌های این‌ها رو می‌بینند، چون این‌ها خیلی خوشگل هستن، به بچه‌هاتون بگید طرفدار این‌ها نباشند و این عکس‌ها رو از پروفایل‌هاشون بردارند».

نکته مهمی که در مقوله اقدام‌های فرهنگی گروه بی‌تی‌اس نباید از آن ناگفته گذشت، فضای ابهامی است که بعضاً در ارتباط با خطمشی‌های فرهنگی (و عیناً سیاسی، اقتصادی و عقیدتی) گروه وجود دارد. به این معنا که گروه از سویی به دلیل دادن شعارهای بسیار زیبای انسان‌دوستانه و از سوی دیگر به دلیل حمایت از سرمایه‌داری عنان گسیخته، خود به خود دچار تعارض‌های زیادی می‌شود که در حالت اخیر، پناه جستن به زبان رمز و اشاره، از این امکان برخوردار است که با ایجاد بستری برای تفاسیر گوناگون، میان گروه را از بسیاری از نقدهای گزنده محافظت خواهد کرد. ترنم ۱۸ ساله، در فرازی از مصاحبه خودش، از کار کرد نشر «فتوبوک» توسط ستاره‌ها، به قرار زیر یاد کرده است:

«- فتوبوک چیه که ازش حرف می‌زنی؟»

فتوبوکی که من درباره اعضای می‌گم، اینه که اونا میان با سلیقه و طراحی‌هایی که خودشون توی عکس‌برداری‌ها انجام می‌دن، حرف‌هایی که تا حالا تو دل‌شون مونده و به هر دلیلی نتونستن به ما بگن با یه سری تصاویر و نمادهای خاص به ما نشون می‌دن، بعد اینا رو تو یک مجله جمع آوری می‌کنن و به عنوان مرچ می‌فروشن. دقیقاً مثل همین کام اوت جیمین که به شکل مستقیم اعلام نکرده، چه گرایش جنسی داره و در قالب تصاویر به ما فهموند».

اثرگذاری‌های آموزشی اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روی هواداران

از گروه‌های موسیقایی معمول انتظار زیادی نمی‌رود که به لحاظ آموزشی هم اهداف خاصی را دنبال کرده و در کنار آرایه‌های خودشان، در این جهت نیز فعال ظاهر شوند، اما از آنجا که کمپانی بیگ‌هیت، علاقه‌مند به طرح گروه بی‌تی‌اس به صورت گروهی متفاوت است، در کنار

نشر مواردی مانند آموزش رقص همراه با آهنگ خاصی که گروه به اجرای آن پرداخته است، در متن آهنگ‌ها، مفاهیمی فلسفی، روان‌شناختی یا اجتماعی را مطرح می‌کند که از بار آگاهی‌بخشی و آموزشی خاصی برخوردارند و در جهت‌بخشی به مخاطبان هوادار، مؤثر واقع می‌آیند.

نیکوی ۱۵ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، از آموزش رقص همراه با آهنگ‌های گروه به قرار زیر یاد کرده است:

«... بی‌تی‌اس و گروه‌های کی‌پاپ یه چیز خوبی که دارن، اینه که برای یادگیری رقص‌هاشون بعد از هر آهنگ جدیدی که می‌دن بیرون یه ویدیو تولید می‌کنند و اون ویدیو تمرین رقص‌شونه و خیلی کمک می‌کنه که آدم یاد بگیره».

مهرشید ۲۱ ساله، در مصاحبه‌اش از نمونه‌ای از آگاهی‌بخشی‌های مهم گروه پسران، خطاب به مخاطبان‌شان یاد می‌کند که شاید افراد بسیاری درگیر آن هستند:

«- نوع موسیقی که می‌خوانند، چه طور هست؟»

همه جور می‌خونن، ولی غمگینش هم تهش یک پیامی داره. حالت موسیقی‌شون همیشه نه غمگینه و نه همیشه شاده، همه‌شون یک جوری می‌خوام بگم انرژی‌زا هستند، ولی حتی اگه غمگین باشه، یه جورایی پیام توش داره، به‌طور مثال، یک آهنگ خیلی معروف‌شون هستش به نام فیک لاو یعنی عشق دروغین، یک آهنگ غمگینه، تماماً در مورد یک عشق الکی و عشق دروغین صحبت می‌کنه. توی یک پارتش (بخش) جالبه می‌گه: «من می‌خواستم بهترین مرد دنیا برای تو باشم و خواستم اون قدر خودم رو تغییر بدم تا اون چیزی که تو می‌خواهی بشم، بعد اون قدر تغییر کردم که حتی وقتی جلوی آینه هم رفتم، خودم، خودم رو نشناختم که این واقعاً منم، اون وقت فهمیدم که تو اگر واقعاً عاشق من بودی، من رو با تمام خوبی‌ها و بدی‌هام می‌خواستی، نه این که من بشم یه آدمی که تو می‌خواهی تا اون هویت اصلی خودِ خودم از یادم بره».

درسته آهنگ جنبه‌ی غمگینی داره... اما تهش داره این پیام رو می‌ده که تو حتی واسه یه آدمی که دوستش داری، حتی آدمی که عاشقش، نمی‌خواد تغییر کنی، یعنی خودت رو تبدیل کنی به یه آدمی که اون می‌خواد. درسته عوض شدن خوبه‌ها، ولی عوض شدنی که نتیجه مثبت داشته باشه، نه عوض شدن و تغییری که بشی یه آدم دیگه، آدم دیگه‌ای که بقیه دل‌شون بخواد، نه اونی که تو هستی. خیلی از آهنگ‌های دیگه حتی اگر غمگین باشن، پیام یک چیز دیگه‌ای رو داره... دارن در مورد یک چیز دیگه‌ای صحبت می‌کنه.

گاهی اوقات در مورد زندگی خودشون می‌گن که مثلاً چه طوری به این جایگاه رسیدن، همه چیز گل و بلبل نبوده، همه چیز عالی نبوده و سختی‌هایی هم بوده که متحمل شدن و حالا رسیدن به جایی که هستن. انتقادهایی که بهشون می‌شه، گاهی اوقات یک سری موسیقی‌هایی هستند که به اصطلاح می‌گن این موسیقی‌ها برای هیترها هست. هیترها کسانی هستن که دائماً شروع می‌کنن به هیت دادن... این گروه بده... این گروه قوی نیست... ضعیفه... این مشکل داره. بعضی از این موسیقی‌ها هم در جواب این پیچ‌ها و صحبت‌های انتقادی و پاسخش رو می‌دن، نهیش می‌کنند و یا توضیح راجع بهش می‌دن».

اثرگذاری‌های اخلاقی - عقیدتی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران

افراد با کاربری از افراد و گروه‌های مختلف تحت تأثیر آنان قرار گرفته، کم و بیش به همان روشی که آنان در عمل و نظر رفتار می‌کنند، عمل کرده و رفتار می‌کنند. از این رو انتظار می‌رود، نوجوانان و جوانان هوادار پسران بی تی اس، تحت تأثیر اعضای گروه بی تی اس، در ابعاد اخلاقی و عقیدتی نیز از اعضای گروه تأثیر پذیرفته، آثاری از ارزش‌های اخلاقی و عقیدتی آن را در خود به معرض دید بگذارند.

از یک منظر کلی می‌توان دو دیدگاه عقیدتی و به تبع آن اخلاقی را مشخص کرد. دیدگاه دینی و دیدگاه معنویت‌گرا (اسپیروچوآلیستی)، دیدگاه‌هایی هستند که یکی با پذیرش خدا و دیگری با عدم پذیرش خدا، خط‌مشی واحدی را مدنظر قرار داده، آدمی را مکلف و تکلیف‌مدار در نظر گرفته اند.

دیدگاه غیردینی و مادی، باکنار نهادن خدا از مدار هستی، در عمل انسان را به جای خدا قرار داده است و از آنجا که بیش‌تر انسان‌ها در مراجعه به خویش، در درجه نخست اهمیت، صرفاً حواس خودشان را می‌یابند، لذت‌مداری اندیشه غالب در جهان بینی مادی است.

کمپانی بیگ‌هیت در جریان پردازش گروه بی‌تی‌اس، اگر چه تلاش دارد، ژست‌های روشنفکرانه‌ای به خود بگیرد، اما در یک خط‌مشی کلی برای ستاره‌های خود، ممنوع کرده است که آنان از مواردی مانند دیدگاه عقیدتی خویش، دیدگاه سیاسی خود، گرایش جنسی خویش و مانند آن، کم‌تر صحبتی به میان بیاورند، زیرا ارایه اطلاعات دقیق از افراد و کل گروه، سبب می‌شود افراد منطبق با خط‌مشی‌های ستاره‌ها، به علایق خود به آنان ادامه داده، اما افراد غیر منطبق با خط‌مشی‌های صریح اعلان شده ستاره‌ها، به احتمال زیاد از آنان فاصله گرفته و هواداری گروه را وامی‌نهند. بنابراین ضرورت دارد که ستاره‌ها با عدم طرح هرگونه اعتقاد و جهان‌بینی خویش، در عمل همه مخاطبان را زیر پوشش خود حفظ کنند.

باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در توصیف برخی از ژست‌های روشنفکرانه گروه بی‌تی‌اس، اظهار می‌دارد:

«از دیدگاه تو طرفدار کی‌پاپ بودن استانداردها رو بالا می‌بره؟ مثلاً بعضی افراد تو رسانه‌ها دیده می‌شن که دوست پسرشون شاکی ان از این قضایا 😊»

برای من بله، اکثر آرمی‌هایی که دیدم دنبال درس و کار ان و تو انتخاب دوست و پارتنر استانداردهاشون زیاد شده، مثلاً بی‌تی‌اس اون قدر برای زن‌ها احترام قایله که متن آهنگ‌ها رو با یه متخصص حقوق زنان چک می‌کنه که بی‌احترامی به زن‌ها توش نباشه. همین قضایا هست که باعث می‌شه استانداردهای ما بره بالا».

تینای ۱۹ ساله و سونییای ۱۷ ساله، در مصاحبه‌هایی که داشته اند، از تلاش ستاره‌ها دال بر عدم طرح دیدگاه عقیدتی خویش به قرار زیر یاد کرده اند:

«پسران بی‌تی‌اس راجع به دین‌شون هم صحبت کرده اند؟ چون صحبت‌هایی که در این رابطه شنیدم یه مقداری تناقض داشته، بعضیا اعتقاد دارن که دین‌شون مسیحیه، بعضیا هم می‌گن که آتئیست هستن».

یادمه که همین چند وقت پیشا من توی توئیتر خوندم که بی‌تی‌اس هیچ وقت به صورت آفیشال (رسمی) نگفتن دین‌شون چیه، مثلاً تو یوتیوب یه بار یه ویدیو دیدم که خودشون حدس زده بودن با توجه به این که چه می‌دونم روی گردنبنند یکی‌شون صلیب دیدن، طرف شاید مسیحی باشه. مثلاً دوتای دیگه رو گفتن که خب هیچ وقت هیچی مطرح نکردن، خب شاید اعتقادی نداشتن. ولی خب کلاً من تا جایی که می‌دونم خود کره‌ای‌ها یا همون مسیحی اینان یا از اینان که هیچ اعتقادی ندارن کلاً. بعد واقعاً اینا نمی‌تونن همچین چیزایی رو بگن دیگه و می‌دونم یه همچین حرفایی نزنن. حالا یا شایدم طرف خونده، من هنوز نخوندم. مثلاً من حالا با اعتماد به نفسم، همه چی رو خیلی رد نکنم. امکانش هست طرف بی‌دین باشه، چون خیلی از کره‌ای‌ها این بین‌شون هست که دین ندارن، شاید حتی از نصف بیش‌تر».

«اعضاء در مورد دین خودشون چیزی نگفتن؟»

اصلاً، اصلاً (با شدت فراوان) نگفتن و نبایدم بگن.

چرا نباید بگن؟

اگه مثلاً مسیحی باشن ممکنه کلی طرفدار که مسلمون ان یا دین دیگه‌ای دارن رو از دست بدن. حتی اگه بگن خدا رو قبول دارن یا ندارن هم باز همینه. خیلیا که خدا رو قبول دارن، اگر متوجه بشن اینا خدا رو نمی‌پرستن، ممکنه دیگه فن اینا نباشن.

در مورد نامجون چه طور گفتید که فکر می‌کنید اعتقادی نداره؟

ببینید در مورد دین‌شون هم دقیقاً همون کاری رو می‌کنن که در مورد گرایش جنسی‌شون کردن. نه گفتن هم‌جنس‌گرا هستن، نه گفتن نیستن.

دین شون رو که اصن حرفی در موردش نزدن این که هیچی. بعیدم هست ازش چیزی بگن، در مورد خداپرست بودن یا نبودنم باز حرفی نزدن. ولی نامجو یه بار یه صحبتی کرد تو یکی از فن میتینگا که گفته بود من دینی ندارم، ولی خدا رو شکر می‌کنم، یعنی به خدا اعتقاد داره، ولی واضح گفته که دینی ندارم».

زهرای ۲۴ ساله و سونای ۱۷ ساله نیز در مصاحبه‌های خویش، از تلاش ستاره‌ها دال بر عدم طرح گرایش جنسی خودشان، به شرح زیر یاد کرده اند:

«این که یک نفر از گرایش جنسی خودش حرفی نمی‌زنه خب معقول و منطقی هست، چون جزو شخصی‌ترین مسایل فرد هست. اما وقتی یک فرد در معرض این قرار می‌گیره که بهش بگن هم‌جنس‌گرا، اون هم با دیدگاه‌های غالباً منفی که شما هم عرض کردید، به نظر شما چرا سکوت می‌کنه و تأیید یا تکذیب نمی‌کنه؟

این جزو یکی از مواردی هست که تصمیمش با گروه نیست و کمپانی تصمیمش رو گرفته. ببینید کمپانی‌ها دنبال منفعت خودشون هستن. اگر هر گروه و یا فردی هم‌جنس‌گرا بودن یا نبودن خودش رو تأیید کنه، احتمال بسیار بالا، تعدادی از دنبال کننده‌های خودش رو از دست می‌ده و کمپانی حاضر نیست ضرر کنه، پس به خواننده‌های خودش اجازه بیان حقیقت رو نمی‌ده.

- چون ممکن هست که دنبال کننده‌هاشون رو از دست بدن؟

اگر بگن آره، ما هم‌جنس‌گرا هستیم با وجود اون دیدگاه‌های منفی که گفتیم قطعاً طرفدارهاشون کم می‌شه. اگر هم بگن نه ما هم‌جنس‌گرا نیستیم، باز هم بازخوردهای منفی دیگه‌ای براشون به همراه داره از طرف افرادی که هم‌جنس‌گرا هستن... .

- در مورد دیدگاه‌های هم‌جنس‌گرایانه که پیرامون گروه وجود داره، چه نظری دارید؟

این که اعضاء هم‌جنس‌گرا هستن یا هم‌جنس‌گرایی رو ترویج می‌دن؟

- با توجه به مواردی که بقیه می‌گن شایعات درباره‌ی هر دو مورد هست. اگر نظر خودتون رو در مورد هر دو بگید، خیلی خوب هست.

من به شخصه مشکلی با هم‌جنس‌گرایی ندارم، حالا یه سری می‌گن ترویج می‌دن این قضیه رو. تاحالا حمایت کردن از این افراد، اما نگفتن عضوی از این جامعه هستن یا نه.

پس من نمی‌تونم بگم که اینا ترویج می‌دن یا نه و نظر من درباره‌اش چیه، وقتی اصلاً بحثی از این نشده. درسته یه سری‌ها اینا رو به قول ما شیپ می‌کنن باهم، ولی خودشون این رو تأیید نکردن. من حمایت‌شون رو انکار نمی‌کنم، چون بارها خیلی مستقیم حمایت کردن مثل خیلی از گروه‌های دیگه و یا خواننده‌های دیگه کی‌پاپ».

«من یه دوستی داشتم فیلم خیلی زیاد می‌دید، بعد مثلاً از بازیگرای مرد خوشش می‌اومد، می‌رفت سرچ می‌کرد، در موردشون می‌خوند. اگر بازیگره ازدواج کرده بود یا هر رابطه‌ی دیگه‌ای که داشت، دیگه از اون بازیگره خوشش نمی‌اومد. البته نه این که خوشش نیاد، می‌گفت اون حسم از بین رفت. اون موقع بود که من متوجه شدم، چرا آیدولا نباید قرار بذارن یا گرایش جنسی‌شون رو بگن، چون تعداد طرفداراشون کم می‌شه».

یکی از تبعات اولیه عدم طرح صریح گرایش‌های عقیدتی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و حتی زیباشناختی افراد، سردرگمی است که برای مخاطبان پیش می‌آید. به عنوان مثال، باران ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش به نقل از یکی از ستاره‌های بی‌تی‌اس بیان می‌دارد «تنها باید خوشحال بود»، اما شادمانی در دو دیدگاه جهان‌بینی الهی و مادی از تفاوت اساسی برخوردارند. در جهان‌بینی الهی شادمانی در صورت ادای تکالیف فرد محقق می‌شود که البته این ادای تکلیف ممکن است با سختی‌ها و مشقات زیادی هم توأم باشد، اما در جهان‌بینی مادی، شادمانی عمدتاً مبتنی بر

کسب لذت حسی (نظیر خوردن یک نوشیدنی گوارا) است. بنابراین فرد در تحیر می‌ماند که اساساً شادمانی که ستاره‌های بی‌تی‌اس از آن یاد می‌کنند، سنخ شادمانی معنوی است یا مادی:

«... نامجون می‌گه، اگر می‌خوای بقیه رو دوست داشته باشی، باید اول خودت رو دوست داشته باشی، این رو خیلی دوست دارم و نامجون تو کنسرت هم یه بار گفت، از ما استفاده کنید تا خودتون رو دوست داشته باشید و کلاً راجع به سلف لاو خیلی صحبت می‌کنن. یونگی هم می‌گه، کسای که رؤیایی ندارن، مشکلی نیست. مهم اینه که خوشحال زندگی کنین، اینم خیلی دوست دارم، یه موقع‌هایی می‌شه تو زندگی که حال آدم خوب نیست و خسته شده از دویدن و تلاش کردن و این جمله یونگی همیشه بهم امید می‌ده که مهم اینه خوشحال باشی و اینا. این آهنگ رو وقتی که انگیزه‌ام پایینه گوش می‌دم، خیلی دوسش دارم. لیریک مورد علاقه‌ام خیلی زیاده همه‌شون رو به شدت دوست دارم، ولی قفلی الانم آهنگ استیل ویت یو از کویک. وای خیلی آهنگش خوبه می‌خوام یه تئو ازش بزنام.»

اما با وجود آن که پسران گروه بی‌تی‌اس در طرح مواردی مانند خط‌مشی‌های عقیدتی - اخلاقی (و اقتصادی - سیاسی) خویش، جانب احتیاط را رعایت کرده، در موارد اخیر حرفی نمی‌زنند، اما بعضاً در اشکال غیرمستقیم، خط‌مشی‌های خویش (و به تعبیر دقیق‌تر کمپانی بیگ‌هیت) را مطرح می‌سازند.

گلنوش ۱۴ ساله، در اظهارات خود خاطرنشان می‌سازد، وی پیام لذت‌مداری را از گروه بی‌تی‌اس اخذ کرده است:

«- خوب چه طوری ازشون راهنمایی می‌گیری؟»

من هر موقع که مشکلی برام پیش میاد، آهنگای مورد علاقه خودم رو گوش می‌دم و انگار بهم الهام می‌شه باید چه کار کنم یا بعضی وقتا باعث می‌شه بعضی چیزا بهم الهام بشه، باید چه کار کنم یا بعضی وقتا باعث می‌شه، بعضی چیزا بهم یادآوری بشه و کم‌تر خودم رو اذیت کنم.

- مثلاً چی بهت یادآوری می‌شه وقتی آهنگ‌ها رو گوش می‌دی؟

مثلاً همون آهنگ سو وات، همیشه بهم یادآوری می‌کنه، همون چیزهایی که بهت گفتنم رو... یا مثلاً خیلی آهنگ‌ها بهم یادآوری می‌کنن که دنیا ارزش غصه خوردن رو نداره و از زندگیم لذت ببرم.

- اگه یک روز به این نتیجه برسی که بی‌تی‌اس اشتباه کرده یا تو راه اشتباه رو رفتی، پشیمون نمی‌شی؟

اولاً که بی‌تی‌اس هیچ وقت اشتباه نمی‌کنه. دوماً یک آرمی یاد گرفته که هیچ وقت از کاری که کرده پشیمون نشه.»

شادی ۱۵ ساله، بنفشه ۲۰ ساله، سونیای ۱۷ ساله و تینای ۱۹ ساله نیز در مصاحبه‌های جداگانه خویش، از اخذ پیام جنسیت‌زدایی در آرایش، پوشش و عشق پسران بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- جنسیت‌زدایی هم از پوشش می‌کنن؟»

یعنی مثل دخترا لباس بپوشن؟

- آره.

آره خب، خیلی زیاد مثل دخترا لباس پوشیدن و حتی شاید بشه گفت، اکثراً لباساشون دخترونه هست (باخنده) تا پسرונה و رفتاراشون، حتی اکسسوری که می‌اندازن و رنگ مو و میکاپ هم همین طور.»

«- آیا در کل بی‌تی‌اس از جامعه ال‌جی بی‌تی حمایت می‌کنه؟»

آره خب، تو کنسرت‌ها اکثراً این اتفاق می‌افته که با نوع پوششون حمایتشون رو از جامعه ال‌جی بی‌تی نشون می‌دن، مثلاً دامنی که شوگا توی مجله وگ پوشید و یا جونگ‌کوک که پرچم ال‌جی بی‌تی رو گرفته و نامجونم که لباس دامن‌طور پوشیدن.»

«- تهیونگ و جونگ کوک رو که شما گفتید. عکس‌هایی هست که نشون می‌ده این‌ها مثلاً بوسیدن همدیگه رو و معمولاً هم بین اون دو این رابطه وجود داره، نه بقیه اعضای گروه. به نظرتون باهم رابطه‌ای فراتر از دوستی ندارن؟

آره منم اون عکسا رو دیدم از یه طرف بعضیاش فتوشاپ هستن. ولی بعضیاش واقعی ان که شاید برای حمایت از هم‌جنس‌گراها باشه یا شاید آره تهیونگ و جونگ کوک هم‌جنس‌گرا باشن، چون چیزی نگفتن هیچ کس نمی‌دونه بعضیا می‌گن آره هستن، بعضیا می‌گن نیستن».

«... مثلاً نامجون توی کنسرت‌ها به عنوان لیدر وقتی حرف می‌زنه می‌گه که ما عاشق همه‌تون هستیم از هر جنس و هر نوع و هر گرایشی که باشین و از این حرفا یا مثلاً این که خیلی راحت توی مصاحبه‌هاشون گریه می‌کنن یا تو کنسرتاشون هر حسی که دارن رو نشون می‌دن یا مثلاً میکاپ می‌کنن و از این حرفا، من احساس می‌کنم به صورت غیر مستقیم دارن نشون می‌دن که هم ساپورت می‌کنن و هم واس‌شون یک چیز خیلی اوکیه، یعنی مثلاً هیچ چیز عجیب و جدایی از بقیه قضیه‌ها نیست و اصلاً این طور نیست که رفتار متفاوتی نسبت بهش داشته باشن و احساس می‌کنم این رفتار عادی‌سازی شونه که به صورت غیر مستقیم تأثیر می‌ذارن.

حالا چه بسا که تو فندوم کلی آدم هست که این عضو رو با اون عضو شیپ می‌کنه و از این طریق یه سری آدم خواه‌ناخواه دارن ساپورت می‌کنن، حالا چه توهم زده باشن، چه واقعی. به هر حال کلی ساپورت دارن و خیلیا گی شیپ می‌کنن توی بی‌تی‌اس. یعنی به کلی بگم به صورت مستقیم ندیدم که تأثیر داشته باشن، ولی به صورت غیر مستقیم پیام رو رسوندن حالا نمی‌دونم شاید هم برداشت من باشه این».

در گذر زمان به نظر می‌رسد اعضای گروه بی‌تی‌اس، با کنار نهادن پنهان‌کاری‌های پیشین، به شکلی نسبتاً صریح‌تر به طرح آرا و عقاید عقیدتی و اخلاقی خویش (و به تعبیر دقیق‌تر کمپانی بیگ‌هیت) پرداخته‌اند که این آرا منطبق بر جهان‌بینی مادی و انسان‌مداری و لذت‌مداری موجود در این جهان‌بینی است.

ترنم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، در همین ارتباط بیان می‌دارد:

«... مثلاً تو آهنگ دینامیت، اولش جونگ کوک می‌گه صبح‌ها پا می‌شم شیر می‌خورم. نه مثل این گروه دخترونه بلک‌پینک که لیسا تو یک آهنگش می‌گه، مشروب و الکل، از سال ۱۸۹۵ عه حتی از اون موقع که من نبودم برام نگه داشتن و یه جورایی طرفدارهاشون را تشویق به مصرف این جور چیزها می‌کنن، من خوشم نمی‌اومد، چون اکثر فن‌های چه بی‌تی‌اس باشه، چه گروه دیگه‌ای، از ۱۲ سال بگیر تا به بعدش فن می‌شن و اینا بزرگ می‌شن به تقلید از حرف‌های اونا همین کار رو انجام می‌دن، البته بی‌تی‌اس هم بعضی جاها صحبت‌های مثبت ۱۸ می‌کنن‌ها، ولی تازگیا این کارها رو انجام می‌دن، تو چپتر اول اصلاً نبود...».

جیمین تو فوتوبوک‌هایی که اخیراً منتشر کرده انگار کام اوت^۱ کرده ۵۰ درصد به زن‌ها و ۵۰ درصد به مردها گرایش داره و این رو هم خودش اعلام نکرده، فقط براساس تئوری فن‌ها به دست اومده».

اثرگذاری‌های اقتصادی - سیاسی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران

گروه‌های موسیقیایی موجود، به طور معمول فاقد اهداف سیاسی خاصی هستند، اما به نظر می‌آید گروه بی‌تی‌اس، به دلیل مورد توجه قرار گرفتن در سطح جامعه و جامعه بین‌المللی، از سوی نظام سیاسی کره و در سطحی گسترده‌تر، نظام سیاسی سرمایه‌داری جهانی، در جهت پیش‌برد بیش از پیش اهداف آنان، به کار گرفته شده است.

سونیای ۱۷ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، از فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی گروه بی‌تی‌اس به قرار زیر یاد کرده است:

^۱ - کام اوت به معنای بیرون آمدن و آشکار کردن است و در اینجا به معنی آشکار کردن گرایش جنسی است.

»- به نظر شما بی‌تی‌اس در زمینه سیاست فعال هست؟

نه، به نظرم در زمینه سیاست فعالیتی ندارند.

- با توجه به محتواهایی که دیدیم، مثل سخنرانی در سازمان ملل یا دیدار بایدن داخل کاخ سفید، به نظرتون فعالیت سیاسی ندارند؟

آره، اونا رو منم دیدم. ولی بهشون نمی‌گم فعالیت سیاسی. بیش‌تر فعالیت اجتماعی، چون وقتی فرصتایی مثل همونایی که شما گفتید، براشون پیش اومده، از صلح و عدم تبعیض صحبت کردن. به نظر من تو زمینه اجتماعی آره فعال ان، ولی سیاسی نه، چون توی کی‌پاپ کلاً سیاست خیلی جایی نداره. یعنی کی‌پاپی‌ها کاری با سیاست ندارند معمولاً. متن صحبت بی‌تی‌اس تو سازمان ملل رو دارم، برات می‌فرستم تا ببینی چه قدر دغدغه‌های اجتماعی دارن^۱».

^۱ - آر. ام شروع کننده سخنرانی (در مجمع عمومی سازمان ملل متحد):

حضرت عالی عبدالله شهید رئیس هفتاد و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد،

جناب آقای آنتونیو گوترش دبیر کل مجمع،

رئیس جمهور ما چه این و رهبران برجسته سراسر جهان،

بودن در اینجا باعث افتخاره.

ما بی‌تی‌اس هستیم. به عنوان نماینده ویژه ریاست جمهوری کره جنوبی ما امروز اینجایم تا داستان‌های نسل‌های آینده رو به اشتراک بگذاریم.

قبل از این‌که به اینجا بیایم از نوجوانان سراسر جهان و افرادی که در دهه بیست سالگی شون هستن، راجع به گذشته و جهانی که امروز خودشون رو در آن می‌بینن سوالاتی پرسیدیم. جین تعدادی از پاسخ‌های دریافتی رو باهاتون به اشتراک می‌گذاره.

بله، یه نگاه بندازید. می‌تونین متوجه حس خوبی که این پاسخ‌ها دارن بشید. تو این دو سال گذشته زمان‌هایی بوده که خیلی احساس سردرگمی و دلواپسی می‌کردم. با این وجود هنوز اینجا افرادی رو داریم که فریاد می‌زنن بیان زندگی کنیم، بیاین از لحظه بهترین استفاده رو ببریم.

چون وقتی تو ایده‌آل‌ترین زمان زندگی مون هستیم، نمی‌تونیم در برابر چالش‌های جدیدی کار نکنیم. نمی‌شه کسی رو سرزنش کرد و همه شما حتماً احساس ناامیدی کردین. من همونیم که دیروز بودم، ولی دنیا تغییر کرد انگار که خیلی سریع به جهان موازی منتقل شدیم.

من از شنیدن این‌که مراسم‌های ورودی و فارغ التحصیلی باید لغو می‌شدن خیلی متأسف شدم. این‌ها لحظاتی از زندگی هستن که باید جشن گرفته بشن و از دست دادن شون خیلی ناراحت کننده هست. قلبمون شکست از این‌که کنسرت‌مون که طی یه مدت طولانی براش برنامه‌ریزی کردیم، لغو شد و برای مدتی مشتاق لحظه‌هایی بودیم که می‌خواستیم کامل کنیم.

بله، این زمانی برای افسوس خوردن برای چیزهایی بود که کوید از ما گرفت. زمانی برای این‌که بفهمیم هر لحظه‌ای که قدرش رو ندونستیم، چه قدر ارزشمند.

شوگا به این قضیه که قدر لحظات رو ندونستیم اشاره کرد و خیلی از مردم سوال‌هامون رو با اشتراک عکس‌هایی از لحظات با ارزش زندگی خودشون پاسخ دادن. خیلی از مردم نشون دادن که چه طوری در طبیعت وقت می‌گذرونن. فکر می‌کنم در طی این دو سال اونا ارزش زمانی رو که برای مراقبت از طبیعت رو می‌گذاشتن فهمیدن.

بله، ولی شاید چون ما به خاطر محدود بودن زمان زندگی مون روی زمین احساس ترس می‌کنیم، فقط در مورد چیزایی که از دست دادیم صحبت می‌کنیم و فکر کردن در مورد سوگواری برای زمین باعث می‌شه از ترس بلرزیم.

همه با این قضیه موافق هستن که تغییرات آب و هوایی مسأله مهمیه، ولی صحبت درباره این‌که بهترین راه حل چیه آسون نیست، این موضوعی که نتیجه گرفتن در موردش سخته.

بله، بحث سخته، ولی من جین آماده شدن برای امروز فهمیدم که افراد جوان زیادی به مسایل زیست محیطی علاقه دارن و این رو به عنوان رشته تحصیلی شون انتخاب می‌کنن. آینده یه سرزمین ناشناخته است و جایبه که ما بیش‌تر از هر کسی زمان مون رو اون جا می‌گذرونیم و این افراد جوان کسانی هستن که به دنبال پاسخ این سوال هستن که چه طور چنین آینده‌ای رو زندگی کنن.

پس امیدوارم آینده رو فقط یه تاریکی ظالمانه در نظر نگیریم. ما افرادی رو داریم که نگران جهان هستن و دنبال این پاسخ هستن. هنوز صفحات زیادی از زندگی مون باقی مونده پس نباید جوری حرف بزیم که انگار پائانش از قبل نوشته شده.

مهمشید ۲۱ ساله نیز در مصاحبه خودش با اشاره به رفتن پسران بی‌تی‌اس به سازمان ملل، ملاقات با رئیس جمهور وقت امریکا، همکاری با یونیسف و یا برگزاری فستیوال هنری در بوسان کره جنوبی، به شکل غیرمستقیم از ژست سیاسی کشور کره جنوبی با اتکاء به گروه پسران بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد می‌کند:

«- تاحالا در رابطه با این موضوع که از رسوایی‌ها و حاشیه‌های بی‌تی‌اس و یا کی‌پاپ برای پوشاندن فسادهای سیاسی استفاده می‌کنن، چیزی شنیدی؟»

کلاً راجع به مسایل سیاسی این رو بهت بگم حالا اگه از کسی چیزی شنیدی. اگه قرار بود بی‌تی‌اس خودش رو وارد مسایل سیاسی بکنه، الان جین نمی‌رفت سربازی، بین مثلاً امسال انتخابات بود برای کره. کره هر پنج سال یک‌بار انتخابات داره، برعکس ما و آمریکا که هر چهار سال یک‌بار انتخابات داره، کره پنج سال یک‌بار. رئیس جمهور قبلی که اسمش مونجه این بود، با بررسی‌های دقیقی که کرد، متوجه شد که بی‌تی‌اس چه قدر سرمایه آورده و برای کشور مفیده، اون با ارقام و عدد و فلان اومد این مسأله رو اثبات کرد. خیلی واقعاً آدم پر و آدم با دانشی هست. بعد اومد چی کار کرد... توی دورانش خیلی کمک کرد بی‌تی‌اس رو از هر لحاظی. یک سری اقداماتی کرد که واقعاً عالی بود. فقط یه کار اشتباه

البته که گاهی اوقات اوضاع طوریه که انگار جهان متوقف شده. حتی اگه آماده رفتن باشی، گاهی اوقات حس می‌کنی مسیرت رو گم کردی. وقتایی بوده که ما هم همچین حسی رو داشتیم.

شنیدم که به نوجوان‌ها و افرادی که در دهه بیست سالگی زندگی شون هستن، می‌گن نسل از دست رفته کرونا. یعنی اونا زمانی راهشون رو گم کردن که به متنوع‌ترین فرصت‌ها نیاز داشتن و باید راه‌های جدیدی رو امتحان می‌کردن.

ولی فکر می‌کنم گفتم این که راهشون رو گم کردن فقط به خاطر این که مسیری که درش قدم می‌ذارن با چشم افراد بزرگ سال دیده نمی‌شه اغراق‌آمیزه. بله، یه نگاه به عکس‌ها بندازید. اینا افرادی هستن که سخت تلاش می‌کنن روابط دوستان شون رو به صورت مجازی ادامه بدن. به شیوه‌های جدید، شروع به یادگیری چیزهای جدید می‌کنن تا زندگی سالم‌تری داشته باشن.

معذرت می‌خوام چند لحظه، بله این بچه‌ها سعی می‌کنن چیزای جدید یاد بگیرن و کشف کنن. اونا گمشده به نظر نمی‌رسن، شجاع‌تر شدن و با چالش‌های جدیدی رو به رو شدن.

به همین دلیل که فکر می‌کنیم به جای نسل گم شده، بهتره بهشون بگیم نسل خوش‌آمدگویی، چون این نسل به جای ترس از تغییر، بهش خوشامد می‌گن و به پیشروی ادامه می‌دن.

درسته که اگه به احتمالات باور داشته باشیم و حتی وقتی اتفاقات غیر منتظره پیش میاد امید داشته باشیم، نه تنها راهمون رو گم نمی‌کنیم، بلکه یه راه جدید کشف می‌کنیم.

ممکنه انتخاب‌هایی که می‌کنیم بی‌نقص نباشن، ولی به این معنی نیست که کاری از دستمون بر نیاد چیزی که از نظر من مهمه، انتخاب‌هایی هستن که موقع روبرو شدن با تغییرات می‌کنیم. بعضی از شماها وقتی خبر حضور ما در سازمان ملل را شنیدید، خیلی متعجب شدید و براتون سوال پیش اومد که واکسینه شدیم یا نه. من از این فرصت استفاده می‌کنم که بگم بله، هر هفت نفر ما واکسینه شدیم.

واکسیناسیون یه جورایی بلیط ما برای دیدن فن‌هامون که خیلی وقته منتظرمون هستن و همین طور اینجا ایستادن، بود. همون طور که در پیام امروزمون هم گفتیم، ما داریم کارایی رو که در حال حاضر ازمون برمیاد رو انجام می‌دیم.

مثل واکسیناسیون. تلاش‌ها برای رو به جلو بردن این واقعبت ادامه داره و روزی که بتونیم فن‌هامون رو از نزدیک ببینیم اون قدر دور نیست. تا اون موقع امیدوارم که بتونیم هر روزمون رو پر از انرژی مثبت کنیم.

فکر می‌کردیم که جهان متوقف شده، ولی داره رو به جلو حرکت می‌کنه، من بر این باورم که هر تصمیمی که می‌گیریم، شروعی برای یه تغییره نه پایانش. امیدوارم همه توی این دنیای جدید بتونیم به هم خوش‌آمد بگیم.

و حالا که منتظر چنین آینده‌ای هستیم. آهنگ دعوت به رقص پیامد خوش‌آمدگویی ماست که امروز می‌خوانیم با همه به اشتراک بذاریم.

کرد، اون هم این بود که وقتی دوران رئیس جمهوری خودش بود، گفت بی‌تی‌اس معافه از سربازی و این نزدیک انتخابات بود و این رو نیامد رسمیش کنه. اگر رسمیش می‌کرد، الآن لازم نبود هیچ کدوم از اعضاء برن سربازی. حالا چه اتفاقی افتاد، دو سال سربازی یعنی دو سالی که فعالیت ندارن، یعنی دو سالی که هیچ کاری انجام نمی‌دن، این دو سال جزو قرارداد این بنده خداها هست، این دو سال واقعاً آسیب می‌بینن دیگه، واقعاً توی این دو سال چه قدر گروه میان تو کار.

این بنده خدا نیومد این رو رسمیش کنه و رفت. رئیس جمهور بعدی که اومد، دید ایول چه گروهی، چه درآمدزایی خوبی، چه قدر پوان‌های (امتیازات) مثبت برای کشور دارن و چه قدر اوکیه و چه قدر طرفدار دارن. در زمان مونجه- این، اینا از طرف بایدن دعوت شدن، یه بار برای مراسم سازمان ملل رفتن و یه بار هم از طرف بایدن دعوت شدن و به عنوان سفیرهایی از قاره آسیا رفتن راجع به موضوعات مختلف مثل نژادپرستی و فلان و فلان صحبت کردن. بعد دید که این شکلیه خود بایدن از طرف سفارت دعوت کرده و این که یونیسف می‌رن و سازمان ملل می‌رن، وقتی جنبه این چینی توی دنیا پیدا کردن، اون وقت رئیس جمهور جدید گفت، به جای رفتن به سربازی شما باید توی مناسبت‌های سیاسی شرکت کنید، یعنی سربازی نرید، ولی توی اون دو سال توی مناسبت‌های سیاسی که با کشورهای دیگه داریم، همراه با وزرا و همراه با رئیس جمهور توی مراسم‌ها شرکت کنید و این شد که بی‌تی‌اس پاش و ایستاد و گفت، من نمی‌خواهم، من اصلاً نمی‌خوام خودم رو قاطی بازی‌های سیاسی و این کارا بکنم، ما زمانی وارد مسایل سیاسی می‌شیم که منفعتی برای مردم داشته باشه. راجع به کودکان باشه، راجع به میهن‌پرستی باشه، مثلاً راجع به ضد نژادپرستی باشه. یه مفاهیمی این شکلی، ولی این که توی بازی سیاست و قدرت بخواهیم بریم، نمی‌خوایم. این شد که دقیقاً بعد از کنسرتی که توی بوسان داشتن. کنسرتی که در بوسان گذاشتن، به خاطر این بود که تا سال بیست، سی اگر اشتباه نکنم، یه فستیوال هنری خیلی مهم قراره توی دنیا رخ بده، حالا نمی‌خواهم به اون بپردازم، ولی کره هم یکی از کشوری توی اون فستیوال هنریه، اینا به صورت رایگان گفتن کنسرت می‌ذارن که توی دنیا هم تبلیغی بشه به خاطر اون فستیوال بیست، سی. رئیس جمهور گفتش، آره بذار این کنسرت هم بگذره، ما بعد تصمیمش رو مشخص می‌کنیم، وقتی که این شکلی کردن، بزرگ‌ترین عضو گروه که تولدش آذر ماه می‌شه سی ساله و بعد از کنسرت بوسان و قبل از این که بخواد این رئیس جمهور حرفی بزنه، چون می‌دونستن که بالاخره یه جووری وصل‌شون می‌کنن به بازی‌های سیاسی، به خاطر همین رفت حکمش رو بگیره بره سربازی».

اما فراتر از ژست سیاسی نظام کره جنوبی، از آنجا که کره جنوبی زیر مجموعه نظام سرمایه‌داری امریکا به شمار می‌آید، انتظار می‌رود که گروه پسران بی‌تی‌اس در جهت حمایت از نظام سرمایه‌داری بین‌المللی نیز به کار گرفته شده باشند.

گلنوش ۱۴ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، به دفاع از عصاره سرمایه‌داری که پذیرش فردگرایی افراطی است، به قرار زیر پرداخته است:

«- دیگه کدوم آهنگ رو خیلی دوست داری؟

آهنگ سو وات خیلی عالی هستش. یعنی خب که چی.

- می‌شه بگی راجع به چیه؟

اولش می‌گه: یکی می‌گه من آدم درستی‌ام و یکی می‌گه اشتباهی‌ام، من اهمیت نمی‌دم، تو چه طور، خب که چی؟ ما جوون و سرکش و رها هستیم. خب که چی؟ نگرانی‌های ما آخرش بی‌جواب می‌مونن. خب که چی و از این حرفا. بیش‌تر می‌خواد بگه که آزاد باش و به حرف هیچ‌کس اهمیت نده، چون هیچ فایده‌ای نداره، اگه از زندگی و جوونی لذت نبری.

- یعنی خودت هم معتقدی که به حرف هیچ‌کس نباید اهمیت داد؟

آره. من به همه‌اش معتقدم. من به تک‌تک کلماتی که توی آهنگ‌هاشون هست باور دارم. چون که همه‌اش درسته.

- یعنی واقعاً نه به حرف کسی اهمیت می‌دی و نه نگران چیزی هستی؟

نه واقعاً. جدی می‌گم. نه هیچ وقت نگرانم، نه به حرف کسی اهمیت می‌دم. چرا بخوام دروغ بگم. واقعاً احساسم همینه که گفتم.

- حتی نسبت به حرف پدر و مادرت؟

وقتی احساس کنم چیزی درست نیست یا چیزی رو دلم نمی‌خوادش، حتی حرف اونا، مجبور نیستم بهش گوش بدم. هر کسی خودش می‌دونه چی برایش بهتره و خودش مسوول کاریه که می‌کنه. همه آزادن تا کارایی که دلشون می‌خواد و ازش لذت می‌برن رو انجام بدن، وگرنه زندگی بی‌معنی می‌شه.

- منظورت اینه که معنای زندگی در آزادی و لذت بردن از زندگی خلاصه می‌شه؟

آره، وقتی لذت نبری از زندگی و به هیچ کدوم از آرزوهات نرسی، دیگه زندگی چه معنایی می‌تونه داشته باشه برات. هدف از زندگی اینه که کارایی که می‌تونی انجام بدی و کارایی که دوست داری انجام بدی رو تموم کنی و چیزی رو از دست ندی. نباید زندگی رو باخت. به نظرم گوش دادن به اونا حتی باعث شده که ما خیلی از چیزای مسخره‌ای که تو مردمون هست رو قبول نکنیم و متفاوت بشیم.

- این فقط عقیده‌ی خودته یا همه‌ی آرمی‌ها همین‌طور فکر می‌کنند؟

آره، وقتی لذت نبری از زندگی و به هیچ کدوم از آرزوهات نرسی، دیگه زندگی چه معنی می‌تونه برات داشته باشه. وقتی عقیده بی‌تی‌اس اینه آرمی‌ها هم باید همین عقیده رو داشته باشند، ولی ممکنه کسی جور دیگه‌ای فکر کنه. اون آرمی‌هایی که دوست من هستن، همه با من هم عقید ان؛ وقتی با من مصاحبه می‌کنی انگار داری با اونا مصاحبه می‌کنی».

محمدرضای ۲۱ ساله نیز در یک موضع‌گیری مشابه با گلنوش، با تأکید بر به حراج نهادن اعتقادات، برای کسب سود بیشتر و بیشتر، در عمل از همسویی و حمایت گروه بی‌تی‌اس از سرمایه‌داری جهانی که چیزی جز سود را نمی‌شناسد، یاد کرده است:

«- در مورد عقاید چه طور، می‌تونه روی عقاید افراد هم تأثیر بگذاره؟

خب معمولاً بازم عقاید خودشون رو خیلی نباید بگن، چون کلی موافق و مخالف وجود داره و باز احتمال هیت شدن و بقیه داستانا رو به وجود میاره، مثلاً فرض کنیم یکی از اعضای گروه بگه که آقا من خیلی به خدا اعتقاد دارم، بعد یهو کسایی که خیلی به خدا و دین و اینا اهمیت نمی‌دن، دیگه گروه رو دنبال نمی‌کنن، خب بعدشم کلاً براشون ضرر به وجود میاره دیگه».

گروه بی‌تی‌اس، با اتخاذ مواضع همسو با نظام سیاسی کره جنوبی و نظام سیاسی سرمایه‌داری جهانی، مواضع اقتصادی در جهت حمایت از کشور خودشان و همین‌طور نظام سرمایه‌داری بین‌المللی را نیز دارد.

شادی ۱۵ ساله و ترنم ۱۸ ساله، از تبلیغ گروه بی‌تی‌اس برای مهاجرت افراد نخبه به کره و انتخاب کره به عنوان مقصد گردشگری خویش به قرار زیر یاد کرده اند:

«- زندگی شخصی‌شون رو هم با مخاطبان به اشتراک می‌گذارند؟

آره، حالت بلاگر لایف استایل هم دارن و از زندگی‌شون هم فیلم می‌گیرن، می‌ذارن. مثلاً غذا درست کردن‌شون یا کارای روزمره‌شون یا خرید، ولی خب به مقدار فیکه چیزایی که نشون می‌دن.

- یعنی چی؟

یعنی مثلاً خب کسی اول صبح ساعت ۶ که نمی‌ره خرید، بعدش بیاد با اونا صبحونه درست کنه، یعنی یه کم ایده‌آله چیزی که نشون می‌دن یا مثلاً بعدش تازه بره حموم و بیاد صبحونه بخوره، تو زندگی واقعی، ما اول صبح فقط داریم می‌دوییم که به کارمون برسیم (باخنده) یا مثلاً هر جا می‌رن صف نیست، مگه می‌شه؟ همه جا خلوته، خب اون جا هم جمعیتش خیلی کم نیست، این جور یه خیلی ایده‌آله در واقع.

- یعنی تبلیغ کشورشون رو می‌کنن؟

آره فکر می‌کنم یه کم این جوریه که مثلاً همه جا خلوته و صف نیست و کارها زود راه می‌افته و همه جا شیک و خوشگله و نو و زندگی شون لاکچریه، شاید کمپانی می‌خواد این جوری ایده‌آل نشون بشون بده، چون اینا هر کاری که کمپانی بگه رو می‌کنن دیگه».

«... تو بوسان کنسرت گروهی گذاشتن. اونا سفیر بوسان هم برای جذب گردشگر به بوسان هستن و اون جا کنسرت گذاشتن».

نیکوی ۱۵ ساله نیز از منظری متفاوت، از اثرگذاری اقتصادی گروه بی‌تی‌اس بر خود و دوستانش یاد کرده، خاطرنشان ساخته است، تحت تأثیر پسران بی‌تی‌اس، او و دوستانش به دنبال آیدول و ستاره شدن برآمده بودند:

«- علاقه به خوانندگی قبل از آرمی شدن در تو بود یا بعد از این که طرفدار بی‌تی‌اس شدی، این علاقه در تو شکل گرفت؟ نه، قبلش هم علاقه به خوانندگی داشتم، ولی کم‌تر بود تا این که آرمی که شدم، در این زمان علاقه‌ام بیش‌تر شد. ما حتی یه اکپ دوستی داشتیم که چهار نفر بودیم و خیلی به فکر این بودیم که وقتی بزرگ‌تر شدیم و هجده سال مون شد بریم کره و تا اون موقع فقط کاور کنیم و بعد از هجده سالگی بریم اون جا آودیشن بدیم و یک گروه کی‌پاپ بشیم و این رؤیای ما بود و می‌خواستیم خواننده بشیم. البته این تصمیم بیش‌تر به خاطر بلک‌پینک بود، نه بی‌تی‌اس، چون بلک‌پینک دختر بودند مثل ما و این که یه چیزهایی شون شبیه ما بود، مثل دوستی بین شون و این که چه طوری باهم آشنا شدن و این که اون‌ها هم مثل ما چهار نفر بودند. البته الآن یه مقدار فرق کرده و دو نفرمون دیگه نمی‌خوان که خواننده باشن و فقط من و یکی از اون دوستانم تصمیم داریم که خواننده بشیم و اون دوستانم بیش‌تر دوست داره خواننده کی‌پاپ بشه و طرفدار گروه‌های زیادی از کی‌پاپ هست، یعنی بیش‌تر از من. ولی من دیگه زیاد تو خواننده کی‌پاپ شدن نیستم دیگه، بیش‌تر خود خوانندگی رو دوست دارم، چون از بچگی هم این علاقه بوده و برام فرقی نمی‌کنه تو کی‌پاپ باشه یا هالیوود یا ایران یا هر جا.

- گفتم دو نفر از دوستان دیگه تمایلی به آیدول شدن ندارند، دلیل این تصمیم‌شون چی بود؟

اونا از اول هم خیلی علاقه به خوانندگی نداشتن و یکی شون به من می‌گفت که اصلاً دلیل اصلی‌ای که من توی گروه بودم و همراهی می‌کردم، به خاطر این بود که می‌خواستیم گروه دوستی مون از بین نره و این که جو بین خودمون رو دوست داشتم، ولی خیلی علاقه به خوانندگی نداشتیم و اگر هم قرار بود خواننده بشم، دوست داشتم که تکی خواننده بشم. البته اینم اضافه کنم که الآن من و اون یکی دوستم هم به این نتیجه رسیدیم که دوست داریم تکی کار کنیم برای خوانندگی، چون زیاد نمی‌شه گروهی جلو رفت، خیلی اختلاف نظر و دعوا بین مون زیاد بود.

- دلیل اختلاف نظرهای بین شما چی بود؟

بین ما تقریباً واسه همه چی دعوا مون می‌شد، از انتخاب اسم گروه مون بگیر تا انتخاب آهنگ و حتی این که کی کدوم بخش رو بخونه. کنار نمی‌اومدیم زیاد».

محمدرضای ۲۱ ساله و زهرای ۲۴ ساله، در مصاحبه‌های جداگانه خودشان بر این مسأله صحّه نهاده اند که گروه بی‌تی‌اس مبلغ نشان (برند)های جهان سرمایه‌داری قرار گرفته، دست به تبلیغ کالاهای گران‌قیمتی می‌زند که شاید اقشار مرفه جامعه نیز یارای تهیه و خرید آن‌ها را ندارند، به تعبیر دیگر، برخلاف شعارهای نودوستانه گروه بی‌تی‌اس، در عمل مخاطبان با مشاهده تبلیغ نشان (برند)های فوق‌العاده گران‌قیمت توسط پسران بی‌تی‌اس، تحقیر می‌شوند:

«- آلبوم یا کلاً وسایلی که خود ستاره‌ها استفاده می‌کنن یا مثلاً تبلیغ می‌کنن رو خریدی؟

من نه راستش تو این مورد من اصلاً حوصله‌اش رو ندارم، بعد هزینه کردن برای خرید اینا هم زیاده واقعاً، ولی خب دوستایی دارم که آره این کارا رو انجام می‌دن.

می‌دونی چیزایی که تبلیغ می‌کنن، واقعاً در سطح توان خرید خیلیا نیست، اصن یعنی چیزایی تبلیغ می‌کنن که همه شون برند ان، مثلاً یه لباسش شاید نزدیک ۱۴، ۱۵ تومن قیمتش باشه، بالای دو، سه هزار دلار قیمت هر کدوم از لباسایی هست که تبلیغ می‌کنن یا مثلاً یه کاپشن تبلیغ

کرده بودن من دقیق یادمه به پول ما ۲۳ میلیون تومن بود یا به کفش تبلیغ کرده بودن، اگه درست یادم باشه ورساچه بود، نمی دونم یا کوچی یا ورساچه بود، یکی از این دوتا قیمتش ۱۱۵ میلیون بود. خیلی چیزای دیگه هم هست که خب با این قیمتا تعداد خیلی کمی توان خریدش رو دارن».

«... تو زمینه پوشاک تبلیغات شون برای شرکت های خارجی، مثلاً فیلا به برند ایتالیایی هست، این برند کلاً معروف بود، ولی وقتی برای تبلیغاتش از بی تی اس استفاده کرد، به نظرم خیلی معروف تر شد.

– چه طور متوجه شدید که شهرت این برند بیش تر شده؟

تو اینستا پست هایی که مربوط به این شرکت هست زیاده، یعنی تو فضای مجازی خیلی فعال هستن، بعد پست هایی که می دارن در مورد فروشگاه هاشون تو سراسر جهان چون فروشگاه های زنجیره ای هم دارن و بیش تر شدن فروش شون رو نشون می ده که خیلی بهتر و بیش تر داره این برند رشد می کنه، مخصوصاً لباس ها و کفش هایی که طرح بی تی اس رو دارن، خیلی محبوب ان، مثلاً وقتی مسی رفت پاریس سنت ژرمن فروش پیرهن این تیم خیلی زیاد شد، بی تی اس هم وقتی برای فیلا تبلیغ کرد، فروش شون خیلی بیش تر شد.

– و علاوه بر فیلا برای چه شرکت های خارجی دیگه ای تبلیغ می کنند؟

یه شرکت دیگه ای که هر کس که مشهور می شه بازی می کنه کوکاکولا و مک دونالد (باخته) کلاً تبلیغات برای این شرکت های خوراکی رو یه تعداد قابل توجهی انجام دادن. باز مثلاً مسی رو بگم که برای پپسی تبلیغ انجام داد یا قبل ترش بکهام انجام داده بود. بی تی اس هم برای این دوتا شرکت تاحالا تبلیغ انجام داده، یک بار هم نبوده، بیش تر بوده، فک می کنم برای مک دونالد بیش تر بوده باشه، بعد برای مک دونالد هم که تبلیغ کردن، مک دونالد اومد کاور خوراکی هاش که قرمز هستن رو تغییر داد و بنفش کرد برای یه مدت کوتاه».

اثرگذاری های زیباشناختی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران

با بررسی آرای ارایه شده در مصاحبه با هواداران گروه بی تی اس، ملاحظه می شود که گروه پسران بی تی اس، آثار زیباشناختی نیز در سطح مخاطبان خویش داشته است. به این معنا که اولاً، خود پسران بی تی اس به دلیل آن که در گزینش اولیه آن ها، زیبایی چهره شان به شدت مورد توجه مسوولان کمپانی بیگ هیت بوده است، افرادی زیبامنظر هستند و هواداران قابل توجهی اظهار می دارند که در آغاز به صرف نیکومنظر بودن اعضای گروه، جذب گروه، بی تی اس شده اند.

اما در سطحی دیگر، هواداران پس از آن که اعضای گروه را به دلیل زیبایی چهره شان، مفاهیم مورد استفاده در آهنگ هایشان، رقصشان یا اجراهای پرشوری که دارند، مورد توجه قرار دادند، با الگوبرداری از آنان، در ابعاد زیباشناختی، نظیر تبعیت از مدهایی که اعضای گروه باب می کنند یا کپی برداری از آرایش های بعضاً زنانه آنان، اثرپذیری خویش از اعضای گروه بی تی اس را نشان می دهند.

تینای ۱۹ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه های خودشان خاطرنشان ساخته اند که آنان نخست تحت تأثیر زیبایی اعضای گروه، جذب آنان شده اند:

«– اون موقع که تو مراسم گرمی بی تی اس رو دیدی، اولین بار چه چیزی جذبت کرد؟

اول که قیافه ی یکی از اعضا شون بود. البته نه، قبل از قیافه، استایل شون بود. یعنی لباس پوشیدن شون و اینا خیلی واسم جذاب بود. چون نه کاملاً هر کدوم از اعضا شون چیزای مختلف می پوشیدن، نه این جور بود که کاملاً مثل بقیه بندها عین هم بیوشن. در عین حالی یه انسجامی رو حفظ کرده بودن، هر کسی استایل شخصی خودش رو داشت. بعد من یه سری از استایل های اعضا شون خیلی به سلیقه ام نزدیک بود. بعد

اول این جور بودم که اوومم، چه قدر لباساشون خوبه و اینا، بعد رسیدم به صورت‌شون بعد این جور بودم که اوومم صورتاشون هم خیلی خوبه. بعد اول به خاطر یکی دوتا از اعضااش که خوشگل بودن فقط پیگیری می‌کردم‌شون، بعد بهو دیدم کلاً غرق شدم تو قضیه.

- یعنی اول جذب ظاهرشون شدی نه موسیقی، درسته؟
اولش آره».

«- محمدرضا چه چیزی در موردشون جذبیت کرد؟

تقریباً می‌شه گفت هم خوشگلی‌شون و هم آهنگاشون، آهنگاشون رو اگه گوش بدین مثلاً یه چیزایی مثلاً ورس آهنگ و فلو و این جور چیزا آرامش بخشه، یه جورایی می‌دونی مثلاً اون بیت، بیت خالیش هم خیلی آرامش بخش هست یا مثلاً در مورد رقص‌شون که خب رقص‌شون تو سطح جهانی هم اوله، البته اول مایکل جکسونه، بعدش اینا هستن در کل همه چیزشون رو می‌شه گفت، یعنی هم رقص‌شون هم موسیقی‌شون هم زیبایی‌شون باعث شد که من جذب‌شون بشم».

نیکوی ۱۵ ساله و محمدرضای ۲۱ ساله، در مصاحبه‌هایی که دارند از اثرپذیری خویش از مدهای پسران بی‌تی‌اس، به قرار زیر یاد کرده اند:

«- آیا سعی کردی از سبک پوشش و آرایش بی‌تی‌اس تقلید کنی و شبیه اون‌ها بشی؟

آره، حقیقتاً شده، چون استایل‌هاشون رو دوست دارم و استایل چندتا از اعضا رو خیلی به شخصه می‌پسندم و تا یه مدت کوتاهی، اون اوایل که طرفدارشون شده بودم، فکر می‌کردم که این استایل‌ها رو خودشون انتخاب می‌کنن، بعداً که بیشتر آشنا شدم و بیشتر جزئیات رو فهمیدم، متوجه شدم که این‌ها رو کمپانی بهشون می‌ده که چی بپوشن و استایلیست دارن و خیلی کم پیش میاد که خودشون بتونن انتخاب کنن که چی بپوشن یا مثلاً استایل چند نفرشون بود، مثل جونگ‌کوک که خیلی دوست داشتم. مثلاً کلاه‌های حلقه‌دار می‌پوشید یا استایل‌هاش بیشتر تو مایه‌های رنگ مشکی بود، به نظرم خیلی خفن بود، الان بیشتر اوقات خودمم تیپم همین جوریه یا مثلاً جیمین استایلش یه مدت این طوری بود که بیشتر تر جاها لباس راه‌راه یا عینک‌هایی استفاده می‌کرد که سبک‌های خاص داشتن.

- دوستان هم همین کار رو کردن؟

بله، مثلاً یکی از دوستانم بود که باهاش رفته بودم بیرون و استایلش شبیه جونگ‌کوک بود، حتی موهاش رو هم مثل جونگ‌کوک کوتاه کرده بود و ماسک داشت، همون کلاه، همون گوشواره‌ها، مثلاً گوشواره‌هاشون توی استایل‌هاشون جزو مهم‌ترین چیزها هست، چون خیلی به چشم میاد و اکثر دوستای من و کلاً اکثر آرمی‌ها این گوشواره‌ها رو دارن و به این اسم شناخته می‌شن، مثلاً می‌گن گوشواره جیمین، گوشواره جیهوپ. من با این دوستم که رفته بودیم پارک و استایلش خیلی شبیه جونگ‌کوک بود، یه دفعه یه نفر اومد جلو که اونم با دوستش بود و بهو ذوق کردن دوست من رو دیدن و هی می‌گفتن تو چه قدر شبیه جونگ‌کوک و حتی به خاطر این قضیه ازش شماره گرفتن، خودشون هم طرفدار جونگ‌کوک و کلاً بی‌تی‌اس بودن.

- توی سن‌های شما اگر کسی مثل بی‌تی‌اس لباس بپوشه و شبیه اون‌ها باشه، بین هم‌سن‌هاش محبوب می‌شه؟

آره خیلی.

- توی آرایش کردن تو یا دوستان خودت ازشون تقلید می‌کنید؟

خیلی آرایش‌هاشون معلوم نیست، چون بیشتر سعی دارن آرایش‌هاشون رو طبیعی جلوه بدن، مگر این که مثلاً رژ که می‌زنن یه مقدار جلوه داشته باشه، ولی آرایش کامل نیست. کلاً دنیا داره به سمت نچرال بیوتی (زیبایی طبیعی) می‌ره، ولی مثلاً گروه بلک‌پینک و گروه‌های دخترونه‌شون که آرایش بیش‌تری دارن، از اون‌ها ایده می‌گیرم گاهی، البته من کلاً زیاد اهل آرایش نیستم، بیشتر دوستام پیگیر این چیزها هستن. مثلاً توی گروه بلک‌پینک یکی از اعضااشون به اسم جی‌سو رفته بود پیش دوستش که آرایشگره و اون دوستش می‌گفت، الان طوری

شده که طرفدارای شما میان اینجا و می‌گن که ما آرایش بلک‌پینکی می‌خواهیم و یا تو گروه جی آیدول به عضوی داشتن که الان دیگه جزو اون گروه نیست و اسمش سوچین بود که اونم به آرایش خاصی داشت و زیر چشمش یه چیزی اکلیلی بود، مثل خال می‌گذاشت و خط چشم خاصی داشت و خیلی از طرفدارهاش همون مدلی آرایش می‌کردن مد شده بود».

«- محمدرضا از لحاظ ظاهری از این ستاره‌ها الگوبرداری کردی؟ مخصوصاً این که گفتی برای نشان (برند)های مختلف هم تبلیغ می‌کنن، شده مثلاً شبیه اونا لباس بیوشی یا مدل موی اون‌ها رو تقلید کنی؟

آره، من از لحاظ ظاهری این کار رو کردم، مثلاً لباس‌هایی که اینا می‌پوشیدن، خیلی گشاد بود، البته خیلی هم که نه، ولی گشاد بود نسبت به بدن خودشون، از این اندامی‌ها و جذبا نبود، اصلاً من خودم لباسای گشاد می‌پوشیدم مثل اینا.

مدل مو هم آره، من مدل موهام رو شبیه اینا کرده بودم، من موهام رو لخت کردم، بعدشم گذاشتم بلند بشه، بعد فرق باز می‌کردم (باخنده)، بعد واقعاً شبیه‌شون شده بودم، بچه‌ها خیلی بهم می‌گفتن که چه قدر شبیه کره‌ایا هستی، البته خب من چشمم هم بادومی هست، اینم دیگه خیلی تأثیر می‌ذاره».

تینای ۱۹ ساله و سونای ۱۷ ساله نیز در مصاحبه‌های خودشان، از اثرپذیری خویش از آرایش‌های نسبتاً زنانه گروه پسران بی‌تی‌اس، به شرح زیر یاد کرده اند:

«- شما گفتی خودت طرز فکر نسبت به قبل، یه کم مثبت‌تر شده نسبت به این که لباس جنسیت نداره یا مثلاً میکاپ کردن پسران.

می‌دونم من دارم می‌گم که خودشون رو دارن ابراز می‌کنن و مثلاً عمدی نیست، چون مثلاً همه‌ی اعضا‌شون این کار رو نمی‌کنن. خوب؟ مثلاً من می‌گم پیرهنش از کالکشنه زنونه بوده، مال مثلاً همین تهیونگ بوده. در صورتی که توی اون اجرا بقیه‌شون لباسای مثلاً کالکشنای مردونه و از این حرفا بوده یا مثلاً یه زمان‌هایی شده که الان یکی از اعضا‌شون هست که لاک می‌زنه، ولی بقیه اعضا‌شون این کار رو نمی‌کنن، چون همه‌شون این کار رو نمی‌کنن و هر کسی... دقیقاً همون برمی‌گرده به جمله‌ی قبلیم که استایل متفاوت خودش رو داره... برای همین من احساس می‌کنم بیش‌تر برای اکسپرس (نشان دادن) کردن خودشونه تا این که بخوان با برنامه‌ریزی این کار رو بکنن. ولی خوب همین اکسپرس کردن شون هم طبیعتاً خیلی تأثیرگذاره. من قبلاً با لاک زدن پسران مشکل داشتم، ولی مثلاً اولش که هری استایلز و بعدشم که همین یکی از اعضای بی‌تی‌اس لاک می‌زدن، این جور بودم که الان خیلی واسم یه چیز اوکی هست، خب لاک داره دیگه».

«- از نظر تو چه چیزهایی می‌تونند تأثیر بگذارند؟

روی من از لحاظ ظاهری تأثیر داشتن که گفتم، مثلاً رنگای روشن بیش‌تر می‌پوشم، اگر میکاپ کنم، میکاپ روشنه، از سایه‌های تیره استفاده نمی‌کنم دقیقاً مثل پسران».

اثرگذاری‌های هنری اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران

گروه پسران بی‌تی‌اس در جریان اجرای آهنگ‌هایشان، کوشیده اند تا با توسل به برخی از امکانات جانبی، پردازش هنری گروهشان را نیز در سطح اوج حفظ کنند.

سایه ۲۱ ساله، در مصاحبه خود ضمن مقایسه پاپ غربی و موسیقی کی‌پاپ بی‌تی‌اس، در حالی که پاپ غربی را خسته کننده می‌نامد، از هماهنگی موجود بین آهنگ و صحنه، رقص اعضای گروه و پوشش لباس‌های آنان یاد می‌کند:

«... استیج‌های بی‌تی‌اس یه چیز خیلی جذابی که روی ثانیه به ثانیه‌اش کار شده. الان که استیج‌های آمریکایی رو می‌بینم، به نظرم خسته کننده می‌رسند. بیش‌تر نمایش موزیکاله تا کنسرت.

- یعنی داستان داره؟

نه، لزوماً داستان نداره، ولی رقصی داره که با اون رقص به مفهومی رو می‌خوان برسوند. هر عضوی به نسبت اون مفهومی که می‌خوان برسوند، به هماهنگی‌ای پیدا می‌کنند و در نهایت شما یک تصویر کلی‌ای دریافت می‌کنی. بعد جدای از اون اگر بازه رقصش هم بیشتر باشه، باز شما می‌بینی که سطح کار فرق می‌کنه، حتی اگر به موسیقی متوسطی رو اجرا کنند. لباس‌هایی که می‌پوشند و استایل‌شون و صحنه و همه چیز متفاوت و این به مرور جذب می‌کنه، حتی اگر همون لحظه اول نگی خیلی خب از این به بعد زندگی من حول محور اینا می‌چرخه. بعد من هم استیج‌ها رو می‌دیدم و هم ویدیوهای خنده‌دار بی‌تی‌اس رو هم آورده بود و همین جوری نشستیم دیدم، دیدم، دیدم، دیدم تا این که نمی‌دونم چی شد که سر کام‌بک (بازگشت) فیک لائو (عشق دروغین) خودشون که همون سال ۲۰۱۸ بود، به خودم اومدم دیدم ۲۴ ساعته نخوابیدم تا تعداد باز دیده‌های یوتیوب و اسپاتیفای این‌ها رو بالا ببرم».

ترنم ۱۸ ساله در مصاحبه‌ای که دارد، ضمن تأکید بر تنوع قابل توجه آهنگ‌های گروه بی‌تی‌اس، از آرایه آهنگ‌های گروه که بعضاً شکل تلفیقی پیدا کرده اند و با دو زبان اجرا می‌گردند، سخن گفته است:

«- سبک موسیقی بی‌تی‌اس چه فرقی با گروه‌های دیگه کی‌پاپ داره؟

انگیزشی هست، عاشقانه هست، غمگین هست، بعد هر سلیقه‌ای هم توش وجود داره. رپ هست، هیپ هاپ هست، کلاسیک هست، راک هست. همه نوع موسیقی رو تو یک آهنگ و یا آلبوم جا می‌دن و یک شاهکار می‌سازن. از طرفی تلفیق موسیقی و آهنگ‌های کره‌ای با آهنگ‌های انگلیسی، یکی دیگه از دلایل محبوبیت سبک بی‌تی‌اس هست».

شادی ۱۵ ساله نیز در مصاحبه‌اش بر این نکته تأکید ورزیده است که در کار عرضه آهنگ‌های گروه، صحنه‌پردازی و رقص نور و ترکیب رنگ‌ها در صحنه اجرا، بر جذابیت آرایه آهنگ‌های پسران بی‌تی‌اس، افزوده اند:

«- آهنگ‌هاشون چه طوره؟

خیلی قشنگه و رقصم دارن که جذاب‌ترش می‌کنه و نور صحنه خیلی زیاده تو آهنگا و هی عوض می‌شه رنگ ترکیبی دارن، چندتا رنگ مثلاً باهم، بعد رقص‌شون سخت هم هست خیلی حرکتیه و نفس می‌خواد».

اثرگذاری‌های خانوادگی اعضای گروه بی تی اس بر روی هواداران

برخی از افراد مصاحبه شده، در گزارش مباحث خود از اثرگذاری‌های اعضای گروه بی‌تی‌اس بر روابط خانوادگی هواداران نیز یاد کرده اند. این اثرها را از منظری می‌توان به دو قسمت به مقابله برخاستن با خانواده خویش و در پی نفی خانواده، استقبال از روابط نزدیک به خانوادگی با گروه بی‌تی‌اس و هواداران آن، تقسیم کرد.

ترنم ۱۸ ساله، در مصاحبه‌ای که دارد، خاطرنشان می‌سازد، اعضای گروه بی‌تی‌اس، با اندیشه استقلال دادن به جوانان، در عمل آنان را به رو در رو شدن با نظام خانوادگی خودشان، تشویق و ترغیب می‌کنند:

«- فکر می‌کنی بی‌تی‌اس در چه مواردی بیش‌ترین تأثیر رو در زندگی شخصی خودت داشته؟

از هر لحاظ برای من تأثیرگذار بود. اول و مهم‌تر از همه تأثیری که رو روحیه‌ام داشته و الآن نسبت به قبل از آشنایی با بی‌تی‌اس، خیلی شادترم. دوم تو سن خیلی کوچیک توانایی گرفتن تصمیمات بزرگ رو به دست آوردم، مثلاً موقع‌هایی که از دست زن بابام کتک می‌خوردم، با یاد آوردن حرف‌هاشون که تو آهنگ فایر می‌گفتند تو جوونی، بزن بشکن، از خودت دفاع کن، اونا نمی‌تونن تو رو بفهمن، پس تو خودت را بفهم. سوم این که قبلاً از نظر اخلاقی خیلی سنگ‌دل بودم. الآن خیلی مهربون‌ترم، می‌دونم و می‌فهمم که نمی‌شه با دعوا و دیوانگی برای مشکل‌ها راه حل

پیدا کرد. من دورانی با بی‌تی‌اس مواجه شدم که به این چیزهایی که بالاتر گفتم، نیاز داشتم و این جوری دور خودم با خیالات و توانایی که داشتم با بی‌تی‌اس یک چهار دیواری ساختم که توش همیشه در امنیت. از نظر اجتماعی خیلی ارتباطم با اطرافیانم بهتر شده، قبلنا که می‌رفتم مدرسه یا عروسی، جشنی، چیزی، همیشه انتظار داشتم آدم‌ها بهم سلام بدن یا در خواست دوستی بدن، همیشه خودم رو کم‌تر از بقیه می‌دیدم و تا زمانی که کسی سمت من نمی‌اومد، من به سمتش نمی‌رفتم، ولی وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم، یه جوری کلاً تغییر کردم، الآن من می‌رم بهشون در خواست دوستی می‌دم، وقتی می‌بینم ناراحت ان، برای خوشحالی‌شون تلاش می‌کنم، بیش‌تر با آدم‌ها ارتباط چشمی برقرار می‌کنم، شجاعتش را دارم وقتی به یکی حسی دارم، برم رو به روش بایستم و براش توضیح بدم، مشکلاتم را با آدم‌ها می‌تونم به راحتی به اشتراک بذارم، سرش بحث کنم و متوجه این شدم که وقتی با آدم‌ها این جوری برخورد می‌کنم، آدم‌ها بیش‌تر بهم توجه می‌کنن، بیش‌تر برام ارزش قایل می‌شن. حسی بدی که قبلنا به خودم داشتم، کاملاً از بین رفته و من رو از تاریکی به روشنی کشونده».

باران ۲۰ ساله، در گزارش خویش خاطرنشان می‌سازد، با تحول‌آفرینی ایجاد شده در نظام خانوادگی بسیاری از هواداران، این افراد خود به خود در پی نیاز به خانواده و یا یک شبه‌خانواده، متوجه اعضای گروه و یکدیگر شده، این مسأله از سوی ستاره‌های بی‌تی‌اس، نیز دامن زده می‌شود: «- درباره ارتباط بین آرمیا و بی‌تی‌اس بگو؟»

بین این که تقریباً هر روز با آرمیا حرف می‌زنن، احساسات‌شون رو به اشتراک می‌ذارن و اینا حس خانواده بودن به آدم می‌ده یا مثلاً تو گروه استری کیدز، لیدر گروه هر هفته اگر اشتباه نکنم، لایو می‌ذاره و با فن‌دوم استری کیدز صحبت می‌کنه.

- توی لایوهای خودتون چه چیزهایی می‌گن، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

من لایو رو نمی‌رسم ببینم، به دلیل نت شخمی ایران و فیلترینگ و چون کره‌ای حرف می‌زنن، نمی‌فهمم، باید وایسیم تا زیرنویس بیاد، ولی مثلاً فن‌پیچ‌ها، معمولاً خلاصه لایو رو به فارسی تو چندتا استوری منتشر می‌کنن، اونا رو می‌خونم مثلاً برا تولدهاشون، لایو اعضا کیک و تزئینات و اینا هست و راجع به این که روزشون رو چه جوری می‌گذرونن و تولد چیا کادو گرفتن و کجا رفتن و چی خوردن می‌گن.

آرمیا سوال می‌پرسن راجع به کار و زندگی اینا و اعضا مشورت می‌دن. مثلاً جین قبلاً یه سری لایو می‌داشت با عنوان ایت جین، غذا می‌خورد و کامنتا رو می‌خوند، جواب می‌داد و هدفش هم این بود که معضلات غذا خوردن که تو کره زیاده رو یه کم حل کنه، مثلاً آرمیا هم با غذا بیان لایو رو ببینن و بخورن، چون مثلاً تنها غذا خوردن سخته و اینا یا مثلاً وقتی آهنگی منتشر می‌کنن، آلبومی چیزی، میان لایو می‌ذارن راجع به پروژه ساخت و احساسات‌شون موقع ساخت و از اهداف‌شون حرف می‌زنن. آرمیا سوال می‌پرسن و اینا.

آها بعد کنسرتا هم بتس (بی‌تی‌اس) لایو می‌ذاره که هم ببینه کسایی که اومدن کنسرت، به سلامت رسیدن خونه و اینا و کسایی که نتونستن برن، کنسرت ناراحت نشن و باهاشون صحبت می‌کنن راجع به کنسرت و اینا».

بنفشه ۲۰ ساله، در مصاحبه‌اش یادآور می‌گردد، اعضای گروه با رسیدن به یک هویت جمعی واحد، به نوعی خود را یک خانواده می‌بینند و در همین راستا برخی از هوادارانی که از تخصص خاصی برخوردارند، ذیل عنوان فن‌سرویس، اعلان می‌دارند که هواداران دیگر گروه بی‌تی‌اس می‌توانند از خدمات‌رسانی آنان در زمینه‌های مختلف (پزشکی، روان‌شناسی، حقوقی، فناوری و مانند آن‌ها)، سود جویند:

«- درباره فن سرویس بهم توضیح می‌دی، اگر اطلاعاتم درست باشه آرمی‌ها یک‌سری گروه تشکیل دادن برای خودشون که متشکل از وکیل و پزشک و نظایر اون‌ها هست که به مشکلات هم رسیدگی می‌کنند، می‌شه در این باره بهم توضیح بدی؟»

درباره فن سرویس باید بگم، یه سری فنا وجود دارند که سرویس‌های خاصی بهت ارایه می‌دن و همین طور که الآن خودت گفتی، آره، آرمیا یه سری گروه تشکیل دادن که از وکیل و پزشک گرفته تا آشپز و نانوا در اون‌ها وجود داره که واقعاً به هم کمک می‌کنند و بیش‌تر تو تویتتر این حالت هست، حتی یک بار یکی از آرمیا اگه اشتباه نکنم، خون نیاز داشت، نمی‌دونم برای پدربزرگش یا یکی دیگه اعضای

خانواده‌اش بود و یکی از اعضای بی‌تی‌اس اون تویتی که اون آرمی زده بود رو ری تویت می‌کنه و از آرمیا می‌خواد که اگه می‌تونن برن و به اون آرمی خون برسونن».